بسم الله الرحمن الرحيم

حمد بیحد و شکر بیعد حضرت احدی را سزد که سید البشر و ائمه اثنا عشر را گزید
بمکارم اخلاق و محاسن اشفاق برای رحمت عالمیان و هدایت آدمیان و درود
نامعدود بر حبیب حضرت دود و صدر نشین مقام محمود شفیع روز موعود
تشریف بالمؤمنین رؤف رحیم مزین تشریف انک لعلی خلق عظیم
ای جوا باحترام خدایت بنزد دلم جانها فدای نام او سید الانام
عظام و عترت کرام او علی الخصوص برادر نفس نفیس رسول و زوج
بتول متخلق باخلاق الهی متصف باوصاف نامتناهی امام الائمة الهدی
امیر المؤمنین و امام المتقین علی المرتضی صلوة باقیة الی یوم الحشر و بعد
بر ارباب الباب مخفی نیست که غرض اصلی در خلق جن و انس بعد از معرفت
انفس و آفاق تهذیب اخلاقست که در ضمن عبادات شرع اقدس آن حاصل
و اکثر از آن غافل بناء علیه شیخ العالم الفاضل التقی الکامل فخر الحاج

والحرمین ابو النصر الحسن بن ابی علی الفضل الطبرسی اسکنه الله تعالی فی جنانه
کتابی تالیف فرموده در اخلاق که اشتهار تمام دارد در آفاق مشتمل بر
اقوال صریحه و نقول صحیحه سید انام و ائمه کرام علیه الصلوة والسلام بروجهی که
سبب رفع بدکلیه دنیویه و دنیویه و اخرویه در و میند رحیبت و بلاشک عامل آن در دنیا
حمید است و در آخرت سعید و بجهت عموم فایده العبد الفقیر الی الله الباری علی بن
حسن الزواری عفی عنهما باوجود کثرت غموم متصدی ترجمه آن شد که التسلام
یافته بمکارم الکرام امید که تمام یابد و فایده کیرند از آن تا زمان حضرت قایم علیه صلوات الله
الحی الدایم الکون شروع میکنم در مقصود بعون الملک المعبود و ابتدا میکنم بنام
خدای بخشاینده وجود و روزی رساننده بمحض جود آمرزنده گنه بندگان
و در آرنده بهشت جاودان سپاس و ستایش مر معبودی را که یکتا است
در ذات و بی همتا است در صفات آن بی نیازی که ترا دوزاینده
مثل عباد و نیست مر او را مانندی نه از زن و نه از اولاد و صلوة و سلام
بر محمد که بنده برگزیده و رسول پسندیده حضرت خالقیست که فرستاده

او را بهمه خلایق رجحانی که بشارت دهنده است بهشت عنبرسرشت و ترساننده است
از دوزخ پر وحشت زشت و خواننده است بسوی معبود بحق خداوند مطلق
و چراغ نور دهنده است در زمین و بر اهل بیت او که پیشوایان برایند و نور دهندهٔ اهل
ظلمت اند که بان راه بمطلوب میرسند اهل دین آنانی که حضرت آله برده از ایشان رجس و
دنس و پاک گردانیده ایشانرا از هر تباه و ساخته ایشانرا از مقربان درگاه
و سلام بر کسی که پی روی کند ایشانرا درین راه بعد از حمد الهی و صلوات بر حضرت
رسالت پناهی و آله اب اشیاهی پس بدرستی که حق تعالی قفل ابواب را
کلید رضای خود ساخت و راه بوی جنان خود بند کار ابو الحسن صو بموجب آیه
کریمه لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة لمن کان یرجوا الله
و متابعت آن حضرت را سبب محبت و وسیلهٔ رحمت گردانیده بفحوای قل
ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله باعث شد مرا این کلام منفعت
انجام که جمع سازم کتابی که مشتمل باشد بر حسن آداب و اخلاق سیرت آنحضرت
بروجهی که فرموده است که من مبعوث گشتم تا اخلاق حمیده را باتمام رسانم
که علم بهمه چیز مقدم است بر عمل کردن بان پس یافتم در کلام امیر المؤمنین عم که در

کتاب

کتاب نهج البلاغه مسطور است که آن مشتمل و محتویست در کلام امیر المؤمنین ع
بر حقیقت و روش انبیاء کرام علیهم الصلوة والسلام و بر بریدن از مردمان بکلی
و پیوستن بحضرت حق در حال خوف و رجا بجملگی و انقطاع از دنیا و میل بجانب
عقبی و از جمله انبیا عظام مخصوص گردانید سید انام را صلعم بکمال این سیرت
و مار ترغیب و تحریص نموده باقتدا و متابعت آنحضرت بنابرین امیر المؤمنین علیه
فرموده در خطبه طویلی بعضی از حالات و کیفیات از آنجمله مضمون این کلمات بابرکات است
که بعضی از مردمان دعوی میکنند برغم خود مثل معاویه لعین که امیدوار
بخدا و بند خوح برین و حال آنکه دروغ میگوید بحق خدای کریم چیست حال غافلی لئیم
که ظاهر نمیشود امیدواری او در کردار او و هر که امیدوار است شناخته میشود امیدواری
او در عملش و هر امیدی از آدمی غالبا خالص است و محقق مگر امید بحضرت حق که آن
معلول است و مدخول و هر ترس محقق است و مقبول مگر ترس حق که آن غیر
خالص است و معلول امید دارد بخدای قدیر در ثواب دایم و عطای کبیر و امیدوار
به بندگان در امر صغیر و دنیای حقیر پس میدهد به بندگان آنچه نمیدهد بپروردگار پس
چیست که شأن پروردگار با وجود بزرگی و کبریا و عظمت او کم تقصیر کرده میشود بکار

او از آنچه میکند به بندگان چه قدر او آیا میترسی که باشی در امیدواری تو مر او را کاذب
یا باشی که نبینی مر امید را موضع لیس بگردی زبان کار و مخایب و مجانبان آن
الشان اگر او ترسد بنده را از بندگان میدهد باو از ترس خود آنچه نمیدهد پروردگار
عالمیان را یعنی ترس از بنده دارد و از خدا لیس گردانیده خوف خود را از مجانبان و
بندگان نقد و عاجل و ترس را از آفریدگار خود وعده غیر امیدواری و اجل و غفلت
کسی که بزرگ باشد در چشم کوته بین او و بزرگ باشد موقع دنیا در دل
ایمن او دیر گزیند دنیا را بر خدای تعالی لیس منقطع شود بسوی متاع دنیا و بگرود بناه
بنده مر این سرا را او تحقیق بیست در پیغمبر رسول خدا صلعم آنچه کافیست را
در اقتدا او دلیلیست از بر مذهب دنیا و عیب او و بسیار مواضع فضیحت و خواری
و بدیهای این سرای فانی زیرا که قبض کرده شد از خداو اطراف دنیا و بسط
کرده شد از برای غیر او اکناف این سرا و باز گرفته شد طفل بدن مبارک او
از شیر دادن دنیا و دور کرده شد از زینتهای دنیوی و اگر خواهی دو تا کن
اقتدا را بموسی کلیم الله در وقتی که میگفت ای پروردگار من بحسبه آنچه فرو فرستادی
بسوی من از طعام محتاجم سوگند بخدا که سوال نکرد او مگر نانی که بخورد
آنرا که بود که میدید سبزی زمین را و سبزی دیده میشد از تنکی پوست درون

شکم او تنکی لاغری و پیکی گوشت او در ریاضت و عبادت باری و اگر خواهی سیم تو
کن پی روی را به داود پیغمبر صاحب خداوند مزامیر که زبور راست که بهر فصلی در و مزمور است
بهر مزمور و در اصل بمعنی سرود است و قاری اهل بهشت بتوحید و کتاب
مجید منقولست که در روز قیامت حضرت عزت فرماید مر او را که ای داود مرا
بزرگی یاد کن بالحان پاکیزه خود آنگاه او را بالقراءت و خواندن زبور مشغول گردد
و هر که آواز او بشنود از اهل بهشت از خوشی آن بیخود او بود که عمل میکرد
زنبیل بافی برگ درخت خرما بدست مبارک خود و میگفت به همنشینان خود
که کدام یک از شما کفایت میکند فروختن این را و میخورد قرص جوی را که از بهای
می خرید و اگر خواهی که بگویی سخن را در باره عیسی بن مریم علیه السلام پس آن بود که بالش
میساخت سنگ را و میپوشید جامه درشت و کوتاه و می بود نان خورش او گرسنگی
و چراغ او بشب روشنایی ماه و سایه او در فصل تابستان مشارق زمین و مغارب
آن و میوه و ریحان او آنچه میرویانید زمین از برای چهار پایان و نبود او را
زنی که بفتنه افکندش و نه فرزندی که غمگین کندش و نه مالی که روی خود را بسوی
آن آورد و نه طمعی که او را خوار دارد و مرکب او پاهای او بود و پیاده راه می پیمود

و خود حکایت دوستی او بود پس حضرت پیغمبر فرمود پس اقتدا کن به پیغمبر خود

که از همه خوشتر است و پاکیزه ترین بدریستی که دوست است اقتدا کسی که باقتدا

او در آید و قریب تر کسی که انتساب بوی نماید چه اقتدا بوی اقتدا بهمه پیغمبرانست زیرا

که او جامع جمیع کمالات ایشانست و دوستترین بندگان بسوی خدا اقتدا کننده

بپیغمبر و پی روی کننده است مر اثر او را اشکست دنیا را شکستنی یا خورد نه بری از آن

خوردنی و نه از دنیا رغبت بدنیا کوشه چشمی را اصلا و التفات نکرد بمتاع القطعا

لاغرترین اهل دنیا بود از روی تهی گاه بجهت کم خوردن و گرسنه ترین ایشان

بود از دنیا از روی شکم بواسطه تهی نگاه داشتن عرض کرده شد بر وی دنیا پس

باز زد و امتناع نمود که قبول کند او را و دانسته که خدا چیزی را دشمن داشت

پس خود در ابهم دشمن او کما داشت و حقیر شمرد و کوچک داشت چیزی را حق تعالی

الحضرت هم کوچک داشت آنرا و اگر نباشد در ما دوستی ما چیزی را که دشمن داشت آنرا

خدای تعالی و تعظیم چیزی را که تصغیر کرده از خدای تعالی هر اینه کافیست این کار را از روی

کلاف و نفاق ما آوریده کار و خلاف نمودن از امر کردگار و هر اینه بود پیغمبر خدا صلعم

که طعام خوردی بر زمین نشستی مانند نشستن بنده مسکین یعنی دو زانو چون فقیران

بخاک نشستین و میدوخت بدست مبارک خود نعلین خود را از غایت فروتنی و رفعه

دبرکت

بدست مبارک شکاف خود جامه پاره را از غایت شکستگی پیوند از گوشش بر سوار

میشد و دیگری را بر عقب خود سوار میکرد و می‌بود پرده که بر در خانه آنحضرت بود در وی

تصویرها میبود از صورتها میشود چون نظر مبارک ایشان میافتاد فرمود

با فلانه یکی از زنان خود که غایب ساز این را از نظر من که من چون این پرده می‌بینم

یاد میکنم دنیا را و می آید زینتهای او در نظر من پس رو گردان شد از دنیا بدل سلیم خود و

یاد کردن دنیا را از نفس نفیس خود و دوست داشت که غایب شود زینت دنیا از

چشم آنحضرت تا فرا نگیرد از زخارف دنیوی زینتی و اعتقاد نکند دنیا را جای قرار

و امیدوار نشود در و بمقام پیاختن و استقرار پس بیرون کرد اندیشه دنیا را از نفس

کامل خود و غیره محبت او را از دل شامل خود و غایب کردانید دنیا را از بینش نظر مبارکش

کسی که دشمن میدارد چیزی را دشمن میدارد که نظر اندازد بسوی او و آنکه مذکور کرده شود

نزد او و هر آینه بود در اطوار و کفتار رسول صلعم چیزی که دلالت میکند ترا بر بدیهای دنیا

و عیبهای او چون که بسیار میبود در و با مخصوصان خود دور کرده شد از وی زینتهای

دنیا با بزرگی و قرب و منزلت او نزد حضرت حق پس باید که نظر کند نظر کننده بعقل

خود که آیا گرامی داشت خدای تعالی محمد صلعم را بسبب ترک دنیا یا خوار کرد او را پس اگر

گوید اهانت کرد او را دروغ گفته بحق خداوند بزرگ و اگر گوید گرامی داشت او را

پس باید که بداند بدرستی که خدای تعالی خوار کرد دنیا را و جای که گسترانید دنیا را از
برای آن عزو دفع کرد دنیا را از نزدیکترین مردمان از وجهت اراده خیر پس
باید که اقتدا نماید و اقتدا کننده به پیغمبر خود صلعم و پی بروی اثر او کند و در آید بجای در
آمدن او و گرنه ایمن نمیشود از هلاکت پس بدرستی که خدای تعالی گردانید محمد صلی الله علیه
و آله را نشانه قیامت زیرا که پیغمبر آخر الزمانست و بشارت دهنده اهل طاعت بجنت و بیم
کننده ارباب معصیت بعقوبت بیرون رفت از دنیا شکم تهی از قلت اکل
و درآمد و وارد شد با آخرت سالم از معایب یعنی ننهاد سنگی را
بر سنگی تا آنکه گذشت براه خود یعنی با شتافت بدار القرار و اجابت کرد خواننده
پروردگار پس چه بزرگست منت و نعمت خدا نزد ما وقتی که انعام
کرد بما بان حضرت پیش آمده که پی روی کنیم او را در طریق دین و گشنده
قدم او را عقب او تا برسیم سوگند بخدای تعالی که هر آینه رقعه دوختم
دراعه خود را که اینست چندانکه شرم داشتم از رقعه دوزنده او هر آینه گفت مرا گوینده که آیا
نمی اندازی از اینکه دور شو از من که نزد صباح ستایش میکند گروه که بشب رونده عاقبت
آن شب را بجهت نزدیک شدن بمنزل یعنی مسافر چون تعب شب بگیرد بر خود نهاده و باطی
از شب زنده داشت راه برید و صباح بمنزل رسید ستایش میکند آن شب بریدن
راه بمجاهدت حال مومن در وقت رحلت چون دید سلامت را از عقوبت ستایش

میکند

یعنی

میکند تعب دنیا و آن مشقت را و این مثلیست که مردم میزنند از برای تحمل مشقت
بامید راحت پس این خطبه بلیغه کافیست در مقصود ما بر طریق اجمال و ما ذکر میکنیم مفصل
مکارم اخلاق آنحضرت را در جمیع احوال و تمام عاداتش و نشستن و برخاستن و
گریستن و در حضر بودن و خوردن و آشامیدن بخصوص آنحضرت و جمیع آنچه منسوبست
از آنحضرت و از ائمه معصومین علیه السلام نسبت باحوال عموم مردمان در بین آیات
از حق تعالی التوفیق میخواهیم در اتمام این کتاب چه او جل ذکره
بر کار بر و آسانست و بهمه چیز بینا و داناست و این کتاب بر ترتیب

باب اول در خلق حضرت رسالت پناه صلعم و سایر احوال آنحضرت مشتمل بر پنج فصل
فصل اول در خلقت و صورت و سیرت آنحضرت و همنشینی با مردمان و کیفیت آن
فصل دوم در بعضی از احوال و اخلاق آنحضرت از کتاب شرف النبی و غیر آن از کتب [illegible]
و حیای آنحضرت در رو دیافته فصل سوم از اخلاق آنحضرت در خوردن فصل چهارم در
آنحضرت از آشامیدن فصل پنجم در ذکر مجملی از سایر احوال آنحضرت باب دوم در آداب پاکی
و خوشبویی و سرمه کشیدن و روغن مالیدن و مسواک کردن مشتمل بر فصل
اول در پاکی و خوشبویی و آنچه در حکم آنست دوم در سرمه کشیدن بچشم و روغن

در آداب حمام رفتن وآنچه بدان
مالیدن ببدن سیوم مسواک کردن بعض باب سیوم
متعلق است مشتمل بر شش فصل اول در کیفیت حمام رفتن دوم در پوشیدن عورت
سیوم در مالیدن اسفناج و روغن زیت و کسبوس و غیر آن چهارم در تراشیدن موی
جواز الکه کردن موی از باقی اعضا از عانه و بغل پنجم در شستن بسر کلیمی و برگ کنار
ششم در نوره نهادن باب چهارم در آداب ناخن گرفتن و بروت چیدن و بر شانه
کردن و اصلاح محاسن نمودن و در آینه نگریستن و حجامت کردن مشتمل بر چهار فصل
اول در ناخن چیدن دوم در بروت گرفتن و اصلاح محاسن کردن سیوم در آینه نگر
بستن وآنچه بدان متعلق است چهارم در شانه کردن موی سر وآنچه متعلقست
در حجامت کردن باب پنجم در آداب رنگ کردن موی و زینت و انگشتری وآنچه
متعلق است بران مشتمل بر شش فصل اول در رنگ کردن مو و ترغیب در آن
و ذکر منافع آن دوم در رنگ کردن محاسن سیاهی سیوم در رنگ کردن بحنا و غیر آن
و حنا نهادن دست برای زنان چهارم در کراهیت حنا نهادن بر جنب و حایض را
و پیوند کردن موی پنجم در بیان انگشتری و دست برنجن و غیر آن ششم در آرایش
و زیور زنان در انگشتری و دست برنجن و غیر آن باب ششم در آداب لباس پوشیدن
و ترتیب مقام و مسکن دادن وآنچه بدان متعلق است مشتمل بر ده فصل اول
در پوشیدن لباسهای زیبا و کیفیت پوشیدن آن دوم در تنگ کردن جامه و پاک

داشتن آن

داشتن آن سیوم در پوشیدن انواع لباسها و اختلاف رنگها چهارم در پوشیدن
جامه حریر و حله و غیر آن پنجم در پوشیدن جامه دراز و تواضع و افتادگی در آن ششم
در کراهیت لباس شهرت و نکته چند در آن هفتم در بیان دستار و طاقیه و در پوشیدن
موزه و کفش هشتم در باب مسکن و مأوا و آنچه جایز است از آن و متعلق است
بان نهم در جامه خواب و فرش و متاع خانه و تواضع بران دهم در آداب خوردن
و آشامیدن و آنچه متعلق است بهر دو مشتمل بر سیزده فصل اول در فضیلت
طعام دادن و نیکویی کردن ... و در بهشت داشتن دوم در آداب دست شستن
سیوم در آداب خوردن و آنچه متعلق است بدان چهارم در آداب آشامیدن و آنچه متعلق
بدان پنجم در آداب خلال کردن دندان ششم در فضیلت نان بر سایر مأکولات
هفتم در منافع آبها هشتم در منافع گوشتها و متعلقات آن نهم در ذکر شیر و پنیرها
دهم در ذکر میوها یازدهم در ذکر سبزیها دوازدهم در ذکر حبوبات سیزدهم در ذکر خوردنیهای
غیر مکرر باب هفتم در آداب نکاح و متعلقات آن مشتمل بر ده فصل اول در ترغیب
و تزویج و مبارک بودن بعضی از زنان و شوم بودن بعضی ایشان دوم در اوصاف
زنان و اخلاق ایشان سیوم در نکاح همسران و مناسبت در میان ایشان
چهارم در آداب عروسی و مباشرت و غیر آن از معاشرت پنجم در حق زوج
بر زوجه و حق زن بر شوهر ششم در ذکر اولاد و هرچه متعلق است بدان
هفتم در ذکر عقیقه کردن و تحنیک مولود و طعام دادن هشتم در ختنه

کردن فرزندان و آنچه متعلق است بدان نهم در آنچه متعلق است بزنان و ما یحتاج
ایشان دهم در اولاد و نگاه باب پنجم در آداب سفر و آنچه متعلق است بدان مشتمل
بر هفت فصل اول در سفر کردن و نیک و بد آنرا دانستن دوم در ابتدا کردن
سفر بصدقه دادن و خیر کردن و غیر آن سوم در بیرون آمدن از خانه و عمل کردن
بچیزی چند که مستحب است در آن امر چهارم در مکارم اخلاق در سفر پنجم در نگاه
داشتن متاع و اموال و استخاره کردن و طلب حاجت از ذو الجلال ششم در آداب
رفتن و کراهیت تنها بودن در سفر و دعاها خواندن برای دفع خطر هفتم در
محافظت و خدمت چهارپایان و حق آنها بر صاحب ایشان هشتم در نکتهای نوادر
که واقع است در سفر باب ششم در آداب ادعیه و آنچه بدان متعلق است مشتمل بر پنج فصل
اول در فضیلت دعا و کیفیت آن دوم در دعای شبانروزی از ادعیه گزیده سوم
در ذکر درود بر پیغمبر صلعم و استغفار و گریه و زاری بدرگاه پروردگار چهارم در نمازهای
که بجهت حصول مهمات گزارند پنجم و دعاهایی که برای بر آمدن حاجات بجای
آرند باب هفتم در آداب بیماران و علاج کردن ایشان و آنچه متعلق است بدان مشتمل
بر پنج فصل اول در آداب بیماران و علاج کردن ایشان دوم در باب شفا طلب
کردن از قرآن مجید در جمیع امراض سوم در طلب کردن شفای بیماران بصدقه دادن
و دعا کردن و نماز گزاردن برای جمیع امراض چهارم در افسون کردن بدعوات

واسماء الله

واسماء الله و غیر آن بخواندن و دمیدن و نوشتن و نگاه داشتن آن از برای
بیماری بیماران پنجم در حرزها و دعاها از هر باب لایق این کتاب باب هشتم
در نکتهای نوادر این کتاب که واقع است در هر باب مشتمل بر هفت فصل اول
در ذکر حقوقی که بر آدمی لازم است منقول از کلام حضرت امام زین العابدین ع
دوم در ذکر بعضی از کلام حضرت رسالت پناهی در یاد کردن مناهی سوم در
وصیت کردن حضرت پیغمبر صلعم بحضرت امیر المؤمنین علی ع ابن ابی طالب
موعظه حضرت رسول مر ابن مسعود را چهارم وصیت رسول صلعم مر
ابی ذر غفاری را پنجم در اختیارات روزها مروی از حضرت صادق ع
ششم هفتم در ختم این کتاب بخطبه امیر المؤمنین ع که فرموده بود درباره حمام
در خلق حضرت رسالت پناهی و سایر احوالش مشتمل بر پنج فصل
در خلقت و صورت و سیرت آنحضرت و نشستن با مردمان و کیفیت
آن بروایت صحیحه از امام حسن و امام حسین ع از کتاب محمد بن ابراهیم بن
اسحق الطالقانی که روایت کرده از ثقات و ایشان از حسن بن علی ع
که آنحضرت فرمود که من پرسیدم از خال خود هند بن ابی هاله تمیمی از حلیه
و شمایل حضرت پیغمبر صلعم و او وصف نمود و حال آنکه من آرزومند بودم
که او وصف نماید مرا از حلیه آنحضرت صلعم تا بدل کنم خاطر نشینی بان متعلق

بود او گفت که رسول الله صلعم شان او عظیم بود و قدر او جسیم روی مبارک وی
میدرخشید مانند قمر در شب بدر و قد مبارکش نه دراز بود و نه کوتاه و سر مبارکش
متناسب اندامش بود و موی مجعد مبارکش کشیده بود تا بناگوشش و فرق موی می نمود
بر سر در حالتی که انبوهی میکرد و الا نه رنگ مبارکش نورانی بود و گشاده ابرو بود
و پیشانی آورکی بود در میان پیشانی مبارکش مشهور رگ هاشمی که هرگاه که قهر
فرمودی آن ظاهر و پیدا نمودی بلند بینی بود و رخسار مبارکش لطیف و هموار
گشاده دندان معتدل دهان و گردن مبارکش چون گردن آهو در نیکویی و خوش
آیندگی چون نقره خام سفید و لطیف بسی هموار و معتدل و مساوی الاجزاء شکم
مبارکش با سینه یکسان بود نه در زیر و نه در بالا و سینه مبارکش عریض بود و هر دو
شانه اش از یکدیگر دور بود نه از جنبر گلوی مبارکش تا ناف خطی از موی باریک و هموار
کشیده بود و زیاده ازان بر ناف و پستان و سینه و شکمش موی نبود و بر ساعد
اندک مویی بود و هر دو ساعدش دراز بود و کف دستش گشاده و انگشت برآمده و چون
براه رفتی با آهستگی و نرمی بودی با وجود آنکه در غایت چستی و زود رفتی و قدم
گشاده رفتی و هرگاه که روی باز پس کردی تمام بدن مبارکش باز پس کردی دیدی
و چشم فرو داشتی و نظر مبارکش بر زمین بیشتر بودی از نظر کردنش بسوی آسمان
اغلب بگوشه چشم نگاه کردی و در حال ملاقات مبادرت بسلام نمودی گفت

گفتم مرا اوصاف کیفیت تکلم و گویایی او را گفت که آنحضرت دایما دلش حزین
و متفکر بودی و اصلا پیش او آسایش و راحت نداشتی اکثر خاموش بودی و تا ضرورت
نشدی سخن نگفتی و چون تکلم فرمودی الخ ما حصل سخن بودی در عبارت فصیح و
بیان نمودی که بر همان فصیل سخن شدی نه درشت کلام بود و نه سرد سخن و تعظیم
نعمت الهی کردی اگرچه اندک بودی و نعمت را مذمت نفرمودی و هرچه ازان خوردنی
نیک و بدش ظاهر نساختی و مدح و ذمش نگفتی و بواسطه امور دنیوی در غضب نشدی و
ناحقی دیدی از غضب بران تحمل نفرمودی تا انتقام آن نکشیدی و خاطر بهیچ
دران ملاحظه نکردی و قهر نمیکرد برای هوای نفس خود و صد از کسی که
آن امر و هرگاه اشارت فرمودی بهمه دست اشارت فرمودی و چون تعجب فرمودی
دست مبارک بگردانیدی و هرگاه حدیث فرمودی بدست اشارت فرمودی
و کف دست راست بر انگشتان دست چپ نهادی و چون خشم فرمودی
روی مبارک بجانب دیگر کردی و چون شاد شدی چشم مبارک را بزیر افگندی معظم
خنده اش تبسم بود و دندانهای مبارکش مانند مروارید نمایان شدی امام حسن ع فرمود
که زمانی این اوصاف را از امام حسین ع پنهان داشتم بعد ازان حدیث کردم
او را پیش یافتم که تشبیهی دارد درین حدیث ازان پرسیدم از فرموده که از پدر
خود پرسیده بودم از مدخل و مخرج و مجلس آنحضرت بهیچ چیز ازان فرو نگذاشت

بدرفته

نقل نمود امام حسین ع فرمود که من از پدر بزرگوار خود شنیدم که چون رسول ص بمنزل خود
رفتی اوقات خجسته غایات خود را سه قسم ساختی قسمی صرف فرمودی برای عبادت
حق تعالی و یکی دیگر برای معاشرت اهل خانه و یکی دیگر بجهت احوال خود و این قسم ازبرای
آنحضرت بود قسمت فرموده بود میان خود و میان مهمانداری مردمان و فقرا و
و مسکینان و بر عام و خاصه و خاصه ایشان و دقیقه از آن فرو گذاشت نکردی
و از سیرت آنحضرت بود که هر کس را از امت بقدر رتبه او حرمت داشتی و مهمانداری
کردی بقدر حاجت او و بعضی را یک حاجت بودی و بعضی را دو حاجت و بعضی را حاجتهای بسیار و بحاجات ایشان پرداختی
و بجهت ایشان تمام ساختی و نصیحت و موعظه فرمودی و احوال ایشان پرسیدی و مهربانیها نمودی و
فرمودی که هر که در مجلس حاضر است از غایبان مجلس برساند و فرمودی هر آنکه حاجت خود را
نزد من عرض نتواند نمود شما که حاضرانید حاجت او را نزد من آرید و فرمود که هر حاجتی را از
حاجتمندی نزد پادشاهی برساند که صاحب حاجت را توانایی عرض حاجت خود نباشد روز قیامت
حق تعالی پایهای او را ثابت و قایم دارد و هر که بخدمت آنحضرت رفتی چون از خدمتش بیرون آمدی
دانشی و معرفتی برا حاصل شده بود ببرکت صحبت آنحضرت و از صحبتش ملال و کلال پیدا نکردی بلکه بر
ذوق و خوشحالی بیرون آمدی باز فرمود که از پدر بزرگوار پرسیدم که چون آنحضرت از خانه بیرون فرمودی
چه صنعت میکردی فرمود زبان مبارک را دایم خاموش داشتی مگر در امر ضروری که تکلم بآن کردی
و اصحاب را باهم الفت دادی و از تفرقه و جدایی تنفر نمودی و بزرگان هر قوم را حرمت داشتی
و ریاست و سرداری آن قوم را بوی تفویض فرمودی و مردمان را از فتنه ترهیب نمودی و تحذیر
کردی که از آن محترز باشند و بر روی همه کس بشاش و خندان بودی و دایم تفحص احوال اصحاب

خود نمودی و احوال و اطوار مردم را از مردم پرسیدی آنچه نیک و پسندیده بودی تحسین کردی
و تقویت فرمودی و آنچه بد و ناپسند بودی منع نمودی ایشان از حالات مردمان غافل نبودی و
نیز از صحبت ایشان از جاده اعتدال و نهج استقامت عدول نکردندی و آنچه محض حق بودی آن
کردی با مردمان بی زیاده و نقصان و آنانی که دایم در خدمت آنحضرت بودندی اخیار
و برگزیدگان قوم خود بودندی و بهترین مردمان نزد آنحضرت جامعتر بودندی از روی قدر
و منزلت که زینت ایشان با مردمان حسن خلق و مدارا و مواسات بودی باز امام حسین ع
فرمود که از پدر بزرگوار خود پرسیدم که نشستن آنحضرت در مجلس چگونه بودی فرمود که
هرگز نه نشستی و بر نخاستی مگر آنکه ذکر حق تعالی بر زبان راندی و چون بمجلس در آمدی هر جایی
که خالی دیدی نشستی و از بالا و زیر تفاوت ننهادی و یاران و امت را چنین فرمودی و
و با همنشینان بنوعی اختلاط و موانست نمودی که آنکس گمان میکرد که آنحضرت او را
از همه دوستتر میدارد و هر که در صحبت آنحضرت نشستی یا در خدمت حاجتی داشتی چندان
صبر فرمودی که آنکس خود برخاستی و روان شدی و هر کس حاجتی نزد وی بردی اگر
توانستی حاجتش را بر آوردی و اگر نه چندان لطف و خاطرجویی فرمودی که آنکس
راضی و تسلی شدی و در کنف خلق عظیم او همه کس را جا بودی و با مردمان بلطف
و شفقت چون پدر مهربان بودی و مجلس بر کسی تفضل و زیادتی ننهادی و همه را در
راه حق برابر و یکسان داشتی و مجلس آنحضرت مشتمل بر علم و حیا و صبر و سخا و امانت بودی

آواز از مجلس بلند نشدی و کسی را یارای بلند گفتن نبودی و در آن مجلس حرم
و احتیاط رعایت کردندی پی ظهور و قصور و کسی زبان بفحش و دشنام نیالودی
گشودی و کسی را سهو اللسانی از برکت صحبت مبارکش واقع نشدی و همه باهم
در صحبت او برابر بودندی و بتواضع و راستی سخن گفتندی و بهر بزرگ و در سنی
سخن را ادا نمودی و پیر از احترام داشتندی و جوانان را مرحمت کردندی
و ایثار از غریبان و حاجتمندان دریغ نداشتندی و محافظت نمودندی و
و حاجتمندان را آوردی باز پرسیدم از پدر عالیمقدار خود که روش و سیرت آنحضرت
با همنشینان چگونه بودی فرمود که حضرت رسول صلعم در روی مبارکش بشاشت
و خندان بودی و خوش خویی نمودی و آهستگی ظاهر ساختی و درشت و ترش روی نبودی
خویی و فحش گوی و غیبت و عیب جوی نبودی و مدح و خوشامد گوی از آنحضرت
بفعل نمی آمد و آنچه خواستی تغافل فرمودی و مؤانست بان نداشتی و کسی را از خود محروم
نگذاشتی و سه چیز را نسبت بخود ترک داشتی جدال نکردی و اکثار در کلام
نفرمودی و مالایعنی نگفتی و سه چیز نسبت بمردمان روا نداشتی و کسی را مذمت
نکردی و بسرزنش نفرمودی و عیب کسی نجستی و سخن نگفتی مگر که در ضمن آن امید ثوابی
بودی و چون تکلم کردی حاضران مجلس سر در پیش انداخته مستمع بودندی و کسی را
یارای گفتار نبودی و چون خاموش شدی حاضران مجلس متکلم شدندی و در حالت

سخن

سخن کردن آنحضرت یارای منازعه نداشتندی و هرگاه که سخن کردی همه
گوش داشتندی خاموش شدندی و در هر چیزی که همنشینان خنده کردندی آنحضرت
نیز موافقت ایشان تبسم فرمودی و از آنچه تعجب داشتندی آنحضرت نیز
تعجب داشتی و اگر غریبی در مجلس وی سخن درشتی گفتی یا چیزی درخواستی
آنحضرت بران صبر و تحمل کردی و حاجتش را برآوردی و امر کردی اصحاب را
که چون حاجتمندی حاجتی پیش ایشان آرد در روا کردن حاجتش سعی نمایند
و از هیچ کس چیزی قبول نکردی تا بمکافات آن عوض فایده کلی بوی نرسانیدی
و سخن کسی را در میان سخن او نبریدی و چندان گوش بسخن داشتی که او سخن را
تمام کردی و دیگر امام حسین علیه السلام فرمود که از پدر بزرگوار خود پرسیدم که سکوت
آنحضرت چه کیفیت بودی فرمود که سکوت و خاموشی آنحضرت بر چهار چیز
مبنی بود بر حلم و بر حذر و بر تقدیر و بر تفکر اما حلم پس تمکین و تفکر او را تغیری
عارض نگشتی و بر مکروهات غضب نفرمودی و صبر بران نمودی اما حذر در چهار صورت
نمودی اول در امور خیر و نیکی را ظاهر کردن تا امت بوی اقتدا کنند و از بطالت
و ترک عبادت دور باشند و دیگر در ترک قبایح و بدیها امر فرمودی تا از شر و
و نقصان محفوظ و مصون مانند و دیگر در اجتهاد و تدبیر در چیزهایی که صلاح کافه امت

دران بودی و دیگر انستاد که نماز و قیام نمودن بامور یکه خیر دنیوی و ثواب اخروی
امت شامل بودی و نیز تقدیر نمودی یعنی ابتویه تقرر در میان مردم و استماع کلام
ایشان کردی و همچنین تفکر در امور رهائی اخروی و امور فانی دنیوی داشتی
در بعضی از احوال و اخلاق آنحضرت از کتاب اشرف النبی عفران ازکتب
که در تواضع و حیا آنحضرت ورود یافته روایتست از انس بن مالک که رسول صلعم
بپرسش بیماران امت رفتی و بر روی جنازها کردی و ترحم برایشان کردی
و هر که او را خواندی اجابت کردی و اگرچه غلامی بودی و بر دراز گوش سوار
شدی و در روز غزای خیبر و قریظه و بنی نظیر بر دراز گوش سوار بود که پالان
و افسار او از لیف خرما بود و دوست نداشتی که از برای او قیام نمایند و هرگاه از
اصحاب کسی برای او برخاستی قیام نکردی که قیام موجب کراهیت خاطر مبارک
آنحضرت بودی و نیز مرویست از انس که آنحضرت بر زمین نشستی طعام تناول
کردی و گوسفند را دوشیدی و نیز مرویست که آنحضرت بر کودکان سلام کردی و بر عورات
نیز سلام کردی روایت اسماء بنت زید و ابن مسعود روایت کرده که شخصی بخدمت آنحضرت
آمد چون آغاز سخن کرد لرزه بر اندام آن شخص افتاد آنحضرت از روی شفقت و مهربانی
فرمود که خوش باش و باک مدار که من از ملوک و پادشاهان نیستم بلکه من فرزند عورتی
هستم که گوشت قدید خوردی روایتست از ابی ذر که حضرت رسول صلعم در میان اصحاب

جنان

جنان نشستی که اگر غریبی آمدی ندانستی که پیغمبر کدامست ما درخواست کردیم که محلی از
جهت آنحضرت معین سازیم تا ممتاز باشد دکانچه ساختیم از گل که آنحضرت برای آن نشستی
و یاران در حوالی آنحضرت نشستندی تا اگر غریبی بیاید راه برد و چون بخانه رفتی جامه
خود را پاره دوختی و نعلین خود را پینه کردی و کارها درویشانه بعمل با اهل خود
آوردی و بهترین صنعتهای وی خیاطی بود و از امام جعفر صادق ع مرویست در کتاب
النبوة که زنی بد زبانی بود روزی نزد آنحضرت آمد و آنحضرت طعام تناول میفرمود
آن زن گفت یا محمد خوردنت چون خوردن غلامانست و نشستنت مثل نشستن ایشان
فرمود وای بر تو کدام بنده از من بنده ترست و کدام غلام از من غلام ترست آن زن گفت
از آن طعام که میخوری لقمه بمن ده لقمه برداشت که بوی دهد زن گفت لا والله
میخواهم که در دهان تست آنحضرت لقمه از دهان بیرون آورد و بوی داد امام جعفر ع
فرمود که تا آن زن زنده بود دیگر زبان بدی و فحش نگشودی و کسی از وی بدی نشنود
تا از دنیا مفارقت کرد و دیگر انس روایت کرده که نه سال در خدمت آنحضرت بودم
ندانستم هرگز گفته باشد بمن که چرا چنین کردی و چنان نکردی و هرگز بر من عیب نگرفت
فرمود و دیگر روایت کرده که ده سال در صحبت آنحضرت اوقات گذرانیدم و هیچ بوی
خوش را بوی کردم هیچ بوی خوشتر و نیکوتر از بوی آنحضرت بمشام من نرسیده و هر
گاه بمن آنحضرت نشستی تا آنکس برنخاستی آنحضرت برنخاستی و اگر کسی دست مبارک ورا

بدست کرفتی آنحضرت دست نکشیدی وهم انس روایت کرده که روزی آنحضرت

در راهی میکذشت اعرابی بوی رسید ورداء مبارک او را بضرب تمام بکشید که اثر

کوشه ردا بر کردن مبارکش ظاهر شد وکفت یا محمد امر فرما که از مال خدا که نزد تو هست

بمن بدهند آنحضرت روی بوی کرد تبسم فرمود وکفت تا چیزی بوی دادند واز ابو سعید

خدری روایتست که کسی از آنحضرت چیزی طلب نکردی الا که بدادی ودیکر روایت

کرده که حیای آنحضرت زیاده بود از حیاء دختران دوشیزه وهرکاه آنحضرت از چیزی

خوش نیامدی از اثر خشم وی یافتیم در روی مبارک آنحضرت ابن مسعود روایت کرده

که حضرت رسول صلعم فرمود که هیچکس از شما از اصحاب باید که در پیش من عیب یکدیگر نکوید

که من چنان دوست میدارم که چون نزد شما آیم سلیم القلب باشم وخاطرم با همه صاف

باز از امیر المومنین ع روایت است که رسول صلعم از همه کس دست کشاده تر بود ودر جوانمردی

وخوی نفس از همه بیشتر بود ودر راستی کفتار از همه بیشتر وبا خلق بخلق نیکو میفرمود

وبا عامه خلایق بلطف ومرحمت بود وکسی که بروی نکاه کردی هیبتی ووحشتی از وی

کار کردی وچون با او صحبت در آمدی الفتی وموانستی در دل خود یافتی وهر که با وی

اختلاط کردی او را از همه کس دوستتر داشتی وهر که بدیدی او را خود را از جمله خاکساران

او انکاشتی وکفتی که ندیده ام مثل او نه پیش از تو ونه بعد از تو ابن عمر کفت که ندیده ام

کسی را که بسخاوت وسماحت وحمایت ونجدت وشجاعت وتواضع تمام تر از

رسول الله بوده باز روایتست از جابر بن عبد الله که هرکز از آنحضرت چیزی که

که نکفته

که نکفته باشد عبد الله عباس روایت کند که حضرت رسول صلعم فرمود که مودب ومعلم

من حق تعالی بود ومن معلم ومودب علی ابن ابی طالب بودم وامر فرمود مرا حق تعالی

بسخاوت ونیکوکاری ونهی نمود مرا از بخل وزیان کاری وهیچ خصلتی نزد خدای تعالی

بدتر از بخیلی وبدخلقی نیست واین دو خصلت زشت عمل نیک را ضایع می کرداند

چنانکه سرکه عسل را وهم از ابن عباس مرویست که ابو سفیان را بعد از فتح مکه در میان

مردمان قدری وحرمتی نبود وکسی از مسلمانان با او اختلاط نمیکرد وازین معنی

بدحال وتنکدل بود روزی نزد پیغمبر صلعم آمد وکفت سه درخواست دارم از تو یا رسول الله

آنحضرت فرمود که بکو کفت اول آنکه من دختری دارم که نیکوتر از عرب است از روی

جمال ام حبیبه نام میخواهم که بنکاح حضرت تو در آرم آنحضرت قبول فرمود دوم کفت

پسرم معاویه داعیه دارم که کاتب مجلس تو باشد فرمود که چنین باشد سیوم کفت که

در زمان سابق با مسلمانان کارزار میکردم درین زمان با کافران محاربه کنم فرمود

که چنین کن ابن زمیل کوید که اکر ابو سفیان آن درخواستها نکردی آنحضرت از وی

این امور قبول نمیکرد چون خلق وکرم آنحضرت بمرتبه بود که هرکز سوال هیچ سایل را

رد نکردی بنابرین قبول فرمود در شجاعت آنحضرت مرویست از امیر المومنین ع که در روز

بدر ما همه پناه بحضرت رسول الله صلعم میبردیم واو از ما همه بکارزار ودشمن نزدیکتر میبود

وهیچکس از وی دلیرتر وشجاعتر نبود وهم آنحضرت فرمود که شبی در مدینه غوغایی بر آمد

مردمان روی بدان آوردند و آشوبی درمیان خلق افتاد ما نیز بدان طرف روی
آوردیم آنحضرت را دیدیم بر اسب ابی طلحه انصاری سوار شده و شمشیر برهنه در دست دارد
لب مبارک بار کرده میگفت که هیچ نگرویی نیست ساکن و آسوده باشید و مردم را
دل میداد در علامت رضا و غضب آنحضرت روایت کند ابن عمر که معلوم میشد شادی و غمناکی
در روی مبارک آنحضرت چه هرگاه شاد شدی پس گویا چیزی در روی مبارکش عیان است
و رنگش بر در و دیوار تابان چون خشم گرفتی رنگش تیره گشتی گاهی بسیاهی مایل و گاهی
بسبزی چون ارغوان و کعب بن مالک روایت کند که چون آنحضرت شادمان شدی
مبارکش چون ماه شب چهارده گشتی و چون قهر فرمودی رنگ مبارکش متغیر شدی و
برآمدی و امیر المومنین ع فرمود که چون رسول الله چیزی را دوست داشتی فرمودی که الحمد لله
الذی بنعمته تتم الصالحات در مهربانی آنحضرت بامت روایت کرده انس که از اصحاب
وی اگر کسی سه روز بخدمت آنحضرت نیامدی تجسس احوال کردی و پرسیدی از او اگر
غایب شدی بسفر دعا برایش کردی و اگر حاضر بودی در شهر بزیارتش رفتی و اگر بیمار بودی
بعیادتش رفتی و از جابر بن عبد الله مرویست که حضرت رسول بیست و یک غزا کردند
در نوزده غزا در رکاب آنحضرت بودم و از آن غزوات دو غزوه از من فوت شد
و در یکی از آنها در آن راه شتری از من مانده بود و من در آن راه حیران مانده بودم
که ناگاه دیدم آنحضرت در آخر هم می آید و من کلمه درد آمیز میگفتم آواز مرا شنید پرسید چه کسی
گفتم من جابرم فدای تو باد پدرم و مادرم یا رسول الله فرمود که چه حال داری گفتم شترم
مانده است فی الحال فرود آمد و فرمود که با تو هیچ عصایی هست گفتم بلی بستد و او را
داد برانگیخت و باز خوابانید و پای بر دستهای شتر من نهاد و مهارش گرفت و فرمود که

سوار شو

١۴

سوار شو پس چون سوار شدم باز شترم را برخیزانید و روان شدیم پس شتر من پیشی
گرفت از دیگر شتران و بیست و پنج نوبت در آن شب برای من استغفار کرده آمرزش
طلبید و بعد از آن از من پرسید که از پدرت دیگر فرزندان مانده اند گفتم بلی هفت مانده اند
فرمود که پدرت هیچ قرض گذاشته گفتم بلی فرمود که چون بیایی بمدینه در خواستن کن از
قرضخواهان که با تو مدارا کنند و چون محل خرما بریدن شود نزد من بیا دیگر فرمود که زن
داری یا نه گفتم بلی فرمود که بکی گفتم که بفلانه بیوه دختر فلان که در مدینه می باشند فرمود که چرا دختر
کوچکی نخواستی که با او بازی کنی و او با تو بازی کند گفتم یا رسول الله خواهران کوچک نزد
من هستند خواستم که عاقله باشد تا ضبط احوال ایشان کند فرمود که نیکو کردی و صلاح ورزیدی
دیگر فرمود که شترت را بچند خریده گفتم به پنج اشرفی فرمود که ما قبول داریم بهمان پنج اشرفی
چون بمدینه باز آمدم شتر نزد آنحضرت بردم فرمود که ای بلال پنج اشرفی ابوی بده و
دیگر مزید کن با قرض پدرش عبد الله بده و شترش بوی باز ده بلال خدمت بجای آورد و من
اشعار را تمام بقرضخواهان دادم دیگر پرسید که با قرضخواهان هیچ قطع و فصلی کردی گفتم
یا رسول الله فرمود که موقوف کن تا وقت خرما بریدن در رسد پس نزد من بیا پس وقت
در آمد بخدمت آنحضرت رفتم پس بنخلستان خرما فرمود و دعا کرد برای ما و خرما بریدیم و تمام
قرض را ادا کردیم و چندان باز ماند که زیاده از قوت سالیانه ما بود پس آنحضرت فرمود
که بردارید و کیل و وزن مکنید و برداشتیم از آن کیل و وزن و مدت مدید از آن میخوردیم
و از ابن عباس مرویست که رسول صلعم هرگاه سخن فرمودی یا از چیزی پرسیده شد سه بار مکرر

از روی کرم

کردی تا بل لبیک و لبیکها ندو ابن عمر روایت کند که چون کسی گفتی یا رسول الله لبیک و اینکه
زید بن ثابت که هرگاه که ما می نشستیم در خدمت آنحضرت اگر از احوال آخرت یا دنیا یا
از خوردن و آشامیدن سخن میگفتیم آنحضرت نیز با ما در سخن موافقت میفرمود و از آن میگفت
گوید وعده کردم یا رسول خدا پس از زمان لغیبت در مقامی و فراموش کردم پس بعد
گذشت پس رسیدم بان مقام بازگشتم فرمود که ای جوان فراموش کردی مرا و من سه روز
است که اینجا مقام دارم جابر بن عبد الله روایت کند که روزی آنحضرت با یاران
او فرمود و خانه پر مردم شد جریر در بیرون خانه نشست که مردم پر بودند پس آنحضرت
دید عبای مبارک خود را در هم پیچید و نزد جریر انداخت و فرمود که بالای آن بنشین
برداشته بزرگ و مالید و بوسید و نزد آنحضرت ورد منقولست از سلمان فارسی که روزی
رفتم و او بر بالشی تکیه فرموده بود چون مرا دید بالش نزد من انداخت و فرمود که یا
سلمان که نزد مسلمانی رود او از وی تعظیم و تکریم بالش خود را زیر وی انداز
او را بیامرزد در مزاح و تبسم آنحضرت روایتست که فرمود که من مزاح میکنم فاما غیر حق
نمیگویم شخصی پرسید از ابن عباس که آیا آنحضرت مزاح میفرمود گفت بلی امام حسن ع
فرمود که من پرسیدم از خال خود هند از صفت رسول الله صلعم گفت هرگاه که غضب
روی مبارک نگردانیدی و چون شاد گشتی چشم مبارک بر هم نهادی بزرگترین خنده
تبسم بود و در تبسم دندان مبارکش نمودی مانند مروارید ناسفته و گاهی چنان تبسم کردی
که همه دندانهاش نمودی و نیز مرویست که چون سخن گفتی در میان سخن تبسم فرمودی

او کو

از یوسف شیبانی که او گفت که امام جعفر صادق ع از من پرسید که چگونه است مزاح و بازی
شما با بعضی گفتم که واقع میشود فرمود که چنین کنید که بازی و مزاح از نیکویی خلقست
بدرستی که برادر مسلمان را به مزاح شاد میتوان ساخت و حضرت رسول صلعم میفرمود چون
که کسی را شاد کنند در بیان گریه آنحضرت روایت کرده انس بن مالک که چون ابراهیم پسر
وفات یافت آنحضرت گریه میکرد و میفرمود که چشم اشک میریزد و دل اندوهگین میگردد
ولیکن من نمیگویم غیر از رضای پروردگار ما و من است دعا برای تو ای ابراهیم اندوهگین
و غمگینیم روایتست از خالد بن سلمه که چون زید بن حارثه در غزای موته شهید شد حضرت
رسول صلعم بمنزل او فرمود برای تعزیه و بر سر دختران زید را چون چشم بر آنحضرت
آغاز گریه کردند آنحضرت نیز بگریه افتاد بعضی اصحاب که در خدمت آنحضرت بودند گفتند
یا رسول الله این گریه چه بود گفت این شوق دوستی بسوی دوست در بیان رفتار آنحضرت
مرویست از حضرت امیر المؤمنین ع که راه رفتن آنحضرت چنان هموار و خوش آینده بود
که گویا نهالیست از نسیم صبا متحرک شده یا آبی که بر روی سبزه روان گشته و منع بود
آن رفتار همواره که هیچ کس با شد روایتست از جابر که چون آنحضرت براه رفتی اصحاب
در پیش رفتندی و عقب آنحضرت را بفرشتگان گذاشتندی ابن عباس رضی الله عنه گوید که آنحضرت
چنان در راه رفتی که ظاهر شدی که او از رفتن عاجز است و چون نشستی با اصحاب حلقه
زدی و اگر سوار بودی چون با کسی همراه شدی او را بر عقب خود سوار کردی و اگر
او قبول نکردی فرمودی که پس تو پیشتر برو و در جائی که میخواهی ... روزی

نسبت که در میان یکدیگر در آیند و امام جعفر صادق فرموده که چون آنحضرت بمجلس
در آمدی در پائین مجلس هر جا که جای یافتی بنشستی و از امام مرویست که نشستن
آنحضرت در پیش زانو بطرف قبله بودی و فرمودی که از شما کسی که بمجلس در آید باید که بنشیند
بجائی که بآنجا منتهی شده باشد و دیگر فرمود که هر که از شما از مجلس بیرون میرود سلام کند
همچنان که در اول در آمدن سلام میکرد که آمدن رفتن التفاوت ندارد در سلام و دیگر
فرمود که هر که از شما از مجلس بیرون رفت اولی آنست که چون باز آید بجای خود بنشیند و
از آنحضرت که حق مجلس را بدهید گفتند یا رسول الله حق مجلس چیست فرمود که چشم خود را
بپوشانید و هر که سلام کند جواب گوید و نابینا را راه نمائید و امر کنید بمعروف و نهی نمائید
از منکر و مرویست که نشستن آنحضرت سه نوع بودی یکی چنانچه هر دو ساق مبارک بر داشته
و دستها را بدین آن آورده و دستی بر ساعد نهادی و گاهی دو زانو نشستی و گاهی
پشت سینه و یکی بر زمین نهاده نشستی و هرگز مربع ننشستی

در اخلاق آنحضرت از خوردن مرویست که حضرت رسول صلعم از اصناف و انواع طعام تناول
فرمودی و آنچه حق تعالی بر وی حلال کرده بود با اهل بیت و خدمتکاران خود یکجا
خوردی و هر که از مسلمانان او را دعوت کردی اجابت فرمودی و در زمین
با ایشان تناول فرمودی و آنچه خوردی چون بمهمانی رسیدی با مهمان خوردی و
دو بستر داشتی که بوقت بسیاری در آن درآمدی از مهمانان روزی بعضی از

شخصی با آنحضرت را بمهمانی طلب کرد و طعامی مهیا ساخت و در جهت آنحضرت و پنج تن از اصحاب
اجابت کرد متوجه شدند بخانه او با یاران در راه یکی دیگر همراه شد که یاران شش تن
شدند چون بدر خانه رسیدند آنحضرت بیار ششمین گفت که اینجا زمانی قرار گیر که تو را طلبیده
تا ما از صاحب خانه اجازت طلبیم و جای تو را مقرر سازیم پس آنگاه در آئی در بیان
نشستن آنحضرت مسعود داد فرمودن و اصحاب را بآداب نشستن مرویست که
طفلان که از مادر جدا میشدند بخدمت آنحضرت می آوردند تا دعا میکرد و نام مینهاد
و آنحضرت او را در کنار خود می نشاند بجهت تعظیم مادر و پدرش و گاه بودی که طفلی
بر جامه آنحضرت بول کردی و بعضی که آن میدیدندی بانگ بر آوردی و اضطراب کردی
و آنحضرت میگفتی که هیچ مگوئید و همچنان گذاشتی تا کودک بول تمامی کردی و بعد از آن
دعا در حق او فرمودی و نام نهادی و اظهار خوشحالی و بهجت و پدر و مادر نمودی تا
ایشان ملول نگردند و چون ایشان برفتی جامه بشستی و روزی شخصی بمسجد آمد
و آنحضرت تنها بود آن شخص آمد که در پهلوی وی بنشیند آنحضرت جای بوی نموده خود را
از وی دورتر کشید آن شخص گفت یا رسول الله جای گشاده است شما آسوده بنشینید
در جواب گفت که حق مسلمان بر مسلمان آنست که چون بیند که کسی نزد وی می نشیند
خود را از وی دورتر کشد بجهت تکریم او و مرویست که حضرت رسول الله فرموده که هر که
دوست میدارد که مردم نزد او بپای ایستند پس جای در دوزخ گیرد و فرمود در
نایستید در پیش یکدیگر همچنان که بعضی از اعاجم نزد بعضی می ایستند ولیکن بای

بلکه

از اصحاب تردّدی بودند فرمود که بار خدایا در میخواهیم از فضل و رحمت تو که غیر تو مالک این
هر دو نیست در اثنای این دعا شخصی در آمد و گوسفندی بریان کرده آورد و فرمود که بگیر و این
از فضل خدای تعالی و ما منتظر رحمت اوییم و چون خوردنی نزد آنحضرت آوردند فرمودندی
که بسم الله اللهم اجعلها نعمة مشکورة تصل بها نعم الجنة و بسیار بودی که چون نشستی
برای طعام خوردن جمع فرمودی هر دو پای مبارک را باز انو تا چنانکه برای نماز نشیند الا
آنکه پای بر بالای پا و زانو بر بالای زانو نهادی و فرمود که بنده چنان خوردنی میخورم که بندگان
و غلامان میخورند و چنان می نشینم که بندگان نشینند مرویست از حضرت صادق عم که حضرت
رسول هرگز تکیه زده طعام نخوردی از آن زمان باز که خدای تعالی او را به پیغمبری فرستاد تا الوقت
که روی بعالم بقا نهاد و بجهت تواضع و فروتنی بدرگاه خدای تعالی و چون دست مبارک
بسوی طعام بردی فرمود که بسم الله بارک لنا فی ما رزقتنا و علیک خلفه و امام
جعفر صادق عم فرمود که آنحضرت در وقت افطار میفرمود که اللهم لک صمنا و
علی رزقک افطرنا فتقبله منا ذهب الظمأ و ابتلت العروق و بقی الاجر
و نیز فرموده که آنحضرت چون نزد قومی افطار فرمودی گفتی بر سبیل عذر
خواهی که افطار کردند نزد شما روزه داران و خورند طعام شما نیکوکاران و فرمودی
که مستجابست دعای روزه دار در وقت افطار و روایت وارد شده که آنحضرت بنبیت
بخرما افطار فرمودی و اگر شکر یافتی بدان نیز افطار فرمودی و از حضرت صادق روا
که آنحضرت افطار بشیرینی میفرمود و اگر آن نیافتی باب نیم گرم افطار فرمودی که آب

فاز

فاز جگر و معده را پاک میسازد و بوی دهان را خوش میکند و دماغ را محکم و قوی
میدارد و در حدقه نور و بینایی می افزاید و گناهان میشوید و تسکین میدهد رگهای
سر که مضطربه را و صفرا را می نشاند و بلغم را می برد و حرارت را از معده می برد و درد سر را
تسکین میدهد و آنحضرت طعام گرم نخوردی تا سرد شدی و فرمودی که حق تعالی
آتش نخورانیده ما را و در طعام گرم برکت نیست پس سرد کنید از او انگاه بخورید و آنحضرت
چون طعام خوردی نام خدای تعالی بردی و از پیش خود خوردی و از پیش غیر نخوردی
و چون طعام آوردندی پیش از قوم شروع فرمودی در طعام خوردن و بعد از آن
ایشان شروع کردندی و به سه انگشت تناول فرمودی با انگشت بزرگ و پهلویش که
سبابه گویند و بمیانین و گاهی بچهار انگشت نیز خوردی و گاهی بتمام کف تناول کردی
و بدو انگشت نخوردی و فرمودی که بدو انگشت خوردن عادت شیطانیست
و یکروزی از اصحاب پالوده نزد آنحضرت آوردند چون از آن تناول کرد فرمود
که از چه چیز ساخته اند این را ابا عبد الله گفت پدر و مادرم فدای تو باد روغن
و عسل را در دیگ کردیم و بر سر آتش نهادیم تا جوشید بعد از آن نشاسته
در آن انداختیم و بر هم زدیم تا پخته شد پس آنچنین شد که می بینید فرمود که این
طعام نیکوئیست و گاه بودی که آرد نان بهم پخته کردندی آنحضرت تناول فرمودی

وگاهی بر سبیل سفوف میخوردی در روضة الواعظین نقل میکنند از عیص
بن قاسم که گفتم مر حضرت صادق ع را که حدیث روایت میکنند از پدر بزرگوار
تو که حضرت رسول صلعم هرگز از نان گندم سیر نخوردی آیا این خبر راست است
بانه فرمود که هرگز از نان گندم نخورد و از نان جو سیر نخوردی و عایشه گوید
که آنحضرت هرگز از نان جو دو روز سیر نخورد تا از دنیا رحلت کرد و مروی است
که آنحضرت هرگز از خوان طعام نخورد تا از دنیا مفارقت نمود و نان تنک نیز هرگز
میل نفرمودی عایشه گوید که همه دینار ما دشوار و خیره بود و چون آنحضرت ا
از دنیا رحلت فرمود دینار نخست بر ما مصیبتهای گوناگون زاد و در کتاب النبوت مذ
کور است که حضرت صادق ع فرمود که همیشه خورش آنحضرت نان جو بود تا از دنیا مفا
رقت نمود و انس روایت کرده که آنحضرت اجابت دعوت مملوک کردی و بر پس
مرکب خود سوار نمودی و طعام خود بر زمین نهادی و خیار با رطب تناول نمودی
و خیار با نمک نیز خوردی و میوه های تر میل نمودی و دوستترین میوه ها نزد وی خربزه
و انگور بودی و خربزه با نان نخوردی و گاهی با شکر اکل فرمودی و گاه خربزه با رطب
تناول فرمودی و گاه بهر دو دست مدد کردی و روزی آنحضرت نشسته بود و رطب
تناول میفرمود بدست و استخوانش را بدست چپ گرفتی و بر زمین نیفکندی
ناگاه گوسفندی بگذشتی نزدیک وی پس اشارت فرمود بآن استخوان را که
در دست داشت بدست راست خوردی و بدست چپ آنچه جمع شده بودی

بگوسفند

بگوسفند میخورانید و چون فارغ شدی گوسفند بر فتی و آنحضرت چون روزه دا
برطب افطار فرمودی در زمان تابستان و انگور را دانه دانه خوردی و گاهی نخست تناول
فرمودی چنانچه قطرات آن بر محاسن مبارکش چکیدی و چون دانه ها مروارید و
چکان خوردی و خرما تناول فرمودی و آب بر بالای آن خوردی و بیشتر طعام
آنحضرت خرما و آب بودی و بسیار جمع فرمودی میان شیر و خرما و نام نهادی آنرا
اطیبین و دوستترین طعام نزد وی که خوردی حریسه بودی و سحور بآن کردی و گویند جبرئیل ع
از بهشت برای وی حریسه آورد و آنحضرت از آن تناول فرمود و سحور بآن کرد
و در خانه خود میخورد آنچه مردم خانه میخوردند و گوشت پخته با نان خوردی و گاهی
گوشت بریان با نان تناول فرمودی و گاهی بقدید تنها میل کردی و گاهی با نان خوردی
و دوستترین طعامها نزد وی گوشت بود و فرمودی که گوشت در قوت شنوایی
و بینایی می افزاید و میفرمود که گوشت بهترین طعامهاست در دنیا و آخرت و اگر
من از خدای تعالی درخواستمی که هر روزه طعام من گوشت باشد هرآینه میکرد و آنحضرت
ترید گوشت و کدو خوردی و دوست داشتی کدو را و فرمودی که این از درخت برادرم
یونس است و کدو خوش می آمد و آنحضرت گوشت مرغ خانگی خوردی و گوشت

وحشي وگوشت مرغ پرنده که صید کرده بودندی بخریدی و صید نکردی اما دوست داشتی
که صید کرده به پیش وی آرند و برگ ته پا رند پس ازان بخوردی و دوست داشتی خوردن
نان و روغن را و دوست داشتی از گوسفند پاچه دست و گوشت شانه را و از نان
خورش‌ها سرکه را دوست داشتی و از سبزیها کاسنی و بادروج و بقلة الانصار که
از کلم گویند و آنحضرت نخوردی سیر و پیاز و گراث و جیل را که در و بقایای حجت
که بکس ازان خورده واثر آن در وی بید ابودی که آن موجب بوی دهان شدی و هرگز
طعام را مذمت نفرمودی بچشیدی اگر خوشش آمدی خوردی و اگر نه بگذاشتی
وآنحضرت اگر چیزی از طعام خوشش نکردی بر دیگران حرام نکردی و بد نگفتی و چون
از طعام خوردن فارغ شدی سر انگشت مبارک خود را لیسیدی و اگر چیزی بر انگشت
مبارکش مانده بودی باز لیسیدی تا پاک کردی و دست خود را به دستمال پاک نکردی تا یک یک
انگشت از آن لیسیدی و میفرمود که معلوم نیست که برکت در کدام انگشت است و آنحضرت
خوردی چون آمدی و اصحاب وی چون تنگ آمدی تفقد کردندی و برچیده پیش ا
آوردندی و آنحضرت فرمود که تنگ خورده دندانها را بسود میدارد و دست مبارکش
شستی بعد از آن طعام تا جان پاک شستی که از او بوی طعام در وی نماندی و چون
وگوشت تناول کردی خاصه دستهارا نیک بشستی و بقیه آبی که در دست مبارکش بودی

بدان روی مبارک خود را مسح فرمودی و نا ممکن بودی طعام تنها نخوردی و فرمود
که آیا شما را خبر دار کنم به بدان شما گفتند بلی یا رسول الله فرمود آنکه تنها خورد و بنده را بزند
زند و منع هدیه نماید در صفت آنحضرت از آب آشامیدن مرویست که حضرت
رسول چون آب آشامیدی ابتدا بنام خدای تعالی کردی و قدری ازان بیکنفس بیاشامیدی
باز نفس ولیس کردی و ستایش الهی بجا آوردی بار معاودت کردی بنام باری تعالی
و قدری آشامیدی و باز لب کردی و باز حمد الهی بجای آوردی در آب خوردن سه بار
بسم الله و سه الحمد لله گفتی و آب را مکیدی و فرمودی که درد جگر از آب خوردن است
که بیک دفعه بگلو فرو ریزد و آنحضرت در مجلس آب خوردن در ظرف نفس نزدی و اگر
خواستی که نفس زدی ظرف را از پیش دهان دور بردی و نفس زدی و گاهی بیکنفس
آب خوردی و آب را از قدحها شیشه خوردی که از شام می آرند و از کاسه‌ها چوبین
و ظرفی که از پوست ساخته شدی آب خوردی و از ظرف سفالین نیز نوشیدی و گاهی
بهر دو کف مبارک خود آب آشامیدی و فرمودی که هیچ ظرفی بهتر از کف دست نیست
و از دهان مشک نیز آب خوردی و دهان مشک را به پیچیدی و میفرمود که چنین آب
خوردن بپیچیدن سر مشک آب را بد بوی میسازد و گاهی ایستاده و سواره نیز آب نوشیدی
و از مشک و سبو و دوات و دیگر هم آب خوردی و دیگر هر ظرفی که اتفاق افتادی
و نیز آبی که بر و شیر دوشیده بودندی و گاهی سویق نیز نوشیدی و آن جو یا گندم
نیمرس بریان کرده باشد که آبی بران بریزند که بعربی آنرا سویق گویند و بفارسی

قاروت و دو بهترین نزد آنحضرت آشامیدنی بودی که در وی شیرینی بودی و در روایت
وارد است که دوست‌ترین نزد وی شربت شیرین بودی و گاهی آب بر بالای عسل نوشیدی
و گاهی شربت نان ریزه کردی و میل کردی و فرمودی که بهترین آشامیدنیها در دنیا
و آخرت آبست و انس مالک گوید که آنحضرت یک شربت آب وقت افطار نوشیدی
و یکی دیگر در هنگام سحر و گاهی بیکی اکتفا کردی و گاهی آن بودی که شیر بودی و هم او گوید
که شبی بجهت آنحضرت نان در شیر ریزه کرده بودم که چون از مسجد بخانه آید افطار
نماید دیر کشید و نیامد گمان بردم که مگر کسی او را دعوت کرده من آن را خوردم بعد از نماز
خفتن آنحضرت تشریف آورد پرسیدم از همراه او که مگر کسی در جای آنحضرت را مهمانی کرد
یا در مسجد طعامی تناول فرمود گفت نه جائی افطار نکرد من بغایت غمگین و ملول
شدم بمرتبه که خدای تعالی داند آن غم و الم را مبادا که آنحضرت آن طعام را طلب فرماید
من چه چاره کنم چون آمد روی من بیاورد و چیزی نفرمود و آن شب گرسنه بخواب
کرد چون پاسی از شب بگذشت ظرفی از شیر از جائی برای آنحضرت آوردند در آن
حال ابن عباس آمد و بر راست آنحضرت نشست و خالد ولید آمد بر جانب اولی نشست
آنحضرت قدری از آن آشامید و گفت یا ابن عباس آنچه در ظرف مانده از آن است
اگر رخصت میدهی که از آن چیزی بخالد دهم چون او از تو بسال بزرگتر است
ابن عباس گفت لا والله که من نیم خورده رسول را بکسی روا نمیدارم پس گرفت
از دست آنحضرت و آشامید و گویند ابن خولی وقتی نزد آنحضرت ظرفی آورد

که دران

که دران عسل و شیر بود آنحضرت ابا فرمود در خوردن آن و گفت دو شربت در
یک شربت و دو ظرف در یک ظرف نمیخورم و بر کسی نیز حرام نمیکنم لیکن مکروه دارم
فخر و حساب زیادتیهای دنیا در فردا و دوست دارم فروتنی را که هر که تواضع کند
از برای خدای تعالی حق تعالی مرتبه او را بلند گرداند

در ذکر مجملی از بسیار احوال آنحضرت

از روغن مالیدن و جامه پوشیدن و غیر آن آنحضرت چون سر مو و محاسن مبارک شستی
ببرگ کنار و دوست داشتی روغن مالیدن و مکروه داشتی از درهمی
و ژولیدگی موی و فرمودی که روغن مالیدن بر اعضا میبرد حزن و اندوه را با ضعف
روغن تدهین کردی و چون روغن مالیدی ابتدا از سر و محاسن نمودی و بروغن بنفشه
بیشتر تدهین کردی و گفتی او بهترین روغنهاست و اول تدهین کردی بهر دو ابرو
و بعد از آن بهر دو شارب و بعد از آن قدری در بینی چکانیدی و بوییدی و آنحضرت
یکهفته دو بار ابروها را روغن مالیدی و شاربها را تدهین فرمودی و در بیان
شانه کردن آنحضرت روایت است که گاهی خود سر و محاسن مبارک را شانه
و گاهی زنان آنحضرت شانه کردندی و موهائی که افتادی نگاه داشتندی
و گویند موهائی که در دست مردمانست آن موها است و اما موی که در حج و عمره

بروغنی که غیر از روغن ... محاسن را بآن تدهین فرمودی

تراش کردی جبرئیل ع آنرا بر آسمان بردی و گاه بودی که یکروز دو نوبت محاسن
مبارک را شانه کردی و چون شانه را در زیر بالش نهادی و فرمودی که شانه کردن
وبا را دفع میکند و هر گاه شانه کردی از زیر به بالا چهل نوبت زدی و از بالا بهفت
نوبت بجانب زیر فرمودی که این ذهن را زیاده میکند و بلغم را میبرد در بیان
بوی خوش آنحضرت روایتست که مشک تطیب فرمودی و بر فرق
سر مبارک ریختی و بعود و کافور بدان تطیب کردی که آن مشک است و عنبر و گاه غالیه نیز خود را
خوشبوی ساختی و گاهی زنان آنحضرت ص ورا تطیب کردندی و بعود قماری
بخور کردی و در شب تاریک بی آنکه کسی وی را ببیند از بوی خوش او وی را شناختندی
و گفتندی که این پیغمبر است مرویست از حضرت صادق ع که آنحضرت بر بوی خوش
بیشتر انفاق و احسان نمودی که بر طعام و حضرت امام محمد باقر ع فرمود که رسول
ص خصلت بود که با دیگری نبود اول آنکه ورا سایه نبود دیگر آنکه چون از راهی گذشتی
بعد از دو روز یا سه روز معلوم شدی از بوی عرق مبارکش که از اینجا گذشته است و دیگر
بسنگ و درختی نگذشتی مگر آنکه او را سجده کردندی و هیچ بوی خوشی بر وی عرض نکردندی
الا آنکه از آن چیزی قبول کردی و بآن تطیب کردی و گفتی که بوی خوش

خوبست

خوبست و بار بر سبک و اگر تطیب نکردی انگشت مبارک بر آن زدی
و بدهن بردی و لعق نمودی و فرموده است که لذت من در دنیا از زنان
است و بوی خوش و نور چشم من نماز است و روزه در بیان سرمه
کشیدن آنحضرت روایتست که سه نوبت سرمه را در چشم راست کشیدی
و دو نوبت در چشم چپ و فرمود که هر که خواهد سه بار در چشم چپ نیز بتواند
کشید و اگر زیاده و کم نیز کنند باکی نیست و گاهی اکتحال فرمودی و بروزه
بودی و آنحضرت را سرمه دانی بود که در شب بدان سرمه کشیدی و کحل وی
بودی در بیان نگریستن آنحضرت در آینه نگریستی و بر موی محاسن مبارک دست
فرو کشیدی و تزئین و ترتیب دادی بشانه کردن و گاهی نظر مبارک در آب انداختی
و خود را آراستی و ترتیب و تزئین بخشیدی مینمودی از آنکه نزد اهل خود میرفت
و این را عایشه گفت وقتی که میخواست نزد اصحاب رود در حالی که دید او را
و گاهی نظر بکوزه می انداخت که در آن آب میبود و در وی مشاهده تزئین
و تجمل و ترتیب آن حسن و جمال میفرمود عایشه گفت که پدر و مادرم فدای
تو باد که در کوزه چون آینه روی خود را دیدی و راست کردی و حال آنکه

تو پیغمبر و بهتر خلفا فی فرمود که دوست میدارد خدای تعالی از بنده خود که چون
نزد برادران خود رود خود را بلباس خوب و ترتیب و تزیین آراسته دارد
در بیان مالیدن چیزها بر بدن مبارکش مرویست که آنحضرت امر فرمودی به یکی
تا طلا کردی از بالای جسد مبارکش تا محل بستن ازار و از آن پائین تر بدست مبارک
خود مالیدی روایتست که آنحضرت در هیچ سفری جدا نبودی از خود شیشه روغن
دان و مقراض و آینه و شانه و مسواک را در روایتی آمده که با او ریسمان و سوزن
و مصحف و تور بودی که جامه پاره را دوختی و کفش را پینه زدی و مسواک
کردی بعرض کردی در بیان لباس آنحضرت روایتست که وی شمله پوشیدی
و ازان ازار سخت و گلیم دو رنگ که از انمره گویند نیز از ریسمانی آن
زیبا و خوش آینده بود چه پیچیدهٔ نمره با سفیدی آنچه ظاهر بود از جسد مبارکش از
سیاقین فقدمین مناسب مینمود و گویند تا وقتی که خدای تعالی قبض روح اطهر او
فرمود او را نمره بود که در بنی عبدالاشهل یافته بودند از ابو شیدی و چون
رحلت فرمود آن نمره از و ماند و چون با مردم نماز گذاردی شمله پوشیدی
والیس گوید که بسیار میبود که آنحضرت با ما نماز میشین میکرد از دو بادی

می بود

می بود که هردو طرفش را بر کتف مبارکش عقد کرده میبود در بیان طاقیه و دستار
آنحضرت روایتست که آنحضرت طاقیه در زیر دستار پوشیدی و طاقیه بی دستار
نیز بر سر نهادی و طاقیه بی دستار بر سر بستی و از طاقیهای یمنی پوشیدی و از
سفید نیز بر سر نهادی و طاقیهای که روز جنگ بر سر نهادی گوشها از دو طرف داشتی
و بعضی سبز بودی و گاه بودی که طاقیه از سر برداشتی و در پیش رو نهادی و
بسوی او گذاردی و در سفر گاهی عمامهٔ از خز سیاه بر سر بستی و در غیر سفر نیز
گاهی بستی و بر بالای دستار گاه بود که چیزی پوشانیدی چنانچه گوشها و گردن
شدی و گاه بودی که دستار نه بستی و عصابه بستی بر گرد سر با مچلی یا بر پیشانی چیزی
بستی و از خواص آنحضرت به سخت بستن بودی و دستار دیده مینمد بر وانجلین و
را دستار بود که از سحاب گفتندی و از آنرا به امیرالمؤمنین علی داد و گاهی که با آن نزد
رسول رفتی فرمودی که علی آمد با سحاب یعنی دستاری بخشیده بود عایشه گوید که
روزی آنحضرت با جبه از صوف و عمامه از صوف بیرون فرمود پس در میان
مردمان بمنبر بر آمد و خطبه بلیغی ادا نمود که من ندیده بودم در خلق خدا از مجلس
حال بدان حسن و جمال که من مشاهده کردم در آن جبه و عمامه در میان
لباس پوشیدن آنحضرت چون جامه نو پوشیدی فرمودی که الحمد لله الذی
کسانی ما یواری عورتی واتجمّل فی الناس و چون جامه را

ت بود که چون لباس نو

[illegible] و دعا خواندی و مسکین طلبیدی

و جامه کهنه بوی دادی و فرمودی که هر مسلمانی که مسلمانی را جامه خود بپوشاند خاص

از برای خدا [illegible] و رحمان و امان خدای تعالی بوده باشد و او را نزد الله تعالی

قدری و منزلت باشد [illegible] و آنحضرت چون جامه نو پوشیدی

[illegible] روایت است [illegible] از خانه بیرون رود و گفتی که اللهم

بك استترت و الیك توجهت و بك اعتصمت و علیك توکلت

اللهم انت ثقتی و انت رجائی اللهم اکفنی ما اهمنی و ما لا اهتم

و ما لم اهتم به و ما انت اعلم به منی عز جارك و جل ثناؤك و لا اله غیرك

اللهم زودنی التقوی و اغفر لی ذنبی و وجهنی للخیر حیث ما توجهت

و بعد ازان بیرون فرمودی برای حاجتی که داشتی و آنحضرت را دو جامه بودی

یکی خاصه از برای روز جامع و یکی دیگر جهت غیر جمعه و آنحضرت را خرقه و مندیلی

بودی که روی مبارک خود را خشک ساختی از وضو و گاهی بودی که با وی

مندیل نبودی بطرف ردای که بروی بودی روی خود را پاک ساختی و در بیان

انگشتری آنحضرت مرویست که انگشتری را در انگشت کردی و نگین او حبشی

بودی و او را بطرف کف دست گردانیدی و گاه انگشتری حدید در انگشت کردی

وانگشتری

وانگشتری در دست داشتی که [illegible]

محمد رسول الله بران نقش کرده و انگشتری [illegible] را بدست کرده [illegible]

حضرت را انگشتری بود از نقره که [illegible]

و دران محمد رسول الله را نقش کرده بود [illegible] وی و انگشتری

از نقره در وی که نگینش نقش داشتی [illegible] که انگشتری [illegible]

داشتی تا از عالم رحلت فرمود و گاهی انگشتری در انگشت میانین کردی در

ازان و گاهی در انگشت مسبحه کردی که بهلوی انگشت [illegible]

ریسمان بستی گاهی که نزد اصحاب آمدی تا آن مذکور وی باشد و مهر [illegible]

و فرمودی که مهر مکتوبها [illegible] در بیان نعلین آنحضرت نعلین

که نعلین پوشیدی بر مثال کفش که میان باریک پاشنه جره و پنجه آن پهن بودی

بدستوری که در شام میدوزند و بسیار پوشیدی نعلین سبتیه که بران موی

نبودی و چون ابتدا بپوشیدن نعلین فرمودی از پای راست ابتدا کردی و چون

از پای کندی ابتدا از پای چپ نمودی و گاه امر فرمودی بپوشیدن نعلین هردو

باهم و کندن هر دو باهم زیرا که مکروه داشتی که یکی بپوشند و یکی نه و از سیم نهی

پوشیدی در بیان جامه خواب آنحضرت جامه خواب وی در وقتی که از دنیا رحلت

فرمود از بالا بپهناي ودي قري بود از پشم شتر بر کرده و گویند دراز
ان دو گز بود مانند آن و پهناي آن گزي و دو وجب همه مرویست از امیر المؤمنین
که جامه خواب آنحضرت عبایي بود و متکاي او پوستي بود پر از لیف خرما گاهي
بران خواب کرد بعبا حشن فرمود که مر جامه خواب از نماز منع فرموده که از
یکتایي کردند و جامه خوابي نیز داشت از پوست پر از لیف خرما و گویند
آنحضرت را رداي بود از عبایي تا از دنیا نقل فرمود و گاهي دو تاي کردندي
و بستري بود که بالش از پوست میساختند پر از لیف خرما و او را قطیفه بود فدکي
که روي بران نهادي و بدان خشوع فرمودي و ابجه دیگر داشت مصري کوتاه
ریشه و گلیمي داشت نیز از موي که بران نشستي و گاهي بدان نماز گذاردي در بیان
خواب آنحضرت مرویست که آنحضرت خواب فرمودي بروي حصیر که هیچ چیز
در زیر او نبودي و چون اراده خواب میفرمود مسواک میکرد و چون بجاي
خواب رفتي بر پهلوي راست بخسپیدي و دست راست در زیر گونه راست
نهادي و فرمودي که اللهم قني عذابک یوم تبعث عبادک در بیان دعاي
آنحضرت نزد جامه خواب و درین باب روایات مختلف است از الجمله آنست
فرموده که چون بجامه خواب رفتي که اللهم اني اعوذ بک بمعافاتک من عقوبتک
واعوذ برضاک من سخطک واعوذ بک منک اللهم اني لا استطیع

ان

ان ابلغ في الثناء علیک ولو حرصت انت کما اثنیت علی نفسک
و در وقت خواب کردن گفتي بسم الله اموت واحیا والی الله المصیر اللهم
آمن روعتي واستر عورتي وادّ عني اماناتي و آیة الکرسي خواندي
نزد خواب کردن و فرمودي که جبرئیل علیه السلام آمد بمن گفت یا محمد عفریتي از جن در کمین
تو دارد که وقت خواب بر تو ظفر یابد بر تو باد که آیة الکرسي بخواني در وقتي که از
خواب بیدار میشوي نیز بخواني و مرویست از امام محمد باقر علیه السلام که حضرت رسول هرگز
از خواب برنخواستي الا آنکه خداي تعالی را سجده کردي و روي نیاز بر زمین نهادي
و دیگر گویند که آنحضرت خواب نکردي تا مسواک بر بالاي سر خود ننهادي و چون از خواب
بیدار شدي اول مسواک کردي و فرمودي که مامور شدم بمسواک کردن تا غایتي
که ترسیدم که بر من واجب گردانیده شود و چون از خواب درآمدي گفتي که الحمد
لله الذی احیاني بعد ما اماتني ان ربي لغفور رحیم و بعد از ان فرمود
که اللهم اني اسئلک خیر هذا الیوم و نوره و هداه و برکته و طهوره و معا
فاته اللهم اني اسئلک خیره و خیر ما فیه واعوذ بک من شره و شر ما بعده
در بیان مسواک آنحضرت روایتست که آنحضرت هر شب سه نوبت مسواک
فرمودي یکنوبت پیش از خواب و یکنوبت در محل برخاستن از خواب و یکنوبت
پیش از آنکه بنماز صبح بیرون رود و بچوب اراک مسواک کردي و فرمود که جبرئیل

موتي

مرا این فرموده است مرویست از حضرت صادق ع که مکروه میدارم که مردی
بمیرد و سنتی از سنتهای رسول ص را فرو گذاشت کرده باشد

در ذکر آب
پاکی و خوشبویی و سرمه کردن و روغن مالیدن و مسواک کردن مشتمل بر فصل

در پاکی و خوشبویی و آنچه در حکم آن است مرویست از ابی عبد الله ع که
که امیر المومنین ع فرمود که پاکی کنید بآب از بوی گنده که حق تعالی دشمن میدارد بندگان ناپاک را
و هم از آنحضرت مرویست که شستن جامه غم را می زداید و پاکیست از برای نماز و
و حضرت رسول ص فرموده با انس که ای انس بسیار کن پاکی را که حق تعالی می افزاید عمر ترا
پس اگر توانی چنان کن که شب و روز با طهارت باشی که اگر بر طهارت بمیری شهید
مرده باشی این در روضة الواعظین مذکور است مرویست از صادق ع که هر که وضو
بسازد و اندام خشک کند مرا او را یک حسنه باشد و هر که وضو کند و خشک نکند تا خود خشک
شود سی حسنه در دیوان اعمال او بنویسند روایت کند علی ابن اسباط که شنیدم از
ابی الحسن ع که چهار چیز است که اخلاق انبیاست علیهم السلام خوشبویی و از دل
و لباس و بدن را پاک داشتن و موی ستردن از جسد بنوره نهادن و نزدیکی
با زن کردن در بیان بوی خوش مرویست از حضرت رسالت ص که بوی خوش دل را
قوی میگرداند و این در امالی طوسی مذکور است امام جعفر صادق ع فرموده که خدای
تعالی دوست میدارد جمال و نیکویی و زینت و خوشبویی را و مکروه میدارد گرفتگی
و چرکنی و نکبت روی و بدبویی را که حق تعالی هر گاه نعمتی را بر بنده انعام فرموده دوست
میدارد که اثر

که اثر آن نعمت بر او نمایان باشد پرسیدند که چگونه است ظهور اثر انعام
الهی بر او فرمود پاک دارد جامه را و بوی خوش بکار برد و خانه را بعد از بنا
بگچ سفید کند و اطراف خانه را جاروب رفت و روی دهد تا آنکه
چراغ روشن کردن پیش از فرو رفتن آفتاب منع فقر میکند و در روزی می افزاید
و از ابو عبد الله ع فرمود که چهار خصلت از سنتهای پیغمبران است علیهم السلام
[illegible] و بوی خوش و زنان و هم آنحضرت فرموده که حضرت رسول ص در هر روز
جمعه بوی خوش بر خود کردی و اگر نیافتی غالیه و از ازبعضی زنان خود گرفتی
و آب بر آن افشاندی و بر جسد مبارک خود مالیدی و هم از او مرویست که
فرموده که قبول نکرد و هم از وی بنیایی شما مگر زن و ادای خوش را و فرموده که آنچه
بر بوی خوش صرف کنند اسراف نیست و نیکو فرموده که هر گاه یکی از شما رکابی
بدست او در آید باید که ببوید و بر چشم خود بمالد که آن از بهشت عنبر سرشت
بلکه چیزی گوید که بکر روزی رکابی بخدمت امام جعفر صادق ع بردم گرفت و ببوید
و بر چشم مالید و فرمود که هر که از ریاحین چیزی ببوید و بر چشم نهد و بگوید اللهم
صل علی محمد و آل محمد بهره خدای تعالی او را بیامرزد و روایتست از حضرت رسول ص
که هر گاه که برادر مسلمان رکابی یکی از شما بیاورد رد مکنید که آن از بهشت بیرون

آمده روایت کند امام رضا ع از امیر المؤمنین ع که بوی خوش تعویذ است
و غسل تعویذ است و سواری تعویذ است و هم امام رضا ع فرموده که معلوم
بود جای سجود امام جعفر ع در مسجد بجهت بوی خوش او و هم او فرموده که بوی
خوش از خصلتهای پیغمبران است و دیگر فرمود حضرت صادق ع که دو رکعت
نماز با بوی خوش گذاردن بهتر است از هفتاد رکعت نماز که با او بوی خوش نباشد
و دیگر فرموده که سه چیز از خصلتهای پیغمبران است موی ستردن و بوی خوش بکار
بردن و بسیار مباشرت با زنان کردن مرویست از امام جعفر ع و امام رضا ع
که رد مکنید بوی خوش را که آن کرامتیست و کرامت را رد نباید کرد و اگر کسی که عقلش
مثل خربانه که از آرد کند و دیگر فرمود که ستارب را خوشبوی کردن از اخلاق
انبیا و کرام الکاتبین است و هم از حضرت امام جعفر ع مرویست که حضرت سید ع را
نافه مشکی بود که چون وضو ساختی از دست مبارک گرفتی و دستش بر بوی
و هر گاه بیرون فرمودی معلوم شدی که آنحضرت رسول است که بیرون آمده
و روایت کند امام رضا ع که امام زین العابدین ع را عطردانی بود از رصاص
که در خانه او بجه بودی و در و مشک بودی پس هر گاه که خواستی بیرون آید
جامه را بخور بدادی و عطردان از او گرفتی و از و مشک بیرون کردی و در اعضا
مالیدی و مرویست که امام رضا ع بعود هندی بسیار بخور کردی و بعد از آن گلاب

بر مجمره افشاندی و مشک بکار بردی و تمام این اخبار از مسموعات سید ناصح الدین
ابی البرکات است و از حضرت صادق ع مرویست که حضرت رسول ص فرمود که بخور باد
با این عود هندی بدرستی که در وی هفتاد شفاست و خوشبوترین بویها مشک است و هم
او فرمود که رسول ص بوی خوش ایثار میفرمود از طعام کردی و رسول ص فرمود مر امیر
المؤمنین ع را که بر تو باد ای علی به بوی خوش در هر روز جمعه بدرستی که آن از سنتهای
منست و می نویسند ثواب از فادام که بوی خوش از تو می آید و دیگر فرمود که سزاوار
آنست که مرد بکار دارد بوی خوش را هر روزی یکبار و اگر قادر نباشد پس یک روز در میان
یکبار و اگر آن نیز نتواند پس در هر روز جمعه یکبار و دیگر حضرت رسول ص فرمود که هر زن
که بوی خوش بکار برد و از خانه بیرون آید ملعنت باشد تا باز بخانه رود مرویست
از مرازم که با ابی الحسن ع بحمام رفتم پس چون از حمامه کن بیرون آمد بخور طلب فرمود
و بخور کرد و فرمود که از بخور نصیب بگیرید و مرویست از حضرت صادق ع که گفت
سزاوار است مرد را که بخور کند جامهای خود را اگر بر آن قادر باشد مرویست
که پیغمبر امام حسن ع را بولیمه طلبید که طعام عروسیست آنحضرت ابا کرد از آنکه
که روزه داشت پیغمبر گفت که تحفه برای تو بیارم که لایق روزه دار باشد
قبول کرد او بوی خوش و روغن آورد آنحضرت پس مالید و جامهای را بخور کرد

روغن را

حضرت امام حسین ع فرموده که تحفهٔ زن آنست که موی را شانه کند و بخور کند و از
حضرت صادق ع مرویست که حضرت رسول ص فرموده که بوی خوش زنان آنست
که رنگش ظاهر باشد و بویش مخفی و بوی خوش مردان آنست که بویش ظاهر باشد و رنگش
مخفی در بیان گل و گلاب در کتاب طب ائمه علیه السلام روایت کرده حسین بن منذر که چون
حضرت رسالت ص بمعراج فرمود زمین از رفتن آنحضرت حزین و غمگین شد و گیاه آورد
و چون باز آمد خوشحال و شادمان گشت پس گل بار آورد پس هر که خواهد که بوی پیغمبر
بمشام او رسد گل ببوید و در حدیث دیگر وارد یافته که چون آنحضرت بمعراج رفت
عرق جسد مبارکش بر زمین چکید گل سرخ از آن روئید پس آنحضرت فرمود که هر که
خواهد که بوی من بشنود گل ببوید انس روایت کند که حضرت رسول فرموده که در شب
معراج گل سفید از عرق من مخلوق شد و گل سرخ از عرق جبرئیل و گل زرد از عرق براق
و دیگر مرویست از آنحضرت که گلاب آب روی را می افزاید و درویشی را می برد و [illegible]
از آنحضرت روایت کرده که هر که گلاب را بر روی بمالد او را در آن روز بدی و درویشی و در
نرسد و هر که خواهد که گلاب بکار دارد بر روی و بر دستها بمالد و بر پیغمبر و آل او صلوات
بفرستد روایتست از امام حسن ع که رسول بهر دو دست گل را بمن تحفه فرمود و گفت
که این سید ریاحین است در دنیا و آخرت در بیان نرگس روایتست که حضرت ابراهیم ع را که نرگس

فضایل بسیار و ثواب بیشمار است در بوئیدن او و از روغن او مالیدن و چون نمرود ملعون
آتش افروخت جهت سوختن ابراهیم ع حق تعالی بمحض قدرت خود آن را برد و خنک
و سلامت گردانید از آن آتش حق تعالی نرگس رویانید پس اصل نرگس از آنست
که حق تعالی در آن زمان رویانید در بیان مرزنگوش انس بن مالک روایت کند که
حضرت رسول ص فرمود که بر شما باد به نگاه داشتن مرزنگوش که بوئیدن آن بغایت
نافع است و روایت کنند که اگر گلی و ریحانی نزد آنحضرت آوردندی بوئیدی و باز
بدادی غیر از مرزنگوش که از آن پس ندادی و مرویست از امام موسی کاظم ع که رسول
فرمود که نیکو ریحانیست مرزنگوش رسته است آن در ساق عرش اعظم و آب او
شفای دیده کانست فصل دوم در سرمه کشیدن و روغن مالیدن در کتاب من لا یحضره
الفقیه روایت کند از امام محمد باقر ع که سرمه کشیدن مژه را میرویاند و دیده را تیز میکند
و یاری میکند بر درازی سجود و حضرت صادق ع فرموده که اعرابی نزد حضرت
رسول ص آمد قلیب نام و چشمهای وی تر بود آنحضرت فرمود که ای قلیب چشمهای
ترا تری می بینم بر تو باد بسرمه کشیدن بدرستی که آن چراغ چشمهاست و دیگر فرمود
که مسواک کردن دیده را جلا میدهد و سرمه کشیدن بوی دهان را میبرد و مرویست از
امام رضا ع که هر کرا ضعف بصر باشد باید که هفت میل از سرمه بکشد چهار در چشم
راست و سه در چشم چپ بدرستی که آن مژه را میرویاند و دیده را جلا میدهد و فایده مند

میکرداند حق تعالی اورا از آن سرمه کشیدن بعد از سی سال و دیگر فرمود که هر که ایمان
بخدا و بروز قیامت دارد باید که سرمه بکشد بر تو باد بسرمه کشیدن که او دیده را جلا میدهد
و موی مژه را میرویاند و آب دهان را خوش میکند و در باه می افزاید دیگر فرمود که هر که چشم
ضعف بصر پیدا کند باید که در وقت خواب کردن هفت میل سرمه بکشد چهار را
راست و سه در چشم چپ که موی را میرویاند و اشک چشم را باز میدارد و آب دهان را
خوش میسازد و دیده را روشنایی میدهد و مرویست از امام رضا ع که هر که سرمه کشید
در قوت باه می افزاید و امام صادق ع مرویست که سرمه کشیدن بشب بوی دهان را
خوش میکند و منفعت او باقیست تا چهل صباح و هم از و مرویست که پیغمبر سرمه کشیدن
پیغمبر در شب بودی و در هر چشمی سه میل کشیدی و هم از و روایتست که سرمه کشیدن در وقت
خواب امانست از نزول آب و هم از و روایتست که پیغمبر صلعم سرمه کشیدی هرگاه که بجای
خواب رفتی ابن فضل گوید که حسین بن جهم میلی از آهن بمن نمود و گفت این از
امام رضاست ع که بآن سرمه کشیده من هم میکشم یاسر خادم روایت کند
که یکی عرض کرد بخدمت امام رضا ع در منزل لش که او دوست نمیدارد زینت را
فرمود که از خدا بترس و سرمه بکش و از دست مگذار مرویست که رسول صلعم فرمود که
سرمه بکشد باید که طاق بکشد که بغایت خوبست و اگر چنین هم نکند باکی نیست

وهم

وهم مرویست از آنحضرت که هر که سرمه بکشد طاق کشد و هر که بخور کند طاق کند و
وهر که استنجا کند طاق کند و هر که استخاره کند آنحضرت عزت طاق کند و دیگر
فرمود بر شما باد بسرمه کشیدن بدرستی که بوی دهان را خوش میکند و بر شما باد به مسواک
کردن که بصر را جلا میدهد شخصی پرسید که چگونه است یا رسول الله فرمود که چون
مسواک میکنی بلغم از دماغ فرو می آید و بصر را جلا میدهد دعائی که در محل سرمه کشیدن
خواندن اینست که اللّهم انّی اسئلک بحق محمد و آل محمد ان تصلّی علی محمد و آل
محمد و ان تجعل النور فی بصری و البصیرة فی دینی و الیقین فی قلبی
و الاخلاص فی عملی و السلامة فی بدنی و السعة فی رزقی و الشکر
لک ابداً ما ابقیتنی در بیان روغن مالیدن ببدن و دماغ و غیر آن ابو
جعفر بابویه روایت کند از امام صادق ع که هرگاه روغن بدست گیری بگوی
اللّهم انّی اسئلک الزین و الزینة فی الدنیا و الآخرة و اعوذ بک
من الشین و الشنان فی الدنیا و الآخرة و دیگر فرمود که روغن
مالیدن نرم میکند بشره را و می افزاید در دماغ و آسان میسازد راه آب را
و میبرد خشکی را و روشن میکند رنگ را و دیگر فرمود هر که روغن کاری کند
مسلمانی را بنویسد خدای تعالی برای او بعدد هر موئی نوری در روز قیامت و هم مرویست از د

که روغن مالیدن سختی را ببرد و خشکی را ببرد و دیگر فرموده که روغن بنفشه بهترین روغنها
است و رسول صلعم در وصایا فرموده امیر المؤمنین ع را که ای علی تناول کن
زیتون را و بمال روغن زیت را پس هر کسی که بخورد زیتون را و بمالد روغن
او را تا چهل صباح شیطان گرد او نگردد و امیر المؤمنین ع فرموده که بکار دارید
روغن بنفشه را که آن سرد است در تابستان و گرم است در زمستان و از حضرت روایت
کنند از رسول صلعم که فضل بنفشه بر دیگر روغنها همچو فضل ماست بر سایر مردمان و هم
از و مرویست که روغن بمالید یک روز در میان و طاق بکنید سرمه در چشمان

فصل سیم در مسواک کردن بدهن در کتاب من لا یحضره الفقیه آورده که رسول صلعم فرموده
که دایما جبرئیل ع میفرمود مرا بمسواک کردن تا آنکه ترسیدم که دندانهای من باریک
شود یا بریزد و همچنین وصیت میکرد بر رعایت همسایه تا گمان کردم که زود باشد که
میراث برد و دایما میفرمود مرا رعایت و خاطرجویی مملوک تا گمان کردم که زود
باشد که بجهت او مدتی مقرر کرده که در آن مدت آزاد شود و امام موسی کاظم ع
فرموده که خوردن اشنان بدن را میگدازد و مالیدن بصیقال جسد را کهنه
میسازد و مسواک کردن در خلا بوی دهان پیدا میکند و روایتست از حضرت
پیغمبر صلعم که مسواک کردن می افزاید در فصاحت مرد و دیگر فرمود چون بروز

بلند

بلند باید مسواک کنید و در آخر روز مسواک مکنید زیرا که هر روزه که لبان او
خشک شده باشد در آخر روز نوری از روی و دهان او بجز در روز قیامت
و دیگر فرمود خوب چیزیست مسواک کردن بچوب زیتون که آن درخت مبارک است
و زایل میکند فساد و سستی دندانرا و آن مسواک ماست و مسواک پیغمبرانی که پیش
از من بوده اند و دیگر فرموده که چهار چیز است که از سنت پیغمبرانست علیهم السلام
ختنه کردن و بوی خوش بکار بردن و نکاح کردن و مسواک کردن و حنا و
فرموده که چهار چیز از سنت انبیاست بوی خوش و مسواک و النساء و حنا
و امام موسی کاظم ع فرموده که شیعه ما را ناچار است از چهار چیز سجاده از برگ
خرما که بر آن نماز گذارد و انگشتری که در دست راست کند و مسواک که بآن مسواک
کند و تسبیحی از خاک قبر حسین ع که سی و سه دانه باشد که چون ذکر بچون گر
داند بنویسد حق تعالی بجهت او بهر دانه چهل حسنه و اگر از سهو و عبث گرداند
بنویسد برای او بیست حسنه و حضرت رسول صلعم فرموده بامیر المؤمنین ع در وصایا
که بر تو باد ای علی بمسواک کردن نزد هر وضو چه آن نصف وضو است و امام
صادق ع فرموده که چون مردمان بدین اسلام در می آمدند گروه گروه قبیله
آمده اند در حالتی که دل ایشان تنگ تر بود و دهان ایشان با گند گفتند

به تنگی دل و پاکی دهان ایشان از جهت فرمود زیرا که ایشان مسواک
[illegible] نکرده اند در زمان جاهلیت بدبینی که داشتند و دیگر فرمود که هر چیز را پاک کننده
است و پاک کننده دهان مسواک است امام محمد باقر ع فرموده که رسول بسیار مسواک
میفرمود و واجب نیست پس مضرت رساند ترک آن در بعضی از ایام و باکی نیست
که مسواک کند روزه دار در ماه مبارک رمضان در هر وقت از روز که خواهد و نیز باکی
نیست مسواک کردن محرم و مکروه است مسواک کردن در حمام زیرا که پیدا میکند وبا
دندانها و امام محمد باقر ع و امام جعفر صادق ع فرموده اند که دو رکعت نماز با مسواک
گذاردن بهتر است از هفتاد رکعت که بی مسواک گذارند و دیگر امام محمد باقر ع فرموده
که ترک مکنید مسواک کردن در هر سه روز و اگر چه یکبار باشد و دیگر پیغمبر ص فرموده که سه
طاق بکشید و مسواک را بعرض بکشید و امام جعفر ع ترک فرمود مسواک پیش از شصت
سالگی به دو سال بجهت ضعف دندان و پرسید علی بن جعفر از برادر خود امام موسی ع از
مردی که مسواک را نگذاشت میکرد و هر گاه که برنخواست از برای نماز شب و حال آنکه او قادر بود
بمسواک کردن بچوب فرمود که هر گاه ترسید از برآمدن صبح باکی نیست و حضرت رسول ص
فرمود که اگر مشقت نمیبود بر امت من هر آینه امر میکردم ایشان را بمسواک کردن نزد وضوی
هر نماز و مرویست که کعبه شکایت کرد بخدای تعالی با آنچه میرسید باو از نفسهای مشرکان پس
حق تعالی وحی فرستاد بوی که روشن باد چشم تو ای کعبه که من اینها را بدل میکنم بجهت

لو بقومی

لو بقومی که پاک کرده باشند دهان را بشاخ درخت باریک پس چون حق تعالی پیغمبر
محمد ص مبعوث گردانید جبرئیل ع آمد بر وی بمسواک و خلال امام جعفر صادق ع فرموده
در مسواک کردن دوازده خاصیت است آن از سنت است و پاک کننده دهان است
و روشن سازنده دیدگان و خشنود کننده رحمن و سفید سازنده دندان و برکننده
میان آن و محکم کننده گوشت بیخ دندان و اشتها آرنده طعام و برنده بلغم و افزاینده
در حفظ و مضاعف سازنده حسنات و شاد شونده با فرشتگان در جمیع اوقات و بوده
در امام رضا ع را کیسه که در وی پنج مسواک بود و بر هر مسواک از آن نام یکی از
نمازهای پنجگانه که آن نماز را بآن مسواک که بروی نوشته بود ادا میفرمود و در کتاب
طب ائمه علیهم السلام وارد است که مسواک کردن روشن می سازد دیده را و میرویاند
موی را و می برد اشک چشم را و در وصایای پیغمبر امیر المؤمنین ع را وارد شده که
ای علی بر تو باد بمسواک کردن و اگر تو توانایی داری چیزی از آن کم مکنی پس چنانکه
هر نمازی را که بمسواک میگذاری فضیلت دارد بر آن نمازی که بی مسواک میگذاری
چهل روز مرویست از امام جعفر صادق ع که جبرئیل ع نازل شد به پیغمبر ص بخلال و
حجامت دیگر فرمود که رسول ص فرموده که پاک کنید راه قرآن را گفتند یا رسول الله چه
چیز است راه قرآن فرمود که دهنهای شما است گفتند بچه پاک کنیم فرمود بمسواک پاک
سازید و دیگر فرمود که پاک سازند دهنهای خود را که آن محل تسبیح است منقول است

از امیر المؤمنین ع که مسواک کردن موجب رضای الهیست و زنده سازید سنت رسالت
پناهی و پاک کردانندهٔ دهان کماهی و از ابی عبد الله ع منقولست که مسواک کردن
بر حال نشستن مورث بوی دهانست و از امیر المؤمنین ع که سه چیز است که بلغم را دفع میکند و
حفظ می افزاید مسواک و روزه و قرائت قران باب سیم در اداب حمام رفتن
و آنچه بدان متعلق است مشتمل بر شش فصل در کیفیت حمام رفتن در کتاب
من لا یحضره الفقیه روایت کرده از محمد بن حمران که او روایت کرده از حضرت صادق ع
که چون بحمام داخل شوی بگوی در وقت جامه کندن که اللّهمّ انزِع عنّی ربقة النفاق
وثبّتنی علی الایمان و چون بخانه اول روی بگو که اللّهمّ اعوذ بک من شرّ
نفسی واستعیذ بک من اذاه و چون بخانه دوم در آیی بگو اللّهمّ اذهب
عنّی الرجس النجس وطهّر جسدی وقلبی و قدری از آب کرم بر سر و بریز
میانه سر و پای خود و اگر ممکن باشد جرعه از ان بیاشام که مثانه را پاک میسازد
و بعد از ان ساعتی در خانهٔ دوم درنگ کن و چون در آیی بخانه سیوم پس بگو
نعوذ بالله من النار ونسأله الجنة و این را تکرار میکن تا وقت بیرون آمدن
از گرم خانه و باید که حذر کنی از آب سرد خوردن و فقاع در حمام که ان معده را
فاسد میسازد و آب خنک بر خود مریز که آن موجب ضعف بدن است و چون
آب سرد بر هر دو قدم تنها خود ریز وقتی که بیرون آمدی که آن درد را میبرد و پس
از بدن تو

بیرون

بیرون آمدی از حمام و جامه پوشیدی بگو که اللّهمّ البسنی التقوی
وجنّبنی الردی پس هرگاه چنین کردی ایمن شدی از هر دردی و باکی نیست
از خواندن قران در حمام مادام که مقصود بان آواز و خوشخوانی نباشد بهر گاه
که بر تو ازار باشد و پرسید محمد بن مسلم از امام محمد باقر ع که ایا امیر المؤمنین ع نهی
میفرموده از خواندن قرآن در حمام فرمود نه بلی نهی میفرمود انکه قران خواندن
و حال انکه برهنه باشد پس هرگاه که بر و لنگ باشد باکی نیست علی بن یقطین پرسید
از امام موسی ع که در حمام قرآن میتوان خواندن و نکاح در حمام میتوان کرد فرمود
که باکی نیست و امیر المؤمنین ع میفرمود که حمام نیک جائیست که آتش دوزخ را بیاد
میدهد و چرک از بدن میبرد و دیگر فرمود که بد خانه ایست حمام کشف عورت میکند
و حیا میبرد و امام صادق ع فرمود بد خانه ایست حمام هتک ستر میکند و کشف
عورت مینماید خوب خانه ایست حمام گرمی دوزخ بیاد انکس میدهد و از اداب
حمام آنست که مرد فرزند خود را با خود بحمام نبرد تا نظر بعورت او نکند و حضرت رسول الله
فرمود که هر که ایمان بخدا و بروز قیامت دارد باید که نفرستد حلیله خود را بحمام
دیگر فرمود که منع میکنم زنان امت خود را از رفتن بحمام و امام موسی کاظم ع فرمود
که مروید بحمام ناشتا تا نخورید چیزی از طعام و ابی عبد الله ع فرموده که مروید بحمام
مگر در اندرون شما چیزی از طعام باشد تا حرارت معده را فرو نشاند و بدن را

تقویت کند و فرمود وقتی که شکم شما پر از طعام باشد دیگر فرمود که باکی نیست مردرا
که قران خواندن در حمام هرگاه بان قصد رضای الهی کرده باشد نه خوشخوانی و ابو
عبد الله ع فرمود باید که پشت باز تخیید یکی از شما در حمام زیرا که [illegible] ده را میگدازد
و بعضی روایت کرده اند که امام جعفر ع از حمام بیرون میفرمود و عمامه
و میفرمود عمامه را ترک نکردم من وقت بیرون آمدن از حمام نه در زمستان
و نه در تابستان و امام موسی کاظم ع فرموده که بحمام یکروز باید رفت و یکروز
نه که حمام هر روزه پیه گرده را میگدازد و بنوبت گوشت را زیاده میکند و
و امام رضا ع فرموده که کسی که پای بشوید بعد از بیرون آمدن از حمام لیس باکی
نیست اگر نشوید نیز همچنین منقولست که امام حسین ع یکروز از حمام بیرون آمد
مردی گفت طال استحمامک دراز باد حمام شما فرمود که این چیست میگوئی گفت طاب
حمامک خوش باد حمام تو فرمود که هرگاه خوش باشد حمام لیس راحت بدن چه باشد
[illegible] گفت طاب حمیمک خوش باد عرق تو فرمود و [illegible] یا تو ندانسته که حمیم عرق
است گفت پس چگونه گویم فرمود که بگو طاب ما طهر منک و طهر ما طاب منک خوش باد
انچه پاک است از تو و پاک باد انچه خوش است از تو و امام جعفر صادق ع فرموده
چون کسی گفت بشود در وقتی که از حمام بیرون آمده که طاب حمامک بگو در جواب
[illegible] انعم الله بالک [illegible] حضرت رسول صلعم فرموده که درد سه گونه است و دوا سه گونه اما
درد [illegible] غلبه خون است [illegible] بلغم پس دوای حجامت و دوای بلغم

حمام

حمام دوای صفرا حرکت کردن و امام جعفر صادق ع فرموده که سه چیز بدن را فربه کند
و سه چیز لاغر میسازد اما انچه بدن را فربه میکند بسیار بحمام رفتن است و بوی خوش
استعمال کردن و لباس نرم پوشیدن و اما آن سه که بدن را لاغر میسازد
تخم مرغ بسیار خوردن است و ماهی خوردن و بسیار بحمام رفتن یعنی [illegible]
نه روزی در میان چه هر روزه گوشت گرده را کم میکند و امام محمد باقر ع فرموده که آب حمام
را باکی نیست هرگاه مرد آزاده باشد و ابن سرحان گوید که من از حضرت صادق ع
پرسیدم که چه میفرمایی در آب حمام فرمود که او بمنزله آب جاریست محمد بن مسلم گوید
که پرسیدم از ابی عبد الله ع که با آب حمام جنب [illegible] غسل میکند جوابست فرمود [illegible]
و باکی نیست جنب آن کند چون غسل [illegible] بیرون [illegible] مردی [illegible]
اگر پاک آلوده شده و زراره گوید که امام محمد باقر ع را دیدم که از حمام بیرون آمد
[illegible] پای شسته باشد تا نماز [illegible] امام جعفر صادق ع [illegible]
چون از حمام بیرون آمدید [illegible] بیرون آید [illegible]
بپوشید و محمد بن موسی گوید که امام محمد باقر ع و امام جعفر صادق ع از حمام بیرون
می آمدند دستاری میبستند هم در زمستان و هم در تابستان و میگفتند که آن موجب امانست
از درد سر و روایت که میفرمودند که هرگاه یکی از شما بحمام رود و حرارت بر او غالب
شود پس باید که بریزد بر خود آب سرد [illegible] که آن تسکین [illegible] حرارت را [illegible] منقولست از امام

رضا ع که مالیدن [illegible] و حجامت کنید در چهارشنبه و بحمام روید در پنجشنبه
و بوی خوش بکار فرمایید [illegible] و در پوشیدن عورت در کتاب من لا یحضره الفقیه
آورده که حضرت رسول صلعم فرموده که هر که ایمان بخدا و بروز قیامت دارد پس بحمام باید که نرود
مگر با ازار [illegible] که جماعتی [illegible] برآب [illegible] اند و پرسیدند از ابی عبدالله
غسل کردن برهنه بی ازار فرمود که چون او را کسی نه بیند روا است و فرمود که امیر المؤمنین
منع میفرمود از فرو رفتن آب بی ازار زیرا که شیطان نظر میکند در حال برهنگی
و طمع مینماید در آن پس بپوشانید از خود و مرویست که سعد بن عبدالملک از امیر المؤمنین
پرسید که چون است کسی که با کنیزکان خود بحمام رود فرمود که باکی نیست هرگاه بر ایشان
ازار باشد و برهنه نباشند بر مثال خران که بعضی از ایشان نظر کنند بعورت بعضی دیگر
و منقول است از حضرت صادق ع که بغایت بد است نظر بعورت مسلمان کردن
و فرمود باید که نظر نکند مرد بعورت برادر خود پس هرگاه بپوشاند پس [illegible]
نیست و دیگر فرمود که ران از عورت نیست حذیفة بن منصور گوید که گفتم مر ابی عبدالله
را که مردمان میگویند که عورت مؤمن بر مؤمن حرام است گفت که نیست [illegible]
ران رفته اند و پس بلکه اگر از و پوشش یا چیزی دید که او را بدان عیب کنند
بپوشانند فاش نکنند که مبادا که او را بدان سرزنش کنند روزی فصل سیم در مالیدن
بسفال و روغن زیت و سبوس و غیر آن در کتاب من لا یحضره الفقیه نقل

میکند که امیر المؤمنین ع که در حمام به پشت پنجه [illegible]
بسفال ممالید که جذام می آورد و [illegible] که ان [illegible] سفال [illegible] نیست و امام جعفر
صادق ع فرمود که سفال بپای مرنید که مرض [illegible] می آورد [illegible] بجامه حمام پاک کنید
که آب روی را می برد و امام رضا ع فرمود که در حمام روغن زیت و سبوس بر بدن مالید
روایت است چیزی که فایده به بدن میرساند اسراف نیست اسراف تلف مال است در چیزی
که مضرت ببدن رساند و امام جعفر صادق ع فرموده که در حمام بوی خوش بکار داشتن
روایت و دایم بکار داشتن در حمام سنت نیست و [illegible] و همچنین از امام
رضا ع پرسیدند در باره مردی که در حمام بعد از نوره روغن ببدن مالد فرمود که روایت د
از امام جعفر ع پرسیدند که در حمام بعد از نوره [illegible] ببدن مالیدن روایت و اسراف
نیست فرمود [illegible] در صلاح بدن است اسراف نیست تلف مال اسراف است در چیزی که ببدن مضرت
رساند شخصی از اصحاب وی پرسید که این رسول الله [illegible] که ان [illegible]
فرمود که نان با نمک خوردن و توانایی بغیر آن [illegible]
یعنی میانه روی فرمود که نان با گوشت [illegible] و بروغن زیت [illegible]
در تراشیدن موی سر و ازاله کردن موی از [illegible] اعضا از عانه و بغل در کتاب من لا یحضره
الفقیه آورده که پیغمبر ص فرمود [illegible] که آن در جمال [illegible] و امام جعفر
صادق ع فرمود که سر تراشیدن [illegible] براي [illegible]
از براي [illegible] و روایت کرده از امیر المؤمنین ع که [illegible]

زیت [illegible] بر بدن مالد فرمود که روایت و از امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند که در حمام بعد از نوره آرد [illegible]

که بعضی را شسته و بعضی نگذارد و دیگر در صحه گفتگو [illegible] حضرت پیغمبر صلعم آورده اند که برای او

دعا کند و سر او کاکل بود و قبول نکرد [illegible] امر فرمود بتراشیدن سر او و دیگر

موی نگاهداشتن [illegible] رسول صلعم فرمود سر تراشیدن امام حسن و امام حسین علیهما

را بعد از ایشان نقره تصدق فرمود [illegible] و قابله را گوشت

ران داد و فرمود که چون سر تراشید از طرف [illegible] و این دعا بخواند

که بسم الله و بالله و علی ملة رسول الله صلعم اللهم اعطنی بکل شعرة

نورا یوم القیامة [illegible] بگوید اللهم زینی بالتقوی وجنبنی

الردی و امام جعفر ع فرمود [illegible] در هفت روز و نوره در پانزده روز

پرسیدند [illegible] از درازی موی فرمود که اصحاب رسول صلعم [illegible]

پیش از آنکه [illegible] فرمود که موی مینی بکنید که در نیکوئی وی می افزاید

فرمود که حضرت رسول صلعم فرموده که هر که ایمان بخدا و بروز قیامت دارد نگذارد

موی زهار را زیاده از چهل روز و زنی که ایمان بخدا و روز قیامت دارد حلال نیست

که موی زهار را بگذارد زیاده از بیست روز و دیگر امام جعفر صادق ع فرموده که هر که

ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید که نگذارد موی زهار را زیاده از یک هفته و هر که

یکبار نوره نهند پس هر که زیاده ازین بگذارد نماز ندارد و حضرت رسول صلعم فرموده

که مرد و زن باید که بتراشند موی [illegible] امام جعفر صادق ع روایتست که حق

تعالی امر فرموده ابراهیم ع را که پاکی کن پس ازو زهار را تراشید دیگر فرمود که نوره زا

[Margin: الحضرت تا دو روز … تراشید [illegible]]

44

زابل سازند موی بغل و حجامت کنند آن موضع را ضعیف بسازد و ضعف بینی [illegible]

و دیگر فرمود که تراشیدن [illegible] کنند و نوره نهادن بهتر است

از تراشیدن و امیر المؤمنین ع فرموده که ازاله کردن موی بغل بوی بد

و آن را گیرد و [illegible] سنت [illegible] حضرت رسول صلعم فرموده که باید

که موی بغل را دراز نگذارد [illegible] شیطان در وی پنهان میشود و جنب را باکی نیست که نوره

بنهد زیرا که نوره در پاکی می افزاید و امام جعفر صادق ع فرموده که زمان میان نوح و ابراهیم

هزار سال بود و شریعت ابراهیم [illegible] توحید و اخلاص بعبادت [illegible]

میبود و آن فطرت درست بود که [illegible] خلایق مخلوق شده بودند [illegible]

گرفتند که غیر از معبود [illegible] و از ایشان [illegible]

و نهی از منکر و حکم [illegible] و احکام فرض مواریث [illegible] بنای خانه

کعبه و مناسک حج پس همه اینها شریعت [illegible] منقول است که حق تعالی امر فرمود با

ابراهیم که پاکی کن پس گرفت موی سبلت را دیگر فرمود پاکی [illegible] موی

بغل را باز فرمود که پاکی کن پس ناخن را چید دیگر فرمود پاکی [illegible] موی زهار تراشید

باز فرمود پاکی کن پس ختنه کرد فصل هفتم در شستن سر بخطمی و رگ [illegible]

بحجر الفقه آورده که حضرت صادق ع فرموده که سر شستن بخطمی در هر روز جمعه امانست

از برص و جذام و دیوانگی [illegible] روزی می افزاید [illegible]

[Margin: در شستن خطمی [illegible] سنت [illegible] بغل را [illegible] فرموده بود [illegible]]

شستن بخطمی [illegible] آورد و امیر المؤمنین ع فرموده که سر [illegible] خطمی [illegible] امن از درد و اندوه [illegible] رسول [illegible] جبرئیل [illegible] بخطمی [illegible] سر برگ سدر

بشوی [illegible] سدرة المنتهی است و امام موسی ع فرموده که شستن سر به برگ سدر [illegible] و امام جعفر صادق ع فرموده که بشوئید سرهای خود را به برگ سدر

بشوئید [illegible] که پاکیزه [illegible] هر ملک مقرب [illegible] و نبی مرسل و هر که سر خود را به برگ سدر

بشوید حق تعالی [illegible] از وی [illegible] روز [illegible] شیطان از او هم از وی مرویست

که هر که [illegible] سر را بخطمی بشوید در روز جمعه حکم آن دارد

که بنده آزاد کرده باشد جابر جعفی گوید که شکایت کردم با امام محمد باقر ع از خارش

سر فرمود [illegible] بگیر و در سرکه [illegible] و نیکو بر هم زن [illegible] بعد از

تمام [illegible] ببوی [illegible] و بعد از آن سر و محاسن خود را بدان بشو که بهتر شود

[illegible] و بعد از آن بمال بروغن کنجد

در نوره نهادن در کتاب من

لا یحضره الفقیه آورده که امام رضا ع فرموده که هر که خواهد نوره بنهد فرا گیرد نوره را

و [illegible] بینی برد و بگوید اللهم ارحم سلیمان بن داود علیهما السلام

کما امرنا بالنورة و از ایشان مرویست که هر که بنشیند در آن حال و نوره

نهاده باشد [illegible] رسیده شود بر دار [illegible] حکم بن اعین گوید که دیدم امام محمد باقر ع

را که بر ناخنهای خود حنا نهاده و فرمود که ای حکم چه میگویی درین گفتم چه گویم

اما نزد [illegible] مکروه [illegible] گفت [illegible] حکم [illegible] که [illegible] نهادن حنا [illegible]

منع [illegible] و [illegible] پس پاکی [illegible] حنا [illegible] رنگ [illegible]

حرمت [illegible] فرموده [illegible] کتاب حق [illegible] او را [illegible] جذام و برص

و آکله و امیر المؤمنین ع فرموده که [illegible] نوره [illegible]

و امام رضا ع فرموده که هر که [illegible] نوره نهد و [illegible]

نکند مگر خود را و امام جعفر صادق ع فرموده که حنا نهادن بر اثر نوره امان است از

جذام و برص و رسول ص فرموده که پنج [illegible] است که [illegible] نوره نهادن [illegible] روز

جمعه و چهارشنبه و وضو و غسل کردن با آبی [illegible] آفتاب گرم شده باشد و [illegible]

چیزی خوردن و بر زن رسیدن در حال حیض [illegible] و در [illegible] طعام خوردن مرویست

که هر که نوره بنهد و بعد از آن حنا بر تمام بدن بمالد خدای تعالی [illegible]

در آداب ناخن چیدن و بروت گرفتن و بر شانه کردن [illegible]

و در آینه نگریستن و حجامت کردن مشتمل بر چهار فصل در ناخن چیدن سلیمان بن

خالد گوید که گفتم مر ابی عبد الله ع را که ناخن بگیرم در هر روز جمعه فرمود [illegible]

موسی بن بکیر گوید که گفتم مر امام رضا ع را که اصحاب ما میگویند که [illegible]

در روز جمعه مناسب است فرمود سبحان الله بگیر هر روز که خواهی [illegible]

از [illegible] روایتست از حضرت [illegible] که ناخن [illegible] ناخن و بروت گرفتن

[illegible] شدن [illegible] دود و زنبابی فرماید و چشم [illegible] ضرر را

کند [illegible] بچیند [illegible] را از ناخنهای او چرک و شقاق در [illegible] دیگر

فرمود که ناخن [illegible] بروت گرفتن در جمعه امانست از جذام از جمعه تا جمعه دیگر

[illegible] از عبد الله بن جعفر که تعلیم کن مرا چیزی [illegible] طلب کردن رزق

گفت بگو اللهم تقبل امری ولا اله غیرک گفت پس اعلام کردم باین امام صادق را

فرمود که من ترا تعلیم کنم در رزق چیزی که زیاده تر باشد ازین گفتم بلی گفت بر

و ناخن جمعه بگیر در هر جمعه روایتست از ابی عبد الله ع که رسول صلعم فرمود که هر

بچیند ناخن خود را در روز پنجشنبه و بروت خود را بگیرد ایمن شود از درد

دندان و درد چشم خلف گوید که امام رضا ع مرا دید که درد چشم داشتم فرمود که آیا

دلالت نکنم ترا بر چیزی که چون آن را بجای آری درد چشم نکشی گفتم بلی یا ابن رسول الله

گفت بچین ناخنهای خود را در هر پنجشنبه گفت چنین کردم پس درد چشم نکشیدم

و امام محمد باقر ع فرمود کسی که در روز جمعه ناخن بچیند و بروت بگیرد و بگوید

در حال چیدن بسم الله و بالله و علی سنة رسول الله حق تعالی بهر پاره مویی

از آن ثواب آزاد کردن بنده کرامت فرماید و بیماری نکشند به بیماری که در آن

وفات نماید و رسول صلعم فرمود که هر که روز سه شنبه و پنجشنبه ناخن و بروت بچیند از درد

و مرویست که امام صادق [illegible] مرد [illegible] اگر بچیند ناخنهای خود را [illegible] که ازان [illegible]

چشم

چشم و درد دندان [illegible] محفوظ باشد و امام [illegible] فرمود که [illegible]

بنا کنید از انگشت کوچک تمام کنید با انگشت کوچک [illegible]

و ناخن خود بگیرید در خاک دفن کنید و امام زین العابدین [illegible]

موها آن مویی که [illegible] دفن کنید [illegible] در بروت گرفتن و اصلاح محاسن کردن [illegible]

بستن و آنچه بدان متعلق است در کتاب من لا یحضره الفقیه [illegible] که امام جعفر صادق ع

که در گرفتن بروت از جمعه تا جمعه دیگر امانست از جذام و حضرت پیغمبر صلعم فرمود که [illegible]

دراز مکنید که شیطان در وی پنهان میشود [illegible] که بروت بچیند از ما نیست و دیگر [illegible]

بچینید و محاسن را کوتاه کنید و شبیه به یهود مشوید دیگر فرمود که مجوس ریش میبرند و بروت

دراز میکنند و ما بروت را میبریم و محاسن را تا قبضه میگذاریم و آن فطرتست و چون بروت

چینید بگویید بسم الله و بالله و علی ملة رسول الله سکونی روایت کند که پیغمبر صلعم فرمود که از سنت

است چیدن بروت تا بلب برسد و امام جعفر صادق ع فرمود که محاسن هر که یک قبضه و بعد

بیشتر باشد در آتش است و فرمود که سبکی محاسن از سعادتست دیگر فرمود عقل مرد میتوان

از سه چیز دریافت درازی ریش و نقش انگشتری و کنیت و روایتست که روزی پیغمبر صلعم نظر کرد به مرد

دراز ریشی فرمود چه شود اصلاح محاسن خود بکنی پس چون رفت و محاسن را اصلاح کرد و باز آمد

آنحضرت چون او را دید فرمود که چنین کنید محمد بن مسلم گوید که دیدم امام محمد باقر ع را که حجام

از محاسن مبارک خود گرفته بود و فرمود که مدور بسازند محاسن را و از امام جعفر صادق ع

محاسن مبارک را خود بدست میگرفت و آنچه از یک قبضه زیاده بود می چید علی بن جعفر گوید که

که من [illegible] از امام موسی ع از مردی که محاسن خود چیده بود فرمود آنکه از

هردو عارض گرفته بود باکی نیست و اما از [illegible] بگیرد و امام جعفر صادق ع

فرموده که مردی [illegible] حضرت [illegible] بود آنحضرت فرمود

[illegible] علیه السلام او را دوری [illegible] صادق ع فرموده که ابراهیم

[illegible] موی [illegible] محاسن [illegible] گفت [illegible] این چه حرامست فرمود

و فا [illegible] فرمود که [illegible] و فا [illegible] روایتست از ابی عبدالله که باکی نیست

بچیدن موی [illegible] محاسن [illegible] آن پس من جیدن از کندن بهترست و [illegible]

نهی فرموده از آنکه ریش را در روزی دو بار شانه کنند و آنحضرت محاسن را شانه

مینمودند و در کتاب نجات آورده که هرکه میخواهد که در آینه نظر و لیکن باید که بدست

چپ بگیرد و بگوید بسم الله و بنهد دست راست خود را بر فرق سر خود بکشد از آن

بر روی خود بگیرد محاسن خود را نظر کند در آینه و بگوید الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي خَلَقَنِي بَشَرًا سَوِيًّا

وَزَيَّنَنِي وَلَمْ يَشِنِّي وَفَضَّلَنِي عَلَى كَثِيرٍ مِنْ خَلْقِهِ تَفْضِيلًا وَمَنَّ عَلَيَّ بِالْإِسْلَامِ

الْإِسْلَامِ وَرَضِيَهُ لِي دِينًا پس چون بنهد آینه را از دست بگوید اللّٰهُمَّ

لَا تُغَيِّرْ مَا بِنَا مِنْ نِعْمَتِكَ وَاجْعَلْنَا لِأَنْعُمِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ و رسول ص در وصیت

با امیر المؤمنین ع فرموده که ای علی چون نظر در آینه بکو اللّٰهُمَّ كَمَا حَسَّنْتَ خَلْقِي

فَحَسِّنْ خُلُقِي وَصُورَتِي وَأَحْسِنْ صُورَتِي الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي زَانَ مِنِّي مَا شَانَ

من عزی

من عزی ذاکر نبی علیه السلام در شانه کردن سر و آنچه متعلق است بران

در کتاب من لا یحضره الفقیه آورده که از امام جعفر [illegible] از قول الهی خذوا

زینتکم عند کل مسجد که مراد [illegible] وقت ریش را نزد هر نمازی و دیگر فرموده

کردن [illegible] آمده [illegible] موی را [illegible] را

[illegible] آورده و [illegible] میکرداند و قطع بلغم میکند و دیگر فرموده که موی [illegible] کردن

و باء میکند و ریش را شانه زدن و دندان را [illegible] و امام موسی ع فرموده که

موی سر و ریش شانه کنید شانه را بر سینه [illegible] دفع غم و باء میکند و امام جعفر ع فرموده

هفتاد نوبت ریش را شانه کند و یکیک را بشمارد تا چهل روز شیطان [illegible]

و در روضة الواعظین آورده که رسول ص محاسن مبارک خود را از زیر چهل نوبت

شانه میکرد و از بالا هفت نوبت و میفرمود که در ذهن می افزاید و بلغم را می برد و امام

موسی ع فرمود که بعاج شانه کنید و باء را دفع میکند و امام جعفر ع فرموده که باکی نیست که شانه

و روغن دان و سرمه دان از عاج باشد و دیگر فرمود که رسول ص فرموده که موی نیکو از

کسوه حضرت عزتست پس گرامی دارید او را و امام جعفر صادق ع فرموده که کسی که ریش

را آورد باید که نیکو ترتیب نماید یا کوتاه کند حضرت رسول ص فرموده که کسی که استاده ریش را

شانه کند بیلای قرض گرفتار شود و دیگر فرمود که در حمام ریش را شانه مکنید که موی تنک

میشود و دیگر فرمود که موی ریش را شانه کردن در وسنی را میبرد و دیگر فرمود موی سر را

کردن نمی از ایل میکند بجو فرموده که هرکه وافر شمارد موی سر را و فرق

نکند حق تعالی از اره از آتشین فرق کند وی رسول صلعم در کثرت لحیه فرق نمی رسید که فرق

[illegible] گوید که من از ابی عبدالله پرسیدم که شانه ظرف روغن از استخوان

فیل [illegible] بود فرمود که بلی ولیکن مکروه است که از نقره باشد و سوال نمودند از ظرف

طلا و نقره که در روغن باشد فرمود که روایتیست که امام حسن ع را آینه بود که

[illegible] فرموده که حلقه آن از نقره بود و امام محمد باقر ع و امام حسن عسکری ع

که سر را شانه کردن علاج موی سر را میبرد و باند و کرم از دماغ میبرد و صفرای

دندان از پاک و محکم میکرد دانند و امام موسی ع فرموده که بپای ایستاده سر را شانه کردن موجب

ضعف دل است و نشسته موجب قوت و پیغمبر صلعم فرموده که ریش را شانه کردن از عقب

درویشی میبرد و روایتست از امام جعفر ع که چون خواهد کسی از شما که سر را شانه کند باید که شانه

را بدست راست گیرد و بنهد بر فرق سر و بعد سر را شانه کند و در محل شانه کردن بگوید اللهم

حسّن شعری و بشری وطیبهما و اصرف عنی الوباء بعد از آن پس سر را شانه کند و بگوید

اللهم لا تردنی علی عقبی و اصرف عنی کید الشیطان ولا تمکنه من قیادی فیردنی

علی عقبی بعد از آن هر دو ابرو شانه کند و بگوید که اللهم زینی بزینة الهدی پس موی

ریش را از بالا شانه کند بعد از آنکه از زیر شانه کرده باشد و در هر دو حال بگوید اللهم

سرّح عنی الغموم والهموم و وحشة الصدور و وسوسة الشیطان و بعد از آن [illegible]

بخواند در روایت دیگر وارد شده از حضرت صادق ع که سر شانه کردن بلغم را دفع میکند

کردن

کردن ابروها جذام را زایل میکند [illegible] و عارض [illegible]

در رسید در روی [illegible] تراشیدن سر را [illegible] فرموده [illegible]

[illegible] کردن امام

جعفر صادق ع فرموده که خون [illegible] پیدا شدن [illegible] و خارش

و چیزی مانند مورچه در بدن روی نمود [illegible] دیگر [illegible]

کردن [illegible] مباشرت اهل خانه فرموده که نظر کنید در روی [illegible]

صفرا است پس فرموده که [illegible] بیا شانه [illegible] پس [illegible]

بحجامت و امیر المؤمنین ع روایت کرده از رسول صلعم فرموده که حجامت [illegible] خون

چون غلبه کرد صاحب خود را بکشد و الصفار روایت کرده از امام رضا ع که [illegible] خون

که مضرت میرساند پس حجامت کنید در اول شب امام جعفر صادق فرموده که روزه دار

غیر ماه رمضان هر گاه که خواهد حجامت کند و اما در ماه رمضان خون بیرون نکند [illegible]

بیم سوزنی باشد مگر بوی مضرت رساند و دیگر فرموده که حجامت ما در ماه رمضان در

و در غیر آن در روز یکشنبه و موالیان ما در روز دوشنبه دیگر فرموده که ناشتا حجامت

مکنید دیگر فرموده که بحمام مروید و حال آنکه شکم شما پر باشد از طعام و حجامت مکنید تا

چیزی از طعام نخورید که آن روانترست از برای عروق و آسانتر برای بیرون آمدن

خون و وقت [illegible] تر از برای بدن و امام موسی ع فرموده که حجامت بعد از

خوردن [illegible] زیرا که هر گاه چیزی خورده و حجامت کرد جمع میشود و خون [illegible]

درد و هرگاه حجامت کرده پس از خوردن خون بیرون می آید و درد می ماند زید شحام گوید که من در خدمت ابی عبدالله ع بودم پس حجام طلب فرمود و گفت تا محجمه را نجب و در محل حجامت که انار [illegible] تناول فرمود و چون فارغ شد از حجامت انار دیگر طلب فرموده خورد و فرمود که [illegible] صفرا را می نشاند و مرویست که آنحضرت یکی از اصحاب فرمود که چون خواهی حجامت کنی و خون برآید از محجمه تو پس بگو پیش از فارغ شدن در محل روان گشتن خون بسم الله الرحمن الرحیم اعوذ بالله الکریم فی حجامتی هذه من العین فی الدم و من کل سوء باز فرمود که هرگاه این را گفتی جمع کرده و خیرها از برکه حق تعالی فرموده در کتاب عزیز خود ولو کنت اعلم الغیب لاستکثرت من الخیر و ما مسنی السوء ابو بصیر گوید که پرسیدم از امام محمد باقر ع که چیز بخورند بعد از حجامت فرمود که کاهو [illegible] و مرویست که ابی عبدالله ع چون حجامت میکرد بجاریه خود که از قند و نبات چیزی می آورد و از امام موسی ع روایت که رسول صلعم فرمود که هر که از شما خواهد که حجامت کند باید که در روز شنبه حجامت کند و امام صادق فرموده که حجامت در روز یکشنبه شفاست از هر دردی و هم از آنحضرت روایتست که گذشت بقومی که حجامت میکردند فرمود که چه میشد که تاخیر میکردید تا آخر روز یکشنبه تا آن درد را از شما میبرد روایتست که حضرت رسول صلعم میفرمود که حجامت کنید در روز شنبه بعد از عصر و ابو سعید خدری گوید که حضرت رسول صلعم میفرمود که حجامت روز سه شنبه هفدهم ماه یا نوزدهم ماه یا بیست و یکم ماه موجب شفاست از دردهای تمام سال زید بن علی روایت کند از

ودیگر فرموده که سر [illegible] بعد از حجامت چون ناهار را برف با [illegible] میکرداند و در قوة [illegible] از ابد

امیرالمؤمنین ع که رسول صلعم فرموده که [illegible] روز چهارشنبه حجامت [illegible] پس ملامت نکند مگر نفس خود را و از امام صادق ع روایتست [illegible] از راه در بدن او بیرون کشد و دیگر فرموده که چون جمع میشود در موضع حجامت در روز پنجشنبه پس زوال آفتاب شد متفرق میکرده [illegible] خود را از حجامت پیش از زوال و نهی مینمود از حجامت کردن در پسین روز جمعه و میفرموده که آیة الکرسی بخوانید در وقت حجامت کردن و امام موسی ع فرموده که حجامت را از دست مگذارید در هفتم ماه [illegible] پس اگر آن فوت شود پس از چهاردهم ماه و از امام صادق ع روایتست که رسول صلعم حجامت میفرمود در سر و زیر هر دو شانه و قفای خود و اول را نافعه میگفتند و دوم را مغیثه و سوم را منقذه و امام جعفر ع فرموده که کودک چون چهار ماهه شد در هر ماهی یکبار حجامت کند لعاب دهانش کم میکند و ماده را از سر فرو می آرد و بدن را پاک میگرداند معاویة بن حکیم گوید که امام محمد باقر ع فصاد را طلب فرموده از شکم مبارک خود فصد فرمود حضرت پیغمبر صلعم فرموده که جبرئیل ع چندان مرا بحجامت وصیت نمود که گمان بردم که واجبست و دیگر فرمود که حجامت زیاده میکند عقل و قوت و حافظه را شکایت کرد مردی نزد امام جعفر صادق ع از خارش فرمودی که حجامت کن سه نوبت در هر دو پای میان ساق و کعب چنین کرد از او زایل شد و شکوه کرد مردی با امام رضا ع از جرب فرمود که آن از بخار جگر است فصد کن از پای راست و دو درم روغن بادام شیرین با آش جو بخور و پای می دیگر که بخورد چون چنین کرد باذن الله تعالی صحت یافت

در آداب رنگ کردن موی و در [illegible]

در فصل رنگ کردن موی [illegible] مشتمل بر شش فصل

[illegible] و ذکر منافع آن در کتاب من لا یحضره الفقیه آورده که حضرت رسول صلعم فرمود که

[illegible] بحنا رنگ کنید که دیده را روشن میگرداند و مو را میرویاند و بوی دهان را خوش میکند

و درد را ساکن میسازد و امام جعفر صادق ع فرموده که حنا نهادن در دو چشم را [illegible]

روی را فرابه و بوی را خوش میسازد و ولد را نیکو میگرداند و امیرالمؤمنین ع فرموده که

بحنا رنگ کردن بدیه و سنت حضرت رسالت است صلعم روایت است که کسی آمد بخدمت رسول صلعم

ریش را زرد کرده بود آنحضرت فرمود که نیکوست این پس باز آمد و بحنا رنگ کرده بود فرمود

که این نیکوترست دیگر باز آمد و سیاه کرده بود خنده بر آنحضرت غلبه شد و فرمود که این

نیکوترست از آن هر دو و رسول صلعم فرموده مر امیرالمؤمنین ع را که در رنگ چهارده خصلت است

آواز گوش را دفع میکند چشم را روشن میگرداند و دماغ را نرم میسازد و بوی دهان را

میبرد و دندان محکم میسازد و فرح میرساند مؤمنان را و مرض میبرد و وسوسه شیطان را میبرد و

را خرم میسازد و کافر را بخشم می آرد و زینت است و آرایش و پاکیست و آسایش و منکر

و نکیر را بشرم می آرد و برائت و خلاصی در قبر و رسول صلعم فرموده که دوست ترین خضاب که

نزد خدای تعالی خضاب سیاهیست و امام رضا ع فرموده که در خضاب اجر بسیار است و

که آن زیاده میگرداند عفت و صلاح و صورت زنان را بحدی که یکی از شما زن بصورت خوب

می بیند خرم میشود و عفتش زیاده میگردد و بدرستی که سلیمان پیغمبر را ع هزار زن بود در قصر

سعیدش زن مهر بود و [illegible] کنیز بود و در هر روز و شب جهت ایشان

(margin: ای علی یک درهم [illegible] در راه خدا [illegible])

کمی

٤٠

باکیزگی میکرد در رنگ کردن محاسن بسیاهی ابی عبدالله ع روایت [illegible]

پیغمبر ص آمد پس نظر فرمود موی سفید در محاسن او دید فرمود [illegible]

نوری باشد در قیامت رخشان پس چون باز آمد بحنا رنگ کرده بود محاسن [illegible]

فرمود اکنون نور است و اسلام دیگر باز آمد و بسیاهی رنگ کرده بود فرمود این زمان نور

و ایمان و اسلام و محبت زنان و ترس در دلهای دشمنان حسن بن جهم گوید که رفتم بخدمت

ابی الحسن ع دیدم که محاسن بسیاهی رنگ کرده بود گفتم فدای تو گردم خضاب فرموده گفت در خضاب

دو اجر است یکی خضاب است و دیگر تهیه اسباب آن که می افزاید در عفت زنان و اگر ترک

کنند عفت را زنان هر آینه ترک میکنند شوهران ایشان تهیه را که میکردند برای ایشان و

ابو عبدالله ع فرموده که امام حسین ع ریش مبارک خود را بوسمه رنگ میکرد و بر روی خود می

و جابر روایت میکند از امام محمد باقر ع که او فرمود که جماعتی نزد امام زین العابدین ع

آمدند دیدند که محاسن را بوسمه رنگ کرده از آن پرسیدند دست مبارک بمحاسن کشید فرمود

که رسول الله در غزای از غزوات امر فرمود اصحاب را که محاسن را رنگ کردند تا [illegible]

از مشرکان و امام محمد باقر ع فرموده که زنان دوست میدارند که زینت کنند مردان بجهت ایشان

دوست میدارند مردان که زنان آرایش کنند بان در رنگ کردن بحنا و غیر آن و حنا

نهادن برای زنان حبلی گوید که من از ابو عبدالله ع پرسیدم از رنگ کردن موی فرمود

که رسول صلعم و امام حسن ع و امام حسین ع و امام محمد باقر ع خضاب میفرمودند بکتم و آن

رنگیست که بوسمه می آمیزند و بان رنگ میکنند و ابو عبدالله ع محاسن خود را زرد میکرد

(margin: امام صادق [illegible] خضاب [illegible] بهشت از [illegible] دشمنان [illegible])

پناه خلقی و مبتلا نموده که خضاب زلحیه میکند جوانی را و در خدروی می افزاید اسمعیل بوشع

گوید که من بخدمت امام رضا علیه رفتم و گفتم که من کبرکی دارم جوان که حیض او برطرف

شده که او را بجا نیکو نموده باشد که آن عوا که چون حنین کردم عود کرده دیگر فرموده که خضاب

سه خصلت است یکی هیبت در حرب و قتال و محبت زنان و افزودن در باه و روایت

که امام رضا علیه فرموده که در خضاب ثواب بسیار است و قوة باه بدرستی که زن دوست میدارد

که به بیند از مرد صورت و زینت خوب و زنان بنی اسرائیل که از عفت و صلاح بفسق و فجور

افتاده اند جهت آن بود که شوهران ایشان زینت کم میکردند و میگفتند ما میخواهیم از

شما آنچه میخواهید از ما و حضرت رسول صلعم فرموده که خضاب بهترین رياحين بهشت

و قیام نماینده در خضاب مجو روند است در راه خدا و دیگر فرموده که خضاب در اسلام زینت میدهد

مومن را و میبرد درد سر را و دیگر فرموده آنچه تغییر میدهد شما پیری را خضاب است و کتم و امیر

المومنین علیه نقل فرموده از آنحضرت که رنگین شوید بحنا که می افزاید در جوانی و جمال شما و دوست

میدهد در نگاه شما و حسن روی شما را نگاه میدارد حق تعالی مباهات میفرماید بشما و انگاه

درهمی در راه خدا صرف کردن حکم هفتصد درهم دارد و درهمی در خضاب صرف نمودن حکم

هفتهزار ... هرگاه که یکی از شما مرد و منکر و نکیر که بر او داخل شدند و نظر کردند بحنا

شما حیا میکنند میگوید یکی به آن دیگر که بیا تا بیرون رویم از نزد او که ما را بر و رای

نیست و آنحضرت امر میفرموده زنان شوهردار و غیر شوهردار را بخضاب اما شوهر دار

بجهت آرایش او تا شوهر را خوش آید اما غیر شوهر دار را تا مانند نشود دست او به مرد

در کراهیت خضاب نهادن مرجنب و حایض را و پیوند کردن موی امام

فرموده

فرموده که مکروه است رنگ کردن مرد در حال جنابت ... که کسی که خضاب کند

باید در حال خضاب خود را جنب گرداند ایمن نشود بر خود با آنکه شیطان ... در وقت غسل

امام جعفر صادق علیه فرموده که جنب مباشید و جنب مگردید در حال خضاب زن حایض

الجنبین که شیطان حاضر میشود نزد ایشان اما اقتصار از جای ... و سوال نمودند از یکی ائمه

که روایت که زن موی سر را بموی دیگر پیوند کرد جواب فرمود که از موی خودش باکی نیست و از موی

غیر او ... سلیمان بن خالد گوید که از ابی عبدالله علیه پرسیدم از پیوند موی زنان فرمود که از موی

دیگر پیوند روا نیست و اما از پشم و موی گوسفند روا است عمار ساباطی گوید که گفتم بابی عبدالله

راکه مردمان روایت میکنند که رسول صلعم لعنت فرموده واصله و موصله را فرمود که بلی گفتم

اگر بموی حیوانی پیوند کند چون است فرمود که باکی نیست گفتم پس چه معنی دارد واصله و موصله

فرمود که مراد زن فاجره و قواده است

در بیان انگشتری و آنچه متعلق است

بیان دیگر آن امام موسی علیه فرموده که پدر بزرگوار من انگشتری داشت که از هفت دینار

طلا خریده بود و پرسیدند از امام جعفر علیه از انگشتری حضرت رسول صلعم فرموده که از نقره بود

و نوشته بود در آن که محمد رسول الله پرسیدند که نگین آن فرمودند سکونی روایت کند از

ابی عبدالله علیه که پیغمبر صلعم فرموده که حق تعالی پاک نمیدارد دستی را که در او انگشتری آهن باشد

و هم او روایت کرده از پدران خود که رسول صلعم امر فرموده ما را بهفت چیز و نهی نموده از

هفت چیز امر فرموده ما را به پرسیدن بیماران و بردن جنازه ها و افشای سلام بکوچک و بزرگ

و یاری دادن مظلوم و اجابت کردن داعی و راست ساختن سوگند و جواب عطسه

گفتن بیرحمک الله و نهی نموده ما را از انگشتری طلا و آشامیدن بظرف نقره و نشستن

بر زنان نیست مگر از حریرهایی که بغایت سرخ باشد و از پوشیدن ابریشمینه و دیبا و از جمله
و ابوعبدالله ع روایت کرده که حضرت رسول ص فرموده مر امیر المؤمنین ع را که بپرهیز که
حذر کنی از انگشتری طلا در دنیا که آن زیور تو خواهد بود در بهشت داود بن سرحان گوید
که پرسیدم از ابی عبدالله ع که چگونه است کودکان را زیب و زینت دادن بطلا فرمود که
پدرم زنان و فرزندان کوچک را زینت میفرمود بطلا و آن باکی نیست امام موسی ع فرموده
که پدرم نهی میفرمود از انگشتری که در آن نگین نجادی باشد و فرمود که زید بن علی ع را که
شهید کردند نگین نجادی در دست داشت و مرویست که امیر المؤمنین ع را چهار انگشتر بود
از نقره یکی به نگین یاقوت سبز در دست میکرد بجهت تیر انداختن و دیگری به نگین عقیق
سرخ جهت حفظ در دست مبارک میکرد و دیگری بنگین فیروزه در دست میکرد جهت ظفر
و فیروزی و یکی نگین آهن صینی در دست میکرد جهت قوت افزودن و نهی میفرمود شیعیان را
از انگشتری آهن و وصیت میفرمود اصحاب خود را که در نقش نگین او نام خدای تعالی
باشد از دستی که بآن استنجا میکنند بگردانند از این دست بدست دیگر بعضی از حجب راست در دو
است از ابی عبدالله ع که رسول ص فرمود که انگشتری یاقوت نفی فقر میکند و انگشتری عقیق
خوشحالی می آورد و امیر المؤمنین ع فرموده که هر که انگشتری عقیق در دست کند حق تعالی
خاتمت و عاقبت او را مبدل گرداند بامن و ایمان و مرویست از ابی عبدالله ع که انگشتر
عقیق در دست کنید که آن اول کوهی بود که اقرار کرد خدا را بربوبیت و محمد ص را بنبوت

وعلی را

و علی را بوصیت و اول کوهی که تکلم کرد حق تعالی موسی پیغمبر را بکلام خود که هر که نماز با آن
بگذارد افضل است بهفتاد درجه از نمازی که بغیر آن گذارند از الوان و انواع وجوه
اعمش گوید که من در خدمت امام جعفر صادق ع بودم بر در خانه منصور دوانقی
مردی از نزد او بیرون آمد و بر او تازیانه بسیار زده بودند فرمود که ای سلیمان نظر
کن در دست او که نگین انگشتری او از چه چیز است گفتم یا بن رسول الله نگینش غیر عقیق است
فرمود که ای سلیمان اگر عقیق میبود تازیانه نمیخورد گفتم یا بن رسول الله بیان زیاده کن

فرمود که آن امانست از بریدن دست گفتم بیان زیاده

فرمود که آن امانست از خون گفتم بیان زیاده کن فرمود که خدای تعالی دوست میدارد
دستی که بالا دارند و در او نگین عقیق باشد گفتم یا بن رسول الله زیاده فرما فرمود
که عجب است از دستی که در آن نگین عقیق باشد و آن خالی باشد از دنانیر و دراهم گفتم
دگر زیاده کن فرمود که آن حفظ است از هر بلا گفتم زیاده کن فرمود که امان
از فقر گفتم این حدیث که نقل میفرمایی منقولست از امام حسین ع که نقل فرموده از
امیر المؤمنین ع فرمود که بلی در ثواب الاعمال روایت کند از امام رضا ع که ابو عبدالله ع
فرموده کسی که فرا گیرد انگشتری نقره که نگین آن از عقیق باشد محتاج نشود و حاجتهای
او روا گردد بر وجه احسن امیر المؤمنین ع فرموده که انگشتری نگین عقیق در دست کنید
که آن مبارکست و شما را بخشند در امن و امان از بلا و امام جعفر صادق ع روایت کرده اند
از پدران خود که مردی شکایت برد به نزد رسول ص از حرامیان که بوی مضرت رسانیده

بود فرمود که مگر انگشتری عقیق در دست نداشتی چه آن مرد را نگاه میدارد از هر آفتی
و مضرتی و دیگر امام ع فرمود که هر که انگشتری عقیق در دست داشته باشد پس هر سختی که روی
نیکی بسر ما دام که آن در دست اوست و همیشه بر وی اجابت حق تعالی نگاه دارنده باشد
که وی را از آفت نگاه دارد و مردی که در جائی افتاده بود که زرش بجانب امام جعفر صادق
افتاد فرمود که انگشتری عقیق را از دست مگذارید که در دستی که انگشتری عقیق باشد
مکروه نه بیند عبد المؤمن انصاری گوید که آنحضرت فرمود که فقیر نشود مردی که در دست
او انگشتری فیروزه باشد و امیر المؤمنین ع فرموده که در دست کنید انگشتری که نگین آن ع[قیق]
یمانی باشد زیرا که او دفع میکند شیطان بر کشش را و امام جعفر صادق ع فرموده که
نیکو کیفیت بلور و منقولست که انگشتری زرد و یاقوت زرد دلقی درویشی میکند و دیگر
امام جعفر ع فرموده که نقش نگین رسول صلعم محمد رسول الله بود و نقش نگین امیر المؤمنین
الله الملک بود و نقش نگین امام محمد باقر ع العزة لله و از صفوان روایتست که نقش
نگین امام جعفر صادق ع انت ثقتی فاعصمنی من خلقک و روایتست از ابراهیم
بن حمید که نقش نگین امام رضا ع حسبی الله بود و نقش نگین امیر المؤمنین ع نعم القادر
الله بود و نقش نگین آدم ع لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله ابن خالد گوید
که امام رضا ع فرمود که حق تعالی وحی فرمود بنوح پیغمبر ع که چون تو و آنانی که با تو در کشتی
اند قرار گیرند تو هزار بار بگو لا اله الا الله و حاجت خود در آنجاه پس چون سوار شدند

بکشتی

بکشتی و باد تند شد کشتی بالا گرفت و اضطراب پیدا کرد گفت نتوانستم تا هزار بار تهلیل گویم بترسیدم که
پیش از فارغ شدن من غرق شود کشتی پس اختصار فرما که زود توانم گفتن هزار را خدای تعالی
فرمود که یکبار بگو الفا هو هو هو یا باری اتقن گفت پس کشتی قرار گرفت و حق تعالی ایشان را
ایمن گردانید از غرق و سالم ماندند پس نوح ع فرمود کلامی که من با قوم بآن نجات یافتیم لایق
وارانست که از او نقش نگین انگشتری کرده ام و از خود جدا نکنم حسین بن خالد گفت این کلام
سریانی است تفسیرش بعربی چنینست فرمود لا اله الا الله الف مرة یا الله اصلح و فرمود
که نقش نگین ابراهیم ع شش حرف بود که جبرئیل ع آورده بود در وقتی که او را در منجنیق نهاده
بودند که باتش اندازند گفت مر او را که یا ابراهیم ع حق تعالی ترا اسلام رسانیده و میفرماید که بر نقش
دار نقش خود را و باک مدار و امر فرمود که این کلمات را نقش ساز تا آتش را حق تعالی بر تو سرد گرداند
و سالم مانی و آن شش حرف اینست لا اله الا الله محمد رسول الله توکلت علی الله
أسندتُ ظهري إلى الله فوضتُ أمري إلى الله لا حولَ ولا قوةَ إلا بالله العلي
العظيم و نقش نگین انگشتری سلیمان ع این بود سبحان من الجم الجن بکلماته و نقش
نگین موسی ع که در توریت مسطور بود و اینست اصبر توجر اصدق تنج و نقش
نگین عیسی ع این بود که در انجیل مذکور است که طوبی لعبد ذکر الله من اجله و ویل
للعبد نسی الله من اجله و نقش نگین امام حسن ع العزة لله و نقش نگین امام
حسین ع ان الله بالغ امره و از علی ابن الحسین همان نقش نگین پدر بزرگوار خود نقل

خود بود و نقش نگین امام محمد باقر ع حسبی الله حافظی بوده و نقش نگین امام نقی ع
الله الملک و از امام حسن عسکری ع ما شاء الله لا قوة الا بالله و در روایتی دیگر وارد
یافته که نقش نگین انگشتری امیر المؤمنین ع هفت سطر بوده که بجوهر حدید صینی ابیض
صافی نقش کرده بودند که در کارزارها بدست مبارک میکرد و بدین عبارت اعددت
لکل هول لا اله الا الله و لکل کرب لا حول و لا قوة الا بالله و لکل مصیبة فادحة
حسبی الله و لکل ذنب و کربة استغفر الله و لکل هم و غم فادح ما شاء الله
و لکل نعمة متجددة الحمد لله ما بعلی بن ابی طالب من نعمة فمن الله و در روایتی
دیگر وارد است که نقش نگین امام محمد باقر ع این بوده که ظنی بالله حسن و بالنبی المؤتمن
و بالوصی ذی المنن و بالحسن و الحسین و اسمعیل بن موسی گوید که
نقش نگین انگشتری جد بزرگوار من امام جعفر صادق ع این بود یا ثقتی قنی
فتنة جمیع خلقک و امام محمد باقر ع فرموده که هر که نقش نگین و آیتی از کتاب
الهی باشد آمرزیده شود بجر گوید که پرسیدم از ابی عبد الله ع از انگشتری بدست راست
کردن فرمود همه بنی هاشم بدست راست میکردند و پدرم نیز بدست راست میکرد و ابو الحسن ع
افضل و افقه بنی هاشم بود در آن زمان و روایت کند امیر المؤمنین ع و امام حسن
و امام حسین ع گاهی نیز بدست چپ میکرده اند و هم او روایت کند که پیغمبر صلعم
میفرمود امت را که انگشتری بانگشت مسبابه و انگشت میانین نکنید روایت

لم تزن

که چون انگشتری بدست کنید این بخوانید اللهم سومنی بسیما الایمان و توجنی تاج
الکرامة و قلدنی حبل الاسلام و لا تخلع ربقة الایمان من عنقی
منقولست که چون اول ماه رمضان بر نگین صینی این نقش کنند در دو سطر که
کعلمون لا اله لا الا الاول یا الله برای همه علتها نیکوست
کعلمون
در آرایش و زیور زنان با انگشتری و دست برنجن و غیر آن روایتست از مفضل که امام
محمد باقر ع فرموده که فاطمه زهرا ع بهترین زنان اهل بهشت است و مقنعه یا کره
او از دوش مبارکش فرو دآمده بود و بیشتر دستش را پوشیده و ابو عبد الله ع فرموده
که بهتر آنست که زن مسلمه برهنه نباشد که بدن وی را بپوشاند و از زیور زن آنحضرت
پرسید فرموده که بهتر آنست که ترک زیور کنند و اگر چه آن قلاده باشد در گردن
و باید که ترک نکنند خضاب را و اگر چه سائیدن باشد بجای بستن اگر چه آن زن
سالدار باشد زراره روایت کند از امام محمد باقر ع که عادت رسول ص آن بود
که چون سفر میفرمود سلام و وداع میکرد بر هر یک از اهل خود تا آخر وداع فاطمه ع
بعد از آن بر دیگر خانها پس که از سفر باز گشته بخانه وی فرمود در آن وقت چیزی
از غنیمت با میر المؤمنین ع رسیده بود و بفاطمه داده و او از آن دو دست برنجن
نقره ساخته بود و در دست داشت و یک پرده جهت در خانه خریده بود و آویخته
چون آنحضرت دست برنجن و آن پرده را دید تمام نخاشت و نظر کرد بسوی فاطمه ع

دیدند ایکبیبی دیگر بعد افتاد و چون آنحضرت نه بعادت بهتر بوی سلوک فرمود
چون آنحضرت بمنزل خود فرمود فاطمه ع آن دو دست برنجن را از دست بیرون کرد
و پرده را نیز از در باز کرد و با حسن و امام حسین ع داده بخدمت جد بزرگوار خود فرستاد
که سلام فرموده من برسانید و بگویید که امر از شماست بعد از این هر چه فرمایی چنان
کنیم چون ایشان آمدند و پیغام گذاردند آنحضرت ایشانرا در کنار گرفت و بوسه داد
و نوازش فرموده فرمود که مادرت برنجن دوگانه را شکسته شد و آن پرده را چند پاره کرد
و اصحاب صفه از مهاجرین که بغایت فقیر بودند طلب کرده با ایشان قسمت نمود
بعد از آن فرمود زنانرا سر بر ندارند از رکوع و سجود تا مردان سرهاشان بردارند
که ازار مردان کوچک بود و چون رکوع و سجود میکردند عورت ایشان می‌نمود
و میدیدند جماعتی که در پس ایشان نماز گذاردند از زنان آنحضرت فرمود زنان را
تا ایشان سر بردارند و این سنت گشت و بعد از آن فرمود که حق تعالی رحمت کند
بر فاطمه ع در عوض این لباس و حلهای بهشت بوی کرامت فرماید حلی بوده اند
پرسیدم از امام جعفر ع که چون کسی دندانی بیفتد جایز است ورا که دندانی
از طلا یا دندانی از گوسفند بجای آن نهد فرمود بلی اگر دندان گوسفند مرده باشد
و زراره گوید که شخصی پرسید از آنحضرت و من حاضر بودم که اگر دندان مردی بیفتد
دندان مرده آدمی بجای آن نهد چون است فرمود باکی نیست باب ششم در آداب
لباس پوشیدن و ترتیب مقام و پیشکش دادن و آنچه بدان تعلق دارد مشتمل بر ده

فصل

فصل در پوشیدن لباسهای زیبا و کفش پوشیدن تا خروج روایت است از امام
جعفر صادق ع که ابن عباس از جانب امیرالمؤمنین ع بمیان خوارج میرفت پوشیده بهترین
جامها که ببوی خوش مطیب ساخته بود و بر نیکوترین مرکبها سوار شده بسوی ایشان روانه
گشت گفتند ای پسر عباس ما خیال کردیم که تو در میان ما بهترین ناس باشی و تو را لباس
جباره و مراکب ایشان پس ما آمده ابن عباس این آیه را خواند قل من حرم زینة الله
التي اخرج لعباده والطيبات من الرزق پس من لباس زیبا پوشیدم و بر مرکب
رهوار سوار شدم زیرا که خدا تعالی جمیل است و جمال را دوست میدارد و لیکن از حلال
باشد اسحق بن عمار گوید که من پرسیدم از آنحضرت از مرد مالدار که تجمل بسیار میکرد و او را
جامها و پیراهنهای متعدد بود که هر بار بلباسی بیرون آید آیا این اسراف باشد فرمود که
حق تعالی فرموده لینفق ذو سعة من سعته و ابو عبدالله ع روایت کند که مردی در
خانه پیغمبر ایستاده بود و انتظار میکشید که آنحضرت را ببیند و وی در کوزه آب نظر میکرد
و موی محاسن را راست میکرد چون بخانه معاودت فرمود عایشه گفت یا رسول الله
تو سید اولاد آدمی و رسول پروردگار عالمی بر کوزه ایستاده در روی و محاسن می‌نگری
فرمود که ای عایشه بدرستی که خدای تعالی دوست میدارد که چون کسی نزد برادر خود رود
تجمل کند و خود را بیاراید امام علی بن موسی الرضا ع فرموده که آرایش مرد در عفت
زن می افزاید روایت است که سفیان ثوری گفت با امام صادق ع که تو روایت میفرمایی

که حضرت امیر المؤمنین جامه درشت میپوشیدند و تو جامه‌های نازک می‌پوشی که آنحضرت
در زمانی تنگ بوده و این زمان وسیع است پس بمقتضای زمان عمل کردن اولیست
و امام رضا ع فرموده که یوسف پیغمبر ص جامه‌های حریر مطرز می‌پوشید و بر تخت حکومت
می‌نشست امام محتاج نبوده است و روایتست امام زین العابدین ع دو جامه می‌پوشیدند
در تابستان که به پانصد دینار طلا میخریدند و در زمستان جامه نفیس از خز می‌پوشیدند
و در تابستان به پنجاه دینار طلا میفروختند و صدقه میفرمودند و امیر المؤمنین ع میفرمود
باید که شما زینت کنید جهت برادری که نزد شما آید همچنانکه زینت میکنید از برای غریبی
که دوست میدارید که ببیند شما را بصورت و هیئت خوب و ابو حداث مهری گوید که غلام
امام رضا ع اند بیصره که او رعیبه میکفشد کف قومی از اهل خراسان بخدمت امام رضا ع
آمدند و گفتند مردمان انکار تو میکنند از لباسهای زیبا که میپوشی و مرکبهای خوش
که سوار میشوی فرمود در جواب ایشان که یوسف پیغمبر ع پیغمبر بود و پسر پیغمبر و پسر پسر پیغمبر
بود و قبای می‌پوشید و از زربفت می‌پوشید و بر متکاهای آل فرعون می‌نشست بود و این
حال مرتبهٔ او را نکاست بلکه نزد حضرت ذو الجلال بر امام واجبست که حکم بعدل
کنند و چون وعده کند وفا نماید و راست سخن بگوید و آنچه خدای تعالی حرام کرده کم و بسیاری آن
و آنچه حلال فرموده است نیز کم و بسیاری باشد اسحق بن عمار گوید که گفتم مرا ابی
عبدالله را که ... بود که مومن زاده بر من باشد فرمود بلی گفتم ... هم فرمود بلی

واین

و این اسراف نیست اسراف آنست که بر من که داشت تو پیراهن تن تو باشد
امام جعفر ع چون جامه نو پوشیدی این دعا خواندی اللهم ارزقنی فیه شکر نعمتک
و حسن عبادتک والعمل بطاعتک الحمد لله الذی رزقنی ما استر به عورتی
واتجمل به فی الناس معویه بن عمار گوید که پرسیدم از امام محمد باقر ع چون کسی
که جامه نو پوشد چه دعا خواند فرمود که بگو که بسم الله و بالله اللهم اجعله ثوب
یمن و تقوی و برکة اللهم ارزقنی فیه حسن عبادتک و عملا بطاعتک
و اداء شکر نعمتک الحمد لله الذی کسانی ما اواری به عورتی واتجمل
به فی الناس و در وقت زیر جامه پوشیدن این دعا بخواند اللهم استر عورتی
و آمن روعتی و اعف فرجی ولا تجعل للشیطان فی ذلک نصیبا و لا له
الی ذلک وصولا فیصنع لی المکائد ویهیجنی لارتکاب محارمک و امام جعفر
صادق ع فرمود که امیر المؤمنین ع فرموده که طریق پیغمبران کرام ع آن بود که پیراهن
از زیر جامه پوشیدندی و ایستاده در رو بقبله و روی بآدمی نپوشیدندی روایتست
از امام جعفر صادق ع که میفرمود که شنیده ام که روزی امیر المؤمنین ع غمگین بود بعد از آن
فرمود که نمیدانم که بر آستان در نشسته ام یا میان گوسفندان گذشته ام یا زیر جامه
ایستاده پوشیده ام یا دست و روی را با من جامه پاک کرده ام روایتست از آنحضرت
که میفرمود کسی که راضی شد از دنیا بآنچه او را کافیست قدر کفایت آسانترین وجهی باو میرسد

اللهم اجعله ثوب یمن و برکة

و اگر راضی نشد هیچ وقت نمی باید القدر که او را کفایت باشد و دیگر فرمود چون کسی جامه نو
پوشد وضو سازد و دو رکعت نماز بگذارد و بسوره فاتحه و قل هو الله احد و آیة الکرسی و انا
انزلناه بخواند بعد از این حمد الهی بجای آرد که ستر عورت او فرموده بان جامه و زینت
داده او را بآن در میان مردمان و بسیار بگوید لا حول و لا قوة الا بالله را پس
او در آن جامه عصیان نکند و مر او را باشد بعدد هر رشته که در وی است فرشته که از برای
او استغفار کند و ترحم بر او از حق تعالی طلبد و ابو عبد الله ع فرموده که چون یکی از شما او
ضو بسازد یا آبی بیاشامد یا طعامی بخورد یا جامه بپوشد و هر کاری که خواهد بکند سزاوار است
مر او را که خدای تعالی را یاد کند اگر چنین نکرد شیطان با او در آن کار شریک گردد و در روایت
دیگر آمده که کسی که قدحی پر آب کند و آیة الکرسی بر وی بخواند و پنج بار انا انزلناه بخواند
و آن آب را بر آن جامه نو بپاشد روزی او بسیار گردد تا آن جامه کهنه شود
مرویست که چون امام رضا ع که چون جامه نوی پوشیدندی قدحی آب میطلبیدند و ده
نوبت سوره انا انزلناه و همچنین قل هو الله و همچنین قل یا ایها الکافرون را
میخواندند و آن آب را بر آن جامه می پاشیدند و میفرمود کسی که چنین کند او همیشه
در عیش خوشگوار باشد تا آن جامه باقیست

باب در کوته کردن جامه

داشتن آن روایتست که امیر المؤمنین ع فرمود پوشیدن جامه غم و اندوه را میبرد و آن
یعنی کوتاه کن آن را و آن پاکیزه تر است از برای نماز و حق تعالی فرموده که و ثیابک فطهر

در پوشیدن لباسها

و انواع و اختلاف آن ابو عبد الله ع روایت کرده از امیر المؤمنین ع که او خبر داد

فرموده

فرموده که لباس پنبه بپوشید که آن لباس رسول ص است و لباس آنحضرت
و لباس ما بود پشمینه نمی پوشید مگر بنا بر ضرورت چه حق تعالی جمیل است و جمال را دوست
میدارد و نیز دوست میدارد که بنماید اثر نعمت خود را به بندگان و دیگر فرموده که کتان
از لباس پیغمبران است امام محمد باقر ع فرموده که پیغمبر ص فرموده که هیچ لباسی بهتر از
سفید نیست پس او را بپوشید و کفن مردگان را از آن کنید سلیمان بن رشید گوید که
پدرم گفت دیدم بر امام رضا ع دراعه سیاه و طیلسان کبود زراره گوید که روزی بیرون
آمد امام محمد باقر ع که نماز بگذارد و بر بعضی اطفال ایشان پوشیده بود جامه خز زرد در بر سینه
ابان بن تغلب گوید که روزی بخدمت ابو عبد الله ع رفتم آخر روز در ماه رمضان فرمود
مرا که ای ابان بدرستی که جبرئیل ع نازل شد بر رسول ص در آخر روز رمضان بعد از
عصر پس چون بازگشت بجانب آسمان حضرت رسول ص فاطمه را طلب فرمود او بجانب
فرموده آمد در عبایی که نیمه آن بر بدنش بود و نیمه دیگر بر سر مبارکش پس آنحضرت فرمود ای فاطمه
بخوان شوهرت را علی چون باز آمد آنحضرت ویرا بدست خود نشاند و دست ویرا بر کنار
خود نهاد فاطمه را نشانید بر جنب خود و دست ویرا بر کنار خود نهاد فاطمه ع و بعد از آن
فرمود آیا خبر دهم شما را بانچه خبر داد مرا جبرئیل ع گفتند بلی یا رسول الله فرموده که خبر داد
مرا که من بر راست عرش باشم در روز قیامت و حق تعالی دو جامه بمن بپوشاند یکی از آن
سبز باشد و دیگر سرخ گلرنگ و تو ای علی نیز بر راست عرش باشی و خدای تعالی نیز دو جامه

بپوشاند برنگ دو جامه من و تو ای فاطمه زیر راست عرش باشی و ترا نیز مثل آن
دو جامه بپوشانند ابان گفت من گفتم فدای تو گردم بدرستی که مردمان مکروه میدارند
جامه در دیر را فرمود که ای ابان بدرستی که خدای تعالی چون بالا برد علی ع را باسمان و او
به بهشتی رسانید که بهفتاد خرقه در و بود حق تعالی دو جامه لوی بپوشانید یکی از آن سبز بود
و دیگری سرخ گلرنگ گفت پس گفتم فدای تو گردم جزوه مرا به نظر آن قرآن فرمود که
فاذا انشقت السماء فكانت وردة كالدهان — در پوشیدن جامه خز و علاوه
عیزان عبد الله بن سلیمن گوید که شنیدم از ابی عبد الله ع که امام زین العابدین ع را در ایام
مبارک سرما زود تاثیر کردی و آنحضرت جامه خز را در زمستان بهزار درم یا بپانصد درم
خریدی پس چون زمستان بسر آمدی از او وحی و قیمت از انصدق فرمودی پرسیدند
از ابی عبد الله ع که جامه خز ابریشم و تار او ابریشمست این جایز باشد یا نه فرمود باکی
نیست و فرمود روزی که امام حسین ع را شهید کردند جبه پوشیده بود که تار او ابریشم بود
ولیدوان موی خز قتیبه گفت که ما جامهای صوف میپوشیم که موی آن از حیوانات مرده است
این جایزست یا نه آنحضرت فرمود که در پشم جان نیست نمی بینی که گوسفند تا وقتی
که زنده است پشم از او میبرند و میفروشند و مرویست که امام زین العابدین ع در تابستان
دو جامه میپوشید که قیمت آن پانصد اشرفی بود و در زمستان جامه که از خز بود
میپوشید و در تابستان میفروخت به پنجاه اشرفی و قیمت از انصدق میفرمود
روایت کند از ابی عبد الله ع که گفت پدرم جامه خزی پوشید و قیمت
آن

آن
بپانصد درهم بود پس چون سال بر و میگذشت آن جامه را بصدقه میداد و گفتند یا امام
اگر بفروشی و قیمت از انصدق کنی بهتر نیست فرمود که چگونه بفروشم جامه را که در او
نماز گذارده باشم پس اولی آنست که بمستحق دهیم که او نیز در وی نماز گذارد و روایتست
که شخصی از امام جعفر ع پرسید که پوست خز میتوان پوشید آنحضرت گفت ای شخص
گفت یا امام من خز را دیده ام مثل سگ آبیست فرمود که چون در بیرون آب نمیرود باکی
نیست الخصوص که ابو عبد الله ع فرمود که نزد امیر المومنین ع چند حله دیبا آوردند امام
حسن ع هر یک حله که نیکوتر بود طلب کرد آنحضرت فرمود که دو حله عوض این میدهیم و تا
به پنج رسانید امام ع آن حله را طلب فرمود آنحضرت از او بوی داد و فرمود که تو این را بپوشیدن
مردمان ترا تعرض میکنند و این امیر المومنین ع بهمچنانند و بار دیگر که مبوسی جز این میشود
و فاسد میگردد این میتوان فروخت و پنج حله از بهای آن خرید که پنج مسلمان بپوشند
امام جعفر صادق ع فرموده که اسامه بن زید بخدمت پیغمبر ع آمد و جامه ابریشمینه پوشیده
بود فرمود که این لباس کیست که او را نصیبی در آخرت نیست پس فرمود که از امعر زنان
ساختند و در میان ایشان بخشیدند بخش کرد در روایتست از ابی عبد الله ع که پوشیدن لباس
ابریشمین جایز نیست و لیکن میتوان فروخت و در جنگ میتوان پوشید اگرچه در آن
صور و تماثیل یافته باشند روایت کند ابو عبد الله ع که امیر المومنین ع فرمود که رسول ص
مرا نهی فرمود که حریر بپوشم و انگشتری طلا در دست کنم و زین پوش سرخ بر اسب
نگنم و در رکوع قرآن نخوانم — در پوشیدن جامه و تواضع و انقیادگی

دران عبد الله بن هلال فرمود که امر کردم ابو عبد الله که بجهت وی ازاری بخرم گفتم
گشاده باشد فرمود بلی فاما دراز نباشد و الا مقدار سجاف ازان قطع کن که پدر بزرگوارم
میفرمود که هرچه از کعبین تجاوز کرده در آتش است روایتست از حضرت رسول صلعم
که من جامه بالف ساق میپوشم و تا کعبین فرموده است که حذر کنید از جامه دراز
پوشیدن چه آن از شعار متکبران است و خدای تعالی دوست نمیدارد متکبر را و دیگر فرمود
که بوی بهشت از هزار ساله راه می آید و متکبر جامه بر زمین کشان بوی آنرا نشنود و دیگر فرمود
که سه طایفه باشند که حق تعالی با ایشان سخن نگوید که ایشان را خوش آید در روز قیامت
و پاک نگرداند ایشان را از آلوده گی گناه و مر ایشان را عذاب دردناک باشد یکی آنکه دامن جامه
خود را بر زمین کشد بجهت کبر و بزرگی و دیگر پاکی و زرد و گران فروشند بدروغ و دیگر
آنکه اظهار آن دهد و میکند در روی تو دوال و پر باشند از کینه تو و دیگر فرمود که هرکه براه زمین
رود بتکبر زمین در زیر پای او بر او لعنت کند روایتست که امام محمد باقر علیه السلام شخصی را
دید که سیاه رنگ دو جامه پوشیده یکی را ازار کرده و دیگری را ردا و بدان
جامه مباهات کنان میرفت آنحضرت فرمود که این جبار است شخصی با
امام این سائلست فرمود که او جبار است و از جمله وصیت حضرت رسول صلعم
با ابی ذر غفاری رضی الله عنه اینست فرمود که ای ابو ذر بیشتر دوزخیان متکبرانند مردی گفت
یا رسول الله کسی باشد که از کبر خلاصی یابد فرمود بلی کسی که جامه پشمین پوشیده و بر
الاغ نشیند و گوسفندان دوشد و با مسکینان نشیند ای ابی ذر هرکه از بازار

جزی

چیزی بخرد بجهت طفلان خود و خود بردارد و بخانه برد از تکبر خلاص باشد
ای ابی ذر هرکه دامن خود را بر زمین کشد بجهت تکبر حق تعالی نظر رحمت بجانب
او نکند در روز قیامت روایتست که امیر المؤمنین علیه السلام روزی را
مرور شخصی را دید که جامه دراز پوشیده بانگ بر او زد که جامهٔ خود را
بردار که زمین از آن تحرز دیگر بار ای ابی ذر هرکه بردارد جامهٔ خود را از زمین
برای رضای خدای تعالی لباس او بزیست از کبر و دیگر فرمود هرگاه امت من سایلان را
محروم بپارند و بتکبر راه روند حق تعالی سوگند یاد کرده که ایشان را بلا بگذارم
روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام که فرمود که روزی امام زین العابدین علیه السلام
جامهای فاخر پوشیده از منزل بیرون آمد و باز گشت و جامه بر طلب کرد
و جامها را بیرون کرده بوی داد که بخانه بر چه من چنان خیال میکنم که من
علی بن حسین نیستم و آنحضرت هرگاه که براه میرفت گویا مرغ بر سر او نشسته
کرده و بر راست و چپ خود نظر نمیفرمود و میفرمود که بدبختی که جامهٔ نرم دوز
بپوشد طغیان میکند حسن بن صفیل گوید که روزی امام جعفر علیه السلام جامه که
امیر المؤمنین علیه السلام را در آن شهید کرده بودند بیرون آورد و ملاحظه نمود دامن
آن دوازده شبر بود و بدن آن و آستین هر یک سه شبر و امام محمد باقر علیه السلام فرمود
که امیر المؤمنین علیه السلام دو پیراهن میخرید و غلام خود را مخیر میساخت که هر کدام از آن

دو که منجوا ببی بردار و آن دیگر را بمن گذار و چون پوشیدی آستینش انقدر که
دراز بود ببریدی و شکر خدا بسیار کردی روایتست از ابی عبد الله علیه السلام که فرمود
که روزی امیر المؤمنین علیه السلام جامه خرید بیک اشرفی پیراهنی و لنگی و ردائی بعد از آن
بسوی آسمان کرد و شکر باری تعالی بجای آورد تا آن زمان که بخانه رفت فرمود
که لباس لایق ما اینست لیکن این زمان اگر آن جامه را بپوشم مردمان ما را دیوانه
خوانند یا گویند که ریا میکند و لیکن چون قائم ما ظاهر شود لباس لایق این خواهد بود
هشام بن سالک گوید که شنیدم از ابی عبد الله علیه السلام که هر گاه مردی از شما جامهٔ کهنه
یا درشت بپوشد کبر از پیرامون او [illegible] و حق تعالی او را می امرزد عبد الله بن یعفور
گوید که من پرسیدم که حد کبر چیست فرمود که مرد نظر کند بنفس خود و چون لباسی
پوشیده خوش دارد که جامهٔ زیبایی فاخر پوشد و او را بران ببینند مردمان و بعد
از آن فرمود بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَى نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ ابن سنان روایت کند از
ابی عبد الله فرمود که پدرم دو جامهٔ درشت داشت چون نماز گزاردی آن را
پوشیدی و چون حاجتی از خدای تعالی خواستی بان لباس ملتبس شدی والبو طلحه بن
زید روایت کند از ابی عبد الله علیه السلام که روزی حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در میان
مردمان خطبه خواند و جامهٔ آنحضرت کرباس درشتی بود که بعضی از آن از
پای صوف پینه کرده بود گفتند یا امیر المؤمنین علیه السلام این را چرا پوشیده فرمود

که درین

که درین لباس خشوع و خضوع زیاده میشود و مؤمنان باسانی پیروی میتوانند
کرد عبد الله عباس گوید که چون از بصره باز گشتم و بیت المال بخدمت آنحضرت
بردم دیدم در بازار کوفه ایستاده و امر بمعروف و نهی از منکر مینماید پیش
رفتم و سلام کردم جواب فرمود و از احوال من پرسید دیدم که شمشیر خود را
بمنادی کرد داد و بهفت دینار فروخت و چهار دینار از آن پیراهن خرید و ده
درهم صدقه فرمود و یکدرهم مرا سه روز مهمانی کرد حسین کثیر گوید که امام جعفر
صادق علیه السلام جبه پشمینه در میان دو پیراهن درشت کرباس ملبوس داشت کسی از سبب آن
پرسید فرمود که پدرم را دیدم که چنین [illegible] کرد و ما هر گاه که نماز میکنیم از درشت ترین
جامها میپوشیم فضل بن کثیر گوید که بر ابی عبد الله علیه السلام جامهٔ کهنهٔ پرپینه دیدم پس
نظر کردم بسوی وی فرمود که چه نظر میکنی درین جامه نظر کن درین کتاب
پس نظر انداختم دران کتاب که پیش وی بود که لباس او پینه به کسی که کهنه نبود
ابن بابویه روایت کند که حضرت رسول صلی الله علیه و سلم پنج چیز ترک نفرمود تا حین
وفات با بندگان بر زمین طعام خوردن و بر خر الاغ سوار شدن و گوسفند
دوشیدن و جامهٔ صوف پوشیدن و سلام بر کودکان کردن و هم فرمود
تا سنت باشد بعد از من

در کراهیت لباس شهرت و نکته چند در

آن امام جعفر علیه السلام فرمود که کافیست رسوایی مرد که جامه برای شهرت پوشد و

وسواری برای شهرت کند خدای تعالی دشمن میدارد شهرت لباس را عباد بن کثیر
بصری بخدمت ابی عبدالله ع آمد در حالتی که جامهٔ شهرت پوشیده بود امام فرمود
که ای عباد این چه جامه ایست گفت یا اباعبدالله عیب میکنی بر من این را فرمود
بلی که حضرت پیغمبر ص فرموده که هر که بپوشد لباس شهرت در دنیا حضرت عزت
لباس خواری در وی پوشاند در قیامت روایتست که نزد امام موسی ع دشمن تر
از لباس شهرت نبوده چون جامهٔ نو دوختی آن را در آب فرو بردی تا طراوت
آن شکسته شدی و بعد از آن پوشیدی روایتست که ابوعبدالله ع مردی را دید
که بر بالای پیرهن ازار پوشیده بود فرمود چنین مکن که این از کبر است و امام محمد باقر ع
این را مکروه میداشت و میفرمود که این از فعل جبابره است و رسول الله ص نهی
میفرمود از آن و از کشف ران امت خود را ابن مهران گوید که ابوعبدالله ع
مردی را دید که دامن جامهٔ خود را میکشید فرمود که مکروه می آید که مردان خود را
مانند گردانند بزنان و دیگر فرموده که حضرت رسول ص زجر میفرمود مرد را که مانند
زن میساخت خود را در لباس و زن نیز الخ بعین الناس و میفرمود که
بهترین جوانان شما آنانند که شبیه است بکهلان داشته باشند و بدترین
کهلان آنانند که خود را مانند کنند بجوانان یونس بن یعقوب گوید که من بعیادت
ابی عبدالله ع رفتم در قبه تکیه فرموده بود و جبهٔ از خز پوشیده و لحافی بر روی
از پوست روباه گفتم فدای تو گردم چه میفرمایی در پوست روباه فرمود که آن

پاک

پاکیست ولیکن در نماز مپوشید که با آن نماز جایز نیست عبدالله بن سنان گوید
که از ابی جعفر بن محمد الصادق شنیدم که پوستینی جهة پدر بزرگوار من از عراق
آورده بودند بسبیل هدیه از آن جنس هرگاه که نماز گذاردی از آن بیرون آمدی
و از امام رضا ع پرسیدند از پوست روباه و سنجاب و سمور فرمود که سنجاب
بر پدر بزرگوار دیدم اما نهی میفرمود از سنجاب و سمور را

در بیان دستار

و طاقیه سکونی گوید که حضرت صادق ع روایت کرد از پیغمبر ص که عمامه تاج
عربست لبس هر که بر سر بسبب حق تعالی عزت او را افزود دیگر فرمود که دستار
در سر بندید تا حلم بیفزاید ابواسحق گوید دیدم حضرت امیرالمؤمنین ع را که خطبه
میخواند و بر وی ردا و ازار و عمامه بود و امام موسی ع فرموده که من الملائکة
مسومین که در قرآن وارد شده مراد عمامه دارند و رسول ص عمامه می بست
و فرو میگذاشت در پیش و پس خود دو طرف آن را معویة بن عمار گوید که من
از ابی عبدالله ع شنیدم که میفرمود روزی که رسول ص بفتح مکه توجه نمود و بود
عمامه سیاه بسته بود بحنین که میفرمود الحنین و امام محمد باقر ع فرموده که فرشتگان
در روز بدر عمامهای سفید بسته بودند و اطراف آن فرو گذاشتند و حضرت پیغمبر ص
فرموده که دو رکعت نماز با عمامه گذاردن بهتر است از چهار رکعت که بی عمامه
گذارند عبدالله بن سلیمان گوید که من با پدرم در مسجد بودم که امام زین العابدین ع

تشریف آورد و من آنحضرت را ندیده بودم و وی عمامه سیاه بسته بود و طرف آن را او
گذاشته بود بدو دوش خود مردی که نزدیک من بود از وی پرسیدم که این چه کس است گفت
چونست که از دیگری خبر میپرسی از مردمی که درین مسجد اند گفتم زیرا که من ندیده ام باین نیکوئی
هیات و سیرت مثل این بزرگوار ازآنجهت پرسیدم از تو او گفت علی بن حسین است
ابو عبد الله ع روایت کند که حضرت پیغمبر ص عمامه امیر المؤمنین ع را پیچید بدست مبارک
خود و از پیش گوشه او بیخت و از عقب او بیخت مقدار چهار انگشت بعد از آن فرمود که برو
پس رفت دیگر فرمود که باز آمد فرمود که الحنین بود دستار فرشتگان روایتست از امام
موسی ع فرمود بدرستی که من ضامنم هر که بیرون رود و تحت الحنک بسته باشد از سه
چیز یکی آنکه ایمن باشد از سوختن و دیگر از غرق شدن و دیگر از دزدان و در دستار بستن
این دعا بخواند که اللهم سومنی بسیماء الایمان و توجنی بتاج الکرامة و
قلدنی حبل الاسلام و لا تخلع ربقة الایمان من عنقی و باید که دستار
[illegible] ایستاده بندد محمد بن علی گوید که دیدم علی بن حسین ع را که طاقیه خزی بر سر داشت
و آستر آن سمور بود و ابو عبد الله ع روایت کند که رسول ص طاقیه سفید مصری بر سر
مبارک میگذاشت و در حال حرب طاقیه میپوشید که دو گوشه داشت حسن بن
جهنیار گوید که امام موسی ع فرمود که بفرما برای من طاقیه بسازند که بناخن در و چینها
نسازند که مثل من سیدی را لایق نباشد که طاقیه که بناخن در و چینها ساخته باشند
میپوشند

در پوشیدن موزه کفش و ایضا که حضرت پیغمبر و امیر المؤمنین ع

موزه

موزه و کفش پوشیدندی ابو الصباح نقل میکند از ابی عبد الله که امیر المؤمنین ع در سفر
هنوز شب باقی بودی که سوار شدی شبی چون اختیار سفر افتاد یکموزه پوشیده بود
تا موزه دیگر بپوشد ناگاه مرغی از آسمان فرود آمد و آن موزه را بر داشته بالا برد
چون روز شد آن موزه را از هوا انداخت از اندرون او ماری بیرون آمد و روایتست
که موزه سیاه پوشیدن سنت است و موزه سرخ شعار جباران است و سفید طریق
پادشاهانست و روایتست از ابی عبد الله ع که در سفر موزه سرخ پوشیدن منع نیست
اما در حضر و ابی عبد الله ع در راه مکه پوشیده بود و از ائمه ع مرویست که موزه پوشیدن
جهت حفظ نور چشم نیکوست منقولست از ابی عبد الله ع که روزی پیغمبر ص بر خواست
شخصی کفش پیش پای آنحضرت نهاد آنحضرت دعا فرمود که اللهم ان عبدک
هذا الیک فقربه و ادنه و آورده اند که روزی آنحضرت مضمضه فرمود و آن آب را
در طرفی ریخت شخصی بر جست و آن آب را خورد حضرت بر او دعا فرمود که اللهم
ان عبدک تحبب الیک فاحبه و امیر المؤمنین ع فرمود که کفش پوشیدن بدن را
نگاه میدارد و مدد لیست در نماز بپاکی و سنت است که اول کفش را بپای راست
بپوشند و در وقت بیرون کردن اول از پای چپ و دعائی که در وقت کفش و موزه
پوشیدن خوانند اینست که بسم الله الحمد لله الذی رزقنی ما اوقی به قدمی
من الاذی اللهم ثبتهما علی صراطک و لا تزلهما عن صراطک السوی
و ابو عبد الله ع فرمود که هر که رقعه بر جامه زند و کفش را پینه زند و بار خود را بر دارد

اللهم صل علی محمد و آل محمد و ثبت قدمی فی الدنیا و الآخرة و ثبتهما علی الصراط یوم تزل فیه الاقدام و چون از پای کنند این دعا بخواند که بسم الله

او بپوشد روایت از کبر امام محمد باقر ع فرموده که پیغمبر صلعم فرموده که هرکه آب بیاشامد در حال
ایستاده یا آنکه برفری از قبور کند یا بر غم خواب کند یا بر یک کفش راه رود عارض
گردد او را شیطان و از و مفارقت نکند مگر آنکه خدای تعالی خواهد روایت کند امام
جعفر ع که حضرت رسول صلعم فرموده که بیرون کنید کفشها را از پا که آن سنت جمیله
نیکو است و برای قدمها راحت است ابو عبدالله ع فرموده که کفش زرد پوشیدن
کهنه نشود تا از مال فایده بیابد و خوشحالی باو رسد بعد از آن این آیه کریمه را تلاوت
فرموده که صفراء فاقع لونها تسر الناظرین و دیگر فرموده که هرکس کفش زرد پوشد
در شادی باشد تا آن کهنه شود سفیان بن سعید گوید که من بخدمت ابی عبدالله ع
رفتم و کفش سیاه پوشیده بودم فرموده چیست ترا که کفش سیاه پوشیده ای آیا ندانسته
که در آن سه خصلت بد است گفتم کدامست آنها فرموده که بینائی را ضعیف میسازد
و آلت تناسل را سست میگرداند و غم آرد و باعث [illegible] از پوشیدنش [illegible]
از پوشیدن کفش زرد که آن برخلاف اینست و فرموده سنت است که موزه سیاه
باشد و کفش زرد امام علی النقی ع فرموده که اگر موزه و کفش پای کسی را جراحت کند خاکی
را بگیرد و از دیواری و از ابر سنگی یا به آهن نرم بسازد و بر آنجا بنهد بهتر گردد
در باب مسکن و ماوا آنچه جائز است از آن و متعلق است بدان امام صادق ع
فرموده که از سعادت است وسعت منزل و دیگر فرموده مومن را راحت
وسعت و گشادگی منزل و امام موسی ع فرموده که بهترین عیش دنیا گشادگی منزل

و بسیاری

و بسیاری دوستان بحق باطل سکونی روایت کند از ابی عبدالله ع فرموده که رسول الله
فرموده که از سعادت این جهان مرد را زن صالحه است و مسکن گشاده و مرکب
خوب رفتار و فرزند شایسته مرغوب و ابو عبدالله ع از امیر المومنین ع روایت
کند که خانه را که پایه شده و شرف آن پیشگاه گشاده و همسایگان پسندیده است
و مرا از برکت میباشد و برکتش خوبی موضع است و گشادگی و نیکوئی همسایگان
و روایت از حضرت پیغمبر صلعم که سعادت مرد چهار چیز است و شقاوت و چهار چیز
اما سعادت پس آن زن صالحه است و مسکن گشاده و همسایه نیکو و مرکب پسندیده و اما
شقاوت پس آن زن بدکردار و مسکن تنگ ناهموار و همسایه بد و مرکب
ناپایست و دیگر آنحضرت فرموده که ایمنی بنده کامل حاصلست که ایمن گردد از شر همسایه بد و دیگر
فرموده حرمت همسایگان مانند حرمت مادر و پدر است محمد بن مسلم گوید که امام محمد باقر ع
فرموده که ای محمد خانه را زیاده از هفت ذرع بنا مکن که هرچه زیاده بر آنست مسکن
جنیانست چه مسکن ایشان نه در زمین است و نه در آسمان بلکه در هواست و در بعضی از
روایات هشت و نه ذرع نیز آمده و آنچه زیاده بر آنست مسکن جن است مگر آنکه [illegible]
بنویسید که جن مسکن نسازد و از امام جعفر صادق ع منقول است که مردی شکایت برد
بنزد رسول صلعم از خانهها بست و تنگ فرموده بلند بساز آنچه توانائی داری و از خدا
درخواه که بر تو گشاده گرداند و ابو عبدالله ع روایت کند از رسول صلعم که آنحضرت فرموده
کسی که منزل بنا کند باید که گوسفندی بکشد و بفقرا بخوراند و این دعا بخواند اللهم اخرج عنی

ومن اخلی وولدی مودة الجن والشیطان والشیاطین وبادل فیه

پیر ولی پس رستی که آن خانه بزودی خراب گردد و حاجت او روا شود و هم از ابی

عبدالله ع روایتست که هر بنایی که از کفایت زیاده شود پس آن وبال است بر صاحبش

و دیگر فرمود هر که ببیند و زد مالی را بی وجه حلال مسلط سازد انکس را که آن مال را

بنای آب و گل صرف کند روایتست که رسول ص فرمود جاروب کنید خانهای

خود را و مانند مشوید به یهود چه جاروب کردن خانه موجب زیادتی روزیست

و همچنین شستن کاسه و کوزه و دیگر آنحضرت فرمود که چون تابستان از خانه بیرون روند

باید که روز پنجشنبه بیرون روند و چون زمستان بخانه روند روز جمعه روند عبدالله

عباس روایت کند که حضرت پیغمبر ص شب جمعه در تابستان بیرون آمدی و در زمستان

شب جمعه درون رفتی شخصی گوید که پرسیدم از امام صادق ع از بستن در و برگردن ظرف

و نشاندن چراغ فرمود به بندید درها را که شیطان نمیتواند گشود و ظرف را برگنید که شیطان

نمیتواند برداشت و بنشانید چراغ را که موش نمیتواند خانه را سوراخ کرد و سنت است

که در خانه کبوتر نگاه دارند و گوسفند و گربه که از بنان ستون خانه اند و در روایتی بجای

گوسفند خروس است و مانند آن که شیطان از آن گریزانست و زیادتی برکت است

منقولست که در خانه سه چیز میباید که باشد خروس و کبوتر و گربه مرویست که خروس

سفید در خانه دفع شر سحر و کهانت و کفر میکند و جعفری گوید که دیدم امام موسی ع را

که جفت کبوتر در خانه داشت نرش کبود بود و ماده اش سیاه و این از ابید آماده

ومیفرمود

و میفرمود که در شب حرکت میکند و مونس انند بیدار میشویم به بیداری ایشان و امام محمد باقر فرمود

که هر که دوست میدارد ما را که اهل بیتیم باید که دوست دارد کبوتر را و الوان کبوتر را

که در خانه هیچ پیغمبری نبود که کبوتر نباشد زیرا که سفیهان جن بازی میکنند با کودکان

خانه و هرگاه کبوتر باشد مشغول ایشان میگردند ببازی

در جامه خواب

و فراش و متاع خانه و تواضع در آن عبدالله بن عطا گوید که روزی بمنزل امام محمد باقر ع

رفتم دیدم فرشها و جامه خواب و بالشها که بر بالای یکدیگر نهاده اند پرسیدم که اینها چیست

فرمود که اینها تعلق بزنان دارد و جابر روایت کند از ابی عبدالله ع که جمعی بمنزل

امام حسین ع در آمدند فرشها و چیزها زیبا دیدند تعجب کرده از آن پرسیدند آنحضرت فرمود

که ما کابین زنان را داده ایم و ایشان از آن این چیزها را خریده اند از ما چیزی در این خانه نیست

امام محمد باقر ع روایت کند که چون امیر المؤمنین ع فاطمه را نکاح فرمود بساط خانه ایشان

پوست گوسفند بود و بالش از آن که پر کرده بودند از لیف خرما و چوبی نصب کرده

بودند و مشکی بر آویخته بجهت آب و پرده بر آن پوشیده حسن بن نعیم گوید که من از امام

جعفر ع شنیدم که میفرمود که چون رسول ص فاطمه زهرا ع را بامیر المؤمنین ع داد متاع

خانه ایشان چادری از غبار پشمین بود فرش و بالش ایشان از پوست گوسفند پر

از لیف خرما بود و در کتاب موالید الصادقین آورده که محمد بن ابراهیم طالقانی نقل

کرده که در آن دو ماه که رسول ص از زنان هجرت فرمود در خانه تکلف داشت

که بجهت دباغت پوست در آهک نهاده بودند و آنحضرت خواب میفرمود بر حصیری

که آنحضرت بر حصیر ... مبارکش نمایان بود یکی از اصحاب آنجا رفت چون بوی آن شنید
گفت یا رسول الله این حصیر ... فرمود که این متاع این قبیله است چون آنحضرت نشست
... حصیر بر پهلوی مبارکش ملاحظه کرد گفت من گواهی میدهم که تو رسول خدایی و تو
نزد خدای تعالی گرامی تر از قیصر و کسری چون است که تو بر حصیر میخوابی که نقش آن در
پهلوی تو پیدا است و ایشان از متاع دنیا بسیار است فرمود چرا راضی نباشم که این
را عیشها است و مرا آخرت پرسیدند از ابی عبد الله ع از تختی که از طلا باشد جایز است
که در خانه نگاه دارند یا نه فرمود که اگر عین آن طلا باشد جایز نیست و اگر آب طلا باشد
بس باکی نیست حلبی گوید که ابی عبد الله ع فرمود کاهیست که نماز متوجه میشوم و در پیش
روی من بالشی میباشد که در آن صورت مرغان منقوش است پرده بر آن میاندازم
دیگر فرمود قالی که در آن صورت مرغان منقوش بود از جانب شام برای من برسم هدیه
آوردند امر کردم که صورت سر آن مرغان تغیر کردند باقی بصورت درخت شد
محمد بن مسلم گوید که سوال کردم از ابی عبد الله ع از صورت شجر و شمس و قمر چون است
فرمود باکی نیست چون در آن صورت حیوانی نیست ابو العباس گوید که من از آنحضرت
پرسیدم از قول الهی که یعملون له ما یشاء من محاریب و تماثیل چه مراد است فرمود
که مراد صورت درختان است و مانند آن ابو بصیر گوید که گفتم مر آن حضرت را که در خانها
ما وسادها و بالشها می اندازند که در آن صورتها نقش کرده اند آیا جایز است فرمود

که اگر

که اگر بر زمین انداخته باشند و پای بر آن می نهند جایز است ...
در آداب خوردن و آشامیدن و آنچه متعلق است بآن ... مشتمل بر سه فصل
فصل اول در فضیلت طعام خورانیدن و نیکویی کردن و در غزوه ...
من لا یحضره الفقیه آورده قول الهی که و ما انفقتم من شیء فهو یخلفه یعنی هرچه
خیر و صدقه میکنید حق تعالی عوض از آن شما میدهد و مدح میفرماید کسی که
داشته باشد با وجود حاجت بدیگری تصدق کند و رسول صلعم فرموده که ایمان ...
کسی که سیر طعام خورد و برادرش گرسنه باشد و ایمان بخدا ندارد کسی که خود ...
و برادرش برهنه باشد و فرمود کسی که یقین دارد با آنکه هرچه صدقه کند عوض باو میرسد نفس
او سخی میشود و شنید امیر المؤمنین ع با آنکه مردی گفت که عذر گناه بخیل بدتر است از ظالم فرمود
که دروغ میگویی ظالم گاه است که توبه میکند و مظالم بصاحبان میدهد و بخیل نمیدهد و صدقه
نمیکند و خویش و پیوند و مهمان و خیرات در راه خدا نمی نماید و حرامست بهشت که داخل
گرداند بخیل را در خود و امام جعفر صادق ع فرمود که نجات آخرت در آنست که طعام
بمحتاجان و سلام کنند بهر کس از مؤمنان و در شب نماز گذارند و مردمان باشند در خواب
کردن و دو خواب دیگر فرمود که اگر کسی هزار دینار صرف کند و مؤمنی از آن بخورد دوست
و رسول صلعم فرمود که هر کس بخدا و بروز قیامت ایمان دارد اکرام کند مهمان خود را
و اگر سخن گوید خیر بر زبان جاری سازد یا خاموش شود و امیر المؤمنین ع فرموده که
اول جزیی که در آخرت ثواب آن بمرد میرسد صدقه است و امام محمد باقر ع فرموده که

[illegible] دوست [illegible] جگر گرم [illegible] خنک کند و هر که جان داری را آب دهد حق تعالی
[illegible] در سایهٔ عرش خود [illegible] قیامت و امام جعفر صادق ع فرموده که هر که
[illegible] کسی [illegible] که [illegible] شود و ثواب آزادی بنده دارد و اگر آب دهد در جایی
که آب یافت شود ثواب زنده کردن مرده دارد و هر که سبب زندگی یکی شود گویا که
[illegible] مردمان را زنده ساخته و دیگر فرموده که [illegible] ترین اعمال نزد حضرت ذوالجلال مؤمن
گرسنه [illegible] سیر کردن است [illegible] از و برداشتن قرض او را ادا نمودن منقول است
از امام موسی کاظم ع کسی که توانائی نداشته باشد که بما نیکوئی کند پس باید که نیکوئی کند
بمؤمن [illegible] و کسی که توانائی [illegible] نداشته باشد که زیارت قبر ما کند باید که زیارت کند
[illegible] مؤمن شیعیان ما را [illegible] ابو عبد الله ع فرموده که ثواب صدقه ده چندان است
و ثواب قرض [illegible] چندان و نیکی [illegible] در آن [illegible] چندان [illegible] و ثواب پیوند [illegible]
[illegible] چندان و منقول است از ابی عبد الله ع که حق تعالی فرموده که بهر عبادت
[illegible] گماشته ام که فرا میگیرد الا صدقه که بدست خود فرا میگیرم و اگر کسی [illegible] خرما [illegible]
[illegible] میشود تا بمقدار کوه احد شود [illegible] خدای تعالی دوست میدارد
[illegible] در راه او و دوست میدارد آن کسی را که طعام میدهد در راه او و برکت
[illegible] تر است بیشتر از موی هائی که در کوهان شتر است و رسول صلعم
[illegible] فرموده [illegible] در مؤمن خود چنانست که نیکی برسول صلعم کرده باشد دیگر فرموده که
[illegible] ندارد مگر سه خصلت تا فایده تمام بدهد یکی کوچک شمردن آن دیگر پنهان داشتن
آن و [illegible] تعجیل نمودن در آن چه هرگاه تو آنرا کوچک داشتی رایت عظمت و بزرگی نزد ما آن

برافراشتی

برافراشتی و چون پنهان داشتی تخم سعادت [illegible]
سازگاری یافتی و خاک خواری در چشم [illegible]
نشانش نیافتی و تنور ندامت برای [illegible]
مردرا بدانی پس نظر کن که چون [illegible]
و اگر بغیر مستحقش رساند او نه نیکوکار است [illegible]
و بد ترین شما بخیلان و دیگر فرموده که نیکوئی [illegible]
از خلوص ایمان است و دیگر فرموده جوان [illegible]
از پیر عابد بخیل در مانده و حضرت رسول صلعم فرموده [illegible]
واجب گرده او سخی ترین مردمانست و دیگر [illegible]
مانند بخل باز فرموده که بخل میکرود [illegible] کشتی [illegible]
که یک نان را صدقه کردن بهتر است از شتر لاغری قربان کردن [illegible] امام محمد باقر [illegible]
که نیکوئی و صدقه دفع درویشی میکند و در عمر می افزاید [illegible]
و ابو عبد الله ع فرموده که صدقه کردن دفع مردن بد میکند و [illegible]
دفع مینماید و شیاطین را اگر چه بسیار باشند و دیگر فرموده که [illegible]
مانند بخل الا که صدقه پنهانی فرو مینشاند خشم پروردگار را و [illegible]
که بی روی کنید انچه رسول صلعم فرموده که هر که بر خود در سوال [illegible]
بکند حق تعالی او را در دنیا محتاج گرداند در آخرت بآتش جزا و بد امام [illegible]

روی بخدمت حضرت رسول صلعم آمد و گفت یا رسول الله در اموزان بمن
چیزی تا بجای آورم و دوست کرداند خدای تعالی بمن الجماعتی را که در آسمانند
سوا انانی که در زمین اند فرمود که رغبت کن در انچه نزد حق تعالی است از ثواب
تا دوست دارد خدای تعالی ترا و ترک کن آنچه نزد مردمانست از متاع دنیا مردمان
ترا دوست دارند و امام محمد باقر ع فرموده که اگر سائل میدانست آنچه در سوال
کردن است از مذمت هیچکس از هیچکس سوال نمیکرد و امام زین العابدین ع در

و اگر میدانست دهنده سوال آنچه در عطیه است از منفعت هیچکس رد سوال نمیکرد

که بروزه میلود پیغمبر فرمود بکشتن گوسفند تا همه بخشند و از ابا بان و جو ما مردمان
بخش میکردند و در حال بخشش اهتمام سوی آن مینمود و امام صادق ع فرموده
که هرکه روزه داری را روزه بگشاید بقدر ثواب او را ثواب باشد و حضرت
پیغمبر صلعم فرموده که ایمان بخدا ندارد کسی که سیر بخسپد و همسایه او گرسنه خواب
کند و دیگر فرمود که هرکس که در ماه رمضان روزه مومنی را بگشاید از گناه
آمرزیده شود و ثواب آزادی بنده دارد بعضی گفتند یا رسول الله همه را توانایی
نداریم که روزه روزه داری بگشائیم فرمود که حق تعالی میدهد این ثواب را
بکسی از شما که آبی یا شیری یا خرمائی بروزه دار دهد و امام رضا ع فرموده که
روزه گشودن تو برادر روزه دار را بهتر است از روزه داشتن تو
حضرت پیغمبر صلعم فرموده روزی مر اصحاب خود را که آیا خبر کنم شما را بچیزی که اگر

شما انرا

شما انرا بعمل آرید دور گردد از شما شیطان مانند دور بودن
مغرب گفتند بلی یا رسول الله فرمود که روزه سیاه میکند روی شیطان
و صدقه پشت او را می شکند و دوستی با مومنان برای رضای الهی و مدد
بر عمل صالح و مدد نمودن بر عمل صالح ناچیز میکرداند او را و توبه و استغفار رگ
گردن او را میبرد و باز فرمود که هرچیزی را زکاتیست و زکوة بدن روزه
است باز فرمود که مرد روزه دار دایما در عبادتست اگرچه بر بستر در خواب باشد
مادام که غیبت مسلمانان نکند که حق تعالی فرموده که روزه جهة رضای منست
و جزای آن بنفسه میدهم و فرمود که روزه دار را دو فرح است یکی نزد روزه
گشودن و یکی دیگر یافتن رحمت الهی و بحق آنکه نفس محمد بید قدرت اوست که
بوی دهان روزه دار نزد حق تعالی خوشتر است از بوی مشک نافه و مرویست
از صادق ع که پیغمبر صلعم در اوایل حال چندان روزه میداشت که مردمان میگفتند
که افطار نمی نماید و بعد از ان چندان افطار مینمود که مردمان میگفتند که روزه
نمیدارد و بعد از ان یکروز روزه میداشت و یکروز افطار مینمود و بعد از ان
روز دوشنبه و پنجشنبه روزه میداشت و بعد از ان چنان شد که هر ماهی
پنجشنبه اول و چهارشنبه میان و پنجشنبه آخر روزه میداشت و میفرمود که ثواب
این سه روز مانند روزه تمام سال است و امام صادق ع فرموده که هرکس این
سه روز از هر ماه روزه دارد از وسوسه خلاص شود و چون بروزه باشد باید که

[ب]مردم سینه و مجادله نکند و لهو و لعب نکند و دلیری نکند نماید و اگر کسی بوی سخن ناملایمی
[گوید] تحمل کند و امیر المؤمنین ع فرموده که روزه داشتن ماه صبر است و شکیبائی
دیگر گروه از حضرت صادق ع پرسیدند که اگر کسی این سه روز را از هر ماه روزه
نتواند داشت فدا تواند داد فرمود بلی هر روز یکمد طعام بصدقه دهد و فرمود
که اگر روزه داری نزد برادر خود برود و افطار کند و نگوید که روزه ام
که منت بروی باشد حق تعم ثواب یکساله روزه بوی دهد امیر المؤمنین ع
روایت کرده است از رسول صلعم که هر که یکروز از روزه سنت بدارد حق
تعالی او را به بهشت درآورد و حضرت رسول صلعم هرگاه افطار میفرمود این
میخواند که اللهم لک صمت و علی رزقک افطرت

در آداب دست شستن

[دست] شستن در کتاب من لا یحضره الفقیه آورده که حضرت رسول صلعم فرمود هر که
میخواهد خیر او بسیار شود پس باید که نزد حضور هر نماز وضو بسازد و دیگر
فرمود که جمع کنید وضوی خود را تا جمع سازد خدای تعالی کار شما را
و دیگر فرمود که وضو پیش از طعام درویشی را میبرد و بعد از طعام
غم و اندوه را زایل میگرداند و نور چشم را می افزاید و حضرت صادق
فرموده که دست شستن پیش از طعام و بعد از طعام بسیار میگرداند برکت
در اول و آخر آن و در روزی می افزاید و صحت بدن میآید و دیگر فرمود که هر که دست
خود را بشوید پیش از طعام باید که خشک نکند از بهر آنکه تا هست برکت در

طعام

[margin: و سه روز روزه داشتن ... از هر ماه زایل میگرداند ... روزه داشتن ... امام]

طعام او میباشد مادام که آن تری در دست او باقیست و دیگر فرمود که
ابتدای دست شستن پیش از طعام از صاحب خانه نماید و دیگر از طرف
راست او است و بعد از طعام از طرف چپ او بنیاد کنند و مرویست که چون دست شوید
پیش از آنکه خشک کند بر روی خود بمالد و بگوید اللهم اجعلنی ممن
لا یرهق وجوههم قتر و لا ذلة در دوزخ نکشند و دیگر فرمود که
ملائکه طلب آمرزش میکنند جهة کسی که در آخر طعام خوردن دست خود را
بلیسد و در کتاب مواليد الصادقین آورده که حضرت پیغمبر صلعم چون دست مبارک
می شست بعد از طعام دست بر روی خود می مالید و میفرمود که الحمد لله
الذی هدانا و اطعمنا و سقانا و کل بلاء صالح اولانا

در

آداب خوردن و آنچه متعلق است بدان مرویست که امیر المؤمنین ع
فرموده که چون طعام خورید یاد خدای تعالی کنید و سخن بیفایده مگوئید چه
طعام نعمت خداست و واجبست بر شما شکر منعم و ستایش او
و نیکو دارید صحبت او را و غنیمت شمارید مدتی که نعمت میرا و نزد حضرت
عزت گواهی میدهد بآنچه صاحب آن کرده از شکر و کفران و دیگر فرمود
چون یکی از شما طعام خورد با دب بنشینید چون نشستن بنده و بر زمین
طعام بخورد مربع ننشینید که آن نشستن الیست که خدا را از آن خشم می آید
و [illegible] و امام صادق ع فرموده که دراز کشیده نشستن بر خوان

[illegible]

طعام بدرستی که آن ساعتی است که از عمر شما نمی شمارند و در کتاب من لا یحضره الفقیه
مذکورست روایت امام جعفر ع از امام حسن بن علی ع که در خوان طعام دوازده خصلت است
که لازمست که هر مسلمانی بداند که چهار از آن واجبست و چهار از آن سنت و چهار از آن
آداب اما واجب آن شناختن خداست و رضای او و نام خدا بردن و شکر او
بجای آوردن اما چهار سنت دست شستن است پیش از طعام و نشستن
بر جانب چپ و به سه انگشت طعام خوردن و لیسیدن انگشتان آداب خوردنست
از طرف خود و لقمه کوچک برداشتن و نیک خاییدن و کم نگریستن در روی
مردمان عمر بن قیس گوید که در مدینه بخدمت امام محمد باقر ع رفتم و خوان طعام حاضر
بود پرسیدم که آداب خوان چیست فرمود چون بنهی بر زمین بگوی بسم الله
و چون برداری بگوی الحمد لله و آنچه بر حوالی خوان ریخته شده برچین
و ابن محمد بن ولید گوید که در خدمت امام علی النقی ع بودم و طعام میخوردم
چون فارغ شدم و خوان برداشتند غلام بر میچید ریخته طعام را حضرت
فرمود چون طعام خورید اگر در صحرا باشید بگذارید آنچه ریخته باشد اگرچه ران گوسفند
باشد و اگر در خانه باشید برچینید منقولست که امام جعفر ع مکروه میداشت
که بدست چپ طعام خورند یا آب آشامند یا چیزی بردارند و امیر المومنین ع
فرموده که چون طعام خورید ابتدا بنمک کنید و اگر مردم بدانند فایده آن را
هر آینه اختیار کنند بر تریاک مجرب امام صادق ع فرموده که در طعام خوردن
ابتدا بنمک میکنم و ختم بر سرکه و حضرت پیغمبر ص فرموده که نیکو نان خورشت

سرکه فقر راه نیابد در خانه که سرکه باشد و رسول ص فرموده که چون طعام حاضر میشود
چهار فرشته با وی حاضر میشود چون بنده از بندگان گفت بسم الله فرشتگان گویند
بشیطان که ای فاسق بیرون رو که ترا اینجا راه حکم و غلبه نیست و چون فارغ شد
و گفت الحمد لله فرشتگان گویند بشیطان که برین خوان قومیند که خدای نعمت
با ایشان کرامت فرموده شکر آنرا گذارند و اگر بسم الله نگویند فرشتگان میگویند
بشیطان که ای فاسق نزدیک شو و با ایشان طعام بخور و چون فارغ شد الحمد لله
نگویند فرشتگان گویند جماعتی که حق تعالی نعمتها با ایشان کرامت فرموده پروردگار
خود را فراموش کردند مرویست که امیر المومنین ع فرمود که هر که در حال طعام خوردن
بسم الله بگوید من ضامنم او را که هیچ الم نیابد ابن الکوا که رئیس خوارج بود گفت
با امیر المومنین من دوش طعام خوردم و بسم الله گفتم و بر من رسید الم آن حضرت
فرمود ای لعین تو چند نوع طعام خورده بر بعضی بسم الله گفته و بر بعضی نه و امام
جعفر ع فرموده که هر که فراموش کند گفتن بسم الله بانواع
طعام پس باید که بگوید بسم الله علی اوله و آخره دیگر فرمود که من هرگز تخمه
نشده ام جهت آنکه چون ابتدای طعام کرده ام بسم الله گفته ام و چون فارغ شده
ام الحمد لله بر زبان رانده ام و شکم چون سیر شد از خوردن نعمتهای حق تعالی میکند مرویست
که امیر المومنین ع فرمود مر پسر خود را امام حسن ع که ای پسر کمتر لقمه از طعام
گرم و سرد که خوری و هر جرعه آب آشامی میباید که پیش از آن بگوی که اللهم

بعد از او

اني اسألك في اكلي وشربي والسلامة من وعكه والقوة به على طاعتك وذكرك
وشكرك فيما بقيته في بدني وان تشجعني بقوتهما على عبادتك وان تلهمني
حسن التحرز من معصيتك بس مرتبي بركاه اين دعا بخواند از رحمت والم
ان طعام ايمن شدي مرويست كه امام زين العابدين ع هرگاه طعام خوردي
اين دعا خواندي الحمد لله الذي اطعمنا وسقانا وكفانا وايدنا واوانا
وانعم علينا وافضل الحمد لله الذي يطعم ولا يطعم وحضرت سيد ص فرمود
چون خوان طعام برداشتند بگوئيد الحمد لله رب العالمين اللهم اجعلنا
نعمة مشكورة ودر كتاب نجات آورده كه دعاي نزد طعام خوردن اينست
الحمد لله الذي يطعم ولا يطعم ولا يجير ولا يجار عليه ويستغني ويفتقر عليه اللهم
لك الحمد على ما رزقتنا من طعام وادام في يسر وعافية في غير كد منا
ولا مشقة بسم الله خير الاسماء رب الارض والسماء بسم الله
الذي لا يضر مع اسمه شيء وهو السميع العليم اللهم اسعدني
من مطعمي هذا خيره واعذني من شره ومتعني منفعته واسلمني من
ضره انك على كل شيء قدير واز كتاب طب ائمه عليه السلام منقولست
كه امير المؤمنين ع فرموده وقتي كه براد رود بطعام نخوريد مگر كه مضطر شويد آن
عاصم گفت ما جماعتي بحج ميرفتيم پس چون بمدينه فرود آمديم امام موسي ع
را ديدم تشريف داشت خواستند كه مهماني كنند مارا پس فرمود تا

طشت

طشت گردانيدند تا مردم دست شستند بعد از ان فرمود كه نمك آوردند
فرمود كه بخوريد و بسم الله الرحمن الرحيم بگوئيد بعد از ان سركه آوردند
با گوشت شانه بريان كرده فرمود بخوريد كه اين طعاميست كه پيغمبر ص دوست
ميداشت بعد از ان سركه و زيت آوردند فرمود كه اين طعام را فاطمه زهرا ع
دوست ميداشت بعد از ان آش سركه آوردند فرمود كه اين امير المؤمنين ع
دوست ميداشت بعد از ان قليه بادنجان آوردند فرمود كه امام حسن ع
اين را دوست ميداشت بعد از ان تريد سير ترش آوردند فرمود كه امام
حسين ع اين را دوست ميداشت بعد از ان گوشت سرد آوردند فرمود
كه امام زين العابدين ع اين را دوست ميداشت بعد از ان گوشت پهلوي
زير شانه آوردند فرمود كه امام محمد باقر ع اين را دوست ميداشت بعد
از ان ظرفي آوردند كه دران خاگينه پخته بودند فرمود كه امام جعفر ع اين را دوست
ميداشت بعد از ان حلوا آوردند فرمودند كه من اين را دوست ميدارم
بعد از ان خوان را برداشتند و ما قصد كرديم كه طعامي ريخته بود جمع كنيم
آنحضرت فرمود كه اگر چيزي از طعام در خانه ها ريخته باشد برداريد و اگر در صحرا
باشد بگذاريد كه جهت مرغان و جانوران است بعد از ان خلال آوردند
فرمود كه زبان در دهان بگردانيد تا طعامي كه بزبان آيد فرو بريد و آنچه
بخلال بيرون آيد بيندازيد بعد از ان طشت و آب آوردند و از طرف چپ

[illegible]

آنحضرت بنیاد کردند تا جمیع مردم دست شستند آنگاه فرمود که ای عاصم شما
در نیکویی با هم در چه مرتبه اید عاصم گفت به نیکوترین وجهی پس آنحضرت فرمود که
هر کدام از شما چنان هستند که چون حاجتی داشته باشید بخانه برادری
روید و آنچه خواهید بردارید و او در خانه نباشد و چون بداند ملکدر نشود گفتم
نه آنحضرت فرمود پس شما نیستید به نیکوترین وجهی باید که عمر ابن ابی شعبه
گوید که من ندیدم که ابی عبدالله تکیه زده طعام تناول فرموده باشد هرگز
میفرمود که رسول صلعم تکیه زده طعام تناول نمیفرمود تا رحلت فرمود و امیر المؤمنین ع
فرموده که آنچه از خوان طعام میریزد هر دردی را شفا است و پیغمبر صلعم فرموده
که باد و میدن در طعام برکت از آن میبرد و آنحضرت دید کسی را طعام از خوان
ریخته برمی چید دعای برکت بوی کرد بدین عبارت بورک لک و بورک
علیک و بورک فیک و فرمود که هر که چنین کند حق تعالی او را نگاه دارد
از جنون و جذام و برص و زرد رویی و حماقت و امام موسی ع فرموده
که سه چیز است که بر مؤمن حساب نمیکنند طعامی که میخورد و جامه که میپوشد
و زن صالحه که یاری وی میکند و دین او را نگاه میدارد و امیر المؤمنین ع
میفرمود بگذارید طعام گرم را تا سرد شود که پیغمبر صلعم میفرمود که حق تعالی آتش نخورانده
و دیگر آنکه برکت در طعام سرد است نه در طعام گرم و دیگر آنحضرت فرموده
که هر که بعد از طعام آن کاسه طعام را بلیسد فرشتگان بر وصلوات فرستند

دعا

دعا کنند که روی گشاده گردانند و در حسناتش بیفزایند و ابو عبدالله ع
روایت کرده که چون میوه نو نزد رسول صلعم آوردندی بوسه دادی و بر چشم
نهادی و این دعا خواندی اللهم اریتنا اولها فارنا آخرها و دیگر فرموده
که سیر او از نیست مرد بزرگسال را که خواب کند مگر طعام سیر خورده باشد
چه آن بخواب رانماینده است و از بوی بد دهان نگاه دارند و دیگر فرموده
که محبت ایدمرا از کسی که خود را نگاه میدارد از طعام ناسازگار تا الم
و درد نکشد و خود را از گناه نگاه نمیدارد تا با آتش دوزخ نسوزد دیگر
فرمود که چیزی خوردن در بازار دنائتست شخصی پرسید از امام جعفر ع
که اگر کسی بکشت زاری واقع شود میتواند که خوشه از آن بچیند فرمود که نه
چه اگر هر که بر و بگذرد و از آن خوشه بچیند پس برای صاحب هیچ باقی نماند
و مرویست که شخصی گفت یا رسول الله ما طعام میخوریم و سیر نمی شویم فرمود
که گویا شما از یکدیگر جدا طعام میخورید پس باید که جمع شوید بر طعام و نام خدای
ببرید بر آن تا برکت یابید و مرویست که حضرت پیغمبر صلعم فرمود که چون طعام خورید
از پیش خود بخورید و از پیش همنشین خود مخورید و از بالا کاسه مخورید که برکت
بر بالای کاسه است و دست از طعام مکشید اگرچه سیر باشید تا همنشین شما
خجل نشود و ترک طعام نکند با آنکه شاید که میل داشته باشد و منقولست
که پیغمبر صلعم همیشه بر روی خوان طعام خوردی و فرمودی که بنده ام که در دنیا

از طعام سیر بود در قیامت گرسنگی انسان بیشتر خواهد بود و دیگر فرمود که دو خصلت
در گرسنگی است دوری از خدا در سیری و نزدیکی بحق در دوستی مسکینان است
و نزدیکی به درویشان دیگر فرمود که بسیاری طعام و آب دلها را میمیراند و نیز فرمود
که هر که حلال بخورد فرشته بر سر آدمی می ایستد و استغفار از برای او میکند
تا از طعام خوردن فارغ میشود و اگر لقمه حرام بشکم او میرسد فرشتگان زمین
و آسمان بر او لعنت میکنند تا آن لقمه حرام در شکم اوست حق تعالی نظر رحمت
از او بر میدارد و او را در خشم خود می آورد پس اگر توبه کرد خدای تعالی از او می
پذیرد و اگر مرد بدوزخ در میرود

در آداب آشامیدن آب و آنچه متعلق

بدان در کتاب من لا یحضره الفقیه آورده که حضرت رسول صلعم فرموده که ظرف طلا
و نقره متاع آنانیست که ایشان را یقین حاصل نیست و امام جعفر صادق علیه السلام
فرموده که سزاوار نیست که آب بیاشامید از ظرف طلا و نقره و قدحی که از آن
چیزی داشته باشد پس اگر ضرورت باشد دهان را از محل آن بگیرند و فرمود
که مکروه نیست روغن دان که از طلا و نقره باشد و نیز مکروه نیست استعمال
کردن شانه که از طلا و نقره باشد سوال کردند از آنحضرت که آب بیکنفس میتوان آشامید
فرمود اگر آنکس که آب بتو داده مملوک تست بسه نفس باید آشامید و اگر مملوک
تو نیست بیکنفس و روایتی دیگر آنست که آشامیدن آب بسه نفس فاضلتر است
از یکنفس چه این شبهه است بآشامیدن شتر آب را و مکروه است که در وقت

ایستادن

آشامیدن آب این دعا بخواند الحمد لله منزل الماء من السماء و مصرف الامر
کیف یشاء بسم الله خیر الاسماء و منقولست از حضرت صادق علیه السلام که جماعتی
آمدند بخدمت پدر بزرگوار من و گفتند که زعم تو آنست که هر چیزی را حدیست
که منتهی میشود بآن چیز پدرم فرمود بلی چنین است پس آنحضرت کوزه آبی طلبید
تا ایشان بیاشامند ایشان گفتند یا ابا جعفر حد این کوزه چیست آنحضرت فرمود
که حدش اینست که از میان لب آن آب از آنجا بیاشامند و بر آن خدا را
یاد کنند و به سه نفس بیاشامند و بهر نفسی حق را یاد کنند و از گوشه کوزه آب نیا
شامند زیرا که آنجا آشامیدن شیطان است و بعد از آن این دعا بخوانند که
الحمد لله الذی سقانی ماء عذبا و لم یجعله ملحا اجاجا بذنوبی و سوال
کردند از رسول صلعم که آب ایستاده بیاشامند فرمود نه و دیگر پرسیدند که ایستاده
طعام خورند گفت بدتر است و از امام جعفر علیه السلام سوال کردند که آب چه طعم
دارد فرمود که طعم حیات و فرمود که آب بیاشامید بسه نفس بیکنفس نه آب
آشامیدن و یکی دیگر جهت راندن شیطان و یکی دیگر جهت شفای الم اندرون و
فرمود که چون مگس در ظرف شما افتد او را در طعام فرو برید پس بدرستیکه در
یکی از پرهای او زهر است و در دیگر شفا و پری که در او زهر است بطعام در میبرد
پس باید که تمام او را بطعام فرو برند و بعد از آن بیرون آورند

در آداب خلال کردن دندان در کتاب من لا یحضره الفقیه اورده است که وهب بن
عبد ربه گفت که دیدم امام جعفر علیه السلام را که خلال میفرمود پس نظر کردم بسوی او فرمود
که رسول صلعم خلال میکرد و میفرمود که آن پاکی دهان است و در خبر دیگر وارد شده که
حق مهمان آنست که بجهت او خلال مهیا سازند و دیگر فرمود آنچه زبان تو بیرون می آرد
از او فرو بر و آنچه خلال بیرون می آرد از او بینداز فضل بن یونس روایت کرده از امام موسی علیه السلام
از حد خلال فرمود که بشکن سر او را تا بیخ دندان را خون آلود نکند امام رضا علیه السلام فرموده
که بچوب انار خلال مکنید و نه بچوب ریحان که آنها بحرکت می آرند عرق جذام را
و رسول صلعم بهر چوب خلال میفرمود الا بچوب خرما و نی و رسول صلعم فرموده که رحمت
خدا بر خلال کنندگان از امت من در وضو و طعام و مرویست که امام جعفر علیه السلام
فرموده که سرمه بوی دهان را خوش میکند و خلال رزق را زیاده میکند و منقولست
که پیغمبر صلعم فرمود که پاک گردانید بخلال دهانهای خود را که جای دو فرشته
که نگهبان شما اند و ثبت عمل شما میکنند و آن آب دهان ایشان نیست و قلم
ایشان زبان شما و بسیار مکروه میدارند که طعام در دهان بماند و مرویست از
امام موسی علیه السلام که فرشته ندا میکند از آسمان که اللهم بارک فی المتخللین والمتخللات
بار خدایا برکت ده خلال کنندگان و سرکه داران را که سرکه در خانه بمنزله فرد صالح است
که دعای برکت کند برای اهل خانه و میفرمود که جبرئیل علیه السلام نازل شد بر پیغمبر صلعم از برای
مسواک و خلال در باب خلال و امام صادق علیه السلام فرموده که رسول صلعم فرموده که خلال کنید بر از طعام

آن

64

آن پاک نیاز دهن و دندان را و میکشد روزی را از بنده و روایت کرده عمر
بن حسن از آنحضرت که هرکه بچوب نی خلال کند تا بهفت روز حاجت او روا نشود
و امام موسی علیه السلام فرموده که رسول صلعم فرمود که خلال کنید که فرشتگان دشمن میدارند
از آنکه ببینند در دندانهای بندگان طعام را امام رضا علیه السلام فرموده که امام حسین علیه السلام
فرمود که چون ما خلال میکردیم امیر المومنین علیه السلام فرمود که آب بیاشامید مگر در وقتی
که دهان را سه بار بشوید

در فضیلت نان بر سایر ماکولات مرویست

که امیر المومنین علیه السلام فرمود که نان را گرامی دارید و خورد مکنید و پای بر آن منهید و چون
حاضر شود انتظار غیر آن مکشید چه بدرستی که خدای تعالی آن را از برکات آسمان
فرستاده و از برکات زمین بیرون آورده و حضرت رسول صلعم دعا فرمود
که بار خدایا برکت فرما در نان ما و جدا مگردان میان ما و نان و اگر نان نمیبود
ما نماز نمیگذاردیم و روزه نمیداشتیم و فرض الهی را ادا نمیکردیم و ابو عبد الله علیه السلام
فرموده که گرامی دارید نان را که آنچه میان عرش و زمین است در نان عمل
کرده اند و بنای جسد بر نانست و امام صادق علیه السلام فرموده که قوت رسول صلعم
از جو بود و حلوای او از خرما و نان خورش وی از زیت و امام رضا علیه السلام فرموده
که فضیلت نان جو بر گندم همچو فضیلت ماست بر مردم و تمام انبیا علیهم السلام از جو خورده اند
و دعای برکت بر آن کرده اند و بهر شکم که میرود بیرون می آرد درد را از او
و جو قوت پیغمبران است و طعام نیکوکاران و خدای تعالی روا نمیدارد قوت

انبیا را برای اشقیا و دیگر امام صادق ع فرمود که اگر خدای ... که در
چیزی شفا باشد پیشتر از نان جو از اعرابی پیغمبران میساخت و دیگر
فرمود که نان برنج دوای مسلول است و هیچ چیز نیست که فایده مند او
در باب سل و هیچ چیز نیست که باقی ماند از صباح تا شب مگر نان برنج و امام
رضا ع فرمود که پیغمبر ص فرمود که سید طعام دنیا و آخرت گوشت برنج است
و امام صادق ع فرمود که نان جاورس سبک است و چون خمیر نرم است
و نافعست از برای معده

در منافع آبها

امام جعفر صادق ع
فرمود که سید شراب بهشت آبست و مرویست که ابو طیفور طبیب گفت
رفتم بخدمت امام رضا ع او را منع کردم از آشامیدن آب فرمود که
منع آب چیست و حال آنکه او طعام را هضم میکند در معده و صفرا را میبرد
و عصب را تسکین میدهد و در عقل می افزاید و حرارت را فرو می نشاند
و امام جعفر صادق ع فرمود که آب زمزم شفای هر دردیست
که مردی از اصحاب ما را وجعی گرفت که بمرتبه مرگ رسید من بخدمت امام
رفتم فرمود که یا صارم فلان را چه حالست گفتم که نزدیک مرگ شده فرمود
که اگر من آنجا میبودم آب ناودان کعبه باو میدادم صحیح میشد پس ناگاه با
رانی بارید و قدحی آب از ناودان کعبه باو دادم صحیح شد چنانکه گویی

جو خورد

جو خورد و امیر المؤمنین ع فرمود که آب باران بیاشامید که بدن را پاک
میگرداند و مرضها را میبرد و خالد بن جریر گوید که ابو عبد الله ع فرمود بعضی که اگر
من از نزد شما میبودم هر روز از آب فرات غسل میکردم و یک انار را
از قریه سورا میخوردم و امیر المؤمنین ع فرمود که رود نیل مصر دلها را میمیراند
و روی را با آن آب مشویید که آن موجب بیرویی و بی توقیریست و دیگر فرمود
کسی که تب گرم داشته باشد آب سرد بر وی بریزید که گرمی آن را فرو نشاند و
و تسکین صفرا میکند و هضم طعام مینماید در معده و تب را میبرد و دیگر فرمود
آب گرم فایده دارد برای همه چیز و مضرت نمیرساند بهیچ چیز دیگر فرمود
از شما کسی بحمام رود باید که سه کف آب گرم بیاشامد که در آبروی می
افزاید و درد از بدن میبرد و امام رضا ع فرمود که آبی که صفت جوش
زده در آتش و آن را گردانیده اند از ظرفی بظرفی دیگر پس آن تب را زایل میکند
و ساق و قدم را قوت میدهد و ابو عبد الله ع فرمود که حذر کنید از آشامیدن
آب بسیار که آن ماده هر درد و المیست و هرگاه آب کمتر میخورید مستقیم
میماند ابدان شما و رسول ص فرمود چون کسی چربی خورده باشد باید که آب
کمتر بخورد گفتند یا رسول الله شما کمتر آب میل میفرمایید فرمود که آن برای لذ
زندگی طعام بهتر است و صادق ع فرمود که اگر کسی در روز آب ایستاده بیاشامد
شامد طعام وی هضم شود و اگر شب ایستاده آب بخورد مرض استسقا به ...

همچنانکه حق تعالی فرموده و ینزل علیکم من السماء ماء لیطهرکم به و یذهب عنکم رجس الشیطان و لیربط علی قلوبکم و یثبت به الاقدام ... جعفر صادق ع فرمود که ...

... در باب دیگر آمده ... شفای هر درد ... صارم گوید

واگر در شب آب آشامد سه نوبت بگوید السلام من ماء زمزم وماء الفرات

مضرت نیابد و رسول صلعم فرموده چون آب آشامید بمکید و بگلو ملیند از برکه جلو

ضرر است

در منافع گوشتها و متعلقات آن امیر المومنین علیه السلام فرموده که نزد رسول

که گوشت سید طعامهاست در دنیا و آخرت امام رضا علیه السلام فرموده که

حکایت گوشت و پیه میکردند آنحضرت فرمود که هر مقدار از آن که در معده واقع

شود در دو بر دو شفا یابد دیگر فرمود چون طعام میخورید البته زیاده کنید و بهبا

رسانید و ابو عبد الله علیه السلام روایت کند که پیغمبر صلعم فرمود ما گروه پیغمبران بگوشت معتادیم

آدم گوید که گفتم با امام جعفر علیه السلام که شنیده ام که خدا خشم میکند بر دلی که گوشت

بسیار میخورد آنحضرت فرمود که آن دلیست که گوشت مردم میخورد یعنی

میداند گوشت را و هر که چهل روز گوشت نخورد خلق او بد شود هر کس که بد

خلق است باید که گوشت بخورد و هر کس بخورد مثل آن در دوش از بدن بیرون

رود و فرمود هر که ضعفی در بدن یا در دل داشته باشد گوشت گوسفند شیر دار

بخورد و امیر المومنین علیه السلام فرموده که پیغمبران بسوی حق تعالی شکایت کردند از ضعف بدن

فرمود او را که گوشت تناول کن انجنان کرد قوت گرفت و ضعف

و امام موسی علیه السلام فرمود که به گوشت را میرویاند و در امیر دو مرویست

بخدمت امیر المومنین علیه السلام رفت آنحضرت شیر ترش و نان خشک تناول میفرمود

از الحال پرسید فرمود که پیغمبر صلعم نان از این خشک تر میخورد و جامه از این

میبوشید من نیز چنین کردم از خوف آنکه مبادا که بوی ملحق نشوم و پیغمبر صلعم

فرموده که هر که چهل روز گوشت نخورده باشد باید که شخصی چیزی او قرض کند بر

رضای خدای تعالی تا او بخورد و مرویست از یسعد که گفتم مر امام موسی علیه السلام که مردم من

گوشت گوسفند نمیخورند فرمود چرا گفتم که میگویند موجب صفراست و صداع و او جاع

فرمود که اگر خدای تعالی میدانست چیزی که بهتر از گوسفند است از فدای اسمعیل

پیغمبر صلعم میکرد و امام جعفر علیه السلام فرموده که گوشت گاو درد است و روغن و شیر او

شفا و دواست روایتیست از امام محمد باقر علیه السلام که بنی اسرائیل شکایت بردند

نزد موسی پیغمبر از برص و موسی علیه السلام بحق تعالی شکایت کرد وحی آمد بوی که بگو ایشان را

که بخورند گوشت گاو و جوانرا با چغندر و امام جعفر علیه السلام فرموده که در گوسفند ده چیز را

که نباید خورد آلچه در شکنبه اوست و خون و لنت مازو و شیر و بشیت و قضیب

و خصیتان و بچه دان و رگهای گردن و در کتاب خصم و ده چیز از مرده باک است

شاخ و سم و استخوان و دندان و بیخ مایه و شیر و موی و پشم از مرغ مرده بروم

و پیغمبر صلعم فرموده که بر شما باد که گوشت بخورید چه هر مومن که مخالف یهود است

میخورد امام جعفر علیه السلام فرموده که سه چیز بدن را ضعیف میسازد و بسا که بهلاک

میکشد خوردن گوشت قدید بوی گرفته و بحمام رفتن بسیار و جماع با پیر زنان

مرویست از جابر بن عبد الله که پیغمبر صلعم امر فرموده بانکه تو انگران گوسفند نگاه دارند

وفقیر از مرغ و امام موسی عم فرموده که گوشت کبک ساق را قوی میسازد و تب را میبرد و امام موسی

فرموده که گوشت حباری خوبست از برای بواسیر و درد پشت و در باه می افزاید و پیغمبر

که هر که شکایت از درد دل و بسیاری غم داشته باشد گوشت دراج بخورد و ابی عبد الله

فرموده که ماهی بسیار خوردن سبب مرض سل است دیگر فرموده که ماهی تازه بدن را

میگدازد و حضرت رسول صلعم هرگاه ماهی خوردی این دعا خواندی که اللهم بارک

لنا فیه و ابدل لنا خیرا منه احمد بن اسحق گوید که سوال کردم از آنحضرت از

سقنقور که با پوست و چنگ و دنباله در معجون میکنند فرموده که باکی نیست و امیر المؤمنین

منین علیه السلام فرموده که ماهی هر دو با کنند پس هر چه از آنها در میان دم مردار است

و امام موسی عم فرموده که بلغم که غلبه کند منفرق شوید و تکبیر بگویید چون چنین کنند

بلغم تمام میرود علی بن هشام شکایت برد پیش امام رضا عم از ناهضمه شدن طعام

و معده او فرمود که زرده تخم مرغ را بخور چون چنین کرد فایده یافت و امام جعفر علیه السلام

فرمود که اگر کسی را فرزند نشود باید که تخم مرغ بسیار بخورد و امیر المؤمنین عم فرموده

که پیغمبر شکایت برد بسوی خدای تعالی از قلت نسل در امت و پس حق تعالی وحی

کرد باین از امر کن بخوردن نان و تخم مرغ روایتست از امام محمد باقر عم که پیغمبر

شکوه کرد بحق تعالی از درد پشت پس امر کرد حق تعالی که گوشت و گندم بخور یعنی هریسه

دا بخورد

66

الحضرت فرموده که جبرئیل عم فرود آمد و امر کرد مرا بخوردن هریسه که کیفیت من قوی شود و قوت

بر طاعت داشته باشم و دیگر فرموده که اگر چیزی مرکب بار زیاد است آن منفعة بود

وان طعامیست از نخود و برنج و باقلی زرد کرده بشیر میپزند علی بن سلیمان گوید که در

امام رضا عم کله گوسفند میخوردیم آنحضرت فرمودند تا سویق آوردند گفتم من کا

امتلا میشوم از سر گوسفند فرمودند که سویق هضم آن میکند و دوا آن بلغم

یونس بن بکر گوید که امام رضا عم فرمود مرا که چه سبب است که رنگ زردی

گفتم که تب کشیده ام فرمود که گوشت بخور پس خوردم بعد از یک هفته را

رنگ فرمود که نگفتم ترا که گوشت بخور گفتم من غیر از آن چیزی

روز با که فرمودی فرمود چگونه خوردی گفتم که بچتم و خو

بخور بعد از جمعه که دید رنگ بر روی من آمده بود و زر

امام محمد باقر عم که از مرغان کدام حلال است و

می چینانند حلالست گفت پرسیدم از تخم مرغ

تخم کدام مرغ است گر سر و بنش مساوی

که از آب صید میکنند فرمود که اگر دریا

والا نه در میان شیر بنیها

عسل را دوست میداشت و

و امام رضا عم فرموده کسی که ضعف

ومرویست از ابی عبدالله ع که هیچ چیز مردم را شفا نمی بخشد که مثل عسل باشد
و امیر المؤمنین ع فرموده که عسل شفاست از هر دردی بلغم را کم میکند و دل را
روشن میکند و پیغمبر ص فرموده که هر که عسل بیاشامد در ماهی یکنوبت عافیت
از صفا و صفت مرض و امیر المؤمنین ع روایت کرده از رسول ص که هیچ چیز است
[illegible] حافظه را می افزاید و بلغم و [illegible] امیر و مسواک کردن و روزه داشتن
[illegible] و عسل و شکر خوردن امام جعفر ع فرموده که خاک قبر امام حسین
[illegible] و چون بگوئی بسم الله اللهم اجعله رزقا واسعا
[illegible] من کل داء انک علی کل شیء قدیر و فرمود
[illegible] است و اگر دشمن میخورد میکند از دو [illegible]
بخورد و مقدار نخودی بسر انگشتان بردارد
و این دعا بخواند اللهم بحق هذه التربة
[illegible] امه و اخیه والائمة من ولده
[illegible] اشفاء من کل داء و بد من
[illegible] ازان بخورد و ازان حضرت سوال
[illegible] است فرمود که بلی لیکن ان کل
[illegible] ازان بهتر است و فرمود که [illegible]

دگل

کل حرام است و هر که بخورد و بمیرد نماز بر وی نگذارم الا گل قبر امام حسین ع
دیگر فرمود چیزی بیش من دوست نباشد از شکر علی بن یقطین گوید که شنید
از امام موسی ع که هر که دو حب نبات تر در خواب بخورد هر درد را شفاست
مگر مرگ دیگر فرمود که اگر مردی هزار درهم شکر بخورد آن اسراف نیست دیگر فرمود
برای تب ده درم یا قند یا [illegible] شربت کنند و نبات ناشتا بخورید و دیگر فرمود
سه چیز ضرر ندارد انگور رازقی و نیشکر و سیب دیگر فرمود نیشکر سده را بگشاید
و باد و دردی والمی نیست و امیر المؤمنین ع فرموده که خرما بخورید که شفای همه
رنجهاست و هر که خرما ناشتا بخورد هیچ مضرتی بوی نرسد دیگر فرمود که هر که
روز پیش از طعام هفت خرمای عجوه بخورد از زهر و سحر و شیطان مضرت
نیابد و دیگر ابی عبدالله ع فرموده که عجوه مادر خرماهاست و این آنست که آدم
از بهشت نخل از آورده پیغمبر ص فرموده که خانه که در آن خرما نباشد اهل آن
همه گرسنه باشند و دیگر فرمود که جبرئیل ع آمد و خرمای برنی از بهشت آورد
و فرمود زنان در آن ماه زایند این خرما بخورند تا فرزند نیکو سیرت باشند و
رسول ص وصف برنی میفرمود و میگفت در وی نه خصلت است پشت را قوی
میگرداند و [illegible] و شیطان و طعام را سازگار میسازد و بوی
دهان را خوش میکند و در قوت سمع و بصر می افزاید و نزدیک میگرداند بخدای

و دور میگرداند از شیطان رجیم و میبرد درد را از بدن بی خلل دیگر فرمود که چون حلوای
خرما پیش آرند باید که بار نگردانند و دوسترین حلاوه نزد آنحضرت حلوای خشک بود
و امام رضا ع فرموده که حضرت پیغمبر ص چون خرما میخورد استخوان آنرا بر پشت دست مینهاد
و می انداخت و امام حسین ع نقل فرموده از پدر بزرگوار خود که رسول الله ص چون بروزه
میوه ابتدای طعام بخرما میفرمود فصل دهم در ذکر میوها حضرت رسول ص فرموده که چون
آدم ع از بهشت بیرون آمد حق تعالی از میوهای بهشت با وی داد و تعلیم فرمود او را
طریق زرعت آن پس میوهای شما از میوهای بهشت است لیکن از آن حال گردیده

انار

و امام صادق ع روایت کرده که پیغمبر ص فرمود که هیچ اناری نیست مگر یک دانه از انار بهشت
است و آن دانه بمعده هر مسلمانی که در رود چهل صباح نورانی باشد و دیگر روایت
که آنحضرت انار را در شب جمعه میخورد و امیر المؤمنین ع میفرمود که انار را با پیه بخورید که
بپسازد و چون انار میخورد دستارچه می افگند و بر و میخورد و میفرمود که حبه انار از
بهشت دارد و جمعی گفتند با امیر المؤمنین جهودان و ترسایان از انار میخورند فرمود
که حق تعالی و تنه در امیفرستد و از ایشان برمیدارد تا ایشان از آن بخورند امام صادق ع
فرموده که پنج نوع از میوهای بهشت در دنیا موجود است انار ملسی و سیب شامی
و انگور و به و رطب و فرمود هر مومن که یک انار را تنها بخورد خدای تعالی
از دل او بیرون کند تا چهل روز و اگر سه عدد بخورد حق تعالی وسوسه شیطان را از دل او دور کند
یکسال بگذرد گناه نکند به بهشت رود و امام زین العابدین ع فرموده که هرکه در صباح

روز جمعه

روز جمعه پیش از طعام یک انار بخورد چهل روز دلش نورانی باشد و از وسوسه
شیطانی از دور باشد و معصیت نکند شیخ ابوجعفر طوسی رحمه الله فرموده
که طفلان را انار بدهید که موجب زبان گشادن است و روایتست که رسول ص فرموده که
بخورید که موجب قوت دل است و مورث شجاعت دیگر فرمود به را بخورید که رنگ را
تحفه ایست بخورید که چشم را روشن میسازد و محبت در دل پیدا میکند و زنان
آبستن را بدهید که سبب نیکوی صورت و سیرت میشود در اولاد و امیر المؤمنین ع
فرموده که سیب قوة و حیوة دل است و بد دل را شجاع میسازد و امام جعفر ع
فرموده که هرکه به بخورد حق تعالی چهل روز زبان او را بحکمت گویا گرداند و بوی
به بوی پیغمبر است و روایتست که حق تعالی هر پیغمبری را که مبعوث فرموده بوی به
او بوده امام رضا ع فرمود که شخصی بهی آورد بخدمت پیغمبر ص و آنحضرت از آنها
و نبات دوست داشت پس بعضی از آن تناول فرمود و بعضی دیگر بحاضران مجلس
بخشش کرد بعد از آن فرمود که بر شما است بخوردن به که دل را روشن میگرداند
و وجع سینه را میبرد و عقل می افزاید و امام رضا ع فرموده که هرکه به را ناشتا
بخورد نیکو شود آب رویش و امام محمد باقر ع فرموده که به غم را میبرد و امام جعفر ع
یکروزی پسر خوشرویی را دید فرمود که پدر او به خورده بود و در نطفه او سرایت
کرده و روایت دیگر وارد شده که بوی پیغمبران دارد و مورد بوی جن را

وکل بوی ملایکه و مرویست که پیغمبر صلعم فرموده که سیب پیش از طعام صباح بخورید
که معده را قوت میدهد و امام موسی علیه السلام از جد بزرگوار خود روایت کرده که ما اهل بیتیم
که دوا نمیکنیم تب را با شامیدن آب سرد و خوردن سیب و امام رضا علیه السلام فرموده
که سیب دفع میکند سحر و زهر و جنون را و آنچه عارض شود از بلغم و غیر آن و نیست
چیزی که فایده تر باشد از سیب و زیاد جعفری گوید که بار اول درم سیف بدینه را
و مردم را خون بسیار از بینی می آمد برادرم نیز چنین شد پس بخدمت امام صادق علیه السلام
رفتیم و حال را عرض کردیم فرمود برادرت را سیب بده پس دادم به شد او
گفت شخصی طبقی انجیر بهدیه نزد رسول صلعم آورد فرمود مر اصحاب خود را بخورید
که اگر میگفتم میوه از بهشت می آید میگفتم که انجیر است که خوردن او دفع بواسیر
میکند و به نقرس فایده میدهد و تر و خشک آن در قوت جماع می افزاید و امام
رضا علیه السلام فرموده که انجیر بوی دهان را میبرد و استخوان را محکم میسازد و درد را
دور است مرویست که امام جعفر علیه السلام فرمود که نوح علیه السلام شکوه کرد بسوی حق تعالی
از غم و اندوه وحی آمد بوی که انگور سیاه بخور که غم میبرد و دو چیز است که بهر دو
میباید خورد انگور و انار و پیغمبر صلعم فرمود که انگور یک دانه یک دانه بخورید دیگر فرمود
که بهار امت من انگور و خربزه است و امام رضا علیه السلام فرموده که امام زین العابدین
بدین انگور را دوست میداشت پس کنیزکی خوشه انگوری نزد آنحضرت نهاد
در وقتی آمد و طلب کرد خوشه انگور بوی داد و کنیزکی دیگر رفت و آن خوشه انگور را

ازان

69

ازان سایل خرید و پیش آنحضرت نهاد دیگر سایلی آمد بوی داد و باز کنیز از وی خرید
تا سه نوبت و در نوبت چهارم تناول فرمود و امیر المؤمنین علیه السلام فرموده که امرود دل را
روشن میکند و درد های اندرون را تسکین میدهد و امام صادق علیه السلام فرموده که امرود
معده را پاک میسازد و قوت میدهد زیاد جعفری گوید که من بخدمت امام رضا علیه السلام
رفتم طرفی پیش وی نهاده و در وی آلوی سیاه بود فرمود که این حرارت را
می نشاند و تسکین صفرا میکند و خون را کم میکند و مرویست از رسول صلعم که بهتر
در هر روز پیش از طعام بیست یک عدد مویز سرخ بخورد از چند چیزی از علت نه بیند
و فرمود در مویز شفا است که مویز بخورید بدرستی که مویز صفرا را میبرد و دفع بلغم میکند
و بدن را صحیح میکند و خلق را نیکو میسازد و پی را سخت میکند منقول است
که کسی گفت که چشم سفید شده بود و نمیدیدم پس امیر المؤمنین علیه السلام را در خواب
دیدم و حال عرض کردم فرمود که عناب را بکوب و در چشم بکش پس چنان
کردم تمام تاریکی از چشم من برفت و بینا شدم و دیگر فرمود که گوشت
سنجد گوشت را میرویاند و استخوان او استخوان را و پوست او پوست را
و با این کرده گرم میسازد و دباغ معده است و امان است از بواسیر و قطره
و قوی میسازد ساق را و قطع میکند رگ جذام را روایت است که پیغمبر صلعم فرمود
در حالت تب با امیر المؤمنین علیه السلام که سنجد بخور تا تبت زایل شود
در حدیث وارد است که بر خوان طعام سبزی حاضر کنید که شیطان از آن

با استخوان ها

دو پیکر و سودا

مبکرید و امام جعفر ع فرموده که هر چیزی را زینتی است زینت خوان سبزیست
احمد بن هارون گوید که من بخدمت امام رضا ع رفتم آنحضرت سفره طلبید و در آن
سبزی نبود چون آوردند فرمود که ای غلام نمیدانی من طعام بی سبزی نمیخورم
پس سبزی آوردند و با طعام تناول نمود امام جعفر ع فرموده که کدو در دماغ می افزاید
مرویست که حضرت پیغمبر صلعم فرمود که کدو بسیار در آش کنید که قوت عقل و دماغ
و آنحضرت روزی در مجلس بود نزد او قلیه کدو آوردند و را بر میچید و میخورد
و دوست میداشت و امام صادق ع فرموده که هر که شب خواب کند و در شکم او هفت
ورق کاسنی باشد ایمن باشد از قولنج دیگر فرمود که کسی که خواهد که او را بچه
بسیار باشد باید که کاسنی بسیار بخورد که هر صباح قطره چند از بهشت برو میچکانند
پس اگر خورید آنرا میفشانید و فرمود که بیخ سبزیها برگ کاسنی در روز جمعه
بخورد به بهشت رود و امام جعفر ع رضا فرموده که کاسنی شفای هزار درد است
و کسی نزد آنحضرت آمد و تب و صداع داشت فرمود که کاسنی بکوبند و بر کاغذی
نهند و روغن بنفشه بادام بان چکانند و بر سر بندند صداع تسکین یابد و حضرت
پیغمبر صلعم فرمود که هر کسی که کاسنی بخورد و بر آن بخوابد زهر و سحر بوی کار نکند و تب
او را زایل شود و یاسری گوید که امام رضا ع فرمود برگ بر تست که کاسنی بخوری
که در آب پشت تو می افزاید و فرزندت را نیکو ملیح سازد و آن گرم و تر است

و در زنه

و در زنه می افزاید و امام محمد باقر ع که ما کبر و پیاز و کندنا میخوریم موسی بن بکر گوید
که غلام امام موسی ع وجع پشت زده داشت آنحضرت فرمود که سر کندنا بکوبی
دهید دادند خوش شد و امام صادق ع فرمود که هر چیز را سید است و سید سبزیها کندناست
و امام محمد باقر ع فرموده که کندنا دفع باد میکند و بوی دهان را خوش میسازد
و بواسیر قطع مینماید و امانست از جذام اگر بسیار خورند موسی بن بکر گوید که
آمدم بخدمت امام موسی ع رفتم گفت رنگ ترا زردی می بینم پس کندنا بخور چون خوردم
زردی زایل شد روایتست از امام جعفر ع که امیر المؤمنین ع فرمود که پیغمبر صلعم
بادرنجبویه را دوست میداشت و امام جعفر ع فرمود که آن سبزی پیغمبر است
و در و هشت خاصیت است منظم طعام میکند و سده را میگشاید و بوی دهان را
خوش میکند و اشتهای طعام می آرد و سل را میبرد و امانست از جذام و اگر در اندرون
آدمی قرار گرفت دفع تمام دردها مینماید و اهل بهشت خوان نعمت را بآن
می آرایند امام صادق ع فرمود که نروئید بر زمین سبزی بهتر از خرفه و آن سبزی
فاطمه زهراست و پیغمبر صلعم فرموده که خرفه بخورید که در عقل می افزاید و دیگر فرمود
اگر آنرا در شب جمعه بخورد مورث برص است امام حسین ع روایت کرده از امیر المؤمنین ع
که رسول صلعم مرا وصیت فرمود در چند چیز از الجمله فرمود که آن سبزی الیاس
و یوشع بن نون است ع مرویست که پیغمبر صلعم فرمود سداب نیکوست از برای

و امام صادق علیه السلام فرموده
هر که بخورد ... از شب
اگر جذام در ... او
درد کند ابدا

درد گوش و امام رضا ع فرموده که سداب در عقل می افزاید لیکن آب منی را
پراکنده میکند و امام رضا ع فرموده که جقندر بخورید که بر کناره فردوس روییده
و همه درد ها را شفا است و پی را محکم میکند و استخوان را قوی میسازد و از دست
بکاران بان بمن رسید برگ آن چنان بهم میشد که یک مرد را میپوشانید و امام
جعفر ع فرموده که حق تعالی از یهود جذام بر داشت جهت آنکه جقندر میخوردند مردی
از امام جعفر ع که پیغمبر صلعم میفرمود که اگر خواهید که از بخورید و بوی آن نشنوید مراد
در حالت بریدن آن و امیر المومنین ع فرموده که اصل ترب دفع بلغم میکند و هضم طعام
مینماید امام جعفر ع فرموده که بر شما باد بخوردن شلغم که غرا است و پنهان دارد
دارید از از اهلش و هیچکس نباشد که در وی عرق جذام باشد پس بخوردن آن
بگذارند از او زایل نسازد و پیغمبر صلعم فرموده که سیر بخورید و مداوا بان بکنید
بهفتاد رنج را دوا است و فرموده که یا علی سیر بخور که اگر من با ملک حکایت
میخوردم و امیر المومنین ع فرموده که سیر نباید خورد مگر آنکه پخته باشند و چون بخورند به مسجد
مروی است که پیغمبر صلعم فرموده که چون بشهری روید پیاز آن شهر را بخورید که وبا را
از شما دفع میکند و باکی نیست خوردن پیاز چون در دیگ باشد و فرموده که بوی
دهان را خوش میکند و در باه می افزاید مروی است که پیغمبر صلعم فرموده که طعام
باقلا بوده است ... او را باسمان بردند و فرموده که باقلا با پوست بخورید که
معده است و امام جعفر ع فرموده که باقلا همه رگها را میپرد و درد هیچ رگی

و پیغمبر فرموده که بخورید بادنجان که آن درختیست در بهشت که گواهی داد
بوحدانیت خدا و بنبوت من و بولایت امیر المومنین ع و هر کس آنرا بخورد بقصد
دوا دوا او را حاصل شود و امام علی نقی ع فرموده مر بعضی از کارکنان خود را
که بسیار بخورید بادنجان را که در گرما گرم است و در سرما سرد و معتدل است در وقت
اعتدال و نیکو است بهر حال و امام جعفر ع فرموده که نزد جد بزرگوار من امام زین
العابدین ع بادنجان روغن بریان کرده نهاده بود او در چشم درد داشت
و از آن میخورد شخصی گفت یا فرزند رسول الله این گرم است و خوردن آن مناسب
نیست فرموده که خاموش باش که منقول است از جد بزرگوار من که بادنجان
از پیه زمین است و نیکو است و هر چیز را فایده است و دیگر فرموده که بر شما باد
بادنجان بورانی که آن ایمن میگرداند از برص بتخصیص که بروغن زیت
پخته باشند داود بن فرقد گوید که من بخدمت ابی عبد الله ع رفتم و نزد آنحضرت
زردک چند نهاده بود و یکی از آن بمن داد گفتم مراد از این قرق نیست
فرموده که بگیر که تا نگو .. بخور که گرده را گرم میکند و باه را قوت میدهد و
امانیست از قولنج و بواسیر امام موسی ع روایت کنند که رسول صلعم خربزه
تناول میفرمود با شکر و خرما مروی است از امیر المومنین ع که پیغمبر صلعم فرموده
بخورید خربزه که آب او رحمتیست و شیرینی او از جنت و هر که یک لقمه از آن
بخورد بهفتاد حسنه در دیوان اعمال او بنویسند و هفتاد هزار گناه از او

بردارند دیگر امیر المؤمنین ع فرموده که در خربزه ده خصلت
موجود است طعام است و آب و میوه است و ریحان و بوی خوش دارد
و نان خورش است و حلوا و آشنان و خطمی که درون شکم را پاک میسازد و
تر میکرداند و نقاهت و [illegible] امام رضا ع روایت کند که خربزه بناشتا خوردن
موجب افلاج و قولنج است و امام جعفر ع روایت کند که پیغمبر ص بادرنگ
میخورد با نمک و میفرمود که چون بادرنگ میخورید از اول آن بخورید که برکت
آن بیشتر است مرویست که رسول ص فرموده که شونیز همه دردها را دوا است

حبة السودا بعض

الا مرگ و آنحضرت از دوست داشتی شخصی شکوه کرد با امام جعفر ع از درد
شکم فرمود که شونیز بخور که شفاست از هر درد بدرستی که ما بجهة تب و درد
شکم و چشم و هر درد که بما میرسد شونیز میخوریم حق تعالی شفا میدهد مرویست
پیغمبر ص فرموده که هیچ شاخی نیست از درخت اسفند و نه برگی و نه شکوفه

اسفند

مگر که فرشتهٔ بان موکل است تا فایدهٔ آن بهر جا که باید رساند برساند یا
بگذراند که فرو ریزد و در اصل و فرع آن نفع عظیم است و دانه آن هفتاد
و دو درد را شفاست پیغمبری از پیغمبران شکوه کرد بحق تعالی از بد دلی
خود وحی فرمود حق تعالی بوی که امر کن امت خود را بخوردن اسفند و
و پرسیدند از حضرت صادق ع از فایدهٔ اسفند و کندر فرمود که در اسفند
با وجود موکل بودن ملایکه در خانه که آن دانه باشد شیطان نزدیک

بمنزله

بمنزله شد آن خانه و هفتاد خانه که در حوالی وی اند و هفتاد درد را
دوا است که آسان تر آن جذامست پس باید که از شما فوت نشود
و اما کندر پس مختار پیغمبران کرامست ع که پیش از این بوده اند و مریم
عمران ع بان بخور کرده و هیچ دودی نیست که زود تر از آن به بالای
لای آسمان رود و آن دور کننده جنیان است و دفع کننده دردها
پدرمان پس باید که از شما فوت نشود منقولست که رسول ص فرموده که
زنان آبستن را کندر بدهید تا بخایند که موجب زیادتی عقل است فرزندان
ایشان و در هر خانه که بخور کنند عفاریت جن از آنجا نیست شوند و امیر
المؤمنین ع فرموده که جاویدن کندر دندان را محکم میکند و بلغم و بوی
دهان را میبرد و امام رضا ع فرموده که کندر بسیار بجاوید که بلغم را میبرد و عقل
را قوت میدهد و طعام را هضم میکند

در حبوبات مرویست که یکی از
اصحاب امام رضا ع بهق داشت آنحضرت فرمود که آش ماش
بخورد و ماش تر را باید برگ بکوبد و آب از برنا شتا بیاشامد در بهق
نیز بمالد چنان کرد شفا یافت مرویست که حضرت رسول ص فرمود
بر شما باد بخوردن شنبلیله و اگر امت من میدانستند که چه مقدار فایده در آنست
از بوزن طلا برابر میکردند و مرویست که پیغمبر ص امت را منع [illegible]

سعتر و شونیز

وسعتر و شونیز که سفیدی ابیر بنزد و گرانی طعام را سبک میسازد و قوت
میدهند معده را و قطع بلغم میکند و امان است از لقوه شخصی نزد امام جعفر ع از شکم درد
پرسید فرمود که نیکوست برای درد لیست و امام جعفر ع از پدران بزرگوار خود روایت
کرده که روزی رسول صلعم بر سجاده عبادت نشسته بود که عبدالله بن نبهان آمد
و گفت یا رسول الله من نزد تو بسیاری نشینم و سخن تو بسیاری شنوم
دل من رقت پیدا میکند و اشک از چشم من روان نمیشود فرمود که عدس بخور
که دلت را تنک میسازد و اشک را روان گرداند و فرمود که پیغمبری از
پیغمبران از دل سختی قوم خود شکوه کرد حق تعالی وحی فرستاد فرمود که قوم خود را
بگو که عدس بخورند که در دل رقت پیدا میکند و عظمت و کبر میبرد و آن طعام
مردم نیکو خصال است و هفتاد پیغمبر بآن برکت یافته اند که آخر ایشان
عیسی بن مریم است و صادق ع روایت کرده که پیغمبر صلعم فرموده که بر شما باد که
مداوا کنید بسنا که اگر چیزی دفع مضرت میکند سنا است و فرموده که اگر
خاصیت سنا آنست که یک مثقال از آن بدهند و میثقال طلا بفروشند دیگر
امان است از بهق و برص و جذام و جنون و فالج و لقوه امام صادق ع
فرموده که هر که تب کند بیاشامد دران شب دو درهم یا سه درهم از بزر
قطونا که شربت کند ایمن شود از برسام دران علت

خورد

گردکان

خوردن بهما غیر مکرر امام جعفر ع فرموده که بهتر و گردکان با یکدیگر خوردن موجب
شفا است ولی بی یکدیگر خوردن موجب الم است و در دو دیگر فرموده که بهتر هضم
طعام میکند و اشتهای آرد و دیگر فرمود گردکان در گرما خوردن حرارت
در جسد پیدا میکند و در سرما خوردن گرده را گرم میکند و دفع سرما میکند منقول است که رسول صلعم
فرمود امیر المومنین ع را که ای علی در طعام خوردن ابتدا بنمک کن و ختم
بنمک که آن شفا است از هفتاد درد که از جمله آن جذام و برص و درد حلق
و دندان است و امام جعفر ع فرموده که هر که بر لقمه اول از طعام نمک زند و بخورد نقطهای بهق
سیاه و سفید از روی وی بپرد مرویست که امام رضا ع از اصحاب خود پرسید که کدام
خورش بهتر است یکی گفت گوشت و یکی گفت زیت و دیگری گفت گاو روغن آنحضرت
فرمود که بهتر نمک است روایت است که رسول بخانه ام سلمه فرمود که یکی از ازواج
آنحضرت بود پس نان بسیار پیش آوردند فرمود که هیچ نان خورش نزد شما هست
ام سلمه گفت یا رسول الله نزد ما بغیر از سرکه چیزی نیست فرمود که نیکو نان خورش است
در هر خانه که سرکه باشد اهل آن خانه فقیر نشوند و فرمود بار خدایا برکت ده
در سرکه که آن نان خورش پیغمبران بوده پیش از من و صادق ع فرموده که سرکه
عقل را قوت میدهد و صفرا را میشکند و دل را زنده میکند و فرموده بر شما باد بسرکه
شراب که خود سرکه شده چه آن جنبنده در شکم شما نمی گذارد مگر آنکه بقتل در آورد

ودیگر فرمود یوسف پیغمبر وقتی که در زندان بود شکوه کرد بحق تعالی از نان تهی خوردن
وطلب نان خورش نمود مامور شد که نان خشک شده را در ظرفی که در او آب
نمک باشد بیندازد و نان خورش سازد روایت کند امام صادق ع که پیغمبر فرمود
که بخورید زیت را وتدهین کنید بآن که آن از شجره مبارکست دیگر فرمود زیت
دهن ابرار است وطعام اخیار امام جعفر ع فرموده که چهار چیز است که جلا
میدهد دیده را وفایده دارد وضرر ندارد پس از آن پرسیدند فرمود که سعتر و نمک
بایکدیگر و نانخواه و بلادرکان بایکدیگر گفتند خاصیت این جمعیت چیست فرمود که
نانخواه وکردکان بواسیر را میسوزانند و بادها را میرانند و رنگ را نیکو میسازند
ومعده فرا درشت میکردانند وکرده ها را گرم میکنند وسعتر و نمک بادها را از دل میبرد
وسده ها میکشایند و بلغم را میسوزانند وآب لثت را صاف ولب بسیار میکنند و دندان
خوش میکنند ومعده را از زخم بیبیارند و باد بد از دهان میبرند و باه را قوت میدهند
ابراهیم تمام گوید که دزدان مرا گرفتند و پالوده درد دهانم ریختند تا بخته شد دندانهای من
بعد از آن برف آب در آن آغشتند پس دندانهای من تمام افتاد بعد از آن
امام رضا ع را در خواب دیدم وشکوه احوال بوی عرض کردم فرمود که سعد استعمال
کن که دندانت میروید بعد از آن بجانب اسپاهان رفتم و بخدمت آنحضرت رسیدم
وسلام کرده شرح احوال و خواب گفتم فرمود که در سعد [illegible] بهمان دوای سعد
استعمال کن پس چنان کردم دندانهای من تمام است همچنان که بود درست

سعد

که امیر

که امیر المؤمنین ع فرمود که بهتر طعامی که روزه دار در سحر بخورد سویق است
وخرما وسویق جو بریان خورد کرده است منقولست که مردی گفت ابی
عبدالله ع را گفت مرا فرزندیست که بغایت ضعیف است ومعلول فرمود که
بسویق مداومت فرماید که محکم میسازد استخوان را و میرویاند گوشت را و امام
رضا ع فرمود که اگر سویق را بآب بشویند هفت بار و از ظرف بظرف بگردانند
و بیاشامند تب گرم را میبرد و فرو دارد و قوت را در ساق و قدم [illegible] سیف
تمار گوید که حال مریضی را نزد ابی عبدالله ع عرض کردند فرمود که او را سویق جو
بخورانید که نیکو میشود و آن غذا است در اندرون بیمار راوی گفت که او بسیار
خورد از بیماری خلاص یافت ابن کثیر گوید که شکم من درد کرد با ابی عبدالله ع
شکوه کردم فرمود که سویق کاورس را بآب زیره کرمانی بیاشام چنین
کردم پس عافیت یافتم احمد بن یزید گوید که آنحضرت فرمود که هرگاه کسی را عقرب
بگزد او را سویق سیب بده حمید ابوبکر گوید که از بینی من خون نمی ایستاد پس دیدم
از آنحضرت که حکم فرمود که سویق بیاشام پس چون آشامیدم خون ایستاد
دیگر فرمود که سویق عدس تشنگی را می نشاند و معده را قوت میدهد و حرارت
تسکین میدهد و امر روز را [illegible] خشک میسازد و هفتاد درد را ازو دوا است علی بن
مهزیار گوید که مرا کنیزکی بود که خون حیض ازو منقطع نمیشد تا مشرف شد بر مرگ
پس امام محمد باقر ع فرمود که سویق بیاشامد پس آشامید خون ازو منقطع شد

سویق جو

سویق جو

سویق سیب

سویق عدس

روایت کند امام حسن ع که پیغمبر ص چون شیر می آشامید این دعا میخواند که
اللهم بارک لنا فیه وزدنا منه منقولست که کسی گفت با امام جعفر ع
که من شیر خوردم بمن مضرت رسانید فرمود چیزی دیگر با آن خورده که بتو مضرت
داده از امیر المؤمنین ع سوال کردند که شیر گاو دوا ایست فرمود بلی و سوال کردند
از بول او که اگر مردی بیاشامد چون باشد فرمود که اگر احتیاج دارد بخورد او را و لیس
باکی نیست جعفری گوید که شنیدم از آنحضرت که میفرمود که بول شتر بهتر است
از شیر شتر و در آن شفاست روایتست از امیر المؤمنین ع که پیغمبران
بعد از آنکه شب طعام میخوردند پس شما ترک آن مکنید که آن موجب خرابی
بدنست و رسول ص فرمود که کسی که ترک کند از شب شنبه و شب یکشنبه بتوالی
برود از و قوت چیزی تا چهل روز باز نیاید و دیگر امام موسی ع فرموده که آن چیز را
را ترک مکنید اگرچه بنان نهی باشد که موجب قوت جسد است و امام صادق ع
فرموده که اگر همه سه لقمه باشد با نمک باید که ... اگر کسی شبی ترک کرد رگی از بدن
او میمیرد و هرگز زنده نمی شود و امام موسی ع فرموده که هر که تخم مرغ و پیاز و روغن
زیت بخورد قوت مباشرت او بیفزاید و هر که گوشت و تخم مرغ را بخورد بسیار شود
فرزندان او و امام صادق ع فرموده چهار است که خوردنی نیست و موجب
وبهیمت که بنا پوشیدن و بوی خوش بکار بردن و نوره نهادن و

و سه چیز است که خوردنی است و موجب لاغریست گوشت خشک خوردن و پنیر
و شکوفه خرما و دو چیز است که نفع دارد و هیچ مضرت ندارد شکر و انار

باب هشتم در آداب نکاح و متعلقات آن مشتمل بر ده فصل

در رغبت تزویج و مبارک بودن بعضی از زنان و شوم بودن بعضی از ایشان

امام محمد باقر ع روایت کند که رسول ص فرموده که چه مانع است مومن را که فرا گیرد اهلی
شاید که حق تعالی روزی کند او را از آن فرزندی که گران کند زمین را بکلمه
طیبه لا اله الا الله دیگر فرمود که هر که زنی را نکاح کرد نصف دین را حفظ نمود
پس باید که پرهیزکاری کند در نصف دیگر دیگر فرمود که بنا نهاده اند در اسلام بنائی
که دوستتر باشند بسوی خدای تعالی از تزویج دیگر فرمود کسی که دوست میدارد فطرت
مرا باید که پی روی کند سنت مرا که آن نکاحست دیگر فرمود کسی که توانائی داشته باشد
بنکاح و نکند از ما نیست دیگر فرمود طلب کنید روزی را بنکاح و امام جعفر ع فرموده
کسی که ترک نکاح بکند بجهت خوف درویشی پس او گمان بد به پروردگار خود
کرده بقول الهی که ان یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله دیگر حضرت
رسول ص فرمود که نکاح کنید تا بسیار شوند بشما امت فردا در قیامت تا آنکه آن
فرزندی که از شکم رفته باشد بیاید خشمگین در در بهشت گویند مرا او را که در رو
در بهشت گوید نمیروم تا بروند پدر و مادرم پیش از من و امام جعفر ع روایت کرده

ازامیرالمؤمنین ع که نیکوترین شفاعتها آنست که شفاعت کند میان دو کس در نکاح تا حق تعالی
جمع کند میان ایشان و پیغمبر ص فرموده که ای جوانان نکاح کنید و از زنا حذر نمائید
که آن موجب زوال ایمانست و فرموده که دو رکعت نماز که از کسی که زن داشته باشد
فاضلتر است از عزبی که روز بروزه باشد و شب زنده دارد دیگر فرموده که بدترین
مردگان شما عزبانند و امام صادق ع فرموده که دو رکعت نمازی که زن شوهر
دار گذارد بهتر است از هفتاد رکعتی که عزب گذارد دیگر فرموده که بیشتر خیرات
در زنانست چه دوستی زنان از اخلاق پیغمبرانست دیگر فرموده که اگر بنده در دوستی
زنان بکر اید آن در ایمان بیفزاید دیگر فرموده که نکاح کنید و طلاق مدهید که عرش
از آن بلرزد و امام زین العابدین ع فرموده که هر که از جهت رضای خدا
وصله رحم زن بخواهد حق تعالی او را تاج کرامت بر سر نهد و رسول ص فرموده که
کسی که مال داشته و نکاح نکند از من نیست و دیگر فرموده که نیکوترین زنان امت
من آنست که روی تازه و خرم داشته باشد و کابین اندک و امام صادق ع
فرموده که برکت زن آنست که خرج او اندک باشد و زائیدن او آسان و شومی
زن آنست که خرج او بسیار باشد زائیدن او دشوار و ابی عبدالله ع فرموده
کسی که نکاح کند و قمر در برج عقرب باشد او روی نیکوئی نبیند و روایتی دیگر

دارد کن

است که مکروه است نکاح کردن در تحت الشعاع

در اصناف زنان و اخلاق ایشان امام جعفر ع فرموده که زنان چهار صنف اند یکی
از آن ربیع مربع است و آن زنیست که فرزند در کنار داشته باشد و
دو فرزندی در شکم و دیگر جامع مجتمع است و آن زنیست که خیر او بسیار باشد
و زاینده و دیگر کرب مقمع و آن زنیست که با شوهر بدخلقی کند و دیگر غل
قمل و آن زنیست که نزد شوهر ضیان باشد که از و فایده نتوان یافت مثل
کنه که بر پوست بدن بچسبد دیگر فرموده که عقل ایشان در جمال ایشانست
و جمال مردان در عقل ایشان داود کرخی گوید که گفتم مر ابی عبدالله ع را
که زنم فوت شده و مرا یار موافق بود و میخواهم که زنی دیگر بخواهم فرموده که نظر
کن که کجا بار فرو میکری باید که او کسی باشد که حفظ مال تو کند و دین ترا
نگاه دارد و خود را از غیر پنهان کند و امانت ترا رعایت کند پس اگر
ناچار شود ترا باید که باین صفات موصوف باشد و با این بکر نیز زن دیگر
است و امام زین العابدین ع فرموده که پنج خصلت است هر که از آن
یکی ندارد در زندگانی او ناقص است و عقل او زایل و دل او مشغول و
خاطر او معلول و آن صحبت بدنست و روزی فراخ و انیس موافق
یعنی زن صالحه و فرمانبردار و مصاحب لایق موافق امیر المؤ
منین ع فرموده که اگر خواهید زنی نکاح کنید از موی او سوال کنید

چنانچه از روی او سوال میکند زیرا که موی زن زینت یکی از دو جمال او ست
دیگر فرموده بهترین زنان شما آنانند که خوشخوی و خوشبوی باشند و پاکیزه
طعام که اگر انفاق کنند انفاق ایشان بمعروف بود یعنی عرف شرع بپسندد
آن را و اگر امساک کنند امساک نمایند بمعروف پس ایشان عمل کنندگان
رضای الهی و عمل کنندگان ایشان نومید نمیباشند ایشان از حضرت منان
امام صادق ع فرموده که بهترین زنان شما زنیست که اگر او را فرمانی
از و بپیر زند یا غضب و مستولی گردد گوید که دست من در دست تو
نیست اگر رضای تو نباشد سرمه در چشم نکشم و حضرت رسول صلعم فرموده
که نیکوترین زنان شما زنیست که شوهر دوست باشد و فرزند زاید و پرهیز
کار بود و [illegible] باشد میان مردم خود و ذلیل باشد از شوهر خویش و خود را
برای او بیاراید و از غیر شوهر خود را نگاه دارد و سخن شوهر شنود و امر او
بجای آرد و چون شوهر غایب شود مراد او سلوک نماید و خود را از دست
نگذارد دیگر فرموده که نیکوترین فایدها بعد از اسلام زنیست مسلمان که چون
شوهر بوی نظر کند خرم شود و چون او را بکاری فرماید فرمان بجای آرد
و چون غایب شود حفظ خود و مال او نماید و مرویست که مردی آمد نزد
رسول صلعم و گفت مرا زنی هست که چون بخانه میروم استقبال من میکند و چون

بیرون میروم متابعت من مینماید و اگر میبیند که غمی دارم میگوید که اگر غم
تو از برای روزیست حق تعالی کفایت میکند از او و اگر از برای آخرتست زیاده
گرداند آن را آن حضرت فرموده که او را بشارت ده و بگو که زن در هر روزی ثواب
هفتاد شهید است امام صادق ع فرموده که زن نیکو خصال نیک صورت در زمان
دنیا زیاده از حور عین دیگر فرموده که حیا ده جزو است نه جزو آن در زنان است و یک
آن در مردان پس چون ختنه نمایند یک جزو میرود و چون شوهر کرد یک جزو دیگر و چون
باو دخول کرد یک جزو دیگر و چون زاید یک جزو دیگر و پنج جزو دیگر باقی ماند اگر به صلاح زیست
باقی میماند آن پنج جزو و اگر فجور کرد تمام حیای او میرود و رسول صلعم فرموده که
چون زن نماز پنجگانه بگذارد و روزه ماه مبارک بدارد و خود را نگاه دارد
و فرمان برداری شوهر کند بهر کدام از در بهشت که خواهد اندرون رود و فرموده
هر زنی که مدد شوهر کند در حج و در غزا و در طلب علم حق تعالی مقدار زن ایوب پیغمبر ع
او را ثواب دهد و فرموده که نیکوترین امت من زنیست که روی او تازه و خرم باشد
و مهرش اندک امام صادق ع فرموده که بدترین دشمنان بنده مومن زن بد خلقست
پیغمبر صلعم فرموده که زنان از دو چیز است در ماندگی و عورت پس باید که عورت
خود را در خانها پنهان کنند و درماندگی را بخاموشی اختیار کنند و امیر المومنین ع فرموده
که در آخر الزمان نزدیک بقیامت که بدترین اوقاتست زنانی چند باشند که کشف
عورت کنند و از ارکان دین بیرون روند و داخل فتنها شوند و میل بشهوت

کنند و بلند تماشا کنند و حرام را حلال دانند ایشان در دوزخ باشند همیشه دیگر
فرمود که زنی که صورت خوب نداشته باشد و فرزند زاید نیکوتر است از زن خوب
صورت که فرزند نزاید دیگر فرمود که اگر زنی طلا و نقره تمام روی زمین بخانه شوهر آورد
و سرزنش او کند که مال مال منست تمام عبادت و نیکوکاری او ضایع شود اگرچه عابد
ترین مردم باشد مگر که توبه کند و عذر از شوهر بخواهد دیگر فرمود هر زنی که از شوهر حرکت
و دوری گزیند بغیر حق او را در روز قیامت با فرعون و هامان حشر کنند و در درک
اسفل باشد در دوزخ مگر توبه کند و از ان بازگردد مرویست که رسول صلعم بجماعتی
از زنان گذشت و فرمود که ای گروه زنان شما نقصان دارید در عقل و دین و
می بینم که بیشتر اهل دوزخ شما خواهید بود در قیامت پس تا توانید عمل شایسته کنید
و بخدا نزدیک شوید در ان میان زنی گفت یا رسول الله نقصان عقل و دین ما
چرا است فرمود نقصان دین بجهت انکه در وقت حیض نماز و روزه شما درست نیست و
نقصان عقل انکه گواهی دو از شما برابر یکمرد است و حضرت پیغمبر صلعم فرمود که از زنی
از ان صاحب جمال که اصیل باشد و امام جعفر عم فرموده که اگر مرد بطمع مال و جمال
زنی کند از روزی وی نشود و اگر جهت حفظ دین باشد از روزی وی شود دیگر
که یکی شکایت زنان کرد نزد امیر المؤمنین عم خطبه بلیغ ادا نمود بعد ازان فرمود که
ای معشر زنان در جمیع امور مکنید و مال در دست ایشان مگذارید چه اگر ایشان را بخود باز
گذارید در مهلکه افکنند زیرا که نزد حاجت ورع ندارند و نزد شهوت صبر [illegible]

صلی الله در دعا میفرمود که بار خدایا من بتو پناه میبرم از فرزندی که برمن بار باشد و از مالی که برمن وبال باشد و از زنی که پیش از پیری مرا پیر سازد و از بدی
دیگر فرمود که اگر با ایشان نیکی میکنند بفراموشی میگذارند و بدی می افزایند و چون از ایشان [illegible] نیکی [illegible]
شیطان میکنند با ایشان سخن نرم و نیکو گویند تا نیک کردار شوند
در نکاح همسران و مناسبت در میان ایشان منقولست که رسول صلعم فرمود که
آدمی ام مانند شما با شما نکاح میکنم و تزویج مینمایم مگر فاطمه عم که حق تعالی تزویج او را
فرود آورد از آسمان و نظر فرمود آنحضرت باولاد علی ابن ابی طالب عم و برادرش
جعفر پس فرمود که دختران ما برای پسران ما و پسران ما برای دختران ما و امام
جعفر عم فرمود که مؤمنان در نکاح همسر یکدیگرند دیگر فرمود که نکاح مکنید با مردی که
زنا کند بظاهر و با زنی که زنا کند بفاش روایت که شخصی در نکاح خود مشورت کرد
با امام حسن عم فرمود که دختر را بزنی مرد متقی بده که اگر دوست داشت او را
گرامی می دارد و اگر دوست نداشت ظلم او روا نمی دارد و حضرت پیغمبر صلعم فرموده که هر کس که شراب خورده
باشد صلاحیت آن ندارد که دختر بوی دهند مرویست که امام جعفر عم پرسید
از ابی بصیر که چون یکی از شما نکاح میکند چه میگوید گفت نمی دانم آنحضرت فرمود
چون قصد نکاح کند دو رکعت نماز بگذارد و حمد خدای تعالی بجای آرد و این
دعا بخواند اللهم انی ارید ان اتزوج اللهم فقدر لی من النساء
احسنهن خلقا و خلقا و اعفهن فرجا و احفظهن لی فی نفسها

وحالي واوسعتهن رزقا واعظمهن بركة وقيض لي منها ولدا
طيبا تجعله لي خلفا صالحا في حياتي وبعد موتي امام زين
العابدين ع فرمود که رسول ص چون فاطمه ع را با امیر المومنین ع نکاح میفرمود
خطبه بلیغ خواند و بعد از آن طبق خرما طلب فرمود گفت که غارت کنید
پس در آن اثنا که این را میفرمودند امیر المومنین ع در آمد آنحضرت فرمود یا علی
حق تعالی امر کرد که فاطمه را بتو دهم زنی پس بتو دادم و نکاح کردم بچهارصد
مثقال نقره اگر رضا داری امیر المومنین ع فرمود راضی هستم باین نکاح از
خدا و رسول او پس آنحضرت دعا فرمود بسعادت و خیر و خوبی و امام جعفر ع
فرموده که هر که زنی را نکاح کند و در خاطرش آن باشد که مهر او را ندهد نزد
حق تعالی چنانست که زنا کرده و امیر المومنین ع فرموده که ضرورت است بین
شرطهای نکاح آنست که مهر را زن بدهد و سنت محمد ص در مهر پانصد درهم
نقره است و هر کس که زیاده کند بر آن باز گردانند بسنت و هر مقدار از
مهر که زن بقرض نزد شوهر بگذارد واجبست که ادا کند در حیات یا بعد از فوت
و اولی آنست که بعد از مرگ زن فرزندان مهر از پدر طلب نکنند اگر نزد او
نگذاشته باشند و فرمود که سبب آنکه مهر سنت پانصد درهم نقره است که
بنده مومن صد نوبت لا اله الا الله و صد نوبت صلوات بعد از آن

این دعا

این دعا بخواند اللهم زوجني الحور العين حق تعالی واجب گرداند بر نفس خود
که حوری از بهشت بوی دهد و ثواب از مهر او گرداند و منقولست که حضرت رسول ص
چون فاطمه ع را بعلی ع نکاح میفرمود جمعی از قریش نزد آنحضرت آمدند و گفتند که
که دختر را بعلی میدهی بمهر اندک آنحضرت فرمودند آنکه من دختر بعلی میدهم حق تعالی
دختر مرا بعلی نکاح فرموده در شبی که مرا باسمان بردند نزد سدرة المنتهی و بعد
سدره وحی فرستاد که نثار خود را بر زمین بریز پس درها و جواهر بسیار بر حوران بهشت
ایشان با آن تفاخر و فخر بسیار کرده میگفتند که این نثار فاطمه ع دختر محمد است ص
و چون شب عروسی شد آنحضرت استر شهبا که داشت فرمود که آوردند و قطیفه
بر آن افکندند و فاطمه ع را گفت که سوار شو و سلمان فرمود که عنان استر را
میکشید و آنحضرت از عقب وی میرفت ناگاه در میان راه جبرئیل ع آمد با هفتاد هزار
فرشته و میکائیل ع با هفتاد هزار فرشته آنحضرت فرمود که چه مهم فرود آمده اید
گفتند برای عروسی علی مرتضی و فاطمه زهرا علیهم السلام فرود آمده ایم تا فاطمه ع را
بخانه امیر المومنین ع برسانیم پس رسول ص با تمامی فرشتگان عالم بالا متوجه
آن سرا شدند تکبیر گویان از آن جهت تکبیر در عروسی سنت شده در آ
و آداب عروسی و مباشرت و غیر آن از معاشرت مرویست که امام جعفر ع
فرمود یکی از اصحاب خود را که چون بخانه عروسی در آیی دست بر پیشانی

وی بنه در حالی که رو بقبله داشته باشی واین دعا بخوانید اللهم بامانتی اخذتها
وبکلماتک استحللت فرجها فان قضیت لی منها ولدا فاجعله مبارکا سویا
ولا تجعل للشیطان فیها شرکا ولا نصیبا منقول است از ائمه انام ع
که چون زفاف شد باید که مرد امر کند زن را که وضو بسازد و دو رکعت نماز
بگذارد و مرد نیز مثل آن بجای آورد و حمد الهی و صلوات بر پیغمبر و آل او بتقدیم رسانند
واین دعا بخواند اللهم ارزقنی الفها و ودها و رضاها بی واجمع بیننا
باحسن اجتماع وایسر ائتلاف فانک تحب الحلال وتکره الحرام و در وقت
مباشرت خدای تعالی را یاد کند روایت است که رسول صلعم فرمود امیر المؤمنین علیه
که ای علی چون عروس بخانه تو در آید بفرما تا موزه بکند وقتی که بنشیند و آنگاه پای
بشوید و آن آب را بریزد از در خانه تا آخر خانه چون چنین کردی حق تعالی بیرون
میبرد از خانه تو هفتاد هزار نوع از فقر و فاقه و در می آرد هفتاد هزار گونه از
برکت و فرو میفرستد بر تو هفتاد هزار رحمت که پرواز کند بر عروس تا برکت آن
بتمام کنجهای خانه تو برسد و ایمن شود عروس از جذام و برص تا در این خانه
باشند و منع کن عروس را تا هفت روز که از خوردن شیر و سرکه و گشنیز و سیب
ترش امیر المؤمنین ع فرمود یا رسول الله ص از اینها منع کنم فرمود که رحم زن
سرد میشود و عقیم صورت نمیگیرد بمرتبه که حصیری که در گوشه خانه افتاده
باشد بهتر است از زنی که فرزند نیارد و دیگر فرمود اگر زن در حالت حیض سرکه

بخورد

بخورد هرگز بتمامی پاک نشود و اگر شیر بخورد حیض او منتن شود و در شکمش
و سخت شود بر او ولادت و اگر سیب ترش بخورد حیض او بند شود و آن موجب
درد شود بر او و دیگر آنحضرت فرمود که یا علی مباشرت مکن با زن در اول ماه و میان
و آخر ماه که آن موجب جنون و جذام است دیگر بعد از وقت پیشین که فرزند احول
میشود و شیطان احول میکند ای علی در وقت مباشرت سخن مگو که اگر فرزندی
پیدا شود شاید که گنگ باشد و باید که نظر نکند هیچکس بعورت زن که آن موجب کوری
فرزند است ای علی مباشرت مکن با زن بشهوتی که برانگیخته شده باشد بشهوتی دیگر
که خوف آن است که فرزند مخنث باشد ای علی هر کس که جنابت داشته باشد در جامه
خواب باید که با زنش قرآن نخواند که خوف آن است که از آسمان آتش بر سر ایشان
بیارد ای علی در وقت مباشرت باید که با تو خرقه باشد و با او خرقه و هر دو یک خرقه
استعمال مکنید که آن موجب عداوت و تفرقه شود بطلاق انجامد ای علی مباشرت
باید که ایستاده نکنی که آن فعل حمار است و چون فرزندی بیاید بول در جامه خواب کند همچو
حمار که بول میکند در هر مکان ای علی مباشرت مکن در شب عید فطر که فرزند بد کردار باشد
ای علی مباشرت مکن در شب عید قربان که فرزند شش انگشت باشد یا چهار انگشت
ای علی مباشرت مکن در زیر درخت میوه دار که فرزند جلاد و قتال باشد یا عوان
ای علی مباشرت مکن در مقابل آفتاب و نور او مگر پوشیده و گذاشته باشی و الا
فرزند دایم در فقر و مشقت باشد بمیرد ای علی مباشرت مکن میان بانگ و قامه که فرزند

که فرزند حریص باشد و خون ریختن ای علی چون زن آبستن باشد مباشرت
مکن مگر با وضو باشی که فرزند بخیل و کوردل باشد ای علی مباشرت مکن در نیمهٔ شعبان
که فرزند شوم رو باشد ای علی مباشرت مکن چون دو روز از شعبان مانده باشد
که فرزند تمغاچی بود یا ظالم و هلاک بعضی مردم بر دست او وقوع یابد ای علی مباشرت
مکن بر بام که فرزند منافق مرئی باشد ای علی چون خواهی که به سفر روی در آن شب
مباشرت مکن که فرزند مال خود را نا مشروع خرج کند و آن حضرت این آیه را
خواند إنَّ المبذّرين كانوا اخوان الشياطين ای علی چون خواهی رفتن
بسفری که قدر آن سه شبانه روز باشد مباشرت مکن که فرزند مدد کار ظالمان
باشد ای علی در شب دوشنبه مباشرت بکن که فرزند حافظ کلام الله باشد
و بقسمت الهی راضی بود ای علی مباشرت کن در شب سه شنبه که چون فرزند شود
شهادت روزی وی گردد و بعد از آنکه گفته باشد لا اله الا الله محمد رسول الله
علی ولی الله و خدای تعالی عذاب نکند او را با مشرکان و خوشبوی دهان بود و رحیم
دل و بخشنده دست و پاک زبان از غیبت و دروغ و بهتان ای علی اگر شب پنجشنبه
مباشرت کنی فرزند حاکم باشد یا عالم و گر وقت پیشین روز پنجشنبه مباشرت کنی آن فرزند
[illegible] باشد و سلامت در دنیا از آفت و دین روزی وی شود و شیطان بر او نزدیک
نگردد تا پیر شود و اگر مباشرت کنی در شب جمعه فرزند خطیب فصیح تیز زبان باشد
و اگر همین شب بعد از فرو رفتن شفق باشد آن فرزند ابدال بود ای علی مباشرت
مکن

مکن در ساعت اول شب که فرزند ساحر باشد و اختیار کند دنیا را بر آخرت ای علی این وصیت
را یاد گیر چنانچه من از جبرئیل علیه السلام یاد گرفتم امام جعفر علیه السلام فرموده که باید مباشرت نکنند
رو بقبله و پشت بقبله دیگر فرموده در اول و وسط و آخر ماه مباشرت نکنند که اگر جنین
گیرد سالم نباشد از سقط فرزند و اگر تمام متولد شود و بیم آن است که مجنون باشد نمی
بینی که بیشتر جنون در اول و وسط و آخر ماه میباشد دیگر فرموده مکروه است جنب شدن
در وقت زرد شدن آفتاب و در وقت طلوع آن دیگر فرموده که در کشتی مباشرت
نباید کرد و رسول صلعم فرموده کسی که محتلم شده باشد مکروه است که مباشرت کند با زن
پیش از غسل از احتلام دیگر فرموده کسی مباشرت کند با زن در وقت حیض شاید که
فرزند مجذوم یا ابرص زاید پس ملامت نکند الا خود را دیگر فرموده کسی که خواهد بقا و عمر
دراز طعام را بوقت خورد و قرض اندک کند و مباشرت با زنان کمتر نماید
فرموده که چون زن از محل مباشرت برخیزد کسی بر جای او ننشیند تا هنگامی که جای
او خشک شود مرویست که مردی گفت با امام محمد باقر علیه السلام که هیچ وقتی از اوقات هست
که مباشرت مکروه باشد با حلال خود فرموده بلی از بر آمدن صبح تا بر آمدن آفتاب و از فرو رفتن
آفتاب تا غایب شدن شفق و در روز گرفتن آفتاب و در شب گرفتن ماه و در شب
و روزی که در آن باد سیاه و سرخ و زرد آید و شب و روزی که در آن زلزله واقع شود
منقولست که حضرت رسول صلعم چون دختر زن میکرد هفت شبانه روز پیش او میبود و اگر
زنی که شوهر یافته بود [illegible] سه شبانه روز پیش او میبود و امیر المومنین علیه السلام فرموده

و اما جماع [illegible]
که لذت زن [illegible]
و نه بیشتر از لذت
و میان [illegible]
جدا [illegible]

که سنت است نزدیکی کردن با زن در شب اول ماه رمضان بمقتضای آیهٔ کریمه أُحِلَّ
لَکُمْ لَیْلَةَ الصِّیَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِکُمْ یعنی حلالست در شب رمضان مباشرت
با زنان

در حق زوج بر زوجه و حق زوجه بر زوج

حسن بن محبوب روایت
کند از مالک بن عطیه و از محمد بن مسلم و از محمد باقر ع که زنی آمد بخدمت رسول صلعم و گفت
که حق شوهر بر زن چیست فرمود آنکه فرمان برداری او کند و مخالفت او نماید
و از خانهٔ او صدقه ندهد بی رخصت او و روزهٔ سنت ندارد بی اذن او و منع از
خود نکند اگر چه بر روی پالان شتر باشد و از خانه بیرون نرود مگر برخصت او
و اگر بی رخصت او از خانه بیرون رود فرشتگان زمین و آسمان بر او لعنت
کنند تا وقتی که بخانه باز آید پس آن زن سوال کرد که یا رسول الله از خلایق کرا
حق بر مردان بیشتر است فرمود که مادر و پدر پس پرسید که کرا حق بیشتر است بر زنان
فرمود که شوهر دیگر پیغمبر صلعم فرمود که هر زنی که ایذا بشوهر رساند حضرت
عزت قبول نکند از و نه فرض و نه سنت و نه نیکوی عمل اگر چه روز روزه دارد
و شب را بپای دارد و بندگان را آزاد کرده باشد در راه خدای تعالی و اول کسی
باشد که بدوزخ رود تا وقتی که شوهر را راضی کند و همچنین است حال شوهر اگر ظلم
کند بر زن دیگر فرمود هر زنی که مهربانی نماید بشوهر و بار کند بر او آنچه قدرت
و طاقت آن نداشته باشد قبول نیست از و هیچ عمل نیکو و چون بخدای
رسد بر و خشمگین باشد خدای تعالی دیگر فرمود حق شوهر بر زن آنست که چراغ

روشن

روشن کند و طعام بپزد برای او و باستقبال او آید و تواضع نماید و چون طعام
خورد حاضر او باشد که طشت و دستمال او آورد و او را راضی کند و نفس خود را از
او باز ندارد مگر علتی داشته باشد قومی آمدند نزد و گفتند یا رسول الله ما می بینیم
که بعضی سجده بعضی میکنند آنحضرت فرمود که اگر من امر میکردم کسی را بسجده میفرمودم
زنرا که شوهر را سجده کنند دیگر فرمود که اگر زن یک پستان خود را بپزد و دیگری
را بریان کند ادای حق شوهر نکرده و با وجود این اگر نافرمانی شوهر کند بطرفة
العین او را بدرک اسفل از دوزخ میباید رفت مگر که توبه کند و از آن باز گردد
دیگر فرموده که زن ادا نکرده حق خدای تعالی را مگر وقتی که ادا کند حق شوهر خود را و
امام جعفر ع فرموده که زن شوهر دار را بی رخصت شوهر جایز نیست بنده آزاد
کردن و نه [illegible] و بخشیدن و نذر کردن در مال خود و نه صدقه نیز
آنچنین مگر حج واجب یا زکوة واجب یا نیکوئی کردن با پدر و مادر یا نیکی با خویشان
کردن از برادر و خواهر و امام محمد باقر ع فرموده که حق تعالی فرض کرده جهاد بر مردان
و زنان پس جهاد مردان آنست که صرف کنند مال و خون خود را تا کشته شوند در راه
خدای تعالی و جهاد زن آنست که صبر کند بر زحمت شوهر و غیرت آرد در حدیث
دیگر وارد است که جهاد زن آنست که با شوهر نیکوی کند دیگر فرموده که هر زنی
که شب خواب کند و شوهرش بر او خشمگین باشد نماز او مقبول نیست تا شوهر از و
راضی شود و رسول صلعم فرموده که هر زنی که بیرون رود از خانه بی رخصت شوهر

پس او مستحق نفقه نیست تا باز بخانه آید و فرمود که هر زنی که بوی خوش بکار
برد جهت غیر شوهرش نماز او قبول نیست مگر از آن توبه کند مانند غسل که از جنابت
میکنند دیگر فرمود هر زنی که بیرون رود غیر منزل شوهرش بی رخصت او همیشه
بلعنت حق تعالی باشد تا باز آید بخانه او دیگر فرمود که هر زنی که بگوید شوهر خود را
که ندیدم من از تو هرگز نیکی پس باین گفتن عمل او ضایع میشود و مرویست
که مردی در زمان پیغمبر صلعم داعیه سفر داشت از زن خود عهد بسته که از خانه بیرون
نرود تا از سفر باز آید پس پدر آن زن بیمار شد کس فرستاد بخدمت پیغمبر صلعم تا
رخصت حاصل کند تا به پرسش پدر رود رخصت نداد و فرمود که در خانه بنشین
و فرمان برداری شوهر کن پس بعد از چندی که پدر او وفات یافت باز رخصت طلبید
تا بر پدر نماز گذارد رخصت نفرمود و فرمود که در خانه بنشین و اطاعت شوهر کن
چون پدرش را دفن کردند آنحضرت کس فرستاد که حق تعالی آمرزید پدرترا
بجهت فرمان برداری تو شوهرت را و اما حق زن بر مرد آنست چنانچه روایت
کرده امام محمد باقر ع که رسول صلعم فرموده جبرئیل مرا وصیت فرمود در رعایت زن
بمرتبه که مرا گمان آن شد که سزاوار نیست طلاق دادن او مگر فاحشه ظاهره
و امام جعفر ع فرموده که حق زن بر شوهر آنست که او را طعام بدهد و جامه بپوشاند
و اگر گناهی کند بجاهلی ببخشد بدرستی که ابراهیم خلیل ع شکایت نمود از خلق
ساره پس وحی فرستاد حق تعالی بوی که مثل زن مثل استخوان پهلوست

اگر خواهی راست کنی بشکند و اگر گذاشتی بحال خود از و تمتع بتوان گرفت
و امام محمد باقر ع فرموده که کسی که نزد او زنی باشد که او طعام و لباسش
ندهد او را سزاوار است بر امام که جدائی افکند در میان ایشان و امام جعفر ع فرمود
که چون این آیه نازل شد که یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم و اهلیکم نارا
یعنی ای اهل ایمان نگه دارید خود را و اهل خود را از آتش دوزخ مردی از مسلمانان
این شنیده میگریست پرسیدند که سبب گریه چیست گفت بدرستی که من
عاجزم بر نفس خود از نگه داشتن و الحال تکلیف کرده اند بنگه داشت اهل
نیز این خبر برسول صلعم رسید فرمود که بس است ترا که امر کنی ایشان را بچیز
که امر میکنی نفس خود را و باز داری ایشان را از چیزی که نفس خود را
از آن باز میداری و روایت کند امام ع که زنی برای حاجتی بخدمت رسول صلعم
آمد آنحضرت فرمود شاید که تو از مسوفات باشی یعنی امور را بتاخیر اندازی
زن گفت ایشان کیستند فرمود بوقت دیگر اندازند تا شوهر بخواب رود پیوسته
فرشتگان بر این زن لعنت میکنند تا وقتی که شوهر بیدار شود دیگر فرمود
که رحمت کند حق تعالی بنده را که میان او و زنش حسن خلق و نیکویی باشد
زیرا که حق تعالی زمام اختیار زن بدست مرد داده و او را قیم گردانیده پس باید
بر دست نیکویی باید کرد که حضرت پیغمبر صلعم فرمود که عیالان مرد اسیران اویند
و دوستترین بندگان بدرگاه الهی آنانند که نیکویی با اسیران کنند و امیر المومنین ع فرمود

مر محمد بن حنیفه را که ای پسرک من چون قوت یافتی بیفزای در طاعت
الهی و در ضعف ضعیف گردان و باز ایست از مناهی و اگر توانایی داری چنان
کن که مالک نگردانی نیز ادر امور چنانچه بجا ور کند از حد چه آن مناسب تر است و باید
زن جمال وی و خوش آینده تر بخاطر فرخنده فال و نیکوتر بجمال و مال او زیرا که زن
ریحانه مرد است نه قهرمان و کارکن وی پس مدارا کن با وی در هر حال و صحبت را
با وی نیکو کن تا زندگی بر تو تلخ نشود و امام جعفر ع فرموده که بپرهیزید و بترسید از خدا
در بارهٔ دو ضعیف که آن ضعیفان یتیمانند و زنان فصل [illegible] در ذکر اولاد و آنچه
متعلق است بدان روایت کند سکونی که حضرت پیغمبر ص فرمود که فرزند صالح ریحانیست
از ریاحین بهشت و امام جعفر ع فرموده که میراث خدای تعالی بر بنده مومن فرزند صالحست که
که برای او استغفار کند دیگر فرموده که دختران حسناتند و پسران نعمت و بر حسنات ثواب
میدهند و از نعمت میپرسند مرویست که پیغمبر ص را بشارت دادند بدختری آنحضرت نظر
فرمود بر روی اصحاب در ایشان کراهیت یافت فرمود که شما را چه شد این دختر
ریحانه ایست که میبوئید او را و روزی او بر خداست امام رضا ع فرموده که حق تعالی
چون خواهد به بنده نیکی بمیراند او را تا بوی فرزندی کرامت کند مرویست که هر که
بمیرد بی فرزند پس گویا نبوده است در میان مردمان و هر مردی که فرزند از و بازماند
پس گویا که نمرده است و امام جعفر ع میفرماید که حق تعالی رحم میفرماید بر مردی که بسیار دوست

میدارد

میدارد فرزند را عمر بن یزید گفت بآنحضرت که مرا دختر بسیار شده گفت شاید که تو مرگ ایشان
خواهی و اگر تمنای تو ایشان بمیرند در قیامت مزد نیابی و با جزای الهی عاصی ملاقی شوی
روایتست که مردی در خدمت پیغمبر ص بود شخصی خبر داد او را بدختری رنگ وی متغیر شد
آنحضرت فرمود که ترا چه شد گفت که چون از خانه بیرون می آمدم زن من بوجع زادن بود
شنیدم که دختری آورده آنحضرت فرمود که زمین او را بر میدارد و آسمان سایه می اندازد
و خدای تعالی او را روزی میدهد و ریحانه ایست که او را ببویند آنگاه روی باصحاب کرد و گفت
که هر که او را یک دختر است پس او مجروح است و اگر او را دو دختر است پس ای فریاد او باید رسید
و اگر سه دختر است جهاد از وی افتد و اگر چهار دختر است پس ای بندگان خدا بفریاد
او رسید ای بندگان خدا وی قرض دهید ای بندگان خدا بر وی رحم کنید و دیگر فرمود که هر که
سه دختر عیال داشته باشد یا سه خواهر واجب گردد بر وی بهشت پرسیدند یا رسول الله اگر دو
دختر داشته باشد فرمود اگر دو باشد باز پرسیدند اگر یکی داشته باشد فرمود اگر چه یکی باشد که
واجب گردد او را بهشت و دیگر فرمود از سعادت مرد آنست که دختر در خانه او حایض نشود
یعنی زود بشوهر رود و دیگر فرمود که دوست دارید طفلان را و رحم نمایید بر ایشان و چون
وعده کنید با ایشان وفا کنید چون بسازید چه ایشان شما را می بینند و از دست شما
روزی میخورند مرویست که در خدمت پیغمبر ص مردی بود که او را دو پسر بود یکی را بوسیدی
و دیگری را نه آنحضرت فرمود چرا در میان ایشان تسویه رعایت نکردی رفاعه گوید که من
پرسیدم از امام موسی ع از مردی که او را چند پسر باشند که از یک مادر نباشند آیا جایز است

که یکی از ایشان را تفضیل ننهد بر دیگران فرمود بلی باکی نیست نه پدر بزرگوار من تفضیل
فرمود مرا بر عبد الله فرزند پیش که وقتی حضرت پیغمبر صلعم امام حسن و امام حسین ع را بوسید
کسی آنجا حاضر بود گفت من ده پسر دارم هرگز هیچکدام را نبوسیدم آنحضرت فرمود که رحمن
چه باید اگر در تو رحم نباشد و دیگر فرموده که فرزند از نام انبیا بنهید و بهترین نامها عبد الله
است و آنچه در عبودیت باشد دیگر فرمود حق فرزند بر پدر سه چیز است نام نیکش
بنهد و خط و چیزش بیاموزند و چون بالغ شود زنی بنکاح وی در آورد امام رضا ع
روایت کند که حضرت رسول صلعم فرموده که با هر قومی که مشورت کنند و در آن میان احمد
و محمد نام باشد ایشان را در آن مشورت خیر و خوبی پیش آید و مرویست که رسول صلعم
فرموده که فرزند که عاق باشد بر پدر و مادر بوی بهشت به مشام او نرسد و امیر المومنین علی
فرموده که بوسه دادن بر فرزند رحمت است و بر زنان شهوت و بر پدر و مادر عبادت
و بر برادر دینی دینداری و بر امام عادل طاعت باری و دیگر امام صادق ع فرموده که از نعمتهای
اینست که فرزند به پدر ماند باشد و دیگر فرموده که چون حق تعالی خواست که کسی را بیافریند
جمع پیغمبران هر صورتی که میان او و آدم بوده تا وی آفریند او را بر صورت یکی از
ایشان باید که نگوید یکی از شما که فرزند من به پدران ما نماند نیست و امام جعفر ع
پرسیدند که چون بود که حق تعالی پیغمبر خود را یتیم گردانید فرمود که حکمت آنکه هیچکس را از
مخلوق بر وی طاعتی نباشد ابن عباس روایت کند که پیغمبر صلعم فرمود که هر که بازار
رود و تحفه بخرد و باز آرد و بسوی عیال خود برد همچنان باشد که صدقه بر داشته و تحفه

طفلان

محتاجان برده و باید که اول به دختران بدهد و بعد از آن به پسران چه هر که شاد کرده
باشد دختر را پس گویا آزاد کرده یکی از فرزندان اسمعیل ع را و هر که روشن کند چشم
پسر را پس گویا گریسته از خشیت الهی و هر که از ترس خدا بگرید او را به بهشت نعیم
در آرد عبد بن فضاله گوید که از امام محمد باقر ع شنیدم که طفل چون سه ساله شد امر کنید
تا بگوید هفت نوبت که لا اله الا الله و بگذارید که تا سه ماه و بیست روز از آن بگذرد
آنگاه بفرمایید تا بگوید که محمد رسول الله همچنان هفت نوبت و بگذارید تا چهار سال
تمام کند آنگاه امر کنید تا هفت نوبت بگوید صلی الله علی محمد و آل محمد و چون پنج سال
تمام کند بگویید که دامیست راست و چپ تو اگر داند پس روی او به قبله کنید تا سجده
کند و چون شش ساله شد بگویید تا نماز بگذارد و رکوع و سجودش بیاموزید و چون هفت
ساله شد بگویید تا روی و دست بشوید و نماز بگذارد هر گاه نه ساله شد وضو بیاموزانیدش
و بجهت آن بزنیدش و نماز بدارید و چون وضوی نماز را دانست حق تعالی پدر
و مادر او را بیامرزد امام جعفر ع فرموده بگذارید طفل را تا بازی کند هفت سال
بعد از آن دبستان بفرما در مکتب خانه و با خود نگهدارید هفت سال دیگر تا ادب و اخلاق
کسب کند اگر قبول کرد فبها و الا بگذار که در وی خیری نیست و حضرت رسول صلعم فرموده که فرزند
هفت سال آقا و دوست و هفت سال بنده و هفت سال وزیر است پس اگر در بیست
و یکسال راضی شدی از آداب و اخلاق پس خوب و الا بزن بپهلویش که نزد حق تعالی
عذر دادی و امام محمد باقر ع فرموده که پسر چون به ده سال رسد خوابگاه او را از

[illegible] که طفل زیاده بیشود هر سال چهار انگشت از
[illegible] رید و فرزند از آن از شیر دیوانه و بد کار که شیر سرایت
[illegible] سالها نمیرسید او را و بسر چون هفت ساله شد زرا
[illegible] روایتست که امام زین العابدین ع تعلیم میفرمود یکی از اصحاب خود را چون خواهد
که او را فرزند شود هفتاد نوبت این دعا بخوان بر سرتی که هر که خواهد که حق تعالی هر چه خواهد از
فرزندان او را کرامت فرماید و از مال و خیر دنیا نیز او را همچنین این دعا بسیار بخواند رب لا
تذرني فردا و انت خیر الوارثین واجعل لي من لدنك ولیا یرثني
في حیوتي و یستغفر لي من بعد وفاتي واجعله خلقا سویا ولا تجعل
للشیطان فیه نصیبا اللهم اني استغفرك واتوب الیك انك انت الغفور
الرحیم و گویند کثرت بهفتاد نوبت حاصل بشود روایتست که شخصی فرزند نمیشد
حال خود را عرض کرد بخدمت امام محمد باقر ع فرمود که در صبح و شام هر روز هفتاد نوبت
سبحان الله بگو و هفت نوبت استغفر الله و ده نوبت سبحان الله که هم
آن نوبت استغفر الله باشد آن شخص چنین کرد حق تعالی او را فرزند بسیار کرامت فرمود
سلیمن گوید که دختر عم زن داشتم و او را فرزندي نمیشد این کلمات را ازان وقت گفتم
و او را نیز یاد دادم ما را فرزند شد و زن میگفت هر گاه که من میخواستم که آبستن
شوم آنرا میگفتم آبستن میشدم و دیگري را نیز آموختم و او را نیز فرزند بسیار شد
ابو بکر بن حارث البصري گوید که گفتم مر ابي عبد الله ع که مرا فرزند نمیشد فرمود که

در سجده باشي این دعا بخوان که یا رب هب لي من لدنك ذریة طیبة انك سمیع الدعاء
رب لا تذرني فردا و انت خیر الوارثین [illegible] و بروایتي
و زني دیگر روایت از آنحضرت جهت طلب فرزند چون داعیه مباشرت کني نوبت
بخوان و ذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه فنادی في الظلمات
ان لا اله الا انت سبحانك اني کنت من الظالمین دیگر حضرت صادق ع
فرموده که چون یکی از شما زنش آبستن باشد باید که هر دو جانب قبله روی کند و آیة
الکرسي بخوان و بزن بر پهلوي او و دست خود را و بگو بار خدایا او را محمد نام کردم
بمحض قدرت خود او را پسر مکردانی پس اگر بعد از تولد او را بآن نام کردي مبارک
میکرداند حق تعالی آزا بر تو و اگر دیدي آن اسم اختیار من حق تعالی است اگر خواهد نگاه
دارد و اگر خواهد بستاند روایتست که شخصي آمد بخدمت امام جعفر ع و گفت یا بن رسول الله
من هشت دختر دارم و هیچ پسر ندارم دعا کن که حق تعالی مرا پسري کرامت فرماید فرمود
که چون خواهي مباشرت کني بنشین پاي زن بنشین و بنه دست راست را بر ران
راست زن و هفت نوبت سوره انا انزلناه بخوان بعد از آن مباشرت کن پس
اگر خواهي پسر بشود هر گاه که حمل پیدا شد و بچه در شکم مادر جنبید همچنین دست راست
بر ران راست وي بنه و هفت نوبت سوره انا انزلناه بخوان او گوید چنان
کردم حق تعالی او را هفت پسر پي در پي داد و مرویست که معاویه لعین علیه اللعنة ابلحي
بخدمت امام حسن ع و جمعي را همراه کرده بود چون بنعام رسانیدند در وقت مرا

کفت هم

بار کرد

[illegible] (marginal notes on right page: و در حدیث است ... که مباشرت زن ... سال ... البته احمد بن علي ... که هر گاه ... استغفر الله ... السماء علیکم ...)

مراجعت یکی از ایشان گفت یا رسول الله من مال بسیار دارم و هیچ فرزند ندارم
مرا چیزی تعلیم کن شاید که خدای تعالی مرا فرزندی کرامت فرماید فرمود که استغفار کن منقول
شد و روزی هفتصد نوبت استغفار کردی پس حق تعالی او را ده پسر کرامت فرمود
در ذکر عقیقه کردن و وجه مولود طعام دادن عمر بن زید گوید که شنیدم از
ابی عبد الله ع که میفرمود که هر که مرد در قیامت مرهون است بعقیقه خود و عقیقه
از قربان واجب تر است و دیگر فرمود هر آدمی مرهون است بفطره و هر مولود مرهون است
بعقیقه ابن زید گوید که من گفتم بخدا اگر من نمیدانم که پدر من عقیقه کرده از من یا نه
پس امر فرمود مرا که عقیقه کردم از خود و در آن حال پیر بودم دیگر فرمود که عقیقه لازم
است بر هر کس اگر غنی است بکند و اگر فقیر است در آن وقت که غنی شود اگر بر آن قادر
نشود لازم نیست و اگر کسی عقیقه نکرده باشد و قربانی کرده باشد آن مجزیست از
عقیقه و فرمود که در عقیقه یک گوسفند ذبح کنند و اگر یافت نشود مجزیست گشتن
اجر بیشتر است و از آنحضرت سوال کردند از کیفیت عقیقه فرمود که گوسفند یا گاو یا شتر
بکشند و بعد از آن فرزند را نام نهند و سر او بتراشند در روز هفتم و بمقدار موی سر او
طلا یا نقره تصدق کنند و اگر فرزند پسر باشد آنچه کشند نر باشد و اگر دختر باشد ماده
که از آنچه میکشند چهار یکی بقابله دهند و اگر قابله نباشد مادر فرزند بهر کس که خواهد دهد و باقی
را طعام نماید ده کس از مسلمانان را یا بیشتر و منقولست که پدر و عیال او از عقیقه نخورند

چون

خوابند که عقیقه را بکشند این دعا بخوانند یا قوم انی بریء مما تشرکون انی
وجهت وجهی للذی فطر السموات والارض حنیفا و ما انا من المشرکین
ان صلوتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین لا شریک له و بذلک
امرت و انا من المسلمین اللهم منک و الیک بسم الله و الله اکبر اللهم تقبل
من فلان بن فلان و نام مولود را ببرد و روایت که ابو طالب عقیقه کرد از پیغمبر و خویشان را
جمع کرد گفتند چرا است فرمود که این عقیقه است که از برای او کردم و او را احمد
نام نهادم گفتند وجه تسمیه او باحمد چیست گفت بجهت ستون زمین و آسمان او را
و امام محمد باقر ع فرموده که چون فرزند بزاید آب فرات در دهان او کنند و در گوش
راست او بانگ نماز بگویند و قامت در گوش چپ وی و در روز هفتم عقیقه بکنند
و نام نهند و سر بتراشند و بوزن موی سر او طلا یا نقره تصدق کنند پس بدرستی که
خدای تعالی نام او را میفرستد از آسمان پس چون ذبح کردید بسم الله و بالله و الحمد
لله والله اکبر ایمانا بالله و ثناء علی رسول الله شکرا لرزق الله و عظمه
بامر الله و معرفة لفضله علینا اهل البیت و اگر مولود پسر باشد بگوید اللهم
انت وهبت لنا ذکرا و انت اعلم بما وهبت و منک ما اعطیت و
ما صنعت و اقبله منا علی سنتک و سنة رسولک صلی الله علیه و آله و اعذنا
الشیطان الرجیم لک سفکت الدماء لا شریک لک الحمد لله رب العالمین
ابو عبد الله روایت کند که رسول ص عقیقه فرمود از جهت امام حسن و امام حسین ع

بکوسفند نر در روز هفتم و اعضای او را از یکدیگر جدا ساخت و استخوان آن را نشکست
فرمود تا پخته کردند به آب و نمک و از آن خوردند بی نان و به همسایگان نیز خورانیدند
و فرمود که در مولود هفت خصلت سنت است اول آنکه او را نام نهند دوم آنکه سر او را
بتراشند سیوم آنکه تصدق کنند بوزن موی سر او طلا یا نقره اگر توانایی داشته باشند
چهارم آنکه عقیقه کنند از جهة او پنجم سر او را زعفران بمالند ششم آنکه تطهیر کنند او را
هفتم آنکه طعام کنند همسایگان را از عقیقه مرویست که پیغمبر صلعم فرمود که ای فاطمه
سوراخ کن گوش امام حسن و امام حسین ع را جهة مخالفت یهود پرسیدند از امام
جعفر ع که سبب سر تراشیدن مولود چیست فرمود که تا پاک شود از موی رحم دیگر
پرسیدند از امام موسی ع از فرزندی که در روز هفتم نتراشند سر او را فرمود که
چون هفت روز گذشت سر تراشیدن سنت نیست و امام جعفر ع فرموده
که کام فرزند را به آب فرات بگیرند و بخاک قبر امام حسین ع پس اگر نباشد به آب باران
و امیر المومنین ع فرموده که اول بخرما کام فرزند بردارند که رسول صلعم با امام حسن و امام
حسین ع چنین سلوک فرموده

در ختنه کردن فرزندان و آنچه متعلق است

بدان روایتست که رسول صلعم فرمود که ختنه کردن سنت است مردان را و نیکوست مر
زنان را و منقولست که ختنه مردان در روز هفتم بکنید تا پاک شوند پس بدرستی
که زمین شکایت میکند بحق تعالی از بول کسی که ختنه نکرده باشند او را مرویست
از پیغمبر صلعم که ختنه کنید فرزند خود را در روز هفتم بدرستی که آن پاکتر است و شتابنده

تربرو

تربرو بانیدن گوشت امام موسی ع فرموده که پسر من امام رضا ع را ختنه کرده و پاک
و پاکیزه ولیکن تیغ بر او مالیدیم جهة اتباع سنت

در آنچه متعلق است بزنان و ما یحتاج ایشان

مرویست که عادت رسول صلعم چنان بود که چون بغزا
رفتی زنان را میطلبید و با ایشان مشورت مینمودند ولیکن بخلاف رای ایشان
عمل میفرمودند و میگفتند فرمان برداری زن موجب پریشانیست و منع فرموده اند
از آنکه زنان بر زین سوار شوند منقولست که مردی از اصحاب امیر المومنین ع شکایت
زنان کرد نزد آنحضرت آنحضرت بمنبر فرمود و خطبه خواند و گفت ای گروه مردمان فرمان
برداری زنان مکنید در هیچ حال و ایمن مباشید و مگذارید که ایشان تدبیر کنند در امر
بندگان که رای ایشان صواب نیست شاید که هلاک کنند پس ما کسی که یافته ایم ما ایشان را
که ورعی ندارند نزد حاجت و صبری نیست ایشان را نزد شهوت رعنایی و خودآرایی
لازم ایشانست و اگرچه پیر باشند و عجب و خودنمایی لایق ایشانست و اگرچه عاجز باشند
و حقیر بسیار شکر نمیگویند و باندک صبر ندارند خیر را میگذارند و شر نگاه میدارند
در بهتان و متمادی میباشند در طغیان و عمل میکنند از رای شیطان پس شتاب
نمایید در اصلاح حال ایشان بهر حال و نیکویی نمایید با ایشان در مقابل شاید که ایشان
نیکو کردند در فعال و امام جعفر ع روایت کند که رسول صلعم فرموده که نصیحت کنید و بپندید
زنان را بمعروف پیش از آنکه فرمایند شما را بمنکر و پناه جویید بخدا از بدان ایشان و باشید
از نیکان ایشان بر حذر و امام محمد باقر فرموده که مشاورت مکنید ایشان را در پنهان

وانکار و اطاعت مکنید ایشان را در باب خویش و بسیار رسیده که زن هر گاه که پیر شد
خیر از وی برود و شرش بماند و جمالش زایل میگردد و رحمش نازاینده و باطل میشود
و زبانش دراز و ناساز کار میگردد و مرد چون پیر شد شرش کم میشود و خیرش بسیار
و عقلش ثابت میماند و رایش مستحکم و جهلش کم میشود و امیر المؤمنین ع فرمود
که هر مردی که تدبیرش زن باشد پس او ملعون است و فرمود که برکت در خلاف
ایشان است و روایت است از ابی عبدالله ع که رسول ص فرمود کسی که فرمان بردار
زن گردد او را بر روی کشان بدوزخ برند گفتند فرمان برداری ایشان کدام است
فرمود که طلب کنند از مرد که ایشان را بحمام و عروسی فرستد و بتماشای عید روند
و در نوحه و عزا حاضر گردد و جامهای تنگ و نازک پوشند و مرد او را رخصت
اینها دهد و امام محمد باقر ع فرموده باید که زنان بیرون نروند بجنازه و امام جعفر ع
و بار بیرون نگردند
روایت کند که رسول ص فرموده که زنان را منشانید در کوشکها و ایشان را کتابت
میاموزانید و ایشان را امر کنید بچرخ رشتن و ایشان را سوره نور بیاموزانید و دیگر
فرموده که زنان باید که سر برهنه نزد خواجه سرا ننشینند و دیگر آنحضرت فرموده که
نکند مرد با مرد مگر در هر دو میان ایشان پوششی باشد و زنان را نیز همچنین و حضرت رسول ص
لعنت کرده مخنثان را و فرموده که ایشان را از خانهها بیرون کنید دیگر فرمود که زنان
در مصیبت نوحه نکنند و روی نخراشند و با مردان در محل خالی ننشینند و

وارد

و وارد است که فاطمه ع فرمود که زنان را آن بهتر که مرد از ایشان نبیند و نه مردان
ایشان را این حدیث بسمع مبارک آنحضرت رسید فرمود که فاطمه پاره از منست
ام سلمه روایت کند که من و میمونه در خدمت آنحضرت بودیم که عبدالله ام
مکتوم آمد بعد از آیه حجاب و او نابینا بود آنحضرت فرمود که خود را از وی پنهان کنید گفتیم
یا رسول الله او نابیناست فرمود نه شما می بینید او را — در نوادر کافی
ابو عبدالله جعفر بن محمد الصادق فرموده که چون پیغمبر ص از غزایی باز میگشتند
که در آن مسلمانان کشته میشدند زنان بسیار باستقبال بیرون آمدند و احوال
کشتگان میپرسیدند زنی نزدیک آنحضرت آمد و حال برادر پرسید فرمود که بقضا
خدای تعالی بتقدیم رسان و بگو که انا لله و انا الیه راجعون که او شهید شد
بعد از آن احوال شوهر پرسید فرمود که همان حمد و استرجاع را بجای آر که او نیز
شهید شد آن زن فریاد برداشت و گفت واویلاه آنحضرت فرمود که من گمان
نداشتم که زنان با شوهران درین مرتبه باشند تا این زن را دیدم دیگر امام جعفر ع
فرموده که حق تعالی مخصوص گردانیده رسول خود را بمکارم اخلاق و محاسن
اشفاق پس بیازمایید نفسهای خود را اگر از آن اخلاق در شما جاری باشد شکر
الهی بتقدیم رسانید و رغبت نمایید در آنکه بیشتر شود آن در شما و آن اخلاق ده
چیز است یقین و قناعت و صبر و شکر و حلم و نیکویی خلق و سخاوت و غیرت و شجاعت

ومروت منقول است که در خدمت آنحضرت چیزهای شوم میکردند فرمود که شوم سه
چیز است زن و چهارپا و خانه اما شومی زن پس آن مهر بسیار است و نافرمانی
شوهر اما شومی چهارپا پس خموشی اوست و دشواری سواری و ناهمواری اما شومی
خانه پس تنگی فضای اوست و بهمسایگان بد پرشر دیگر فرمود که بعضی پیغمبر گفتند
چرا زن میخواهی فرمود که زن از جهت چه نخواهم گفتند برای فرزندان فرمود ترسم ا
جلشم اگر می زنید بلغت می افتند و اگر میمیرند دیگر از الحزن و اندوه می اندازند زیدن
علی ع روایت کند که نزد رسول صلعم حکایت غزا و ثواب آن میکردند زنی گفت یا رسول
زنان ازین صواب هیچ نصیبی ندارند فرمود بلی از زمانی که آبستن شدند تا زمان
زائیدن و شیر دادن ثواب غازیان دارند و اگر درین از منه مردند اجر و ثواب
شهیدان یافتند امام محمد باقر ع فرموده که عادت پدر بزرگوار من آن بود که چون زنی
در خانه آنحضرت میزائیده امر میفرمود که زنان دیگر از آنجا بیرون روند تا عورت
زائیده تنگ نبدو امام زین العابدین ع فرموده که بیشتر اهل بهشت زنان ضعیف
اند که حق تعالی بالبنان رحم میفرماید محمد بن اسحق روایت کند که از امام رضا ع پرسیدم
که جایز است که خواجه سرا نزد زنان رود و آب وضو برای ایشان برد و موی
ایشان را ببیند فرمود که نه اسحق بن عمار گوید که پرسیدم از ابی عبدالله ع
کرایا جایز است که مملوک نظر بوی خاتون خود کند فرمود بلی و بسافتن

ادل

مرویست که امیر المؤمنین ع سلام میکردند بر زنان و خوش نمیداشتند که سلام بر زنان
جوان کنند میفرمود نمی اندیشه دارم که آواز او مرا خوش آید و گناه آن بیشتر باشد
از ثواب سلام ابو بصیر گوید که پرسیدم از ابی عبدالله ع که آیا جایز است که مرد
مصافحه کند با زن بیگانه فرمود که نه مگر در اندرون آستین امام جعفر ع فرموده کسی
که موی بسیار در اندام دارد شهوت او اندک است و منقولست که امیر المؤمنین ع
راه میرفتند دیدند که چهارپای نر بر ماده میجهانند اعراض فرمودند و روی از آن
گردانیدند و فرمودند سزاوار نیست این تماشا مکنید مگر در جای پنهان که مرد و زن نه بینند
و امام جعفر ع فرموده هر که نظرش بر زنی افتد پس چشم از و باسمان کند یا بر هم
نهد و باز در و ننگرد حق تعالی در جزای آن حوری بوی ارزانی فرماید دیگر فرمود که
نظر اول جایز است و دوم گناه است و سیوم هلاک و امیر المؤمنین ع فرموده که
مهر زنان را بسیار مکنید که موجب عداوت میشود کسی گفت با امام جعفر ع که من زنی
میخواهم که بخواهم و پدر و مادرم میخواهند که نخواهم و میخواهند که زنی دیگر بمن دهند فرمود
که زنی که خود میخواهی بخواه و غیر از آن بخواه و امام جعفر ع فرمود که پیغمبر صلعم فرمود
هر زنی که مهر خود را بشوهرش بخشد پیش از آنکه شوهرش با او نزدیکی کند حق تعالی
بهر دیناری ثواب آزاد کردن بنده بوی ارزانی فرماید گفتند یا رسول الله
اگر بعد از دخول مهر را بوی بخشد چگونه است فرمود که آن موجب مودت و الفت است
و ابو عبدالله ع فرموده که هر که کنیزی را بسر برسپارد باید که بهر چهل روز یکنو

با او نزدیکی کند نیکو و صوب باره و نزدیکی کند و نقل فرموده امام محمد باقر ع از امیر المؤمنین ع
که زن احمق را بشیر دادن طفل اختیار مکنید که آن صفت به طفل سرایت میکند و
و امام جعفر ع فرموده که حق تعالی حرام کرده است فرشهای زیبای دیبای بهشت بر مردی
که بوی لواطه کرده باشند و پیغمبر ص فرمود که هر که پسری را ببوسه کند بقصد شهوت
حق تعالی لجامی از آتش دهن او کند در روز قیامت و امیر المؤمنین ع فرموده که
هر مردی که هر مردی که رغبت خود را واگذارد که مردم ببوی بازی کنند حق تعالی او را
مبتلا گرداند بشهوت زنان و ابو عبد الله ع فرمود که حق تعالی گردانیده شهوت
مومن را در پشت او و شهوت کافر را در دبر او دیگر فرموده هر که دختری را بشراب خواره دهد
[illegible] که بریده رحم خود را و پیغمبر ص فرموده که بلند نشستن نیکو شغلیست
مر زنان صالحه را دیگر فرمود ابراهیم ع که پدر بزرگوار من بود غیرت داشت و من از او
غیرت بیشتر دارم و هر مومنی که غیرت نداشته باشد حق تعالی روی او را در خاک
مذلت مالد و امام محمد باقر ع فرمود که غیرت زنان حسد است و حسد اصل کفر است
و زنان چون غیرت میکنند بغضب میگرایند و در غضب کافر میشوند مگر مسلمات از
زنان روایت کند جابر از آنحضرت که پدر بزرگوار من فرموده که حق تعالی غیرت را نگردانیده
در شان زنان و آنرا گردانیده از برای مردان زیرا که حلال فرموده برای مردان
چهار زن و از کنیزک آنچه خواهند و نگردانیده برای زنان مگر یکشوهر پس اگر آن

ان

زن با وجود شوهر فجوری کرد نزد حق تعالی از اینها بدتر است و این از منکر الست نه از غیرت
و اما مومنات را این شیوه نیست پرسیدند از امام رضا ع که زنان مقنعه در
روی افکنند از مردان جواب فرمود که مردان برادران ابی الحسن بی امدند و ایشان
مقنعه می افکنند پرسیدم که ایشان مردان آزاد بودند فرمودند پس پرسیدم که از
مردان آزاد مقنعه باید بر افکنند فرمودند

در آداب سفر و آنچه متعلق است بدان مشتمل بر هشت فصل

فصل در فضیلت سفر و آنکه کدام جهة وقت سفر خوبست
و کدام بد روایت کند عمر بن ابی مقداد که امام جعفر ع فرموده که در حکمت آل داود
مذکور است که عاقل سفر نمیکند مگر برای سه چیز زاد راه آخرت و ترتیب کردن معیشت
و لذت یافتن از غیر حرام الخ باشد و از اهل بیت و رسول ص فرمود که مسافرت کنید تا
تندرستی یابید و غزا کنید تا مال و غنیمت بگیرید و حج کنید تا غنی شوید و از ابی عبد الله ع
منقولست که هر که خواهد سفر کند باید روز شنبه سفر اختیار کند که اگر سنگی درین روز
از کوه بیفتد خدای تعالی باز او را بمکان خود برساند و هر که را مشکلی شده باشد در حاجتهای
او باید که روز سه شنبه سفر کند و آن روزیست که حق تعالی آهن را از برای داود ع
نرم گردانید و روایت است که یکی از اصحاب گفت که دوسترین روزها جهة سفر پیش حضرت
پیغمبر ص روز جمعه بود و گاهی که بجایی میفرمود از مردم پنهان میداشت و میفرمود که
روز پنجشنبه روزیست که خدای تعالی و فرشتگان او را دوست میدارند و بعضی مردم
بغداد با امام رضا ع نوشتند که چهارشنبه آخر ماه سفر نتوان کرد فرمود که هر که بر خلاف

مردی که فالهای بد میزنند روز چهارشنبه آخر ماه سفر کند خدای تعالی او را از هر
آفتی نگاه میدارد و جمیع عافیتها او را روزی گرداند و حاجت او را برآرد و رسول صلعم
فرمود که در شب سفر مکنید که در شب راه از پیش میرود و روایتست از امام جعفر ع
که روز جمعه بیرون مروید از برای کاری و حاجتی و روز شنبه چون آفتاب بلند [illegible]
بروید و سوال کرد ابو ایوب از امام جعفر ع از معنی این آیه که فاذا قضیت
الصلوة فانتشروا فی الارض وابتغوا من فضل الله واذکروا الله
کثیرا که مراد ازین چیست فرمود که مراد آنست که روز جمعه نماز بگذارید روز شنبه
سفر کنید و دیگر فرمود در روز دوشنبه سفر مکنید و ابو ایوب گوید روزی بدیدم
ابی عبدالله ع و گفتم که بسفر بیرون رویم فرمود فرمود که بنا داعیه سفر دارید در روز دوشنبه
گفتم بلی فرمود که کدام روز باشد که شومتر باشد از روز دوشنبه زیرا که در این روز
حضرت رسول صلعم از دنیا رحلت فرموده وحی منقطع شد پس بیرون مروید در این روز
و در روز شنبه بیرون روید و دیگر فرمود که احتراز کنید از روز سیوم و چهارم و
دهم و بیست پنجم ماه که آنها روز نحس است و امام رضا ع فرموده که روز شنبه
روز مکر و فریبست و روز یکشنبه روز غراست و بنا نهادن و روز دوشنبه روز جنگست
و خونریزی و روز چهارشنبه روز شومیست که مردم در و فال بد میکنند و روز پنجشنبه روز
دیدن امرا و ساختن کارهاست و روز جمعه روز خطبه و نکاح است روایتست

و دران روز حاجت بخواهید

روز سفر است و طلب حاجات و روز سه شنبه هم

از امام

از امام جعفر ع که هر که سفر کند و قمر در عقرب باشد نیکوئی نه بیند و شخصی با آنحضرت گفت
که من ببلای علم نجوم گرفتارم هر گاه کاری میخواهم بکنم در طالع نظر میکنم اگر خوبست
آن کار میکنم و اگر بد است ترک آن میکنم فرمود آنکار برهم زن اگر تعلم علمی فرمود کتابهای خود را
بسوزان و امیر المومنین ع سفر و نکاح کردن را مکروه میداشت در حالتی که قمر در محاق
میبود یعنی روز بیست و هشتم و بیست نهم و سی ام و امام موسی ع فرموده که پنج چیز
در راه مسافر شوم است کلاغی که از دست راست آواز کند و سگی که برهنه دم خود را
بردارد و گرگی که در برابر مرد نشسته آواز کند و سه نوبت برخیزد و بنشیند و آهویی
که از دست راست بیاید و بجانب چپ رود و جغدی که آواز کند و پیر زنی که فرج
خود را نمایان سازد و ماده خرگوش ببیند و آنکس که در دل او چیزی از
اینها پیدا شود این دعا بخواند اعتصمت بک یا رب من شر ما اجد فی
نفسی فاعصمنی من ذلک از شر آن خلاص شود و شخصی رسید از امام جعفر ع که آیا
سفر کردن مکروه است در یکی از روزهای مکروه مثل چهارشنبه و غیر آن فرمود هم
که پیش از سفر صدقه کن و آیة الکرسی بخوان هر گاه که سفر میکنی ایمن از آن و امام زین العابدین ع
فرمود که حج کنید و عمره بگذارید تا تندرست شوید و رزق بر شما فراخ گردد و معاش
خود و عیالان یابید و ممنوع شوید مردگان شما از عذاب الهی و دیگر فرمود هر کس
پیاده حج کند و سوره انا انزلناه بخواند الم پیاده رفتن در نیابد و دیگر فرمود هم که

و دیگر فرمود که

بعکس انا انزلناه بخواند در هنگامی که سوار میشود الا آنکه خدای تعالی او را سالم
و آمرزیده بمنزل رساند و شتر چون صفت بار بکج رفت او از جانوران بهشت است
بود دیگر فرمود که اگر چیزی بر تقدیر الهی مقدم میبود من میگفتم که خوانند انا انزلناه
که چون سفر کند یا از منزل بیرون آید زود بمنزل خود باز گردد ان شاء الله تعالی
در ابتدا کردن سفر بصدقه دادن و خیر کردن و عمر آن عبد الرحمن بن حجاج گوید که
امام جعفر ع فرمود که صدقه کن و هر روز که میخواهی سفر کن ابو عمیر گوید که من نظر میکر
دم در نجوم و ملاحظه طالع میشود و مرا از آن دغدغه در خاطر می افتاد شکایت
کردم بخدمت امام موسی ع از این فرمود که هر گاه در خاطر از این چیزی بهم رسد صدقه
کن بهر مسکین که اول بتو برسد بعد از آن خاطر جمع دار و بسفر بیرون رو که
خدای تعالی آن را از تو دفع میکند روایتست از امام جعفر ع که هر که در صباح صدقه
بدهد حق تعالی دفع کند از و بدیهای آن روز را دیگر فرمود که پدر بزرگوار من هر گاه در
چهارشنبه یا روزی دیگر از روزها سفر میکرد صدقه میداد و بعد از آن بیرون
میرفت محمد بن مسلم روایت کند از آنحضرت که هر گاه بجانب اموال خود بیرون
میرفت میخرید سلامتی را از حضرت عزت بانچه میسر بود او را یعنی صدقه میداد
بانچه دست رس بود و این صدقه وقتی میداد که پای مبارک در رکاب میمنت انتساب
مینهاد و چون بسلامت مراجعت میفرمود حمد و شکر الهی بتقدیم میرسانید

و به الخ

و بانچه میسر میبود صدقه میداد و همچنین میفرمود چون خواهی که سفر کنی از پروردگار
خود سلامتی خود را بانچه بانمقدار که میسر باشد بخر و بگو بار خدایا میخواهم فلان
سفر روم و از تو سلامتی را میخرم درین سفر بانمبلغ یعنی چیزی صدقه کن و در حال صدقه
دادن این عبارت را بگو و دیگر فرمود هر گاه که مراجعت کردی چیزی صدقه کن بشکرانه
سلامتی خود در برداشتن عصا امیر المومنین ع روایت کند که رسول ص فرمود که آبا
عاجز است یکی از نشانهای پیغمبران عصا است دیگر که در پایین او سر نیزه باشد که بدیها از او دفع
کند و جانوران موذی را بکشند دیگر فرمود که در عصا چهار خصلت است سنت انبیاست
و زینت صلحا است و قوت ضعفا است و دفع اعدا است دیگر فرمود که با عصا راه
رفتن علامت مومن است و تواضع و فروتنی است و هر که با عصا راه رود و هر قدمی
برای او هزار نیکوی مینویسند و هزار درجه پایه او را بلند میکردانند و دیگر فرمود که هر که
بسفر بیرون رود باید که با او باشد عصایی از چوب بادام تلخ و این آیه بخواند و لما
توجه تلقاء مدين قال عسى ربي ان يهديني سواء السبيل ولما ورد
ماء مدين وجد عليه امة من الناس يسقون ووجد من دونهم امراتين
تذودان قال ما خطبكما قالتا لا نسقي حتى يصدر الرعاء وابونا شيخ
كبير فسقى لهما ثم تولى الى الظل فقال رب اني لما انزلت الي من
خير فقير فجاءته احديهما تمشي على استحياء قالت ان ابي يدعوك ليجزيك
اجر ما سقيت لنا فلما جاءه وقص عليه القصص قال لا تخف نجوت من

از انکه م

من القوم الظالمين قالت احديهما يا ابت استاجره ان خير من استاجرت
القوي الامين قال اني اريد ان انكحك احدى ابنتي هاتين على ان تاجرني ثماني
حجج فان اتممت عشرا فمن عندك وما اريد ان اشق عليك ستجدني ان شاء الله
من الصالحين قال ذلك بيني وبينك ايما الاجلين قضيت فلا عدوان علي
والله على ما نقول وكيل حق تعالى او را ايمن كرد انداز هر جانور ايذا رساننده و از دد و از ظالم
و از جانور زهر دار مثل مار نگاه دارد تا هنگامی که باهل خود بپیوندد با او بهفتاد صفت فرشته
باشد که برای او طلب آمرزش کنند تا باز گردد و امیر المؤمنین ع روایت کرده از آنحضرت که
عصا فقر را میبرد و شیطان را دور میکند و دیگر فرموده که هرکه خواهد که راه رود از زمین او را نزدیک گرداند
عصای از چوب بادام تلخ با خود نگاه دارد دیگر فرموده که عصا بردارید که آن سنت برادران
نبیست که بنی اسرائیل از کوچک و بزرگ بعصا راه میرفتند تا فسادی در رفتن ایشان
نشود و در ثواب الاعمال روایت میکند از صادق ع که آنحضرت فرمود هرکه بسفر بیرون رود و
تحت الحنک بستن من ضامنم که باز بسلامت بخانه باز آید و هم از آنحضرت روایتست که هرکه از خانه بیرون رود
برای سفر و تحت الحنک نبندد و در پی دوائی او را دریابد ملامت نکند مگر نفس خود را یعنی آزار
از خود ببیند و روایتی دیگر وارد است که هرکه تحت الحنک بندد در سفر امام موسی ع فرموده که
من ضامنم که نرسد باو آفتی در گلو گرفتن و غرق شدن و سوختن در بیرون آمدن
از خانه و عمل کردن بچیزی چند که مستحب است در آن امر حضرت رسول صلعم فرموده که هرکه بسفر
رود هیچ قائم مقامی در خانه بهتر از دو رکعت نماز نیست که در وقت رفتن بگذارد و در وقت
وداع این دعا بخواند اللهم اني استودعك اليوم ديني ونفسي ومالي واهلي وولدي وجيراني

واهل

واهل جزانتي الشاهد منا والغائب وجميع ما انعمت به علي اللهم اجعلنا
في كنفك ومنعك وعياذك وعزك عز جارك وجل ثناؤك وامتنع عائذك
ولا اله غيرك توكلت على الحي الذي لا يموت الحمد لله الذي لم يتخذ ولدا ولم يكن
له شريك في الملك ولم يكن له ولي من الذل وكبره تكبيرا الله اكبر كبيرا والحمد لله
كثيرا سبحان الله بكرة واصيلا و امام محمد باقر ع هرگاه میخواست بسفر بیرون رود عیالان
خود را در خانه جمع میفرمود همین دعا که مذکور شد میخواند امام موسی ع میفرمود چون یکی از شما خواهد
که بسفر بیرون رود رو بر در خانه بایستد روی بآنجانب که روانه است و فاتحة الکتاب بخواند
پیش رو و جانب راست خود و چپ خود و آیة الکرسی نیز بخواند بهمین طریق و بعد از آن
این دعا بخواند که اللهم احفظني واحفظ ما معي وبلغني وبلغ ما معي ببلاغك الحسن
حق تعالی او را نگاه دارد و هرچه با اوست و او را با آنچه با اوست بسلامت بمنزل رساند و امام جعفر ع
هرگاه بسفر بیرون میفرمود این دعا میخواند اللهم خل سبيلنا واحسن تسييرنا واعظم عافيتنا
روایتست که امام رضا ع بشخصی میفرمود که هرگاه از منزل خود بیرون آئی میروی خواه بجانب
سفر خواه بمهمی در حضر این بخوان بسم الله امنت بالله توكلت على الله ما شاء
الله لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم هرکه این دعا بخواند شیاطینها
که پیش او می آیند فرشتگان بر روی ایشان میزنند که برابر این شخص میآئید که او خدا را یاد
کرده و ایمان باو آورده و توکل بر او کرده و امام جعفر ع هرگاه از خانه بیرون میفرمود
برای سفر این دعا میخواند اللهم احفظني واحفظ ما معي وبلغني وبلغ ما معي ببلاغك

صحن بالله استفتح وبالله استنجح وبمحمد صلى الله عليه وآله اتوجه اللهم سهّل لي كل حزونة
وذلل لي كل صعوبة واعطني من الخير كله اكثر مما ارجو واصرف عني من الشر
اكثر مما احذر في عافية يا ارحم الراحمين اسأل الذي بيده ما دق وجل
وبيده اقوات الملائكة ان يبسط لي في سفري امنا وامانا وسلامة مددا
واسلاما وفقها وتوفيقا وبركة وهدى وشكرا وعافية ومغفرة وعزما لا تغادر
ذنبا بعد ازان هر يک آية الكرسي و معوذتين و اخلاص سه نوبت ميخواند بيش خود واز
راست خود سه نوبت ميخواند واز جب خود و ميفرمود هر كه جنين كند او در امان الله باشد
تا بمنزل خود باز رسد و روايتست از ابي عبد الله عليه السلام كه چون آنحضرت پاى مبارك بركاب مينهاد
ميفرمود سبحان الذي سخر لنا هذا وما كنا له مقرنين و بعد ازان هفت بار سبحان الله
ميفرمود و هفت بار الحمد لله و هفت بار لا اله الا الله اصبغ گويد كه من ركاب امير المومنين عليه السلام
گرفته بودم وقتي كه سوار ميشد سر مبارك بجانب آسمان كرد و تبسم فرمود گفتم يا امير المومنين
ديدم تراكه سر سوي آسمان كردي و تبسم فرمودي فرمود كه بلي يا اصبغ همچنانكه تو ركاب من
گرفته من ركاب حضرت رسالت پناه را گرفته بودم سر سوي آسمان كرد و تبسم فرمود همچنانكه
تو از من پرسيدي من از آنحضرت پرسيدم فرمود كه اي علي هر كه سوار شود و شكر آنچه خداي تعالى
بوي انعام فرموده كه مركبيست بكند و آية سخره سه بار بخواند يعني ان ربكم الله الذي تا
انجا كه قريب من المحسنين بعد ازان بگويد استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم
واتوب اليه اللهم اغفر لي ذنوبي انه لا يغفر الذنوب الا انت حق تعالى فرمايد

اي

اي ملايكه من بنده ميداند كه گناه او را غير از من كسي نمي آمرزد گواه باشيد كه من آمر
زيدم او را امام رضا عليه السلام روايت كند كه رسول صلى الله عليه وآله فرمود كه هرگاه كسي سوار شود و بدابه
با نام خداي تعالى فرشته او را رديف شود و حفظ او كند تا فرود آيد پس اگر سوار شود
و نام خدا نبرد شيطان رديف او شود و او را وسوسه دهد و بكارهاي نا ملايم بر دارد
تا فرود آيد ديگر فرموده چون كسي بر مركبي سوار شود و نام خداي ببرد و بگويد بسم الله ولا
قوة والحمد لله الذي سخر لنا هذا وما كنا له مقرنين خداي تعالى نگاه دارد او را
و مركب او را تا فرود آيد و هرگاه قافله رفت و تو باز پس ماندي بگو در راه خود
خرجت بحول الله وقوته بغير الحول والقوة اللهم اني اسألك بركة سفري هذا
وبركة اهلي اللهم اني اسألك من فضلك الواسع رزقا حلالا طيبا تسوقه
الي وانا خائض في عافية بقوتك وقدرتك اللهم اني سرت في سفري هذا
بلا ثقة مني بغيرك ولا رجاء لسواك فارزقني في ذلك شكرك وعافيتك وو
فقني لطاعتك وعبادتك حتى ترضى وبعد الرضا در مشايعت كردن سفر رواست و اين
كه حضرت پيغمبر صلى الله عليه وآله جعفر طيار را بجانب حبشه ميفرستاد و پاره راه مشايعت كرد و همراه رفت
و دعا از براه او ساخت اللهم الطف به في تيسير كل عسير فان تيسير العسير عليك يسير
اسألك اليسر والعافية والمعافات الدائمة في الدنيا والاخرة و امير المومنين عليه السلام
و امام حسن و امام حسين عليهما السلام و عقيل و عبد الله و جعفر طيار و عمار بن ياسر رضي الله عنه
مشايعت ابو ذر فرمودند و آنحضرت فرمود كه وداع كنيد برادر خود را كه او ناچار بسبب ازرفتن

وشمارا از برگشتن وهر یک از ایشان تکلم فرمودند بچیزی در باب او از انجمله امام حسین ع
فرمود که ای اباذر قوم ترا اخراج کردند زیرا که تو منع میکردی ازنا شایست و ترغیب
مینمودی بدین خود و ایشان قبول نمیکردند و منع میکردند ترا از دنیا ایشان
پس حاجت ایشان را باز تو منع میکردی ایشان را و چه بی نیاز کردانند ترا از انچه منع میکر
دند ترا ابو ذر گفت رحمکم الله که مرا در سجن و زندان دنیا و اینکه نیست وشما اهل
بیت پیغمبر من کاد یاد میکنم انحضرت را شمارا نیز یاد وی یاد میکنم و مرا ازحق گفتن
چاره نیست علّا این کنه روایت از امام محمد باقر ع که رسول ص چون وداع
میفرمود مسافر را دست او را میگرفت و میگفت احسن الله لک الصحابة واکمل
لک المعونة وسهل لک الحزونة وقرب لک البعید وکفاک المهم وحفظ
لک دینک وامانتک وخواتیم عملک ووجهک لکل خیر علیک بتقوی الله
استودع الله نفسک سر علی برکة الله تعالی نصل جهدم در مکارم اخلاق در سفر
ابو ربیع شامی روایت کند که ما در خدمت امام جعفر ع بودیم وخانه انحضرت پر بود از
مردمان فرمود که از ما نیست هر که موافقت و مصاحبت نیکو نکند در سفر و دیگر فرمود
که پدر ما بزرگوارم میفرمود هر که در وسه خصلت نباشد اعتمادی بر وی نیست در سفر یکی
خلقی که نیکو کند با مصاحبان خود دویم حلمی داشته باشد که بسبب آن مالک غضب خود
تواند شد وزهدی که مانع شود او را از حرام و دیگر فرمود که از مروت نیست اری که
حدیث کند در سفر در چیزی که کلال و ملال آرد عمار بن مروان گوید که انحضرت وصیت
میفرمود مرا بتقوی براداء امانت و بارفقا نیکویی مصاحبت امام محمد باقر ع فرموده

وهم در موافقت
وهم الفت دیگران
و مخالفت کسی که مخالفت
کند او را هم

که انکس

96

که انکس را که باوی مصاحبت میکنی اگر توانائی داری که دست تو بالا از دست
نگذار روایتست از حضرت رسول ص که اول رفیقست و بعد از آن طریق و هم از انحضرت
فرمود که دو کس باهم مصاحبت میکنند بزرگتر ایشان پیش خدای تعالی و دوستر
ایشان از روی اجر و ثواب آنکس است که در مصاحبت بهتر باشد و امیر المؤمنین ع فرموده
که مصاحبت مکنید در سفر که ترا برتر از خود نداند همچنانچه تو او را برتر از خود میدانی یعنی
مصاحبان می باید که هر یک از انها دیگر یکیرا از خود بهتر دانند و دیگر انحضرت فرموده
که سنت است که چون بسفر بیرون روند نفقهٔ خود را همراه ببرند که آن موجب خوشحالی
انکس است و نیکویی خلق و امام جعفر ع فرموده که مصاحبت کن بکسی که او مزین
شود بتو شهاب بن عبد الله گوید که گفتم ابی عبد الله را ع که تو معلوم داری حال مرا و جود و بخشش
مرا بر برادران دینی من مصاحب شدم از ایشان جماعتی را در راه مکه رعایت بسیار کردم
ایشانرا فرمود که این چنین مکن یا شهاب ص اگر تو ایشانرا اینچنین رعایت کردی و ایشان
در مقابل آن توانائی نداشته باشند ایذا می یابند پس نگاه دار خواری ایشانرا و با مثال
خودت مصاحبت کن در اداء الحج و امام محمد باقر ع فرموده که مصاحبت کن اما با کسی که رعایت حال تو کند
و معیشت ترا ده مصاحبت مکن که این سبب خواری مؤمن است و حضرت رسول
ص فرموده که بهترین مصاحبان این کس نزد خدای تعالی چهار کسند و از مفت
که در گذشت سبب پریشانیست و امام جعفر ع فرموده که مسافری باید که تا سه روز
جهت مصاحبت خود توقف کند وقتی که آن بیمار باشد و نیز فرموده که حضرت
رسول ص فرموده که هیچکس پیش خدای تعالی آنرا دوست نمیدارد بکمر
درج و دیگر فرمود بهتر از آن نیست که کسی میانه رو باشد اسراف و بی

اعتدالی نکنند که خدای تعالی فرموده که باید خلق سفر نکنند و دیگر فرموده که بهترین مردم
در سفر آنکس است که خدمت یاران کند دیگر امام صادق ع فرموده که حضرت رسول ص
فرمود که در سفری گوسفندی را کشته بودند یکی گفت من میکشم دیگری گفت من پوستش
میکنم دیگری گفت من پاره میکنم دیگری گفت من می پزم آنحضرت فرمود من هیزم جمع
میکنم یاران گفتند یا رسول الله صلعم شما زحمت مکشید جان ما فدای تو باد ما خدمتهای بجا
می آریم آنحضرت فرمود که میدانم که شما این خدمت میکنید اما خدای تعالی مکروه میدارد بنده را
که در مصاحبان بیکار باشد و کار خود را بگردن ایشان اندازد پس برپای خاست و
هیمه را جمع کرد و آنحضرت هرگاه که بسفر میرفت شانه و سرمه دان و مسواک همراه
میبرد و امام جعفر ع فرموده که لقمان حکیم به پسر خود گفت که هرگاه با جمعی سفر کنی باید که
در کارهای خود کارهای ایشان مشورت کنی و در روی ایشان خندان و شاد
باشی و در توشه خود با ایشان اکرام کنی و در میان نهی و هرگاه که ترا بخوانند اجابت نمائی
و اگر از تو یاری طلب کنند یاری کنی و خاموشی پیشه خود سازی و نماز بسیار گذاری و با
همراهان خود سخاوت بجا آری از الاغ و آب و توشه یعنی در هیچ از اینها با ایشان مضا
یقه نکنی و هرگاه از تو گواهی حق طلبند بدهی و گاهی که پیاده روند با ایشان پیاده بروی
و چون سوار شوند تو هم با ایشان سوار شوی و هرگاه که صدقه کنند یا قرض دهند تو نیز انفاق
کنی و سخن کسی که بحسب سن از تو بزرگتر باشد بشنوی و هرگاه که ترا امر کنند بچیزی
یا از تو چیزی خواهند قبول کنی و جواب ندهی که جواب بدخلقیست و هرگاه کسی در راه
متحیر شود فرود آئید و مشورت بکنید هرگاه کسی را ببینید راه از او سئوال مکنید چه شاید که جاسوس
دزدان باشد یا شیطان که خواهد شما را حیران و سرگردان کند و از دو کس نیز که دیدند
پرهیزند مگر آنکه از احوال ایشان دریابید که در ایشان دغلی نیست و هم چنین
لقمان گفت با پسر خود که ای پسر هرگاه که وقت نماز درآید فی الحال اداکن که او

بعد از آن استراحت کن از آن زیرا که آن دینیست بر تو و نماز را بجماعت بگذار هرجا
که ممکن باشد و بر بالای مرکب خواب مکن که مجروح میسازد او را و اگر آن از فعل حکما است
مگر آنکه در محفه باشی که ممکن باشد تا تمدد بجهة استرخاء مفاصل و چون بمنزل نزدیک رسی
از مرکب فرود آئی و او را بعلف بگذار و غم او بخور پیش از خود و او را میکشند و چون
خواهی که فرود آئی جائی که بصفا باشد اختیار کن که خاکش نرم باشد و علفش
بسیار و چون فرود آئی دو رکعت نماز بگذار پیش از آنکه نشینی و گیری قرار و هر وقت
که بقضای حاجت روی از مردم دور شو و چون کوچ کنی دو رکعت نماز بگذار و بعد از آن
زمین را وداع کن و بر اهل آن سلام کن چه در هر زمینی و منزلی جماعتی از فرشتگان
موکلند و اگر توانی که طعام نخوری تا آنکه صدقه نمائی چنان کن و بر تست تلاوت کن
کتاب الهی مدام که سوار باشی و تسبیح گوئی بهر کار که مشغول نمائی و دعا از دست مگذار
در وقتی که نشسته باشی و از اول شب راه مرو و در راه سخن را بلند مکن روایت است که رسول ص
فرموده در بذل زاد و مروت در سفر که از شرف مرد است که چون بیرون رود بسفر توشه
نیکو بردارد و امام زین العابدین ع چون بسفر میفرمود توشه بر میداشت و پاکترین آن
از بادام و شکر و سویق است و غیر آن تبرک گوشت روایت میفرمود که ابوذر غفاری رض
وقتی نزد خانه کعبه برپای خواست و گفت منم جندب بن سکن مردمی گرد او درآمدند
فرمود که ای مردمان هرگاه یکی از شما میخواهد که بسفری رود او را از توشه ناچار است
که بصلاح آرد کار خود را و حال آنکه سفر قیامت دورتر است از توشه که بر داشته
که صلاح حال شما بان شود مردی در آن میان گفت که ما را بآن راه نما گفت روزه

بار در گرماي گرم براي گرمي روز نشور و حج و عمره بجا آر بجهت تنهايي قبر و گور و دو رکعت
نماز بگذار در سياهي شب براي وحشت شب قبور از کلمه خير لب فرو مبند و از شر فرو بند
صدقه کن بر مسکين شايد و سبب نجات تو شود در روز سخت و اين دنيا را دو درهم گردان
درهمي را انفاق کن بر عيالي که داري و درهمي ديگر را پيش فرست براي آخرت بجهت رضاي
باري و درهم سيوم اگر بدست آري ضرر دارد و فايده ندارد و باز گردان از آنکه وبال است
بر تو و ديگر فرمود دنيا را دو کلمه گردان کلمه صرف کن در طلب حلال و کلمه ديگر براي آخرت بجهت
رضاي ذو الجلال [illegible] اگر خواهي ضرر يابي و فايده نيابي باز گردان و از رو نگردان
بازگفت که ميکشند مرا غم روزي که در نيافته ام از لقمان حکيم گفت مر پسر خود را که اي پسر
من بدان که دنيا درياي بي پايان است و بسياري در و غرق گشته اند پس تو در ان بحر
را کشتي خود گردان و بادبان تو توکل ساز بر خداي تعالی و بگردان زاد خود را در و تقوي
اگر نجات يافتي پس آن برحمت اليست و اگر هلاک شدي پس آن بگناهان تست و باشد
اي پسر که من سفر کن بي شمشير و موزه و عمامه و خيمه و مشک آب و سوزن و ريسمان و آنچه
تواني زاد و يه فايده مند بجهت خود و رفيقان و بارفقا موافقت کن مگر در معصيت الهي
امام جعفر عليه السلام فرموده که مردمان گمان ميکنند که فتوت بجا آوردن است از فسق و فجور
و حال آنکه اعظم فتوت و مروت طعام است که به پيش محتاجان بيارند و آنچه دست رس
باشد به بينوايان صرف کنند و ايذا بمردمان نرسانند باز فرمود که مروت چه چيز است
گفتند نميدانيم فرمود که بعد مروت آن نيست که خوان طعامي بنهيد بر در خانه خود و مروت دو است
يکي در حضر و يکي در سفر اما آنچه در حضر است آن تلاوت قرآن است و لزوم مساجد و رعايت

برادران

برادران در حوايج و احسان کردن بخادم و ملازم و دوستان را شاد گردانيدن و دشمنان را
دهان بستن و اما آنچه در سفر است توشه پاک بسيار بر داشتن و با رفيقان صرف کردن
و امر اين را از بر قوم پوشانيدن بعد از مفارقت ايشان و بسياري مزاح در چيزي که خلاف
حق نباشد بعد از ان فرمود که بان خداي که جد بزرگوار مرا بحق فرستاد که بنده روزي ميابد
بر قدر مروت و معونت فرود مي آيد بر قدر مؤنت بدرستي که صبر نازل ميشود بر قدر شدت

در نگاه داشتن متاع و اموال و استخاره کردن و طلب حاجت از ذو الجلال

روايتست از امام جعفر عليه السلام که هر که آية الکرسي بخواند در سفر در هر شبي سلامت ماند و هر چه با اوست
و بگويد بعد از آية الکرسي اللهم اجعل مسيري عبراً و صمتي تفكراً و کلامي ذکراً روايتست که شخصي
از براي امام رضا عليه السلام جنبه بجهه تحفت فرستاده و در ميان آن قدري گل بود شخصي گفت يا امام
که اين چه گل است فرمود که اين گل قبر مطهر امام حسين عليه السلام است و صاحب خبرت هر چيزي
که بهر جاي ميفرستند اين گل در ان ميان مينهد و ميگويد که آن امان حضرت منا نيست
و روايتست از امام جعفر عليه السلام که دو برادر بخدمت حضرت رسالت آمدند و گفتند ميخواهيم که
بجاي بتجارت رويم ما را تعليم فرما که در راه چه دعا بخوانيم آنحضرت فرمود که هر گاه در منزل
خواهيد که خواب کنيد و نماز خفتن گذارده باشي در وقتي که پهلو بر جامه خواب مي نهيد
تسبيح فاطمه زهرا عليها السلام بگوييد و بعد از ان آية الکرسي بخوانيد که در امان حق تعالی باشيد پس
ايشان بسفر رفتند اتفاقا جماعت دزدان در عقب ايشان روان شدند تا وقتي که فرود آمدند
ايشان شخصي را فرستادند که خبر گيرد که ايشان در خوابند يا بيدار آن شخص آمد ديد که يکي از ان
تسبيح فاطمه زهرا گفت و آية الکرسي خواند و خواب کرد جاسوس دزدان حصار

دید هر گرد ایشان هر چند در گرد حصار آن گشت باندرون نتوانست رفت بپیش
یاران خود باز گشت و آن حکایت باز گفت مصاحبان دشنام دادند و گفتند
دروغ میگویی بلکه بسبب شده و رسیده تمام برخواستند و آمدند دیدند همانچه او
دیده بود چاره آن نتوانستند کرد لیکن چون صباح شد پیش آن دو جوان آمدند
و گفتند دوشینه کجا بودید گفتند هم اینجا بودیم و جایی دیگر نرفتیم گفتند ما آمدیم و شما
را ندیدیم و چهار دیوار مضبوط دیدیم در چه سر بود گفتند ما بخدمت حضرت سالت
رفتیم ما را تعلیم فرمود بتسبیح فاطمه زهرا ع و آیة الکرسی پس همچنان کردیم در زمان
گفتند بروید بجای که هیچکس را با شما کاری نیست در استخاره جهة تجارت گوید عبد
الرحمن بن سنانه که بیرون رفتیم یک بجانب مکة الله و پاره قماش همراه داشتیم
و کسی نخرید بعضی همراه گفتند که بمصر فرست یا بیمن و دیگر پاره بکوفه میفرست القصه
هر کس چیزی گفتند آنگاه بخدمت ابی عبد الله ع رفتیم و این احوال را عرض کردم فرمود
قرعه بینداز میانه مصر و یمن و توکل بر خدا کن بنویس در رقعه کاغذ که بسم الله الرحمن
الرحیم اللهم انت الله لا اله الا انت عالم الغیب والشهادة انت العالم و انا
المتعلم فانظر الی فی ای الامرین خیر لی حتی اتوکل علیه فیه واعمل به بعد
ازان نام مصر را بنویس و دیگر انشاء الله تعالی باز رقعه دیگر بنویس مثل رقعه اول بعد ازان نام
یمن را در انجا بنویس بعد ازان رقعه دیگر بنویس مثل آنچه در آن دو رقعه نوشته بودی
پس ازان جنس متاع را بنویس و نام شهری که بمیفرستی بعد ازان قرعها را جمع

کن

و هر بنام هر کدام ازین [illegible] بیرون آید مال را [illegible] بفرست [illegible] توکل بر خدا کرده [illegible] فرموده بس

کن و بشخصی بده از اصحاب خود که در زیر جای پنهان کند بعد ازان بردارد
و هر کاغذی که اول بیرون آید بآن عمل کن و توکل بخدای تعالی و چون خواهی که
چیزی بخری بگو یا حی یا قیوم یا دائم یا رؤف یا رحیم اسئلک بعزتک
وقدرتک وما احاط به علمک ان تقسم لی من التجارة الیوم اعظمها رزقا
واوسعها فضلا وخیرها عاقبة لانه لا خیر فیما لا عاقبة له و چون چهارپایی عام
بخری بگو اللهم ارزقنی اطولها حیوة واکثرها منفعة وخیرها عاقبة
در آداب رفتن و کراهیت تنها بودن در سفر و دعا خواندن برای دفع خطر روایتست
از امام جعفر ع که پیاده روید و قدم بکشید که آن بر شما آسانتر است از رفتن
الاغ روایتست که جمعی پیاده میرفتند حضرت رسول ص با ایشان رسید گفتند یا رسول الله
از پیاده رفتن تنگ آمدیم فرمود که قدم بکشید که بر شما آسان شود و دیگر روایتست
از امام جعفر ع که رسول ص فرمود که سواره سزاوارتر است بجاده از پیاده و پای
برهنه احق است از کفش پوشیده و دیگر فرمود که زنرا روا نیست درمیان راه رفتن
بلکه بر دو طرف راه روا است و دیگر فرمود شما را خبر دهم بدترین مردمان را
گفتند بلی یا رسول الله فرمود کسی که تنها سفر کند و فایده بمردم نرساند و خادم و غلام
و خدمتکاران خود را بسیار زند و امام موسی ع فرموده که رسول ص لعنت کرده سه کس را
یکی آنکه در راه توشه را تنها خورده و کسی که در خانه تنها خواب کند و سوم آنکه
که در بیابان تنها رود و اسمعیل بن جابر گوید که من در مکه بخدمت امام جعفر ع

رسیدم ناگاه مردی آمد از عقب امام فرمود مرا او را که مصاحب تو که بود گفت
تنها بودم فرمود که اگر من با تو نبودم اداب راه بتو می آموختم بعد از آن فرمود
یک کس که در راه میرود شیطانست و دو کس دو شیطان و سه کس مصاحب‌اند و چهار
رفیقانند و امام موسی ع فرمود که کسی که در سفر تنها بیرون اید بگوید ما شاء الله
لا قوة الا بالله اللهم آنس وحشتی واعنی علی وحدتی وعد غیبتی وا
و از امام جعفر ع روایتست که هرگاه در راه گم کنید بگوئید یا صالح یا ابا صالح ار
شدونا الی الطریق یرحمکم الله و دیگر فرمود نگهبان صحرا صالح است و نگهبان
دریا حمزه و هرگاه در صحرا و جایی تنها باشد بانگ نماز بگوید تا برطرف شود و رسول ص
فرموده چون بمنزل فرود ایند این دعا بخوانند اللهم انزلنی منزلا مبارکا وانت
خیر المنزلین و چون خواهید که روان شوید دو رکعت نماز بگذارید و این دعا
بخوانید اللهم احفظنا من آفات السفر و الآم الخطر و وداع آن موضع بمنید با
اهلش زیرا که در هر موضعی جماعتی از فرشتگان هستند و بگوئید السلام علی ملائکة الله
الحافظین السلام علینا و علی عباد الله الصالحین و رحمة الله و برکاته و چون
بجانب خانه باز گردید این دعا بخوانید ایبون تائبون ان شاء الله العابد
ون راکعون ساجدون لربنا حامدون اللهم لک الحمد علی حفظک
ایای فی سفری و حضری اللهم اجعل اوبتی هذه مبارکة میمونة
مقرونة بتوبة نصوح توجب لی بها السعادة یا ارحم الراحمین ر

تولی

روایتست که رسول ص فرمود مر امیر المؤمنین ع را که ای علی چون خواهی بشهری یا بدهی در آیی
وقتی که آنجا نمودار شد بگو اللهم انی اسئلک خیرها و اعوذ بک من شرها اللهم حببنا
الی اهلها و حبب صالحی اهلها الینا امام جعفر ع روایت کند که هر کس تهلیل گوید و تکبیر
به بلندی یا پستی مگر که تهلیل گویند و فرشتگان از عقب او تکبیر گویند از پیش او تهلیل و تکبیر گویند تا
بمحل قطع خاک و چون بکشتی نشیند بگوید بسم الله الملک الرحمن و ما قدروا الله حق
قدره والارض جمیعا قبضته یوم القیمة والسموات مطویات بیمینه سبحانه و تعالی
عما یشرکون بسم الله مجریها و مرسیها ان ربی لغفور رحیم امام جعفر ع فرموده که رسول ص
فرمود که هر که از مکه بیاید باوی بگوئید که تقبل الله منک و اخلف علیک نفقتک و غفر ذنبک
دیگر فرموده که هر که حاجی را که از راه برسد در بغل گیرد و بسی بجاست که حجر الاسود را زیارت کرده
و چون از سفر مکه باز گشت و بخانه در امد سزاوار است که مشغول بکاری دیگر نشود تا غسل کند و دو رکعت
نماز بگذارد و بعد از آن سجده شکر بجای آورد و در سجده شکر صد بار بگوید که شکرا لله
در محافظت و خدمت چهارپایان و حق آن بار صاحب الشان روایتست از ابی عبد الله در
رضی عنه که من شنیدم از حضرت رسول ص که میفرمود در مرکب سواری این دعا میکند که اللهم ر
زقنی ظهرک صدیق تبلغنی و تسقینی ولا تحملنی ما لا اطیق یعنی بار خدایا روزی کن مرا
مالک راستی که سیر و سیراب گرداند مرا و بر من باری تنهد که مرا طاقت برداشتن آن نباشد
و امام جعفر ع فرموده که میباید که نخرد کسی مرکبی مگر که بگوید اللهم اجعله لی رحیما و دیگر فرموده
الاغان بدست ارید که موجب زینت اند و از ایشان مهمات کفایت میشود و روزی ایشان بر خدای
تعالی است روایت کند سکونی باسناد خود که رسول ص فرموده که خدای تعالی دوست میدارد رفق

وزین وران مدد نمایید پس چون بر مرکب لاغر سوار شوید از منازل بگذرید و اگر بر زمین بی
ران بگذرید و تعجیل نمائید و اگر علف است فرود آئید روایت از رسول صلعم فرموده که الاغان را
بر صاحبان خود حقها است اول آنکه علف دهند از جایی که فرود آمدند پیشتر از خوردن خود
و چون بآب رسید آب بنمایند و بر روی آنان نزنند که تسبیح میکنند بحمد پروردگار خود و بار بسته
بر پشت آنها مگر در غزاوت و بار نکنند زیاده از قوت آنها و تکلیف نکنند آنها را از رفتن مگر
آنچه طاقت داشته باشند شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید که کی بزنم مرکب خود را که در زمین ما شد
فرمود هر گاه که نرود در زیر تو بجائی که میرود بجانب علف و نیز آنحضرت فرموده که بزنید مرکب
خود را در وقتی که بسر در می آید و مزنید در وقتی که رم میکند که او چیزی می بیند که شما نمی بینید و حضرت
رسول صلعم فرموده که بر بالای مرکب مربع منشینید و بر اسب صحبت مدارید و هر دو پا را از جانب بایستید
در احوال شتر
فرو مگذارید مرویست که امام زین العابدین علیه السلام بیک شتر چهل بار حج کرده که یک تازیانه بر و نزده بود
از امام جعفر علیه السلام که شترهای سرخ مو نگهدارید که کوتاه عمرند و نیز فرموده که شترهای سیاه بد شکل بخرید که در
عمر زیاده از باقی شتران و حضرت صلعم نهی فرموده از میان قطار شتر گذشتن از آن پرسیدند فرمود
در احوال اسب
که در میان هر دو شتر شیطانی ایستاده است آنحضرت فرموده که خیر از جبهای اسب آویخته است
تا روز قیامت و کسی که اسب بازد در راه خدا رعایت کند حکم آنکس دارد که هرگز صدقه ترک نکرده
باشد و امام رضا علیه السلام فرموده که در بینی هر اسبی شیطانی مجاور است هر گاه خواهید که لجام کنید
پس نام خدای تعالی ببرید و امام موسی علیه السلام فرموده که هر کسی که سرکش و بدچشم باشد این دعا در گو
ش بخوانید أَفَغَیْرَ دِینِ اللهِ یَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِی السَّمٰوٰاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا
وَکَرْهًا وَإِلَیْهِ تُرْجَعُونَ

در نکتهای نوادر که واقع است در سفر جابر بن عبد الله

انصاری روایت کند که حضرت رسول صلعم منع فرموده که مسافر تنها بجائی در آید

اما که

۱۰۱

از آنکه اهل خانه را خبر کند دیگر فرموده که سفر پاره ایست از عذاب باید که هر که در سفر مهمی از کار بجا
نماید زود بر گردد با اهل خود و امام جعفر علیه السلام فرموده که قطع منازل توشه را آخر میکند و خوی را
بد میسازد و جامه کهنه میکند و حضرت رسول صلعم فرموده که چون راه گم کنید در سفر خواب کنید
دیگر فرموده که هر که یاری و مددکاری نماید مسافر مومن را حق تعالی از و هفتاد و سه محنت ببرد در دنیا
و در قیامت راحت بی نهایت او را روزی سازد یعقوب بن سالم گوید که پرسیدم از ابو
عبد الله علیه السلام که با من درهمی چند هست که در و تماثیل نقش کرده اند و در حال احرام من آن را در همیان
کرده ام و در میان خود بسته چگونه است فرمود که باک مدار چه آن خرجی و نفقه است و اطمینان
با توست و روایت است از امام موسی علیه السلام که سفره که در حلقهای زرد باشد بیرون کنید و حلقه آهنین
بجای آن بیارید که خاصیت نیکو است

در آداب ادعیه و آنچه بدان متعلق است مشتمل بر پنج فصل

در فضیلت دعا و کیفیت آن

حضرت رسول صلعم فرموده که هیچ چیز نیست نزد خدای تعالی
گرامی تر از دعا نیست و دیگر فرموده که دعا سلاح مومنست و ستون دین و نور آسمان
و زمین دیگر فرموده شما را دلالت کنیم بر سلاحی که نجات دهد شما را و نگاه دارد از دشمنان و رو
زی شما را زیاده کند در ین جهان حاضران گفتند بلی یا رسول الله فرمود که شب و روز
دعا کنید که دعا سلاح مومنست و دیگر فرموده که عاجزترین مردمان آنکس است که از دعا عاجز
آید و بخیل ترین مردمان کسی است که در جواب سلام بخل نماید و دیگر فرموده که هیچ مسلمانی
نباشد که دعا کند مگر آنکه حق تعالی او را یکی از سه چیز کرامت کند یکی آنکه دعای او را قبول فرماید
یا در آخرت او را عوض دهد یا بلایی از و دفع کند حضرت امیر المومنین علیه السلام فرموده که دوسترین
عملها بسوی خدای تعالی دعا است و افضل عبادت عفت است عبد الله بن سنان گوید که

[illegible marginal note]

کہ امام جعفر ع فرمود کہ دعا دفع بلا میکند پس بکوشید در دعا کہ آن کلید هر رحمتیست و برآمدن هر حاجت
و هر مطلوب مرغوب کہ از حق تعالی طمع دارد حصول آن نیست مگر بدعا و هر دری کہ بسیار بکوبند
آخر آن در بروی صاحبش بگشایند و ابو عبد الله ع فرموده کہ دعا موجب قبول است همچنانکہ ابر
سبب باران است و دیگر فرمود هیچ بنده دست بر ندارد بدرگاه خدا مگر کہ او شرم دارد
کہ دست او را خالی برگرداند تا بگذارد در وی از فضل و رحمت خود و چون یکی از شما دعا کند پس
نگذارد اندر وی چیزی
باید باز نبرد دست خود را تا بر سر و روی خود بمالد هشام بن سالم گوید کہ ابو عبد الله ع
فرمود کہ هیچ میدانید کوتاهی بلا از درازی کہ گفتیم نہ فرمود کہ هر گاه ملهم شد یکی از شما بدعا
درازی بلا
بلا پس بدانید کہ آن بلا بدرگاه اله کوتاه است و دیگر فرموده هر کہ میخواهد دعاش مستجاب شود
در روز سختی پس باید کہ بسیار دعا کند در روز آسانی و امام رضا ع فرموده کہ یک دعای
پنهانی بهتر از هفتاد دعاست کہ بر ملا باشند و امام جعفر ع فرموده کہ حضرت عزت حاجات
شما را میداند لیکن دوست میدارد کہ حاجات را عرض کنید و دعا کنید و دیگر فرمود کہ
حق تعالی مکروه میدارد کہ حاجت را از خلق طلب کنند لیکن دوست میدارد کہ از او طلب نمایند
و امام رضا ع فرمود بیکی از اصحاب خود کہ مسلح شو بسلاح پیغمبران گفت سلاح پیغمبران
چه چیز است فرمود کہ دعا و امام صادق ع فرموده کہ دعا در اثر فرو زنده تر است از نیزه
و نیزه در اوقاتی کہ امید واری قبول دعا بیشتر است زید بن شحام روایت کند از امام جعفر ع
کہ فرموده در چهار وقت دعا کنید یکی نزد وزیدن بادها و دیگر وقت زوال آفتاب
و دیگر وقت فرود آمدن باران و دیگر در وقتی کہ خون مؤمنی بر خاک ریزند کہ
کہ درهای آسمان درین اوقات گشاده است و دیگر فرموده در صفت موقع دعا کہ در

درنماز

در نماز وتر و بعد از صبح و بعد از پیشین و بعد از شام و وقت بانگ و وقت آمدن
باران و وقتی کہ در غزا صفها راست شود و دیگر فرمود هر گاه یکی از شما را رقت
دل پیدا شود پس باید کہ دعا کند زیرا کہ دل رقت پیدا نمیکند تا خالص نمیشود معویه بن
عمار گوید کہ حضرت امام صادق ع فرمود هر کہ حاجتی دارد باید کہ طلب کند از نزد
زوال از درگاه ذو الجلال و پیش از آن چیزی تصدق کند و چیزی از بوی خوش
ببوید و برود بمسجد و دعا کند کہ حاجتش روا میگردد انشاء الله تعالی دیگر فرمود کہ هر گاه
پوست تو حرکت کند اگر دو دیده تو گریان شد پس آن وقت دعا بست ملازم آن وقت
باش کہ حاجت روا است ابو صباح گوید کہ امام محمد باقر ع فرمود کہ حق تعالی دوست
میدارد کہ بندگان مؤمن هر گاه او دعا کنند پس دعا کنید از سحر تا طلوع آفتاب کہ در آن وقت
درهای آسمان گشاده است و روزی را در آن وقت قسمت میکنند و حاجتهای بزرگ
در آن وقت روا میشود و ابی عبد الله ع میفرمود کہ در شب ساعتی است کہ بنده
مؤمن باید کہ ملازم آن ساعت باشد کہ در آن نماز گذارد و دعا کند کہ نیست در آن ساعت
دعا کند مگر کہ حق تعالی دعای او را در آن ساعت روا کند از هر شب گفتم اصلحک الله کہ آن
کدام ساعت است از هر شب فرمود کہ هر گاه نصف شب گذشت و باقی ماند نصفش
یک اول از اول نصف و دیگر فرمود هر گاه طلب روزی میکنید در دعا کفهای دست را
بجانب آسمان بگشائید و چون بخدا تعالی پناه جوئید از شر نکبت و اذیت کفهای دست را
بجانب قبله بگردانید و در حال تضرع و زاری دست را از سر بگذرانید و چون روی

کردانید و بجانب خدای تعا آورید انکشتان شهادت را حرکت دهید ابن مغیره گوید که شنیدیم
از ابی عبد الله ع که پیش از دعا باید کرد فرمود که پیش از دعا حمد و ثنای باری تعا بجای آورید
و صلوات بر رسول و آل آنحضرت بفرستید بعد ازان جهة خود دعا کنید در کتاب امیر المؤمنین ع
وارد یافته که پیش از دعا بزرگی و عظمت حضرت باری تعا یاد کنید گفتند چگونه یاد
کنیم بزرگی او را فرمود یا من هو اقرب الی من حبل الورید یا من یحول بین
المرء و قلبه یا من هو بالمنظر الاعلی یا من لیس کمثله شیء و هو السمیع البصیر
عثمن بن مغیره روایت کرد از ابی عبد الله ع که آنحضرت فرمود که هرگاه خواهید که دعا
کنید حق تعا را یاد کنید و تسبیح و تهلیل او را بتقدیم رسانید و ستایش و ثنای او بگویید
و صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستید و حاجت طلب کنید که روا میشود در ساعت و دیگر فرمود
که ستایش بر نوع چنین نمایید یا اجود من اعطی یا خیر من سئل یا ارحم من استرحم یا
واحد یا احد یا صمد یا من لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد یا من لم یتخذ صاحبة و
لا ولدا یا من یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید آنگاه بگویید اللهم اوسع علی من
رزقک الحلال ما اکف به وجهی و اؤدی به امانتی و اصل به رحمی و یکون
عونا لی علی الحج و العمرة دیگر فرمود که مردی بمسجد پیغمبر ص درآمد و دو رکعت نماز گذارد
آنگاه طلب حاجت کرد آنحضرت فرمود که بنده تعجیل نمود بدرگاه الهی بعد ازان مردی دیگر
درآمد و دو رکعت نماز گذارد و ستایش الهی بتقدیم رسانید و صلوات بر پیغمبر و آل او
فرستاد آنحضرت فرمود که حاجت طلب کن که روا است و ابو خالد گوید که امام جعفر ع

فرمود

محمد بن مسلم روایت کند از ابی عبد الله علیه السلام

بزرگی

جعفر ع فرمود که هرگاه چهل مرد جمع شوند و دعا کنند در امری حق تعالی دعای ایشان
را مستجاب میگرداند پس اگر چهل کس نباشند چهار کس دعا کنند هر یک ده بار آن نیز
مستجاب میشود و اگر چهار نباشند یکی دعا کند چهل بار قبول فرماید حق سبحانه و تعالی
آنرا دیگر فرمود که هرگاه پدر بزرگوار مرا غمی پیش می آمد عورات و اطفال را جمع میفرمود
و دعا میکرد ایشان آمین میگفتند دیگر فرمود که دعا کننده و آمین گوینده هر دو شریکند
در امر دعا هشام بن سالم گوید که آنحضرت فرمود که دعا محجوب است ما دام که
صلوات بر محمد و آل محمد نفرستاده دعا بر سر او میگردد و مرالیته و هرگاه
که صلوات فرستاد بالا میرود دیگر فرمود که هرگاه کسی را حاجتی باشد پس باید
که ابتدا بصلوة کند و بعد از آن حاجت بخواهد و ختم آن بصلوات نماید زیرا که حق
سبحانه و تعالی از آن کریمتر است که طرفین دعا را قبول نماید و وسط را رد نماید
چه دعا بصلوات محجوب نیست دیگر فرمود که حضرت رسول ص فرمود که هر مجلسی
که جماعتی جمع شوند و تنزیه این مجلس بذکر آلهی و صلوات رسالت پناه و آل
هدایت انتباه نکنند آن مجلس برایشان وبال گردد و حسرت و ندامت افزاید
دیگر فرمود که دعای سه کس مستجاب است کسی که براه حج رود و کسی که بغزا توجه
کند و دیگر بیماری که بر فراش بیماری نبالد و دیگر فرمود که پدر بزرگوارم فرمود که پنج

کسنند که دعای ایشان مردود نیست یکی امام عادل دیگر مظلوم که حق سبحانه و تعالی
در جواب دعای او میفرماید که داد ترا از ظالم بستانم اگرچه بعد از مدتی باشد و دیگر
فرزند صالح که بجهة پدر و مادر خود دعا کند و دیگر دعای پدر صالح برای فرزندش و دیگر
دعای برادر مؤمن که غایبانه برای مؤمنی دعا کند و امام محمد باقر عم فرمود که مؤمنی بجهة
برادر مؤمن دعا کند آن باجابت اقربست عبد الله بن سنان گوید که دعای برادر
مؤمن در روزی حق افزاید و دفع مکروه می نماید دیگر فرمود که به پرهیزید از دعای مظلوم
که آن زود باسمان میرود که هر کس چهل مؤمن را در دعا مقدم دارد آن دعا مستجاب
شود مرویست که شخصی سؤال کرد از امام جعفر عم که من دو آیه را در کتاب الهی
می یابم که آنچه از آن میطلبم نمی یابم آنحضرت فرمود که کدامست آن شخص گفت
که ادعونی استجب لکم یعنی دعا کنید که مستجاب میکنم و حال آنکه ما دعا میکنیم و مستجاب
نمیشود آنحضرت فرمود که گمان تو اینست که حق تعالی خلاف وعده کند آن کس گفت
نه یا امام فرمود پس خیال تو چیست گفت یا امام من سر این را نمیدانم فرمود که من
ترا آگاه گردانم از سر این دعا مشروط هست بچند شرط اول حمد و ستایش
الهی بکنید و ذکر نعمت کرده شکر آن بجای آرید پس صلوة فرستید بعد از آن یاد گناهان
خود کرده بآن معترف شوید بعد از آن استغفار کنند هر که چنین کند و بعد از آن بدعا
مشغول شود در امری که صلاح باشد البته مستجاب شود بعد از آن آنحضرت فرمود
که آیه دیگر کدامست آن شخص گفت که وما انفقتم من شیء فهو یخلفه
یعنی آنچه شما صدقه میکنید خدای تعالی عوض آن میدهد و حال آنکه ما صدقه
میکنیم معوض آن نمی یابیم آنحضرت فرمود گمان تو اینست که خدای تعالی

روایتست از امام جعفر عم که هر که ده بار بگوید پیش از طلوع آفتاب و پیش از غروب
لا اله الا الله وحده لا شریك له له الملك وله الحمد یحیی و یمیت وهو
حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر آن کفاره گناهان او
میشود در آن روز دیگر فرمود که نوح عم در هر صبح و شام ده بار این دعا میخواند
اللهم انی اشهدك انه ما اصبح و امسی بی من نعمة وعافیة فی دین او دنیا
فمنك وحدك لا شریك لك لك الحمد ولك الشکر به علی حتی ترضی و بعد
الرضا از جهت خدای تعالی او را عبد شکور نام کرد مسمع بن ذکردین گوید که من با امام جعفر عم
چهل صباح نماز گذاردم چون از نماز سنت صبح فارغ میشود دست مبارک را بجانب
آسمان بر میداشت و میفرمود اصبحنا واصبح الملك لله اللهم انا عبدك وابن
عبدیك اللهم احفظنا من حیث نحتفظ ومن حیث لا نحتفظ اللهم ا
حرسنا من حیث نحترس ومن حیث لا نحترس اللهم استرنا من حیث
نستتر ومن حیث لا نستتر اللهم استرنا بالغنی والعافیة اللهم ارزقنا العافیة و
الشکر علی العافیة حضرت صادق عم روایت کرده شیعه ما را بناه دوستی ما
نگاه میدارد ایشان را و اگرچه بدریا باشد یا در صحراهای خالی یا در میان شیران و
گرگان درنده و دشمنان جن و انس باید که دست اعتصام بعروة وثقی باز
واعتصام و رزند در دوستی ما و ادعیه مخصوصه باعقاب فرایض آورده بدرستی

که هرکه تسبیح فاطمه زهرا ع در پس هر فریضه بگوید پیش از انکه برخیزد حق تعالی او را بیامرزد
مرویست که امیر المومنین ع فرمود مردی را از بنی سعد که ایا حکایتی بگویم ترا از فاطمه ع
گفت بلی فرمود که فاطمه ع تمام کارهای خانه بدست خود میکرد تا انکه آب میکشید و گندم
آسیاب میکرد و خانه میرفت و طعام می پخت و باین سبب الم سخت میکشید آنحضرت فرمو
که بوی گفتم اگر این حال بحضرت رسالت صلعم عرض داری و خدمتکاری از آنحضرت
طلب نمایی دور نیست پس امد بخدمت پدر بزرگوار خود و او را شرم آمد که عرض کند دیگر
که اطلاع داشت برین احوال و گویند که ان امیر المومنین ع بود که با رسول الله او را نزد
می اید من احوال عرض کنم و تفصیل آن احوال را عرض نمود آنحضرت فرمود من شما را
چیزی تعلیم کنم که بهتر از خدمتکار باشد در صبح سی و چهار بار الله اکبر و سی و سه بار
الحمد لله و سی و سه بار سبحان الله بگویند پس حضرت فاطمه ع سر سوی آسمان کرد
و فرمود که راضی شدم از خدا و رسول او تا سه بار این را گفت روایت کرده سید
ناصح الدین ابو البرکات که رسول صلعم فرمود که هرکه میخواهد که بیرون رود از دنیا
خالص و پاک گردد از گناهان همچنانکه طلای خالص که در وغش نباشد و رو
و مظلمه از کسی نبود پس باید که در عقب هر نماز از پنج نماز دوازده بار قل هو
الله احد بخواند بعد از ان دستها را بردارد بگوید اللهم انی اسئلک باسمک المکنون
المخزون الطاهر الطهر المبارک و اسئلک باسمک العظیم و سلطانک القدیم
ان تصلی علی محمد و آل محمد یا واهب العطایا یا مطلق الاساری یا فکاک
الرقاب من النار اسئلک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تعتق رقبتی من النار

وتخرجني

وتخرجني من الدنيا سالما و تدخلني الجنة آمنا و ان تجعل دعائي اوله
فلاحا و اوسطه نجاحا و آخره صلاحا انك انت علام الغيوب
و امير المؤمنين ع فرموده که این از پنهانیهای آنچیزیست که تعلیم فرموده مرا رسول
و امر فرموده که تعلیم امام حسن و امام حسین ع کنم دعای دیگر روایتست
که رسول صلعم فرموده که هرکه در عقب هر نماز مفروضه این بخواند محفوظ ماند او
و مال او و فرزندان او از هر بدی و دعا اینست اللهم اغفر لي ما قدمت
و ما اخرت و ما اعلنت و ما اسررت و اسرافي على نفسي و ما انت
اعلم به مني اللهم انت المقدم و انت المؤخر لا اله الا انت بعلمك
الغيب و بقدرتك على الخلق اجمعين ما علمت الحيوة خيرا لي فاحيني
و توفني اذا علمت الوفاة خيرا لي اللهم اني اسئلك خشيتك في السر
و العلانية و كلمة الحق في الغضب و الرضاء و القصد و الفقر و الغنى
و اسئلك نعيما لا ينفد و قرة عين لا ينقطع و الرضا و برد العيش
بعد الموت و لذة النظر الى وجهك و شوقا الى لقائك من غير ضراء
مضرة و لا فتنة مضلة اللهم زينا بزينة الايمان و اجعلنا هداة مهديين
اللهم اهدنا فيمن هديت و عافنا فيمن عافيت و تولنا فيمن توليت و قنا
شر ما قضيت انك تقضي و لا يقضى عليك اللهم اني اسئلك عزيمة

حييني

بالقضاء

الرشاد والثابت فی الامر والرشد واسئلك شكر نعمتك وحسن عافيتك
واداء حقك واسئلك يا رب قلبا سليما ولسانا صادقا واستغفرك لما
تعلم واسئلك خير ما تعلم واعوذ بك من شر ما تعلم فانك تعلم ولا نعلم
وانت علام الغيوب دعاي ديگر حضرت صادق ع فرموده كه هر كه بعد از هر
نمازي بگويد اين كلمات بگويد از جميع آفتها محفوظ ماند كلمات اينست
اجير نفسي ومالي وولدي واهلي وداري وكلما هو مني بالله الواحد الاحد
الصمد الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد واجير نفسي ومالي وو
لدي وكلما هو مني برب الفلق من شر ما خلق تا آخر وسورة الناس تا آخر
وبالله الذي لا اله الا هو الحي القيوم تا آخر آية الكرسي وديگر سيد مذكور
روايت كرده از امير المؤمنين ع كه رسول صلعم فرمود كه اي علي بخوان در عقب هر نماز
مكتوبه آية الكرسي كه محافظت ومداومت بر آن نمينمايد مگر نبي يا صديق يا شهيد
وحضرت صادق ع فرموده اقل الخ در عقب هر نماز مفروضه خوانند دعا را
اللهم صل علی محمد وآل محمد اللهم انا نسئلك من كل خير احاط به علمك ونعوذ
بك من كل شر احاط به علمك اللهم انا نسئلك عافيتك في امورنا كلها
ونعوذ بك من خزي الدنيا وعذاب الآخرة وهم آنحضرت فرموده كه جبرئيل
نازل شد بر يوسف پيغمبر ع در زندان وگفت اي يوسف اين دعا را بخوان در عقب

هر نماز

هر نماز فريضه اللهم صل علی محمد وآل محمد اللهم اجعل لي فرجا ومخرجا
وارزقني من حيث احتسب ومن حيث لا احتسب وامام محمد باقر ع
ميخوانده در عقب هر نماز فريضه اين دعا را اللهم اهدني من عندك
وافض علي من فضلك وانشر علي من رحمتك وانزل علي من بركاتك
روايتست كه ابو بلقام التماس كرد از امام موسی ع كه او را دعاي جامع
مختصري تعليم فرمايد فرمود كه بعد از صبح تا آفتاب بر آمدن اين كلمات را بگو كه
سبحان الله وبحمده استغفر الله واسئله من فضله بلقام گويد كه حال
من پريشان بود چون باين كلمات مداومه كردم رسيد بمن ميراث بسيار
از جانب مردي كه گمان نداشتم كه ميان من واو خويشي هست وامروز
من دارا ترين كسي از اهل بيت خودم واين بسبب تعليم آنحضرت بود مرا
باين دعا دعاي ديگر براي گشادگی رزق مرويست از آنحضرت كه بگويد
اللهم اني اسئلك ان تصلي علی محمد وآل محمد واسئلك خير ما ارجو
وخير ما لا ارجو واعوذ بك من شر ما احذر ومن شر ما لا
احذر والحمد وآية الكرسي بخواند وشهد الله وآية سخره يعني ان ربكم
از سوره اعراف تا قريب من المحسنين وبعد از آن سه بار بگويد سبحان

تزیك رب العزة عما یصفون و سلام علی المرسلین و الحمد لله رب
العالمین و بعد ازان سه بار بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد و اجعل
لی فرجا و مخرجا و ارزقنی من حیث احتسب و من حیث لا احتسب
منقول است از امام رضا که هر که در عقب نماز صبح این دعا بخواند هیچ
حاجتی نخواند مگر که روا شود و حق تعالی اهم مهمات او را کفایت کند که اللهم
و صل علی محمد و افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد فوقیه الله
سیئات ما مکروا لا اله الا انت سبحانك انی کنت من الظالمین فاستجبنا
له و نجیناه من الغم و کذلك ننجی المؤمنین حسبنا الله و نعم الوکیل فانقلبوا
بنعمة من الله و فضل لم یمسسهم سوء ما شاء الله کان و لا حول و لا قوة الا
بالله العلی العظیم ما شاء الله لا ما شاء الناس ما شاء الله و ان کره ا
الناس حسبی الرب من المربوبین حسبی الخالق من المخلوقین حسبی الرازق
من المرزوقین حسبی الله رب العالمین حسبی من هو حسبی حسبی من لم
یزل حسبی حسبی من کان منذ کنت من لم یزل حسبی حسبی الله لا اله
الا هو علیه توکلت و هو رب العرش العظیم دعای دیگر مرویست که هر که
این دعا بخواند در عقب هر فریضه و مداومت نماید بران چندان بزید که از

یمسسهم

اندیزکی

زندگیش ملال گیرد و دعا این است اللهم صل علی محمد و آل محمد ان عبدك
و رسولك الصادق المصدق صلواتك علیه و آله قال انك قلت
ما ترددت فی شیء انا فاعله کترددی فی قبض روح عبدی المؤمن
یکره الموت و اکره مساءته اللهم فصل علی محمد و آل محمد و عجل لولیك
الفرج و النصر و العافیه و لا تسؤنی و لا فلانا دعای دیگر مرویست
که سه بار باید خواند وقتی که بدست راست محاسن خود را گرفته باشد
و دست چپ را جانب آسمان گسترده و آن این است یا ذا الجلال و ا
و الاکرام صل علی محمد و آل محمد و اجرنی من النار بعد ازان بردارد
دو دست راست را بباطنش بسوی آسمان و سه بار بگوید که یا عزیز
یا کریم یا غفور یا رحیم پس بگرداند پشت هر دو دست را با آسمان
و بگوید سه بار که صل علی محمد و آل محمد و اجرنی من عذاب الالیم صل
علی محمد و آل محمد و فقهنی فی الدین و حببنی الی المسلمین و اجعل لی
لسان صدق فی الآخرین و ارزقنی هیبة المتقین یا الله یا الله
یا الله اسئلك بحق من حقه علیك عظیم ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان
تستعملنی بما عرفتنی من حقك و ان تبسط علی من حلال رزقك دعای

و بعد ازین هر صبح ... بخواندم

جعل

دعا را

دیگر واین دعای سر گویند مرویست که حق تعالی فرمود که ای محمد هر که خواهد از
از امت تو که من نماز او را دو چندان بالا برم پس باید که بگوید در عقب هر
نمازی که بر او فرض کرده ام در وقتی که دست بهار داشته باشد یا مبدی
الاسرار یا مبین الکتاب یا شارع الاحکام و یا ذاری الانعام و یا
خالق الانام و یا فارض الطاعة و ملزم الدین و یا موجب التعبد
اسئلک بحق تزکیة کل صلوة زکیتها له و بحق من زکیتها به ان تجعل
صلوتی هذه زاکیة متقبلة تتقبلها و تصیرنی بها زاکیا و الهمک
قلبی حسن المحافظة علیها حتی تجعلنی من اهلها الذین ذکرتهم فیها
بالخشوع انت ولی الحمد کله فلا اله الا انت فلک الحمد کله بکل حمد انت
له ولی التوحید کله ولا اله الا انت فلک التوحید کله بکل توحید انت
له ولی وانت ولی التهلیل کله فلا اله الا انت فلک التهلیل کله بکل
تهلیل انت له ولی وانت ولی التکبیر کله فلا اله الا انت فلک التکبیر کله
بکل تکبیر انت له ولی وانت ولی التسبیح کله فلا اله الا انت فلک التسبیح
کله بکل تسبیح انت له ولی رب عد علی فی صلوتی کرفعها زاکیة متقبلة تو
انک سمیع الدعاء حق تعالی فرموده هر که [illegible] برارم نماز او را دو چندان

درلوح

درلوح محفوظ امام محمد باقر ع فرموده که دعا بعد از نماز فریضه افضلست
از بعد نماز نافله مثل فضل فریضه بر نافله امیر المومنین ع فرموده که
هر که نماز بموجب فرموده بجای آرد پس مر او را در عقب فریضه دعوت
مستجابه بحصول میرسد اسحق بن عمار روایت کند که امام جعفر ع
فرموده که موسی پیغمبر ع هرگاه نماز گذاردی روی از قبله نگردانیدی تا
طرف راست روی خود و طرف چپ آن را بر خاک ننهادی و امام محمد
باقر ع فرموده که حق تعالی وحی فرستاد بموسی پیغمبر ع که آیا میدانی که چرا
ترا از میان خلق برگزیدم و با تو سخن گفتم گفت یا رب نه حق تعالی
فرمود که من زیر و بالا کردم بندگان خود را در میان ایشان از روی عبادت
خوارتر از تو و نیازمندتر نیافتم چه تو هر بار نماز میگذاری روی خود
بر خاک می نهی و امام جعفر ع فرموده که بنده از بندگان هرگاه سجده کند
و بگوید یا رب یا رب تا آن زمان که نفسش منقطع شود حضرت خداوند فرماید
لبیک ای بنده من حاجت تو چیست مرازم روایت کند از ابی عبد الله
که هر مسلمانی میباید بعد از نماز سجده شکر بجای آورد که موجب تمامی نماز و رضای خدای تعالی
و تعجب فرشتگانست و فرموده که بنده چون نماز گذارد و بعد از آن

از تو

سجده شکر بجای آورد حق تعالی میان او و فرشتگان پرده حجاب برمیدارد
و با فرشتگان میفرماید که نظر کنید به بنده من که فرض مرا ادا نمود و عهد مرا
تمام کرد و بعد از ان سجده شکر بجا آورد بانچه من بوی انعام کرده ام ای فرشتگان
من در عوض این مر او را چه باشد فرشتگان گویند ای پروردگار ما رحمت
تو مجازات اوست دیگر حق تعالی فرماید که دیگر چه باشد مر او را گویند که بهشت
تو دیگر فرماید مر او را چه باشد فرشتگان گویند ای پروردگار ما کفایت مهم او
باز حق تعالی فرماید که مر آن بنده را چه باشد مزد فرشتگان گویند باقی نماند
از خیر الا که گفتیم ای پروردگار ما دیگر علم ما بان نمیرسد حق تعالی فرماید که جزای
شکر او بتمام بجا نکرد او مرا شکر کرده رو آورم بوی از فضل و رحمت خود
و او را در مقام قرب بنشانم و در روایت ابراهیم بن عبد الحمید آمده که حضرت
امام جعفر صادق ع آنکه هر گاه تو را غمی رسد پس مسح کن دست خود را بر موضع
سجودت پس بکش دست خود را بر روی خود از جانب روی خودت
از طرف پیشانی بطرف راست و سه بار بگو بسم الله الذی لا اله الا
هُوَ عالِمُ الغَیبِ وَ الشَّهادَةِ الرَّحمنِ الرَّحیم اذهَب عَنّی الغَمَّ وَ الحُزنَ

و مرویست

و مرویست که هر که در سجده یا رباه و یا سیداه چندان بگوید که نفس او بریده
گردد جواب داده شود که حاجت خود بخواه که رواست و بعضی از ائمه علیهم
در سجده میفرمودند سجد لک طالب من ثوابک سجد لک یا رب یا رب من
عقابک سجد لک یا رب خائف من سخطک بعد از ان میگفتند یا الله
یا رباه تا بریده می شد نفس ایشان بعد از ان دعا میفرمودند و مرویست که امام
جعفر ع فرمود که گذشت یکروزی رسول صلعم بمردی و او در سجده بود و میگفت
یا رب ما ذا علیک ان ترضی کلّ من کان له عندی تبعة و ان
تغفر لی ذنوبی و ان تدخلنی الجنة برحمتک فانّی ما عفوت عن الظالم و انا
من الظالمین فلتسعنی برحمتک یا ارحم الراحمین آنحضرت فرمود
سر از سجده بردار که دعای تو مستجاب شد چه تو دعا کردی بدعای پیغمبری که در
عهد عاد بوده دیگر دعای چند که متعلق است بحالت خواب و بیدار آنچه نسبت

آنچه متعلق است بحالت خواب

مرویست از امام جعفر ع که خدای تعالی دشمن میدارد بسیار خواب و بسیار
فراغ را و نیز فرمود که خواب برنده [illegible] دنیاست و رسول صلعم فرموده
در اول روز موجب خوف و تنگیست و خواب نیم روز نعمت است و بعد از
عصر [illegible] شام و خفتن مانع روزیست دیگر حضرت
صادق ع فرمود که وضو بر دارد و در جامه خواب در آید آن جامه خواب

حکم مسجد او دارد و دیگر فرموده هرگاه چراغ روشن کنید این دعا بخوانید
اللهم اجعل لنا نورا نمشی به فی الناس و لا تحرمنا نورک یوم نلقاک
اللهم اجعل لنا نورا الیک نورا لا اله الا انت و هرگاه چراغ می نشانید
این دعا بخوانید اللهم اخرجنا من الظلمات الی النور امام محمد باقر ع فرموده که
سر بر بالین نهید و بر راست خسپید و این دعا بخوانید اللهم انی اسلمت
نفسی الیک و وجهت وجهی الیک و فوضت امری الیک و الجات ظهری
الیک توکلت علیک رهبة منک و رغبة الیک لا ملجا و لا منجا منک الا
الیک آمنت بکتابک الذی انزلت و رسولک الذی ارسلت و بعد از آن
تسبیح فاطمه زهرا ع بگوید امام جعفر ع فرموده هر وقت ترا وقت خواب بر بالین نهی
رود معوذتین و آیة الکرسی بخواند دیگر فرموده در وقت خواب قل هو
الله و قل یا ایها الکافرون بخوانید که قل یا ایها الکافرون سبب دوری
از شرک است و قل هو الله موجب قرب بمقام حق مرویست از امیر المومنین ع
فرمود که شنیدم از رسول ص که در بالای منبر میگفت هر که آیة الکرسی بخواند در عقب
هر نماز فریضه مانع نشود او را از دخول بهشت مگر مرگ و مداومت بر آن
ننماید مگر صدیق یا عابد و هر که بخواند در حالت خواب کردن حق تعالی او را از
آفات ایمن همچنین همسایه او را و همسایه همسایه او را و خانهای که در حوالی

اوست

110

اوست و دیگر آنحضرت فرمود که هر که قل هو الله بخواند در حالت خواب حق تعالی
گناه پنجاه ساله او را می آمرزد و امام جعفر ع فرموده که باید که این عوذه بخواند
در وقت خواب اعیذ نفسی و ذریتی و اهل بیتی و مالی بکلمات الله
التامات من کل شیطان و هامة و من کل عین لامة و این آن
عوذه ایست که جبرئیل ع تعویذ نمود با آن امام حسن و امام حسین ع را و امام
جعفر ع فرموده هر که این دعا را در وقت خواب سه بار بخواند بیرون آید
از گناهان مجون روزی که از مادر زاییده باشد الحمد لله الذی علا فقهر و الحمد
لله الذی بطن فخبر و الحمد لله الذی ملک فقدر و الحمد لله الذی یحیی الموتی
و یمیت الاحیاء و هو علی کل شیء قدیر روایتست از حضرت رسول ص
که هر که در حالت خواب سوره التکاثر بخواند نگاه داشته شود از فتنه قبر و
فرمود که هر که بترسد از شب این کلمات را ده بار بخواند اعوذ بکلمات الله
من غضبه و من عقابه و من شر عباده و من همزات الشیاطین و من ان
یحضرون و آیة الکرسی و اذ یغشیکم النعاس امنة منه و جعلنا نومکم سباتا
امیر المومنین ع فرمود هر گاه یکی از شما خواهد که بخوابد باید که بر جانب راست
بخسبد و دست راست در زیر سر نهد و بگوید بسم الله وضعت جنبی لله علی
ملت ابراهیم و دین محمد و ولایة من افترض الله طاعته ما شاء الله کان و ما لم

يشاء لم يكن اشهد ان الله على كل شيء قدير و هر كه چنين گويد در وقت
خواب گناه داشته عفو از ذنوب فرو دادن بناء و استغفار كند گناهان او
و هر كه در وقت خواب قل هو الله بخواند حضرت عزت پنجاه فرشته موكل
او كند او را پاسبانی كنند در النبی مرویست كه هر كه از دزد ترسد پس باید
كه در وقت خواب این آیه بخواند قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ايا ما تدعوا فله
الاسماء الحسنى تا آخر و امام جعفر ع فرموده كه اگر كسی از احتلام ترسد بگوید در خوابگاه
خود اللهم اني اعوذ بك من الاحتلام و من سوء الاحلام و من ان يتلاعب بي الشيطان
في اليقظة و المنام و هر كه از بیخوابی ترسد بگوید نزد خواب كه سبحان الله ذي
الشأن دائم السلطان عظيم البرهان كل يوم هو في شأن يا مشبع البطون
الجائعة يا كاسي الجنوب العارية يا مسكن العروق الضاربة يا منوم العيون
الساهرة سكن عروقي الضاربة و اذن لعيني نوما عاجلا و آية الكرسي و اذ
يغشيكم النعاس امنة منه و جعلنا نومكم سباتا و هر گاه نزد او زلزله از هم
ترسد نزد خواب این آیه بخواند كه ان الله يمسك السموات و الارض ان تزولا
و لئن زالتا ان امسكهما من احد من بعده انه كان حليما غفورا و امام
محمد باقر ع فرموده هر كه این كلمات بگوید من ضامنم كه هیچ عقرب و هیچ گزنده
او را نگزد تا صبح شود اعوذ بكلمات الله التامات التي لا يجاوزهن بر
و لا فاجر من شر ما ذرأ و من شر ما برأ و من شر كل دابة هو آخذ بناصيتها

ان ربي

١١١

ان ربي على صراط مستقيم و امام رضا ع هر گاه نظر میفرمود بستاره
خوردی كه او را سها میگویند كه در میان ستاره بنات النعش می باشد
این دعا میخواندند اللهم رب هود بن آسيه في شر كل عقرب و حية و میفر
مود هر كه این دعا را سه بار بخواند در وقت نظر كردن بسوی آن كوكب
نگزد او را عقرب و مار و در روایت دیگر وارد است كه اسحق بن عمار
گفت مر ابي عبد الله ع را كه من میترسم از عقربها فرمود كه تو نظر كن به بنات
النعش و آنكه در پهلوی ستاره میان است از آن ستاره دنباله و آن
بغایت خورد است كه عرب او را سها گویند و مردمان نیز چشم را با آن
آزمایند و در حال نظر كردن بوی این دعا را سه بار بخواند اللهم رب اسلم
صلی علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم و سلمنا من شر كل ذي شر اسحق بن عمار
گوید من ترك نكردم او را در ایام عمر خود مگر یكبار پس عقرب مرا زد و امام
جعفر ع فرموده كه هیچكس نباشد كه آیه آخر سوره الكهف در وقت خواب
بخواند مگر هر وقتی كه خواهد بیدار شود و حضرت رسول ص فرموده كه كسی كه خواهد
شب برخیزد بخوابگاه بیاید و این دعا بخواند اللهم لا تؤمني مكرك و لا
تنسني ذكرك و لا تجعلني من الغافلين اقوم ساعة كذا و كذا پس حق تعالی
كه خدای تعالی فرشته را موكل میگرداند با او كه در آن ساعت او را بیدار كند

وحضرت رسول صلعم هرگاه تکیه فرمودی بر پهلوی راست فرمودی و دست را
در زیر روی آوردی از طرف راست و فرمودی اللهم انی امسکت نفسی فی
منامی فاغفر لها وان ارسلتها فاحفظها بما تحفظ به عبادک
الصالحین و امام جعفر ع هرگاه برخواستی در آخر شب و آواز خود را
بلند کردی تا اهل بیت را بشنوانیدی و فرمودی اللهم اعنی علی هول المطلع
و وسع علی المضجع وارزقنی خیر ما قبل الموت و مرویست که حضرت رسول صلعم
هرگاه از خواب آگاه در آمدی خدا را سجده کردی و چون بخواب رفتی
چشمش در خواب بودی و فرمودی که دل من انتظاری دارد و چون خبر
نحو فی در خواب دیدی فرمودی سبحان الذی یحیی الموتی وهو علی کل شیء
قدیر و چون برخواستی از برای نماز فرمودی الحمد لله نور السموات والارض
والحمد لله قیوم السموات والارض الحمد لله رب السموات والارض ومن
فیهن وان امرک الحق وقولک الحق ولقائک والجنة حق والنار حق
والساعة حق اللهم لک اسلمت وبک آمنت وعلیک توکلت
والیک انبت و بک خاصمت والیک حاکمت فاغفر لی ما قدمت و ما
اعلنت و ما اسررت انت الهی لا اله الا انت و پیش از وضو مسواک
فرمودی و ابو عبدالله روایت کند که امیر المومنین ع فرمود که یکی از شما که از خواب

وادرأ عنی خیر ما ... فعلی بعد الموت صح

حق

و ما اخرت

بیدار شود بگوید لا اله الا الله الحی القیوم وهو علی کل شیء قدیر سبحان رب
النبیین واله المرسلین سبحان رب السموات السبع وما فیهن ورب العرش
العظیم والحمد لله رب العالمین پس چون بنشیند بعد از بیداری پیش از آنکه برخیزد بگوید
حسبی الرب من العباد حسبی الذی هو حسبی منذ قط حسبی الله ونعم الوکیل
هرگاه که نظر بکنی بجانب آسمان این دعا بخوان یا النور یا مدبر الامور یا من الیه التدبیر
ویمضی المقادیر امض مقادیری فی یومی هذا الی السلامة والعافیة بعد از
پنج آیه از سوره آل عمران بخواند مرویست که حضرت صادق ع فرمود هرگاه که بشنوی آواز
بانگ خروس را بگوی سبوح قدوس رب الملائکة والروح و فرمود که پنج خصلت از خروس بیاموزید
محافظت بر اوقات نماز و غیرت تمام که نمیگذارد که خروس دیگر با مرغان او نزدیکی کند
و سخاوت که دانه را بمرغان صرف میکند و جنگ شجاعت و کثرت مردی و در حدیث
دیگر فرمود که از کلاغ سه خصلت فرا گیرید پوشیده نزدیکی کردن و صباح زود بطلب
روزی رفتن و از بد حذر کردن حضرت رسول صلعم فرموده در وصیت امیر المومنین
را که یا علی نماز بگذار در شب و اگر چه مقدار دوشیدن گوسفندی باشد و در سحر
دعای و استغفار کن که دعای سحری رد نمیشود چنانچه حق تعالی فرموده که والمستغفرین
بالاسحار و هرکه صد بار این تسبیح را بگوید که سبحان ربی العظیم وبحمده استغفر الله
ربی واتوب الیه بنا کند حضرت عزت بجهة او خانه در بهشت و هرکه بیست و یک
بار قل هو الله بخواند بنجنین خانه در بهشت برای او بسازند و هرکه چهل بار بخواند
حق تعالی او را بیامرزد و امام جعفر ع فرموده که هرکه پیاده بمسجد رود و پای نهد

برهيچ تر و خشكي مگر تسبيح گويند او را تا طبقه هفتم زمين و در روايت مذكور است
كه بشارت دهيد روندگان مساجد را در تاريكي شب بنور درخشان در روز قيامت
رسول صلعم فرمود كه حق تعالى فرموده كه مرا در زمين خانهاست كه آن مساجد است
كه روشني اهل آسمان بآن است چنانچه روشني اهل زمين بستارگان است
خوشحال آنكه خانه او مسجد باشد و خوشحال بنده كه در خانه خود وضو بسازد و بخانه
من درآيد يعني در مسجد كه درآنجا مرا ياد كند و بر منست كه او را گرامي دارم پس چون بمسجد
درآيي پاي راست را پيشتر بنه و بگو بسم الله و بالله و من الله و الى الله و خير الا
سماء كلها لله توكلت على الله لا حول ولا قوت الا بالله اللهم صل على محمد و آل محمد وا
فتح لي ابواب رحمتك و توبتك و غلق على ابواب معصيتك و اجعلني من زوارك
و عمار مساجدك و ممن يناجيك بالليل و النهار و من الذينهم في صلواتهم خا
شعون و ادحر عني الشيطان الرجيم و جنود ابليس اجمعين بعد از آن آية الكرسي
و معوذتين و سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر هر يك هفت بار خوان بعد
از آن بگو اللهم لك الحمد على ما هديتني و لك الحمد على ما فضلتني و لك الحمد على ما شرفتني و لك
الحمد على كل بلاء حسن ابليتني اللهم تقبل صلواتي و دعائي و طهرني و اشرح صدري
و تب على انك انت التواب الرحيم چون بمسجد درآيي منشين تا دو ركعت نماز
تحيت مسجد را بگذاري و اگر دو ركعت سنت صبح بگذاري بجاي تحيت مسجد
بگذارد و چون روي بقبله آري بگوي اللهم اليك توجهت و رضاك طلبت و ثوابك

ابتغيت

قلبي

ابتغيت و بك آمنت و عليك توكلت اللهم صل على محمد و آل محمد و افتح مسامع قلبي لذ
كرك و ثبتني على دينك و دين نبيك و لا تزغ قلبي بعد اذ هديتني و هب لي من لدنك
رحمة انك انت الوهاب و چون مؤذن گفت الله اكبر مثل آن بگوي و چون گفت
اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله اكتفي بها عن كل من ابي
و جحد و اعين بها من اقر و شهد مرويست هر كه شنيد بانگ را پس بگويد انچه
مؤذن گفت در روزي وي افزايد و چون صبح طالع شد و تو او را ديدي رو بسوي
آسمان كن و بگو اللهم انت ربنا و ولينا و صاحبنا فصل على محمد و آل محمد و تفضل
علينا بما انت اهله و الحمد لله نحن اهله اللهم بنعمتك تتم الصالحات فصل على محمد
و آل محمد و اتممها علينا پس نماز بگو عائذا بالله من النار چون از بانگ فارغ شدي
سجده كن و بگو لا اله الا انت ربي و سجدت لك خاشعا خاضعا ذليلا فصل
على محمد و آل محمد و تب علي انك انت التواب الرحيم و حضرت رسول صلعم فرموده كه دو ساعت
هست كه درهاي آسمان درين اوقات گشاده است و كم باشد دعا در الوقت مستجاب
شود نزد بانگ نماز و صف قتال در راه خداي تعالى امام جعفر عم روايت كرده در فضيلت
نماز كه حضرت رسول صلعم فرموده كه هيچ نمازي نيست كه حاضر شود وقت آن مگر كه ندا
كند فرشته ميان مردمان كه اي مردمان برخيزيد بسوي آتشها كه افروخته ايد بر پشتهاي
خود و فرو نشانيد از نمازهاي خود كه ادا كنيد اي بندگان خداي مراجعت كنيد بسوي
آن خود و باو آريد و بشوييد از گناهان خود كه نماز واقع آنست همچنانكه حق تعالى
فرموده كه ان الحسنات يذهبن السيئات ابو يعفور گويد كه ابو عبد الله عم فرموده مر

بگو و انا اشهد ان لا اله الا الله
و اشهد ان محمدا رسول الله

الصا

که چون نماز گذاری چنان گذار که گویا نماز کسی است که وداع میکند و بتوجه تمام تمام
بگذارد و تو نیز چنان گذار که ترسی که دیگر نخواهی گذارد بعد از آن بگردان نظر خود را
بموضع سجود خود چنانچه نالی که از راست و چپ نگریست چنان کسی که گویا
نماز تو دو دفعه بجا میکند و دیگر بدان که تو پیش کسی واقع شده که او ترا می بیند و تو او
را نمی بینی و دیگر فرمود که نماز گذار را سه خصلت است چون برخیزد برای نماز خود بریزد
بر و نیکوی از آسمان و فرشته ندا کند که ای نماز گذارنده اگر بدانی که کرا زمکوبی ملتفت
بغیر نشوی و دیگر فرمود که هر که دو رکعت نماز بگذارد و بداند که چه میگوید در آن دو رکعت
و برگردد از آن نماند میان او و میان حق تعالی بجز آنکه کن مان او را بیامرزد و روایت
از امیر المومنین ع که دو رکعت نماز سبک متفکر بهتر است از قیام تمام شب و حضرت صادق
فرمود و هر گاه بنده از بندگان شروع کرد در نماز حق تعالی اقبال کند بر وجه کریم و موکل
گرداند بر و فرشته بر دارد و از آن زد هن او پس اگر اعراض کند بنده از نماز خود اعراض کند
و ان بنده را بتوفیق حق تعالی ازو و نظر لطف ازو بردارد و چون روی آرد بنده بسوی نماز خود حق تعالی نیز
روی آرد باو بوجه کریم تا نماز او کامل و منقطع شود پس اگر سهو کند در آن نماز یا غافل شود با
ل شود بغیر نماز برداشته شود ازو نماز یعنی از ثواب نماز مگر آن مقدار که توجه بغیر نماز
کرده ازو برداشته نشود و داده نمیشود از غافل چیزی از خیر دیگر آنحضرت فرمود که
فضل اول وقت بر آخرش بهتر است مومن را از فرزندان و مالش و دیگر فرمود که فضل
اول وقت بر آخر وقت مثل فضل آخرت است بر دنیا امام حسن ع روایت کند از پدر بزرگوار خود

تا زن سر او و گرد او ... و فرشتگان از زیر قدم او تا بالای آسمان

بر و فرشتی

و نماید بطلب و فرشته

که آنحضرت

که آنحضرت فرمود که رسول صلعم فرموده که هر مرد مسلمان که بنشیند در مصلای خود که در آن
نماز صبح گذارده بذکر الهی تا آفتاب برآید باشد مر او را مزد مثل آنکه حج کننده خانه
خداست و خدای تعالی او را بیامرزد و اگر بنشیند در مصلی تا ساعتی بگذرد که حلال باشد
در آن ساعت نماز و دو رکعت نماز یا چهار رکعت بگذارد آمرزیده شود گناهان گذشته
او و مر او را باشد از مزد مانند حج کننده خانه خدای جابر گوید که امام جعفر ع فرمود
کرد که رسول صلعم فرموده که حق تعالی میفرماید که ای پسر آدم یاد کن مرا بعد از صبح ساعتی و بعد از عصر ساعتی
تا من هم مهم ترا کفایت کنم و حاجت ترا برآرم پس چون سلام دادی فریضه صبح را
سه بار الله اکبر بگو بعد از آن بگو لا اله الا الله الهاً واحداً و نحن له مسلمون لا اله الا الله
ولا نعبد الا ایاه مخلصین له الدین ولو کره المشرکون لا اله الا الله ربنا و رب
آبائنا الاولین لا اله الا الله وحده وحده وحده و انجز وعده و نصر عبده و اعز جنده
و غلب الاحزاب وحده فله الملک وله الحمد یحیی و یمیت و یمیت و یحیی و هو حی
لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر اللهم اهدنی لما اختلف فیه من الحق
باذنک انک تهدی من تشاء الی صراط مستقیم پس ده بار بگو استغفر الله الذی لا
اله الا هو الحی القیوم ذو الجلال والاکرام واتوب الیه پس ده بار بگو اللهم اهدنی من عندک
و افض علی من فضلک وانشر علی من رحمتک وانزل علی من برکاتک
سبحانک لا اله الا انت اغفر لی ذنوبی کلها جمیعاً فانه لا یغفر الذنوب کلها
الا انت بعد از آن تسبیح فاطمه زهرا ع بگوید امام جعفر ع فرموده که هر که تسبیح فاطمه
زهرا ع را بگوید در هر نماز آن دوستر است نزد من از هزار رکعت نماز در هر روز

و دیگر فرموده که هر که تسبیح فاطمه زهرا ع بگوید در عقب هر نماز و لیلیه و لا اله الا الله
در پی آن در آورد البته گناهان او آمرزیده شود و سزاوار آن است که تعداد آن
تسبیح از خاک پاک امام حسین ع باشد مرویست از ابی عبد الله ع که هر که گرداند
تسبیح امام حسین ع را یکبار باستغفار یا غیر استغفار نوشته شود از برای او از
ثواب هفتاد بار و سجده بر آن میدارد حجاب هفت آسمان را و حضرت رسول ص
فرموده مر زنان مهاجر است را که بر شما باد که التزام نمائید به تسبیح و تهلیل و تقدیس
پس و غافل نشوید تا آنکه رحمت فراموش نکند شما را و با انگشتان بشمارید تا
آنکه رحمت فراموش نکند شما را و با انگشتان بشمارید تا آنکه این برای شما گواه
شوند و گواهی دهند روایتست از امام جعفر ع فرمود کسی که نماز صبح بگذارد در وقت و
کند تا آفتاب بر آید این بهتر است که تردد کند در باب روزی یکماه و هر
که خواهی بر جزی از نماز صبح و هر نماز که باشد پس بگو سبحان ربک رب العزت
عما یصفون و سلام علی المرسلین و الحمد لله رب العالمین مرویست از امیر المومنین ع
که فرموده هر که خواهد خبر را به پیمانه در کیل تمامتر پس باید که آیه شریفه آخر قول وی باشد
پس مر کسی که مر او را از هر مسلمی نیکویی و چه البیت و هم نماز پای حب را
در وقت بیرون آمدن از مسجد و بگو اللهم صل علی محمد و آل محمد و افتح لنا باب فضلک
و رحمتک یا ارحم الراحمین و جهد کن در آنکه سخن نگویی پیش از بر آمدن آفتاب
و آنکه به دعا مشغول باشی و تلاوت قرآن پس مر کسی که مرویست از حضرت صلعم

115

که هر که بنشیند در مصلی خود از نماز صبح تا طلوع آفتاب حق تعالی بپوشاند گناه او را
و نگاه دارد از آتش دوزخ امیر المومنین ع فرموده که ذکر خدای تعالی بعد از نماز صبح
تا طلوع آفتاب شتابنده تر است در طلب روزی از زدن شمشیر در زمین
جابر روایت کرده از امام محمد باقر ع که ابلیس لشکر خود را پراکنده میکند در شب
از وقت فرو رفتن آفتاب تا وقت فرو شدن شفق و در روز لشکر خود را پراکنده
میکند از هنگام طلوع صبح تا بر آمدن آفتاب و فرمود که رسول ص فرموده که بسیار بگوئید
ذکر حق تعالی درین دو وقت که این دو وقت غفلت است و امام جعفر ع فرموده که خواب صبح
شوم است روزی را میراند و رنگ را زرد و زشت میسازد و تغیر خلق میکند و خواب
هر بنشوم است بدرستی که حق تعالی روزی را تقسیم میفرماید در میان طلوع صبح تا بر آمدن
آفتاب پس بر شما باد که بپرهیزید ازین خواب تحمل و امام رضا ع فرموده که قول الهی

از این خواب تحمل

فالمقسمات امرا آنست که فرشتگان قسمت میکنند روزی آدمیان را در میان
طلوع صبح تا بر آمدن آفتاب پس هر که درین وقت خواب کند از روزی خود خواب کرده
امام رضا ع در خراسان هر گاه نماز صبح ادا میفرمودی نشست در مصلای خود تا
آفتاب بر آمدی پس خریطه طلب میفرمود و در آن مسواک بود پس بآن مسواک می نمود
یکی بعد از یکی بعد از آن می آوردند کندر را پس میخائید از او بعد از آن میگذاشت و تلاوت
مصحف مجید مشغول میشد در ذکر و درود بر پیغمبر صلعم و استغفار و گریه و زاری
هر گاه پروردگار روایتست از ابی عبد الله ع که روزی رسول صلعم التفات

نمود بسوی اصحابش و فرمود که پناهی میخواهید که بان ملتجا شوید گفتند یا رسول الله آیا
این پناه از دشمنست فرمود نه ولیکن پناهیست از آتش دوزخ و آن اینست
که بگوئید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر و دیگر فرمود که بسیار بگوئید
این تسبیحات را که در روز قیامت اینها خواهند آمد از چپ و راست و پیش و پس شما
و اینها اند باقیات صالحات روایت کرده ابو بصیر از ابو عبد الله ع که روزی رسول صلعم
فرمود مر اصحاب خود را که هیچ می بینید که اگر جمع کنید آنچه نزد شماست از جامها
و ظرفها بعد از آن بعضی را بر بالای بعضی دیگر تواند بود که شما بان برسید اصحاب فرمودند که
یا رسول الله صلعم آنحضرت فرمود که آیا دلالت کنم شما را بر چیزی که اصل او در زمین است
و فرع او در آسمان گفتند بلی یا رسول الله فرمود که هر گاه یکی از شما که از نماز فریضه
فارغ شد سی بار که سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر پس بتحقیق که اصل
اینها در زمین است و فرع اینها در آسمان و اینها اند که دفع میکنند از افتادن و
و از غرق شدن و در چاه افتادن و از خوردن جانورهای درنده و از بد مردن
و بلاهای که نازل شود از آسمان در آن روز بر بنده و اینها اند باقیات و دیگر فرمود
که رسول صلعم فرمود که چهار چیز است که هر گاه یکی بکند حق تعالی آنکس را از اهل بهشت
می نویسد یکی آنست که یاد داشت او شهادت ان لا اله الا الله باشد دوم آنکه
هر گاه حضرت عزت نعمتی باو کرامت فرماید او در مقابل آن نعمت الحمد لله بگوید

سیوم آنکه چون گناهی از او سر زند تلافی آن باستغفار کند چهارم آنکه چون باو
مصیبتی رسد بران صبر کند و بگوید انا لله وانا الیه راجعون و دیگر نقل فرمود
از آبای بزرگوار خود که جماعت فقرا آمدند بخدمت رسول صلعم و گفتند یا رسول الله
جماعت اغنیا را بندگان می باشند که آزاد میکنند و ما را نیست و ایشان را استطاعت
حج رفتن هست و ما را نیست و ایشان را مال است که صدقه میکنند و ما را نیست بعد از آن
فرمود که هر که صد بار بگوید الله اکبر این افضلست از آزاد کردن صد بنده و هر که صد بار
سبحان الله بگوید این افضل است از قربان کردن صد شتر و هر که صد بار الحمد لله
بگوید افضل است از اسب دادن در راه خدای تعالی که غازیان سوار شوند و هر که
صد بار بگوید لا اله الا الله این افضل است از روی عمل خلایق در آن روز مگر که زیاده کند
این عمل را گفت که اغنیا رسیدند بان و بجا آوردند از بعد از آن بازگشتند بخدمت
و گفتند یا رسول الله بتحقیق رسیدند بانچه که تو گفتی فرمود که این فضل حق تعالی است
میدهد بهر که میخواهد دیگر حضرت پیغمبر صلعم فرموده که گفتن سبحان الله والحمد لله ولا اله
الا الله والله اکبر دوستر است نزد من از آن چیزهایی که آفتاب بران تابیده
و روایتست از ابی عبد الله ع که رسول صلعم حمد میکرد خدا را در هر روزی سیصد و شصت
بار بعدد رگهای جسد و میفرمود که الحمد لله کثیرا علی کل حال و در حدیث دیگر آمده
که چون شب بیند مثل این میگفت و دیگر آنحضرت فرموده که اول کسی که خوانده

بالا

[illegible]

بارین و طعام

فقراء

بشنود بسوی بهشت آنانند که حمد خدای کنند در پنهان و آشکار و سوال کردند از [illegible]
که کجاست آن حضرت فرمود که ریاض بهشت مجالس ذکر است پس صباح و رواح کنید
در ذکر خدای تعالی امام جعفر ع فرموده که شکر هر نعمت اگرچه بزرگ باشد آن است که حمد کنی او را
و دیگر فرموده‌اند حق تعالی نعمت عظیم بر بندهٔ مومن که حمد کند آن بنده خدا را بر آن نعمت
الا آنکه حمد او افضل است و اعظم از آن نعمت آورده‌اند که روزی بگریخت استر امام
محمد باقر ع در میان مکه و مدینه آن حضرت فرمود که اگر حق تعالی استر را بمن باز گرداند من او را
شکر عظیم بگویم بعد از آنکه استر را گرفت سه بار گفت الحمد لله رب العالمین روایت
از ابی حمزه ع که پیغمبر ص فرمود که خبر دهم شما را از جمیع حمد من گفتیم بلی یا رسول الله فرمود بگو
اللهم لک الحمد بمحامدک کلها علی جمیع نعمتک کلها حتی ینتهی الحمد الی ما تحب
حتی ه
ربنا و ترضی روایت از ابی عبد الله که هر که چهار بار بگوید در وقت صبح الحمد لله
رب العالمین بتحقیق که ادا کرده است شکر آن روز را و اگر کسی در اول شب الحمد لله بگوید
بتحقیق که ادا کرده شکر آن شب را روایت از ابی عبد الله ع که هر که الحمد لله بگوید
مشغول میگردانند کاتبان آسمان را گفتند چون مشغول میشوند فرمود که می‌گویند
اللهم انا لا نعلم الغیب یعنی بار خدایا ما غیب نمیدانیم پس حق تعالی فرماید بنویسید حمد او
را چنانکه گفت بندهٔ من و بر من است ثواب آن مرویست که رسول ص فرمود
که هر گاه کسی بگوید الحمد لله بمحامده کلها ما علمنا منها و ما لم نعلم علی کل حال حمدا یوافی
نعمه و یکافی مزیده علی و علی جمیع خلقه حق تعالی فرماید که رسید بندهٔ من برضای

من من

او

من من هم میرسانم او را برضای خود از بهشت مرویست که مردی آمد بخدمت
ابی عبد الله ع و گفت فدای تو گردم مرا [illegible] که من مردی پیرم تعلیم کن مرا دعایی
جامع باشد آن حضرت فرمود که بگو حمد خدا را بتحقیق چون تو حمد او را بر زبان
راندی حق تعالی بر حمد تو را قبول میفرماید یعنی گفتن این را که سمع الله لمن حمده
سمع
روایت از امیر المومنین ع که رسول ص فرموده که در فرزندان آدم سیصد و شصت
رگ است که متحرک است و سیصد و شصت ساکن پس اگر ساکن است متحرک گردد
آدمی باقی نماند و اگر متحرک ساکن شود او را [illegible] هلاک گرداند و فرموده که حضرت
پیغمبر ص هر روز چون بامداد برخاستی سیصد و شصت بار بر سبیل شکرانه میفرمود الحمد لله رب العالمین ه
کثیرا طیبا علی کل حال زراره گوید در تمجید که گفتم امام محمد باقر ع را که کدام عمل از
عملها دوستر است بسوی حق تعالی فرمود که تمجید حق روایت از ابی عبد الله
که فرمود هر کسی که حق تعالی تمجید میفرماید نفس خود را هر شبانه روزی سه نوبت پس
هر کسی که تمجید خدا را بر آن وجه که خود تمجید فرموده بکند او میگردد از شقاوت بسعادت
را بامان ه
دیگر حضرت رسول ص فرمود که هر دعایی که پیش از او تمجید نباشد پس او ابتر است
یعنی مقبول نیست پس هر کسی که اول تمجید است و بعد از آن دعا گفتیم اقل تمجید
کافیست از تمجید که کدام است فرمود که بگو که اللهم انت الاول فلیس قبلک شیء
و انت الآخر فلیس بعدک شیء و انت الظاهر فلیس فوقک شیء و انت

الباطن فلیس دونک شیء وانت العزیز الحکیم یونس بن یعقوب گوید
که در باب تسبیح که گفتم مر ابی عبد الله ع را که هر که صد بار سبحان الله بگوید باشد او
مانند کسی که ذکر خدای تعالی بسیار کرده فرمود بلی روایتست از امام محمد باقر ع که
هر که سبحان الله بگوید بی تعجب باو بند حق تعالی از ان فرعی را که مر او را باشد
زبان و دو بال با قبال که تسبیح گوید خدای تعالی در میان تسبیح گویندگان تا قیامت
قایم شود و ثواب این تحیة انکس باشد و مانند اینست الحمد لله و لا اله الا الله والله اکبر
در ثواب روایتست از امیر المومنین ع که تسبیح نیمی میگرداند میزان را و الحمد لله
پر میگرداند میزان را و الله اکبر پر میسازد زمین و آسمان را و دیگر فرمود هر که در
شبانگاه سه نوبت بگوید که سبحان الله حین تمسون وحین تصبحون
وله الحمد فی السموات والارض وعشیا وحین تظهرون فوت نشود از و
چیزی که در آن شب بوده باشد و بگرداند از و جمیع شر آن شب و هر که مثل این بگوید در بامداد
فوت نشود از و چیزی که در آن روز بوده باشد و بگرداند از وی شر جمیع آن روز حضرت
پیغمبر ص فرموده که هیچ کلمه بسوی خدای تعالی دوستر از کلمه لا اله الا الله نیست و هر بنده
که بگوید لا اله الا الله و او آن را از خود راه رساند و فرع کند مگر انکه فرو ریزد گناهان او زیر
قدمهای او بجنانکه فرو میریزد برگها از درخت سکونی روایت کند از ابی عبد الله
و از آبای بزرگوار خود که حضرت رسول ص فرمود که بهترین عبادت گفتن لا اله

الا الله

الا الله است و در کتاب عیون الرضی آورده که حضرت رسول ص فرمود بدرستی
که حق تعالی را ستونی الیست از یاقوت سرخ که سر او در زیر عرش است و پای او
در زمین هفتم و زمین است پس چون بنده گفت لا اله الا الله عرش بلرزد
و ستون متحرک گردد و ماهی بجنبش در آید حق تعالی گوید ساکن شو ای عرش
من او گوید ای پروردگار من چگونه ساکن شوم و حال آنکه نیامرزیدی گوینده او را
حق تعالی فرماید ای ساکنان ملا اعلی که من آمرزیدم گوینده لا اله الا الله را جابر از ابی
طفیل روایت کند و او از امیر المومنین ع فرمود که هیچ بنده مسلمانی نباشد که بگوید
لا اله الا الله مگر که بالا رود و بدرد هر سقف را و نگذرد بچیزی از سیئات او مگر که
محو کند آن را تا منتهی شود و مثل آن از حسنات بنیابد دیگر فرمود که گفتن
لا اله الا الله ثمن و بهای بهشت است و روایتست از رسول ص که تلقین کنید مردگان
خود را بکلمه لا اله الا الله که آن فی الحال گناهان را محو میسازد گفتند یا رسول الله
پس کسی که در حال صحت بگوید چگونه است فرمود که آن بیشتر و بیشتر محو میسازد
و این کلمه ایمن میگرداند مومن را در حال حیات و نزد ممات و هنگامی که از
قبر برخیزد امام جعفر ع فرموده هر که صد بار بگوید که لا اله الا الله او بهترین مردمان است
در آن روز از روی عمل مگر کسی که زیاده برین بگوید زید بن ارقم روایت
کند از حضرت پیغمبر ص که هر که با خلاص کلمه لا اله الا الله بگوید البته به بهشت رود
و اخلاص و بان کلمه آن است که گوینده آن خود را از هر حرام نگاه دارد

ابو سعید خدری روایت کند که رسول صلعم فرمود که کسی نگفته پیش از من کلمه که افضل
باشد از کلمهٔ طیبهٔ لا اله الا الله ابو عمران عجلی گوید که نباشد هیچ مومنی که بگوید لا اله الا
الله مگر که محو کند سیآت را از نامهٔ اعمال او و مثل آن حسنات را بجای آن بنویسند
ابو حمزه ثمالی گوید که شنیدم از امام زین العابدین ع که هر که در اول شب صد بار
بگوید الله اکبر بجای آنچنان است که صد بنده آزاد کرده باشد امام رضا ع فرموده که پدر
بزرگوار من فرمود که هر که بگوید لا حول و لا قوة الا بالله خدای تعالی بگرداند ازو نود و
نه نوع از بلای دنیا که آسانتر آن خناق باشد و حضرت رسول صلعم فرموده که هر که صباح
از خانهٔ خود بیرون رود و بگوید بسم الله لا حول و لا قوة الا بالله توکلت علی الله
دران هنگام دو فرشته ندا کنند که ای بندهٔ خدا مهمات تو جمیع ساخته شد و ایمن شدی
از بدی و راه راست یافتی درین حالت شیطان بگوید که من چه توانم کرد
باین بنده که کفایت شد مهمات او و از هر شری ایمن گشته و راه راست یافته
روایت است از ابی عبدالله که هر کس ده بار بگوید یا الله حق تعالی جواب فرماید او را
که لبیک لبیک مهم و حاجت تو چیست و دیگر فرمود که هر که بگوید ما شاء الله
لا حول و لا قوة الا بالله حق تعالی بگرداند ازو هفتاد نوع بلا که آسانتر آن اگر
گشته نشود مجنون دیگر فرمود هر که هر روزی سی بار بگوید لا اله الا الله الملک الحق المبین غنا
باو روی آورد و فقر ازو بگردد و در بهشت بر وی گشاده شود و حضرت رسول صلعم فرمود
که خانه که دران ذکر خدا میکنند مثل شخصی است که زنده باشد و خانه که دران ذکر خدای تعالی

نمیکنند

نمیکنند مثل کسیست که مرده باشد و همان حضرت فرموده که هیچ جماعت بذکر
خدای تعالی مشغول نمیکنند که فرشتگان گرد ایشان و نمیگیرند و خدای تعالی ایشان
را به پردهٔ رحمت نمی پوشانند و سکون و آرام در میان ایشان نمی فرستند و
در زمرهٔ ملایکه او را یاد نمیکنند شخصی از ان حضرت سوال کرد که از بسته‌ها بچه
امر مشغولی نمایم فرمود که می باید که دایم بذکر خدای تعالی مشغول باشی روایتست در
باب صلوات بر پیغمبر و آل او که ابو عبدالله ع فرموده هر گاه نام حضرت رسالت
بشنوید صلوات بسیار بفرستید که هر که یکبار بر آنحضرت صلوات بفرستد حق تعالی
برو رحمت کند و هزار صف از فرشتگان جهت او طلب آمرزش نمایند و جمیع
مخلوقات برو صلوات فرستند پس تقصیر نکنند در صلوات بر آنحضرت و آل او مگر
جاهل مغروری و حق تعالی و رسول او از و بیزاری جویند و امام جعفر ع فرموده که
حضرت پیغمبر صلعم فرمود که من در روز قیامت در پیش میزان خواهم بود هر که گناهان
او بر نیکوییهای او زیادتی کند صلوات که بر من فرستاده باشد بر بالای نیکوییهای
او می نهم تا آن زمان که آن نیکوییها بر بدیها زیادت شود حارث اعور گوید که
امیر المومنین ع فرمود که هیچ دعای بی صلوات بر پیغمبر و آل او به آسمان نمیرسد
و امام جعفر ع فرمود که هر که بر حضرت رسول صلوات فرستد خدای تعالی ده حسنه
در نامهٔ اعمال او بنویسد و هر که بگوید صلی الله علی محمد و آل اهل بیته هزار حسنه در نامهٔ وی بنویسد

وآنحضرت فرموده که نزدیکترین مردم در روز قیامت بما کسی است که بر من صلوات
بسیار فرستاده باشد و دیگر فرمود که بخیل ترین کسی است که نام من بشنود
و صلوات بر من و آل من نفرستد و دیگر فرموده هر که از امت من باخلاص
بر من صلوات فرستد خدای بر وی ده صلوات فرستد و ده درجه او را بلند گرداند
و ده حسنه در نامه اعمال او بنویسد و ده سیئه از آن محو کند و امام جعفر ع فرموده
که حضرت رسول ص فرمود که هر گاه صلوات فرستید بر من و آواز بلند گردانید
که آن نفاق را می برد و امام جعفر ع فرموده که هر دردی را دوایی است و دوای
گناهان استغفار است و امیر المؤمنین ع فرموده عجیبست از کسی که بدی کند
و با او نجات باشد گفتند آن کدام است فرمود استغفار الحمد بعد از گناه حضرت
رسول ص فرموده که حق تعالی سه آواز را دوست میدارد آواز خروس در سحرگاه
و آواز قرآن و آواز استغفار کنندگان در وقت سحر و ابو عبدالله ع
فرموده که هر که در محل خواب صد بار بگوید استغفر الله همچنانکه برگ از درخت میریزد
گناهان از وی بریزد و پاک از گناهان خواب کند و صبح پاک برخیزد اسمعیل بن سهل
گوید نوشتم با امام محمد تقی ع که تعلیم کن مرا چیزی که بآن قیام نمایم در دنیا و آخرت
باشم با شما نوشتم آنحضرت بخط خود نوشت که اکثر التلاوة بسیار بخوان و استغفر الله بسیار
بگو و ابو عبدالله ع فرموده که حضرت رسول ص فرموده که خوش حال آنکس که در روز
قیامت در نامه اعمال شود در مابین هر گناه استغفر الله نوشته باشد و دیگر

فرمود

فرمود هر که استغفار بسیار کند در روز قیامت نامه اعمال او درخشان باشد و حضرت
رسول ص از هیچ مجلس برنخواست تا بیست و پنج بار استغفار میکرد و دیگر فرموده که
اگر مؤمنی مرتکب گناه شود اگرچه آن گناه بزرگ باشد از صباح تا شبانگاه پس
اگر استغفار کرد بر او نمی نویسند و دیگر فرموده که بنده مؤمن هر گاه گناه را یاد کند بعد
از چند سال و از آن استغفار نماید آمرزیده شود و حضرت رسول ص فرموده که استغفار و
کلمه لا اله الا الله بهترین عبادتند و حضرت علیم در کتاب الکریم خود فرموده که فاعلم
انه لا اله الا الله و استغفر لذنبک و امیر المؤمنین ع فرموده در جواب شخصی که در حضور آنحضرت
گفت استغفر الله که مادرت بر تو بگرید آیا هیچ میدانی که استغفار چه چیز است مر
که استغفار درجه مقربان علیین است و آن اسمیست که واقع میشود بر شش معنی
اول آن پشیمانی از گناهان گذشته دوم عزم جزم کردن که دیگر بآن گناهان باز نگردی
سیم ادا کردن حقوق مردم تا پاک بخدای تعالی ملاقی شوی و بر تو باکی نماند چهارم
آنچه فوت کرده از عبادت تلافی آن بکنی پنجم آنگوشتی که بر بدن تو روییده از حرام بگدا
زی بغم اندوه تا چسبان گردد پوست باستخوان و گوشت تازه از حلال از آن
بروید ششم بچشانی جسم را مشقت طاعت همچنانکه چشانیده حلاوت معصیت پس
بگو در این حال که استغفر الله امام جعفر ع فرموده که حضرت پیغمبر ص هر روز هفتاد بار استغفر
میفرمود گفتند چه کیفیت بود فرمود که هفتاد بار میفرمود که استغفر الله ربی و ا
توب الیه روایتست هم از و که هر که بعد از نماز فرض پیش از آنکه روی از قبله بتابد

بگوید سه بار که استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم ذو الجلال والاکرام و ا
و اتوب الیه حق تعالی گناه او را بیامرزد و اگر چه برابر کف دریا باشد و در خبر دیگر وارد است
که هر که این کلمات را هر روز بگوید خدای تعالی چهل کبیره او را بیامرزد و امیر المومنین ع فرمود که
چشم اشکبار و دل ترسناک نشانه رحمت الهی است و هر گاه شما این دو صفت را
در خود یافتید دعا کنید و دیگر فرمود که اگر میان جماعت بسیار یک شخصی را دیده گریان
بشد حق تعالی بجهة او بهمه رحمت میفرماید و دیگر فرمود که اگر شما را گریه نیاید خود را بگریه
مردم گریان در آرید پس اگر بقدر سر مگس اشک در دیده ظاهر شود نیکوست محمد بن مسلم
گوید که شنیدم از امام محمد باقر ع که میفرمود که هیچ چیز نیست که بوزن و کیل در نیاید مگر
آب چشم گریان را از آتش دوزخ نگاه میدارد و چون آب از دیده بروی فرو
ریزد دیگر روی بر روی نبیند نه در دنیا و نه در آخرت که قطره از آب چشم دریاهای
آتش را فرو می نشاند و اگر مردی بگرید در میان امتی همه محروم نشوند روایت است که ابراهیم
خلیل ع فرمود بار خدایا کسی که روی خود را با آب چشم تر کند از ترس تو جزای او چه باشد
فرمود که مغفرت و رضوان من و امام محمد باقر ع فرمود که طلب کنید اجابت را در وقت
در حرکت آمدن پوست بدن و در وقت روان شدن آب از چشم و در باریدن باران
و هر گاه آفتاب رسید بمیان آسمان و میل کرد بجانب مغرب چون ساعتی است
که درهای آسمان گشوده است و امید واری است بمدد کردن فرشتگان و قبول شدن
دعا از جانب حضرت منان و دیگر فرمود تضرع و نیاز و نماز را نزد خدا منزلتی

تمام

تمام است چه هر گاه بنده بسجود کرد خدا را پس اگر روان شد آب از چشمش فرود
می آید رحمت الهی پس غنیمت دانید این ساعت را که آن ساعت مقبول است
و طلب حاجت و بزرگ مدانید چیزی را که از حق تعالی طلب میکنید چه آنچه نزد خدای تعالی
بزرگتر است از آنچه شما قدرت بر آن دارید و تحقیر مکنید کوچک را از حاجتهای
خود چه دوست ترین مومنان بسوی خدای تعالی سوال کننده ترین ایشان است
روایت است امام محمد باقر ع پیش پدر بزرگوارش امام زین العابدین ع آمد آنحضرت
را در عبادت بمرتبه یافت که هیچکس بآن مرتبه نرسیده پس دید که رنگ مبارکش
زرد گشته از بیخوابی و از گریه کنارهای چشمش مجروح شده و پیشانی نورانیش
مانند سینه شتر پینه بسته و بجهة بسیاری ایستادن در نماز پاهایش
ورم کرده امام ع میفرماید که چون پدر بزرگوار را باین حال دیدم خود را از
گریه نتوانستم نگاه داشت رحم آمد بر حال آنحضرت پس بسیار گریستم و او در من
نگاه میکرد و متفکر بود در حال من که بعد از لحظه بمن ملتفت شده فرمود که ای
فرزند من بعضی از کتابها که احوال عبادت امیر المومنین ع در آنجاست جهة من بیار
یک کتاب جهة آنحضرت آوردم در آنجا اندکی نگاه کرد دعای خواند و بنهاد
و غمناک گشته فرمود که می تواند که مثل امیر المومنین ع عبادت کند و امام زین
العابدین ع هر گاه وضو میساخت رنگش متغیر میشد پرسیدند که سبب این

تغیر جبیت فرمود که هیچ میدانید که بخدمت که قیام خواهم نمود در وایتست
که امام موسی ع از ترس خدا چندان میگریست که محاسن مبارکش تر میشد

در نمازهایی که بجهة حصول مهمات گذارند امام جعفر ع فرموده چون
قصد کاری داشته باشید با هیچکس مشورت مکنید تا با خدا مشورت کنید شخصی
گفت یا امام چگونه با خدا مشورت کنم فرمود صد بار استخیر الله بعد ازان با مردم
مان مشورت کن که خدای تعالی خیر را بر زبان یکی از دوستان جاری میکرداند
یحیی بن عمران حلبی گوید که ابو عبد الله ع فرمود که مشورت را حدود است
پس اگر کسی حدود از اند الست ضرر ان بدو بیشتر است از نفعش اول آن
است که مشورت با مرد عاقلی کنند دوم آنکه مرد آزاد متدین باشد سیوم آنکه
دوستی باشد که برادرانه با تو سلوک نماید چهارم آنکه مطلع گردانی او را بر سر خود
تا دانش او بان مانند دانش تو باشد بعد ازان تفسیر فرمود این را پس گفت هر
گاه مستشیر عاقل باشد از مشورت فایده دارد و هرگاه حر متدین باشد سعی
خواهد کرد در نصیحت تو و کامل کرده مشورت جوی و دوست برادرانه باشد پنهان
میدارد سر ترا و هرگاه مطلع ساختی او را علم او همان علم تست عثمان بن
عیسی روایت کند که از امام جعفر ع پرسیدند که دو کس بر خلق بسوی خدای
تعالی کیست فرمود آنکه فرمان بردارتر باشد مر خدا را گفتند دشمنترین

خلق

خلق بسوی خدای تعالی کیست فرمود آنکه خدا را متهم دارد گفتند کیست باشد چنین
فرمود بلی کسی که استخاره کند حق تعالی را بس الخ بیاید که نه موافق مدعای او باشد
و خشم گیرد ازان و خدا را متهم داشته حماد بن عثمن روایت کند از امام جعفر ع
که فرمود هرگاه قصد کاری کنید شش پاره کاغذ بردارید و در پارهای کاغذ
بنویسید بسم الله الرحمن الرحیم خیرة من الله العزیز الحکیم و نام خود را و پدر خود را
در انجا بنویسید بعد ازان کلمه افعل بنویسید در سه ازان پاره کاغذ و در سه دیگر
همین بنویسید و بجای افعل لا تفعل بنویسید بعد ازان در زیر جای نماز نهید
و دو رکعت نماز بگذارید و چون از نماز فارغ شوید سجده کنید و در آن سجده
صد بار بگوئید استخیر الله برحمته خیرة فی عافیة بعد ازان راست بنشینید و بگوئید
اللهم خر لی فی جمیع اموری فی یسر منک و عافیة بعد ازان دست بر آن
کاغذها زنید و بهم بر آرید و یکی ازان بیرون آرید بعد ازان یکی دیگر همچنین اگر سه
کاغذ در پی هم افعل بیرون آید آن کار بکنید و اگر سه دیگر در پی هم لا تفعل بیرون آید
ترک کنید و اگر یکی افعل باشد و دیگری لا تفعل تا پنج پاره بیرون آرید و اگر
بیشتر افعل باشد بکنید و اگر بیشتر لا تفعل باشد ترک آن کنید و ششم را احتیاج
بیرون آوردن نیست امیر المومنین ع دو رکعت نماز میگذارد و در عقب آن
صد بار میگفت استخیر الله بعد ازان میفرمود اللهم انی قد هممت بامر قد علمته

فان کنت تعلم انه خیر لی فی دینی و دنیای و آخرتی فیسّره لی و ان کنت تعلم
انه شرّ لی فی دینی و دنیای و آخرتی فاصرفه عنّی کرهت نفسی ام احبّت فانک
تعلم و لا اعلم و انت علام الغیوب بعد ازان ازامی شناخت بران وجه که
می بایست و روایت کرده که مردی آمد بخدمت ابی عبد الله ع و گفت فدای تو گردم
بسیار می باشد که مرتکب حاجتی میشوم و برآن پشیمانی خورم فرمود که چرا
استخاره نمیکنی گفتم چگونه استخاره کنم فرمود که چون نماز صبح بگذاری دستها
را بردار تا برابر روی خود بگو اللهم انک تعلم و لا اعلم و انت علام الغیوب
فصل علی محمد و آل محمد و خر لی فی جمیع ما عزمت به من اموری خیارا برکة
و عافیة بعد ازان سجده کند و در سجده صد بار بگو استخیر الله برحمته استقدر الله
فی عافیة بقدرته بعد ازان حاجت خود در آنجاه که آن خیر است از برای تو
بهر حال و متهم مگردان پروردگار خود را در آنچه تصرف داری درحسن
بن جهیم سوال کرد از امام موسی ع از برای ابن اسباط که مهمی دارد چگونه
استخاره کند فرمود که باید وقت نماز فریضه بمسجد رود و دو رکعت نماز بگذارد
و صد بار بگوید استخیر الله بعد ازان نظر کند که چه خیر در دل او واقع میشود
پس بان عمل کند حسن گوید که او مترددبود که سفر دریا کند یا خشکی مرا بخا
طر افتاد که خشکی بهتر است او نیز گفت مرا چنین بخاطر آمد و در روایت

کند

۱۲۸

کند مرازم که ابو عبد الله ع فرمود که هرگاه یکی از شما را حاجتی باشد پس باید
که دو رکعت نماز بگذارد و حمد و ثنای حق تعالی بجای آرد بعد ازان صلوات بر محمد و آل
او بفرستد و بگوید اللهم ان کان هذا الامر خیرا فی دینی و دنیای فیسّره
لی و قدّره و ان کان الامر غیر ذالک فاصرفه عنّی پرسیدند که در ان
دو رکعت چه بخوانند فرمود که هرچه میخواهید اسحق بن عمار روایت کند
که گفتم مر ابی عبد الله را که بسیاری هست که میخواهم کاری پیش گیرم یکی
میگوید بکن و دیگری میگوید مکن آنحضرت فرمود هرگاه که چنین باشد دو رکعت
نماز بگذار و صد بار بگو استخیر الله بعد ازان نظر کن که کدام امر اسهل است ترا
از ا بکن که در ان خیر است انشا الله تعالی و می باید که استخاره تو در عافیت
باشد چه گاه باشد که خیر مرد در بریدن دست او باشد یا در موت او یا در موت
فرزندش یا بتلف آمدن مالش محمد بن یعقوب گوید که شخصی گفت بیکی از ائمه ع
که کسی را نمی یابم که با او مشورت کنم در امری که مرا واقع است پس چگونه کنم
فرمود قصد کن ان حاجتی که داری و بنویس در کاغذ پاره که لا و در دیگر
نعم و هر دو را در میان گلوله از گل بگذار بعد ازان دو رکعت نماز بگذارد آن
هر دو را در میان زیر دامن خود نگاه دارد بگو یا الله انی اشاورک فی
امری هذا و انت خیر مستشار و مشیر فاشر علی بما فیه خیر و صلاح و حسن

عافیه بعد ازان یکی ازآن هر دو بیرون آر پس اگر دران نعم باشد بکن
واگر در آن لا باشد مکن مشورت با خدا چنین باشد جابر بن عبد الله
گوید که رسول صلعم میفرمود ما را استخاره همچنانکه تعلیم میفرمود ما را سوره
از سوره قرآن و میفرمود که هرگاه یکی را از شما حاجتی باشد باید که دو
رکعت نماز بگذارد بعد ازان بگوید اللهم انی استخیرک بعلمک واستقدرک
بقدرتک واسئلک من فضلک العظیم فانک تقدر ولا اقدر وتعلم
ولا اعلم وانت علام الغیوب اللهم ان کنت تعلم هذا الامر الفلانی
خیرا لی فی دینی ومعاشی وعاقبة امری فاصرفه عنی واصرفنی عنه وا
قدر لی الخیر حیث ما کان ورضنی به عمر بن حارث روایت کند که ابو
عبد الله ع فرمود مرا که دو رکعت نماز بگذار و استخاره کن خدای تعالی را
بجد اگر هیچ مسلمانی نباشد که استخاره کند خدا را که البته خیر پیش او بیاید و چون
خواهی که بکلام الله تعالی تفال نمایی نماز امام جعفر ع بگذار و چون فارغ شوی
این دعا بخوان اللهم ان کان فی قضائک وقدرک ان تفرج عن
ولیک وحجتک فی خلقک فی عامنا هذا او شهرنا هذا فاخرج لنا راس
آیة من کتابک نستدل بها علی ذلک بعد ازان هفت ورق
بشمار و ده سطر از پشت ورق هفتم و نظر کن که چه آمده و بعد ازان یک
بار دیگر جهت حاجت خود بگشا و بهمین ورق و سطر بشمار و حال خود بدان

فاقدره لی ویسره
وبارک لی فیه فقدره
لی وقربنی منه وان
کنت تعلم انه لی
فی دینی ومعاشی
وعاقبة امری
حجتک
نستدل

طریق م
امر الرسل

امیر المؤمنین ع فرمود هر که بیرون آید از خانه خود و بگرداند نگین انگشتری را
از پشت دست بکف دست خود و سوره انا انزلناه بخواند و بعد ازان بگوید آمنت
بالله وحده لا شریک له آمنت بسر آل محمد وعلانیتهم در آن روز
بوی مکروهی نرسد و ابو عبد الله ع فرمود که چون یکی از شما بیمار شد طبیب را
میطلبد و چیزی را بوی عطا میکند و چون بپادشاه او را کاری و مهمی باشد در
بازار رعایت میکند پس اگر کسی را بدرگاه الهی حاجتی باشد طهارت نماید و تصدق
کند بصدقه خواه اندک و خواه بسیار بعد ازان بمسجد درآید و دو رکعت نماز
بگذارد و خدا را حمد و ثنا بگوید و صلوات بر محمد و آل او فرستد و بگوید اللهم ان
عافیتنی مما اخاف من کذا و کذا حق تعالی حاجت او را روا کند و این یمین
واجب است و حق تعالی گردانیده از برو در شکر نماز دیگر وقتی که مهمی در آید
غسل کند و دو رکعت نماز بگذارد در رکعت اول فاتحه یکبار و قل هو الله پانصد
بار بخواند و در رکعت دوم نیز مثل آن و چون از قرائت رکعت دوم فارغ
شوی آخر سوره حشر بخوان و شش آیه از اول سوره حدید بخوان و بعد
ازان بگو در حالتی که تو ایستاده باشی ایاک نعبد وایاک نستعین
یکهزار بار پس رکوع و سجود کن و تشهد بخوان و حمد الهی بگو پس اگر حاجت
تو روا نشود در نوبت دوم روا خواهد شد والا نوبت سیوم نماز دیگر منقول است

بپادشاه
مادام

از ابی عبد الله ع که فرمود چون ترا حاجتی و مهمی با خدای تعالی داشته باشی
چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه روزه بگیر و در روز جمعه غسل کن و جامه نو بپوش
و بر جای بلند بالا رو و دو رکعت نماز بگذار و دستها را بسوی آسمان بردار
و بگو اللهم انی حللت بساحتک لمعرفتی بوحدانیتک و صمدانیتک و انه
لا قادر علی حاجتی غیرک فقد علمت یا رب انه کلما تظاهرت نعمتک علی اشتدت
فاقتی الیک وقد طرقنی هم کذا و انت بکشفه عالم غیر معلم واسع غیر متکلف
فاسئلک باسمک الذی وضعته علی الجبال فنسفت و علی السماء فانشقت
و علی النجوم فانتثرت و علی الارض فسطحت و اسئلک بالحق الذی جعلته عند
محمد و عترته ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تقضی حاجتی و ان تیسر لی عسیرها
و تکفینی مهمها فان فعلت فلک الحمد و ان لم تفعل فلک الحمد غیر جائر فی حکمک
ولا متهم فی قضائک ولا حائف فی عدلک و روی خود را بر زمین بنه و بگو
اللهم ان یونس بن متی عبدک دعاک فی بطن الحوت فاستجبت له و انا
عبدک ادعوک فاستجب لی ابو عبد الله ع فرمود هر گاه مرا حاجتی می بود
پس این دعا میخواندم و رجوع میکردم حاجت روا میشد نماز دیگر منقول است
از موسی بن جعفر ع گفت وقتی که ترا امر عظیمی پیش آید بر شصت مسکین تصدق
کن بهر مسکینی نیم صاع نبی ص از خرما و گندم و چون شب در آید غسل کن در دو دانگ

آخر

آنو بپوش ادنای جامه عیال خود را پس دو رکعت نماز بگذار و در هر رکعتی یکبار
با قل هو الله با قل یا ایها الکافرون بخوان یکبار و چون بسجده روی تهلیل و
تقدیس و تعظیم و تمجید خدای تعالی بتقدیم رسان و گناهان خود را بیاد آور پس
آن گناهی که میدانی بآن اقرار کن و گناهی که نمیدانی مجملا بآن اعتراف نما
پس سر بردار و چون بسجده دوم روی استخاره کن از خدای تعالی صد بار بگو
اللهم انی استخیرک بعلمک پس دعا کن خدا را بهر اسمی که میخواهی و بگو یا کائنا قبل
کل شیء یا مکون کل شیء یا کائنا بعد کل شیء افعل بی کذا و کذا و هر گاه که
استخاره کنی روان شو بزانو ها بر روی زمین و بردار ازار را تا آنکه کشف
شود از زانو ها و از پس میان الیتین و باطن ساقین که روان شدن جا [حاجت است انشا]
و بنیاد کن صلوات را بر نبی و اهل بیت او ص نماز دیگر منقول است از امام
رضا ع که چون ترا مهمی سخت پیش آید دو رکعت نماز بگذارد در رکعت اول فا
تحه الکتاب و آیة الکرسی بخوان و در رکعت دوم فاتحه و انا انزلناه پس مصحف
را بر دار و بر بالای سر خود برد و بگو اللهم بحق من ارسلته الی خلقک و بحق
کل آیة فیه و بحق کل من مدحته فیه علیک و بحقک علیک ولا نعرف احدا اعرف
بحقک منک یا سیدی یا الله ده نوبت بگو و ده نوبت بحق محمد ص و ده نوبت
بحق علی و ده نوبت بحق فاطمه ع پس بر امامی را ده نوبت تا برسی بصاحب الزمان
که امام زمانست هنوز از جای خود بر نخاسته باشی که حاجت تو روا شود نماز

دیگر مقاتل بن مقاتل گوید که گفتم مر امام رضا ع را که جانم فدای تو باد تعلیم کن مرا
دعای بجهت گذاردن حاجتها فرمود که هرگاه ترا حاجتی باشد بحق تعالی غسل کن
و جامه پاک بپوش و چیزی خوشبو ببوی پس بزیر آسمان رو یعنی که آسمان ظاهر
باشد و دو رکعت نماز بگذار و در رکعت اول فاتحه یکبار و قل هو الله احد پا
نزده بار پس رکوع کن و پانزده نوبت قل هو الله بخوان بر مثال نماز تسبیح لیکن
درین نماز قراءت پانزده نوبت است در همه پس سجده کن و در سجود بگو اللهم
ان کل معبود من لدن عرشک الی قرار ارضک فهو باطل سواک فانک
انت الله الحق المبین اقض لی حاجتی کذا و کذا الساعة الساعة و رکعت دوم
نیز همچنین و الحاح کن در مراد خود چون حاجت تو روا شود نماز شکر بگذار اما
روی بن خارجه روایت کند از ابی عبد الله ع فرمود نماز شکر بجای آر هرگاه
خدای تعالی نعمتی بتو کرامت فرماید دو رکعت نماز بگذار در رکعت اول فاتحه
و قل هو الله بخوان و در رکعت دوم فاتحه و قل یا ایها الکافرون و در رکوع
و سجود در رکعت اول بگو الحمد لله شکرا شکرا و حمدا حمدا و در رکوع و سجود در رکعت
دوم بگو الحمد لله الذی استجاب دعائی و اعطانی مسئلتی دیگر نماز عفو است
هرگاه در نفس خود احساس فطرتی کنی پس در آن وقت نماز عفو را ترک مکن
و آن دو رکعت نماز است در هر رکعتی الحمد و انا انزلناه یکبار و بعد از قراءت
بازده بار بگو رب عفوک عفوک پس رکوع کن و ده بار این آیه بگو و نماز را تمام

کن

کن مثل نماز امام جعفر ع دیگر نماز حدیث نفس است منقول است از امام رضا ع
فرمود هیچ مؤمنی نباشد که بر وی چهل صباح بگذرد الا آنکه با نفس خود سخن گوید پس باید
که دو رکعت نماز بگذارد و بخدای تعالی پناه برد که وارد است که آدم ع شکایت کرد
بخدای تعالی از حدیث نفس پس جبرئیل ع نازل شد و گفت بگو لا حول و لا قوة الا بالله منقول
است از امام جعفر محمد باقر ع که مردی آمد پیش پیغمبر ص و شکایت کرد از وسوسه و از حدیث
نفس و از دین عیال آنحضرت فرمود بگو توکلت علی الحی الذی لا یموت و الحمد لله
الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولی من الذل
و کبره تکبیرا پس آن مرد چند بار مکرر کرد در زمان اندک که باز آمد بخدمت آنحضرت و گفت
یا رسول الله حق تعالی وسوسه را از من برد و دین من ادا کرد و من غنی شدم و دیگر
نماز استغفار است در طلب روزی منقول است از پیغمبر ص که فرمود که هر وقت
که تنگی باشد ترک مکنید نماز استغفار را و آن نماز دو رکعت است در هر رکعتی فاتحه
و انا انزلناه یک نوبت پس از قراءت پانزده بار بگوید استغفر الله پس رکوع
کنید و بگوید ده بار استغفر الله بروایت نماز جعفر ع که کار شما بصلاح می آید ان شاء الله
نماز دیگر جهت توانگری منقول است از امام جعفر ع که فرمود دو رکعت نماز بگذار
و سلام بده و سجده کن و حمد و ثنای خدای تعالی بگو و صلوات بر محمد و آل او بفرست
و صد بار بگو یا محمد یا جبرئیل اکفیانی مما انا فیه فانکما کافیان احفظانی
باذن الله فانکما حافظان روایتست که هر که بر قدح آب سی و یک بار سوره

انا انزلناه بخوان و بر جامه خود افشاند بهشت تندرست باشد تا آنکه جامه کهنه
شود نماز دیگر جهة دفع بلیات و برآمدن مهمات منقول است از امام رضا ع که فرمود
دو رکعت نماز بگذارد در هر رکعتی الحمد یکبار بخوان و انا انزلناه سیزده بار چون
فارغ شدی سجده کن و بگو اللهم فارج الهم و کاشف الضر و مجیب دعوة
المضطرین یا رحمان الدنیا و رحیم الآخرة صل علی محمد و آل محمد و ارحمنی رحمة تطفئ
بها عنی غضبک و تغنینی بها عن رحمة من سواک پس گونه راست خود
را بر زمین نه و بگو یا مذل کل جبار و معز کل ذلیل قد وحقک بلغ المجهود
مني في امر كذا فافرج عني پس گونه چپ بر زمین نه و مثل این بگو پس عود کن
بسجود و مثل این بگو که حق تعالی غم و اندوه ترا ببرد و حاجت ترا روا میگرداند نماز
دیگر خلاصی است از مشقت منقول است از امیر المؤمنین ع که فرمود دو رکعت
نماز بگذارد در رکعت اول فاتحه یکبار و قل هو الله هزار بار بخوان در رکعت دوم
الحمد یکبار و قل هو الله یکبار پس تشهد بخوان و سلام بده و دعای فرج بخوان
که اللهم یا من لا تراه العیون و لا تخالطه الظنون یا من لا یصفه الواصفون
یا من لا تغیره الدهور یا من لا یخشی الدوائر یا من لا یذوق الموت
یا من لا یخشی الفوت یا من لا تضره الذنوب و لا تنقصه المغفرة یا من
یعلم مثاقیل الجبال و کیل البحور و عدد الاقطار و ورق الاشجار
و دبیب الذر و لا یواری منه سماء سماء و لا ارض ارضا و لا بحر ما

في

في قعره و لا جبل ما في وعره يعلم خائنة الاعين و ما تخفي الصدور و لا
اظلم عليه الليل و اشرق عنده النهار باسمك المكنون المخزون الذي في
علم غيب عندك استخصصت به لنفسك و اشتققت منه اسمك
فانك انت الله لا اله الا انت وحدك وحدك لا شريك لك الذي
اذا دعيت به اجبت و اذا سئلت به اعطيت و اسئلك بحق انبيائك ا
المرسلين و بحق حملة العرش و بحق ملائكتك المقربين و بحق جبرئيل و ميكائيل
و اسرافيل و بحق محمد و عترته صلواتك عليهم ان تصلي على محمد و آل محمد و ان تجعل
خير عمري آخره و خير اعمالي خواتيمها و اسئلك مغفرتك و رضوانك يا ارحم
بگوید اللهم اني
الراحمين نماز دیگر جهة دفع غم و الم دو رکعت نماز بگذارد و مصحف را بالا بردارد و
اتوجه اليك بما فيه و فيه اسمك الاكبر و اسمائك الحسنى و ما يخاف و يرجى
اسئلك ان تصلي على محمد و آل محمد و تقضي حاجتي و نام آن حاجت ببرد نماز دیگر زیاد
رسی به بتول عذرا دو رکعت نماز بگذارد پس سجده کند و صد بار بگوید یا فاطمه و گونه
راست بر زمین نهد و مثل این بگوید و گونه چپ را نیز همچنین پس سجده کند و صد
و ده بار بگوید یا امنا من كل شيء منك خائف حذر اسئلك بامنك من كل
و كل شيء
شيء و خوف كل شيء منك ان تصلي على محمد و آل محمد و ان تعطيني امانا لنفسي
و اهلي و مالي و ولدي حتى لا اخاف احدا و لا احذر من شيء ابدا انك على
كل شيء قدير نماز دیگر نماز استغاثه است در شب وقتی که قصد خواب کنی بنه بر بالین

چو ظرف پاک که پر از آب پاک باشد و سر آنرا بخرقه پاک بپوشی و چون بیداری شوی
بجهة نماز شب از آن سه جرعه بنوشی و به باقی آن وضو بساز و روی بجانب
قبله کن و بانگ و قامت بگو و دو رکعت نماز بگذار و بخوان الحمد و آنچه میسر شود از قرآن
و چون فارغ شوی از قرأت بگوی در رکوع بیست و پنج بار که یا غیاث المستغیثین
و سر بردار از رکوع و مثل این بگو و در سجده همین بگو و در جلوس میان هر دو
سجده و در سجده دویم و در نشستن بعد از سجده دویم و در رکعت دویم بهمین
دستور چنانچه صد و پنجاه نوبت شود و سلام بده و سر بآسمان بردار و سی نوبت بگو
که من العبد الذلیل الی المولی الجلیل و حاجت خود را بخواه که بسرعت باجابت
مقرون گردد انشاء الله نماز جهة دفع فقر دو رکعت نماز را نیکو بگذار و بعد از نماز
سجده کن و بگو یا واحد یا احد یا کریم اتوجه الیک بنبیک نبی الرحمة یا رسول الله
انی اتوجه بک الی الله ربی و ربک و رب کل شیء اسئلک یا الله ان تصلی
علی محمد و آله و اسئلک نفحة من نفحاتک فتحا یسیرا و رزقا واسعا الم به شعثی
و اقضی به دینی و استعین به علی عیالی نماز جهة دفع غم منقول است از ابی عبد الله ع
فرمود هر که را غمی پیش آید باید که غسل کند و دو رکعت نماز بگذارد و تکیه کند چنانکه گونه
راست او بر دست راست نهد و بگوید که یا معز کل ذلیل و یا مذل کل عزیز
حقک لقد شق علی کذا و کذا و مقصود خود را نام برد نماز جهة دفع ظالم منقول است
از امام جعفر ع که وضو تمام بسازد هر وقت که خواهد و دو رکعت نماز بگذارد در

و رکوع

دفع فقر

دفع غم

در رکوع و سجود را تمام کند چون فارغ شود هر دو گونه خود را بر زمین نهد و
چندان بگوید یا ربّاه که نفسش منقطع شود بعد از آن بگوید یا من اهلک عادا الاولی
و ثمود فما ابقی و قوم نوح من قبل انهم کانوا هم اظلم و اطغی و المؤتفکة
اهوی فغشیها ما غشی ان کان فلان بن فلان ظلمنی فیما ارتکبنی به فا
جعل علیه منک وعدا و لا تجعل فی حلمک [illegible] یا اقرب الاقربین نماز جهة
دفع ظلم باید که غسل کند و دو رکعت نماز بگذارد و سر خود را بسوی آسمان بر
دارد و دستها را بگستراند و بگوید اللهم رب محمد و اهلک عدوهم اللهم ان
فلان بن فلان قد ظلمنی و لا اجد من اصول به غیرک فاستوف منه ظلمی
الساعة الساعة بحق من جعلت له علیک حقا و بحقک علیهم الا فعلت
ذالک یا مخوف جعلت الاحکام و الاخذ یا رهوب البطش یا مالک الفضل نماز
جهة انتقام از ظالم منقول است از ابی عبد الله ع که فرمود هر گاه از کسی ظلمی رسد
او را دعای بد مکن زیرا که مرد مظلوم چون همیشه دعای بد کند ظالم میگردد نماز
دیگر منقول است از یونس بن عمار که شکایت کردم پیش ابی عبد الله ع که
همسایه من مرا ایذا میرساند فرمود که دعای بد میکنی او را گفتم بلی فرمود که چنین
مکن نیکی ولیکن گناهان را از خود بیرون کن و روزه بگیر و صدقه بده و چون آخر شب
شود وضو بساز و دو رکعت نماز بگذار و در حال سجده بگو که اللهم اسقم بدنه
و اقطع اثره و انقص اجله و عجل له فی ذالک فی عامه بذا گفت که چنین کردم

دفع ظلم

نصیبا

جعلته

جهت
در یکی لسند که هلاک شد نماز دفع تنگی معاش منقول است از ابی عبدالله ع فرمود
که چون دشوار شود بر تو کاری دو رکعت نماز بگذار نزد زوال و بخوان در رکعت
اول فاتحه و قل هو الله و انا فتحنا تا آنجا که نصرا عزیزا و در رکعت دوم فاتحه و قل
هو الله و الم نشرح که این مجربست نماز جهت وصول مهمات منقول است از حسین
بن علی ع که چهار رکعت نماز بگذارد بجهة حصول مهمات بر وجهی که قنوت وار
کان او را نیکو بجا آرد و در رکعت اول فاتحه یکبار و حسبی الله و نعم الوکیل هفت
بار و در رکعت دویم فاتحه یکبار و ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله ان
ترن انا اقل منک مالا و ولدا هفت بار و در رکعت سیوم الحمد یکبار و لا اله
الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین هفت بار و در رکعت چهارم
فاتحه یکبار و افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد هفت بار پس
حاجت بخواه که روایت نماز جهت دفع مصیبت چهار رکعت نماز بگذارد در هر
رکعتی فاتحه یکبار و قل هو الله هفت بار و آیة الکرسی یکبار و چون سلام دهد بگوید
صلی الله علی محمد النبی الامی و آله علیه السلام بعد از آن تسبیح و تحمید و تهلیل
و تکبیر حق تعالی بجای آورد پس حق تعالی آنچه وعده فرموده داد او را عطا فرماید نماز
نماز جهت فراخی روزی نقل فرموده حضرت رسول صلعم از جبرئیل ع دو رکعت
نماز بگذارد در رکعت اول الحمد یکبار و انا اعطینا سه بار و قل هو الله بار

و در رکع

و در رکعت دویم الحمد یکبار و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس هر یک
سه بار نماز جهت فقر روایت کند میسر بن عبد العزیز که در خدمت ابی عبدالله ع
بودم که یکی از اصحاب او درآمد و گفت فدای تو شوم من فقیرم آنحضرت فرمود که روز
چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه روزه بگیر و چون چاشت جمعه شود پس زیارت کن رسول ص
را از جای بلند در صحرایی که هیچکس ترا نبیند پس در آنجا نماز بگذار پس زانو در آی
و بزانو بر زمین روان شو در حالتی که رو بقبله باشی و دست راست تو در بالای
دست چپ باشد بگو که اللهم انت انت انقطع الرجاء الا منک و خابت الآمال
الا فیک یا ثقتی یا غیاثی اجعل لی من امری فرجا و مخرجا و ارزقنی من حیث
احتسب و من حیث لا احتسب پس سجده کن بر زمین و بگو یا مغیث اجعل لی رزقا من فضلک
پس هرگز روز شنبه نگذرد که بر تو طلوع نکند مگر برزق جدید و پیغمبر ص را چون تنگی پیش آمدی
با اهل خود ندا کردی که یا اهل الله صلوا صلوا نماز جهت توانگری دو رکعت است در هر
رکعتی فاتحه یکبار و ده نوبت قل اللهم مالک الملک تؤتی الملک من تشاء و تعز
من تشاء و تذل من تشاء بیدک الخیر انک علی کل شیء قدیر و چون سلام
دهد ده بار بگوید رب اغفر و ارحم و انت ارحم الراحمین و ده بار صلوات بفرستند پس
سجده کن و بگو رب اغفر لی و هب لی ملکا لا ینبغی لاحد من بعدی انک انت الوهاب
نماز جهت ادای قرض چهار رکعت است در رکعت اول فاتحه یکبار و معوذتین

من لا ثقة له
و من لا احتسب
و هب لی

ده بار و قل هو الله ده بار و در رکعت دوم فاتحه یکبار و آیة الکرسی ده بار و
و قل یا ایها الکافرون ده بار و آمن الرسول تا آخر ده بار و چون سلام
بدهد و در رکعت اول ده بار بگوید سبحان الله الابدی الابد سبحان الله الواحد
الاحد سبحان الفرد الصمد سبحان الذی رفع السموات بغیر عمد المنفرد بلا صاحبة
ولا ولد و در رکعت سیوم فاتحه یکبار و الهکم سه بار و در رکعت چهارم فاتحه یکبار
و انا انزلناه و اذا زلزلة هریک سه بار و چون فارغ شود سجده کند و هفت بار بگوید
در سجده اللهم انی اسئلک التیسیر فی کل عرفات تیسیر العسیر علیک یسیر بعد از آن
سر بالا کند و ده بار بگوید فلله الحمد رب السموات و رب الارض رب العالمین و له
الکبریاء فی السموات والارض و هو العزیز الحکیم نماز دفع گرسنگی منقول است
از ابی عبدالله ع که هرکه گرسنه شود دو رکعت نماز بگذارد و بگوید رب اطعمنی
فانی جائع حق تعالی او را در ساعت طعام دهد دیگر فرمود مردی که دعا کند برای برادر
دینی خود غایبانه بگشاید روزی او را و دفع میکند از و بلا را دیگر فرمود که فاطمه علیها
السلام بخدمت پدر بزرگوارش و از گرسنگی شکایت کرد و فرمود مر او را که بگو یا
مشبع الجوعة و یا رافع الوضعة لا تجع فاطمة بنت محمد و او را امر فرمود که دعا کند
با این دعا نماز دیگر جهة حاجت منقول است از ابی عبدالله ع فرمود که چون ثلثی
از شب بگذرد برخیز دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت اول فاتحه و سوره الملک

بخوان و در رکعت دوم بعد از فاتحه سوره الم سجده و این دعا بخوان یا رب قد
نامت العیون و غارت النجوم و انت الحی القیوم لا تاخذک سنة و لا نوم لن
یواری عنک لیل داج و لا سماء ذات ابراج و لا ارض ذات مهاد و لا بحر لجی و لا
ظلمات بعضها فوق بعض یا مریح الابرار و غیاث المستغیثین برحمتک ان
تصل علی محمد و آله ص و اقض لی حاجة کذا و کذا و لا تردنی خائبا و لا محروما یا ارحم
الراحمین پس بدرستی که این نماز در بر آمدن حاجات مجرب گرفتن بدرستی نماز جهة دفع
مشقت امام موسی ع فرمود که دو رکعت نماز بگذار بهر وجه که خواهی و چون فارغ شوی
بنه روی خود را بر زمین و بگو سه بار یا قوة کل ضعیف یا مذل کل جبار قد و حقک
بلغ خوفک مجهودی ففرج عنی پس بنه گونه راست را بر زمین و سه بار بگو یا
مذل کل جبار یا مذل کل عزیز و یا معز ذلیل قد و حقک بلغ مصبری ففرج عنی
پس گونه چپ را بر زمین بنه و سه بار مثل این بگو بعد از آن بجای آن پیشانی بنه
و سه بار بگو اشهد ان کل معبود من دون عرشک الی قرار ارضک الا وجهک
کربنی ففرج عنی بعد از آن بنشین در حالی که مرتکن باشی و بگو اللهم انت الحی
القیوم العلی العظیم الخالق الباری المحیی الممیت المبدئ البدیع لک الکرم و لک
الحمد و لک المن و لک الجود وحدک لا شریک لک یا واحد یا احد یا صمد یا
من لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد پس باز بگو که کذا الک الله ربی فصل علی
محمد و آله الصادقین و افعل لی کذا و کذا نماز مظلوم دو رکعت بگذاری و میخوانی از

از وان لنجه میخواهی وصلوات بر محمد و آل او میفرستی آنقدر که متوالی بعد از آن میگویی

هلعی

اللهم ان لک یوما تنتقم فیه للمظلوم من الظالم لکن هلعی و جزعی لا یبلغان

الصبر علی اناتک و حلمک وقد علمت ان فلانا ظلمنی واعتدی علی ضعفی فاسئلک

یا رب العزة و یا قاصم الجبابرة و ناصر المظلومین ان تریه قدرتک اقسمت علیک

یا رب العزة الساعة الساعة نماز دیگر محمد بن حسین صفار گوید که گفتم امام صادق علیه السلام

را که فلانکس ظالم نیست حکم فرمود که وضوی تمام بساز و دو رکعت نماز بگذار و

و حق تعالی را ستایش کن و صلوات بر محمد و آل و بفرست و بگوید اللهم ان فلانا ظلمنی

و بغی علی فابله بالفقر لا تجبره و بسوء لا تستره گفت چنین کردم او را بلایی روشن

رسید در خبر دیگر آمده است که هیچ مؤمن نیست که مظلوم شده بگذار پس وضو

بسازد و دو رکعت نماز بگذارد پس بگوید اللهم انی مظلوم فانتصر مگر آنکه خدای تعالی

او را تعجیل نصرت دهد نماز دیگر برای مهمات مرویست که امام زین العابدین علیه السلام را

چون امری پیش آمدی پاکترین جامه پوشیدی و اسباغ وضو کردی و بلندترین

بامی رفتی و چهار رکعت نماز گذاردی در رکعت اول الحمد و اذا زلزلة خواندی

و در رکعت دوم الحمد و اذا جاء و در سیوم الحمد و قل یا ایها الکافرون و در چهارم

نصر الله

الحمد و قل هو الله بعد از آن دستها بسوی آسمان برداشتی و گفتی اللهم انی

اسئلک باسمائک التی اذا دعیت بها علی مضائق الارضین المغلقات انفرجت

واذا دعیت

١٤١

واذا دعیت بها علی قبور النشور انتشرت صل علی محمد و آل محمد و اقلبنی بقضاء

حاجتی آنحضرت فرمود که هنوز قدم برنداشته باشد که حاجت او روا شود ان شاء

الله تعالی نماز جهة فرزند منقول است از امیر المؤمنین علیه السلام که وقتی که فرزند خواهی وضو

تمام بساز و دو رکعت نماز بر وجه احسن بگذار و بعد از این نماز سجده کن و هفتاد بار بگو استغفر الله

و بعد از آن ح

بار بگو اللهم انی رزقنی ولدا الا سمیه باسم نبیک صلی الله علیه و آله بتحقیق که خدای تعالی او را فرزند

میدهد پس فرمود که امر کردم بطهارت زیرا که خدای تعالی فرموده است و یحب المطهرین یعنی خدای تعالی

دوست میدارد طهارت کنندگان را و امر کردم بنماز زیرا که شنیدم از رسول صلی الله علیه و آله که اقرب

ما یکون العبد من ربه اذا راه ساجدا او راکعا یعنی نزدیکتر بودن بنده

بخدای تعالی وقتی است که او را ساجد و راکع بیند و امر کردم ترا باستغفار زیرا که

حق تعالی فرموده استغفروا ربکم تا آخر آیه یعنی آمرزش خواهید از خدای تعالی که او بغایت

آمرزنده است میفرستد بر شما ابر بسیار باران و میدهد بشما زینت دنیا از مال و فرزند

نماز ترس از ظالم منقول است از امام رضا علیه السلام که غسل کن و دو رکعت نماز بگذار

و کشف زانوی خود بکن و صد بار بگو یا حی یا قیوم یا لا اله الا انت برحمتک

استغیث فصل علی محمد و آله و اغثنی الساعة پس بگو اسئلک ان تصلی علی محمد و

بجوز تاریخ بوراز ...

آل محمد و ان تلطف لی و ان تغلب لی و ان تمکر لی و ان تخدع لی و ان تکید لی

و ان تکفینی مؤنة فلان لا مر پس بدرستی که این دعای حضرت رسول بود در روز

من فلان

احد نماز جهة برآمدن مهمات منقول است از ابی عبد الله علیه السلام که هر گاه حاجتی بخدا باشد

شب جمعه بعد از نصف شب غسل کند و دو رکعت نماز در مصلای خود بگذارد و در رکعت
اول الحمد بخواند و چون به ایاک نعبد و ایاک نستعین رسد صد بار تکرار کند و در رکعت
دویم صد فاتحه تمام کند و قل هو الله یکبار پس رکوع کند و سجده بجای آرد و در انتهای هفت
تسبیح کند و در رکعت دویم بهمین هیئت و دعا کند باین دعا که البته که حاجت او روا شود
هر چه باشد مگر در قطع رحم دعا کند و طلب کفایت شر کسی که ترسد از شر او نماید که کفایت
شود باذن الله تعالی پس سجده کند و حاجت خود را بخواهد و تضرع و زاری بدرگاه حق تعالی
نماید نماز جهت تیزی ذهن و قوت حفظ سید روایت کند که هر که کتابت نماید بزعفران
الحمد و آیة الکرسی و انا انزلناه و یس و واقعه و سبح اسم و حشر و تبارک و قل هو الله و معوذتین
در ظرف پاک بعد از آن بشوید باب زمزم یا با آب باران یا با آب پاک بعد از آن بیندازد
در وی دو مثقال کندر و ده مثقال شکر و ده مثقال عسل و شب بگذارد و در زیر آسمان
و آهن پاره بر سر او نهد پس آخر شب دو رکعت نماز بگذارد در هر رکعتی الحمد یکبار و قل هو الله
پنجاه بار و چون فارغ شود از نماز آن آب موصوف را بخورد که مجربست از برای حفظ
نماز جهت آسانی حفظ قرآن شب جمعه یا روز جمعه چهار رکعت نماز بگذارد و در رکعت
اول فاتحه و یس بخواند و در رکعت دویم بعد از فاتحه حم دخان و در رکعت سیوم الم سجده و در رکعت
چهارم تبارک و بعد از آن سلام حمد و ثنای خدای تعالی بتقدیم رساند و صلوات بر پیغمبر و آل
بفرستد و صد بار برای مؤمنان استغفار کند نماز و دعا جهت بازیافتن گم شده روایت
کرده جابر انصاری که پیغمبر صلعم فرمود امیر المؤمنین علیه السلام و فاطمه را که اگر شما مصیبتی
رسد یا پادشاهی جور نماید یا از شما چیزی گم شود پس وضوی نیکو بسازید و دو رکعت

بخواند هم

ای این دعا هم

نماز

(۴۲)

نماز بگذارید و دستها را باسمان بردارید و این دعا بخوانید یا عالم الغیب و السرائر
یا مطاع یا علیم یا الله یا الله یا الله یا هازم الاحزاب لمحمد یا کائد فرعون لموسی یا منجی
عیسی من ایدی الظلمة یا مخلص نوح من الغرق یا راحم عبرة یعقوب یا کاشف
ضر ایوب یا منجی ذی النون من الظلمات یا فاعل کل خیر یا هادیا الی کل خیر یا دالا
الی کل خیر یا عاملا لکل خیر یا خالق الخیر و یا اهل الخیر انت الله الذی لا اله الا انت
قد رغبت الیک فیما قد علمت و انت علام الغیوب اسئلک ان تصلی علی محمد و آل
محمد پس بخواهید حاجت خود را تا اجابت شود ان شاء الله تعالی منقولست از امیر المؤمنین
که گفت امر کردم حبیب من رسول صلعم که نزد ختم قرآن این دعا بخوان میگویم
اللهم انی اسئلک اخبات المخبتین و مرافقة الابرار و استحقاق حقایق الایمان و
الغنیمة من کل بر و السلامة من کل اثم و وجوب رحمتک و عزائم مغفرتک و الفوز
بالجنة و نجات من النار   در دعاهایی که برای برآمدن حاجات بجای آرند دعا
نزد سجده تلاوت قرآن بگوید سجده تلاوت قرآن میکنم واجب چهار سوره که واجب
است و یا سنت جای که سنت است قربة الی الله دعا اینست لا اله الا الله حقا حقا
لا اله الا الله ایمانا و صدقا لا اله الا الله تعبدا و رقا سجدت لک یا رب تعبدا و رقا لا
مستنکفا بل انا عبد ذلیل ضعیف خائف مستجیر الهی العفو العفو حضرت صادق علیه السلام
فرموده هر که صد آیة از آیة قرآن از هر آیة که خواهد بخواند بعد از آن هفت بار بگوید
یا الله اکبر اگر بر سنگهای بزرگ خواند از زمین بر کند دعای مشتمل بر اسم اعظم
منقولست از معاذ بن جبل که گفت روزی حضرة رسول صلعم ام الطلب عبد الله سلام

در توریة ص

فرستاد پس حاضر شد نزد آنحضرت جمعی از اصحاب آنجا بودند فرمود که یا عبد الله خبر ده مرا
از دو کلمه که خدای تعالی تعلیم خلیل ابراهیم علیه السلام کرد روزی که او را بآتش می انداختند آیا
تو یافتهٔ آن کلمات را یافته عبد الله گفت پدر و مادرم فدای تو باد آیا بر تو در باب آن
کلمات چیزی نازل شده که من در توریة ثواب آن کلمات را یافته ام وان کلمات را
نیافته ام ده دعاست که در آن اسم اعظم است بعد از آن آنحضرت فرمود که آیا
خدای تعالی آن کلمات را بموسی کلیم الله تعلیم کرده عبد الله گفت که بغیر از ابراهیم دیگری را تعلیم
نکرده بعد از آن آنحضرت فرمود که چه یافتی ثواب آن کلمات را در توریة عبد الله
گفت کرا توانائی آن باشد که بثواب آن کلمات برسد لیکن در توریة نوشته یافتم
که هیچ بنده نیست که حق تعالی برو منت کرده باشد و این کلمات را در دل او نهاده باشد
مگر آنکه نور را در دیده و یقین را در سویدای دل او جای کرده باشد و سینهٔ او را [illegible]
ایمان کرده و از برای او نور از فرش تا عرش تابان گردانیده و مباهات کنند
با و فرشتگان در هر روزی دو بار و حکمت را بر زبان او جاری گرداند و حفظ
کلام را روزی او سازد اگرچه بر آن حریص نباشد و او را بعلم دین عالم
گرداند و محبت او را در دل بندگان خود جای دهد و ایمن گرداند او را از
عذاب قبر و فتنهٔ دجال و بزرگترین فزعی در روز قیامت و او را در زمرهٔ شهدا
حشر کنند و کرامت فرماید حق تعالی او را و عطا نماید آنچه کرامت فرموده
و عطا نموده بانبیاء و نترسد گاهی که مردم ترسند و محزون نشود وقتی
که مردم محزون شوند و از صدیقان نویسند و چون او را حشر کنند دل او

مطمئن

مطمئن شده باشد و از جملهٔ کسانی بود که با ابراهیم خلیل حله پوشیده باشد و هرچه این
دعوات از خدای تعالی خواهد او را عطا فرماید و هر سوگند که بخدا خورده از او راست
سازد و همسایهٔ حق تعالی باشد در خانهٔ جلال و او را اجر هر شهید بدهد که از روز آفرینش
دنیا شهید شده باشد آنحضرت فرمود یا ابن سلام خانهٔ جلال کدام است گفت جنات
عدن که موضع عرش رحمن است گفت یا رسول الله ما را تعلیم کن و بر ما منت بنه
چنانکه خدای تعالی بر تو منت نهاده پس آنحضرت فرمود که خدا را سجده کنید پس همه سجده
کردند و چون سر از سجده برداشتند فرمود که بگوئید یا الله یا الله یا الله انت
المرهوب منك جميع خلقك يا نور انت الذي احتجبت دون خلقك فلا
يدرك نورك نور يا الله يا الله يا الله انت الرفيع الذي ارتفعت فوق
عرشك من فوق سمائك فلا يصف عظمتك احد من خلقك يا نور
النور قد استنار بنورك اهل سمائك واستضاء بضوئك اهل ارضك
يا الله يا الله يا الله انت الله الذي لا اله غيرك تعاليت عن ان يكون
لك شريك وتعظمت عن ان يكون لك ولد وتكرمت عن ان يكون شبيه
وتجبرت عن ان يكون لك ضد فانت الله المحمود بكل لسان وانت
المعبود في كل مكان وانت المذكور في كل اوان وازمان يا نور النور
كل نور خامد لنورك يا مليك كل مليك يفنى غيرك يا دائم كل حي
يموت غيرك يا الله يا الله يا الله الرحمن الرحيم ارحمني رحمة تطفئ
بها غضبك وتكف بها عذابك وترزقني بها سعادة من عندك

النور م
نور که م

وتحلنی بها دارک التی اسکنتها خیرتک من خلقک یا ارحم الراحمین روایت
کرده عمر بن شعیب از پدر خود و او از حضرت پیغمبر صلعم که جبرئیل نازل شد بر و باین دعا
در حالی که ضاحک و مستبشر و خندان بود و گفت السلام علیک یا محمد فرمود علیک
السلام یا جبرئیل فرمود که حق تعالی فرستاده مرا بسوی تو بهدیه فرمود که این هدیه کدام
است گفت کلمه چند ایست از گنجهای عرش کرامی فرماید حق تعالی تا زابان فرمود (ای جبرئیل)
سر این کلمات کدام است فرمود بگو یا من اظهر الجمیل وستر القبیح یا من لم یواخذ
بالجریرة ولم یهتک الستر یا عظیم العفو یا حسن التجاوز یا واسع المغفرة
یا باسط الیدین بالرحمة یا صاحب کل نجوی و منتهی کل شکوی یا کریم
الصفح یا عظیم المن یا مبتدیا بالنعم قبل استحقاقها یا ربنا و سیدنا و مولینا
و یا غایة رغبتنا اسئلک یا الله ان لا تشوی خلقی بالنار و ان تغفر لی
ولوالدی برحمتک یا ارحم الراحمین و ان تعطینی حوایج الدنیا و الاخرة
انک علی کل شیء قدیر و صلی الله علی محمد و آله اجمعین آنحضرت فرمود جبرئیل
راکه ثواب این کلمات چیست گفت هیهات هیهات منقطع شد اگر اجتماع نماید
فرشتگان هفت آسمان و زمین برآنکه وصف کنند ثواب این کلمات را تا روز
قیامت وصف نتوانند کرد از هزار جزو یکجزو و هرگاه بنده گفت یا من اظهر الجمیل
وستر القبیح بپوشاند حق تعالی قبایح و گناهان او را و رحمت کند برو در دنیا

ودرآخر

یا من
و در آخرت و هرگاه گفت لم یواخذ بالجریرة ولم یهتک الستر حق تعالی حساب و را نکند
در روز قیامت و پرده او را ندرد در روزی که پردها دریده شود و هرگاه گفت یا عظیم
العفو می آمرزد حق تعالی جمیع گناهان و را و اگر چه مثل کف دریا باشد و هرگاه گفت یا حسن
التجاوز حق تعالی تجاوز میکند از زشتیهای او از دزدی و خوردن خمر و اهاویل دنیا و غیر آن از
کبایر و هرگاه گفت یا واسع المغفرة یا باسط الیدین بالرحمة حق تعالی برو بگشاید هفتاد در
از رحمت پس او غرق گردد در رحمت الهی تا از دنیا بیرون رود و حق تعالی بگشاید قدرت
خود را برو برحمت و هرگاه گفت یا صاحب کل نجوی و منتهی کل شکوی عطا میفرماید حق تعالی
او را از اجر و ثواب هر مصیبت زده و هر سالم و هر بیمار و هر ضرر یافته و هر مسکین و هر فقیر و هر
صاحب مصیبت تا روز قیامت و هرگاه گفت یا کریم الصفح حق تعالی او بکرامت خود مخصوص کرد
چنانکه انبیاء کرام را مخصوص میکرداند و هرگاه گفت یا مبتدیا بالنعم قبل استحقاقها عطا میفرماید
حضرت عزت او را از اجر بعد آنکه شکر نعمتهای او بتقدیم رسانیده و هرگاه گفت یا ربنا و سیدنا
(یا مو) و مولینا حق تعالی فرماید ای فرشتگان من گواه باشید که من او را آمرزیدم و دادم او را اجر بعدد
آنکه آفریده ام او را از بهشت و دوزخ و هفت زمین و آفتاب و ماه و ستارگان و قطرهای (و هفت آسمان)
باران و انواع خلق و کوهها و سنگ ریزها و خاک و غیر آن و عرش و کرسی و افلاک و هرگاه
گفت یا مولینا پر کند حضرت عزت دل او را از ایمان و هرگاه گفت یا غایة رغبتنا بدهد خدای
تعالی رغبت او را مثل رغبت همه خلایق و هرگاه گفت اسئلک یا الله ان لا تشوی خلقی
بالنار حضرت عزت فرماید که بنده من طلب خلاص و آزادی می نماید از دوزخ گواه
باشید ای فرشتگان من که من آزاد کردم او را از آتش دوزخ و آزاد ساختم پدر و مادر

وهمسایگان او را بپذیرفتم شفاعت او را در هزار کس از امتان که واجب گشته بود ایشان را
دوزخ و امان دادم او را از نار پس تعلیم فرمای محمد این دعا متقیان را و میان منافقان را
که این دعوت مستجاب است مر دعا کنندگان را انشاء الله هر که از خانه بیرون آید پس باید
که بگوید نزد بیرون آمدن بسم الله و بالله و لا حول و لا قوة الا بالله توکلت علی الله
والحمد و معوذتین و قل هو الله و آیة الکرسی بخواند از پیش و پس و چپ و راست و بالا و
زیر خود چون بخانه باز آید بگوید بسم الله و بالله و اشهد ان لا اله الا الله وحده
لا شریک له و اشهد ان محمداً عبده و رسوله پس سلام کند بر اهل خانه اگر کسی باشد و اگر کسی نباشد
بگوید بعد از شهادتین السلام علی محمد بن عبد الله خاتم النبیین السلام علی الائمة الهادین
المهدیین السلام علینا و علی عباد الله الصالحین و هر گاه در آید بازار از برای حاجتی
پس باید که بگوید لا اله الا الله وحده لا شریک له العلی العظیم الحمد لله الذی بنعمته تتم
الصالحات یا هو یا من هو یا من لیس الا هو یا من لا هو الا هو و نیز در
طلب حاجات مرویست از ابی عبد الله ع فرمود که هر گاه کسی را حاجتی باشد سجده
کند بی قراءت و رکوع و در سجده هفت بار بگوید یا ارحم الراحمین نگوید هیچ کس
این دعا را مگر که حق تعالی فرماید که اینک ارحم الراحمین منم طلب کن حاجت خود را
روایتست از ابی عبد الله ع که هر گاه بمردی سختی یا المی یا دردی برسد باید که زانوهای خود را
و دستهای خود را برهنه کند و بچسپاند بر زمین و سینه خود را نیز بر زمین نهد بعد از آن
دعا کند که مستجاب است امیر المؤمنین ع فرموده مر پسر خود را که هر گاه فرود آید بتو امر
بزرگی در دین و دنیا پس وضو بساز و دستهای خود را بردار و بدرگاه کردگار

که بعد از ... فرموده

بار بگوید

بار بگوید یا الله که دعای تو مستجاب است دیگر فرموده که چون کسی را حاجتی باشد صباح روز
پنجشنبه در طلب آن باشد و چون از خانه بیرون آید آخر سوره آل عمران و آیة الکرسی و انا
انزلناه و فاتحه بخواند که حوایج دنیا و آخرت او روا شود منقولست از ابی الحسن ع که
هیچکس نیست که او را غمی و کربی رسد پس سر خود را بآسمان بردارد و سه بار بگوید بسم
الله الرحمن الرحیم مگر آنکه غم و کرب او زایل گرداند الله تعالی جهت ادای قرض منقول
است از حسین بن خالد که گفت مرا در بغداد سیصد هزار درهم دین بود چهار صد هزار درهم
از مال خود داشتم نزد مردم و قرض خواهان امان نمیدادند که قرض از ایشان بستانم و دین
خود ادا کنم و قادر نبودم که نزد ابو الحسن ع روم و احوال خود عرض نمایم پس کتابی در آن
وصف حال خود کردم که مرا چند است و مال چند پس جواب نوشت که پس هر نماز این دعا
بخوان اللهم انی اسئلک یا لا اله الا انت ان ترحمنی بلا اله الا انت اللهم انی اسئلک
بلا اله الا انت یا حی لا اله الا انت ان ترضی عنی بلا اله الا انت اللهم انی اسئلک
یا لا اله الا انت یا حی لا اله الا انت ان تغفر لی بلا اله الا انت سه نوبت و گفت بعد از
هر نماز فریضه که حاجت تو روا شود راوی گوید که من برین مداومت کردم بخدا که چهار
ماه نگذشت که تمام دین من ادا شد و صد هزار درهم دیگر فاضل آمد در دعای ظالم منقول
است از رسول ص که چون بترسی از کسی و خواهی که دفع شر او کنی طلب هلاک کن و چون
هلال بینی پس راست بایست بر قدمهای خود و برو جر خطاب بهلال بگو ایود احدکم
ان تکون له جنة من نخیل و اعناب تجری من تحتها الانهار له فیها من کل الثمرات
و اصابه الکبر و له ذریة ضعفاء فاصابها اعصار فیه نار فاحترقت اللهم طمه بالبلاء

نوشتم

الله

ایود

طماً و ثمة بالبلاء و غماً و ادبه بحجارة من سجيل بطرك الا بابيل يا علي يا عظيم [illegible]

در شب دوم و سيوم ماه نيز اين بگو و چون در ماه اول مراد حاصل نشود در ماه دوم و سيوم

مثل اين عمل كن البته در ماه چهارم احتياج باين عمل نخواهد شد باذن الله تعالى ديگر مردي

كه مردي نزد صادق ع شكايت كرد از مردي كه بر وظلم كرده بود فرمود او را بگو يا ناصر

المظلوم المبغي عليه ان كانت فلان بن فلان ظلمني و بغى علي فابتله بفقر لا يجبره و بلاء

لا يستره و هر كه سه نوبت بر ظالم خود اين كند دعا در مثالي او علامت بلا ظاهر شود و بعد از ان

بفقر مبتلا گردد و چون از كسي بترسي بگو حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت و هو رب

العرش العظيم امتنع بحول الله و قوته من حولهم و قوتهم و امتنع برب الفلق من

شر ما خلق ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله در طلب روزي از حضرت صادق ع

منقولست كه كسي شكايت كرد نزد آنحضرت از فقر فرمود كه اين را بخوان كان رزقي في السماء

فانزله و ان كان في الارض فاظهره و ان كان قريبا فاعطيته و ان كان قد

اعطيته فبارك لي فيه و جنبني عليه المعاصي و الردي منقول است از امام رضا ع

كه كسي شكايت كرد نزد ابو عبد الله ع از فقر فرمود كه بانگ نماز بگو چنانكه موذن گويد و قتي

كه آواز بانگ را بشنوي در خوف منقول است از حضرت صادق ع كه چون در سفر يا

در صحرا باشي و از جني يا ديو بترسي دست راست را بر سر نه و با آواز بلند بخوان

افغير دين الله يبغون و له اسلم من في السموات و الارض طوعا و كرها و اليه

يرجعون مرويست كه چون چهارپاي در لجام باشد اين آية را بر گوش او بخواند اللهم

ودیار [illegible]

سحرها و بارك فيها بحق محمد و آله بعد از ان سوره انا انزلناه بخواند امير المومنين ع

فرمود كه هرگز چهارپاي ايشان در خانه درسيده كه سبب چيست فرمود زيرا كه من او را كه

در زراعت زانده در دفع ترس از شير منقول است از ابي عبد الله ع كه چون از شير ترسيد

كه حضرت با ايشان و گو بعضي از ايشان رسانند پس دايره بر آنها بكشند و اين دعا بخوانند

اللهم رب دانيال و الجب و رب كل اسد مستاسد احفظني و احفظ علي

غنمي منقول است كه حضرت رسول ص فرمود كه اي علي هر گاه شير را ببيني و كار بر تو سخت

گردد سه تكبير بگوي و ديگر بگو الله اكبر و اجل و اعز و اعظم من كل شيء و اكبر و اعز من خلقه

و اقدر اعوذ بالله من شر ما اخاف و احذر شر شير از تو كفايت شود منقول است

كه رسول ص فال خوب را دوست داشتي و فال شوم را مكروه انگاشتي و امر فرمودي

كسي را كه چيزي ببيند و شوم داند بگويد اللهم لا يوتي الخير الا انت و لا يدفع السيات الا انت

و لا حول و لا قوة الا بك منقول است كه امام جعفر ع در وقتي پيش منصور رفت و او

غضبناك بود اين دعا خواند غضب او شكسته شد يا عدتي عند شدتي و يا غوثي

عند كربتي احرسني بعينك التي لا تنام و اكفني بركنك الذي لا يرام بحق محمد و آله

در دفع غضب منقولست از امام جعفر ع كه چون كسي را غضب آيد و ايستاده باشد بنشيند

غضب او زايل شود و اگر كسي را غضب شود ذوي رحم او او را دست بمالد

غضب او تسكين شود و در حديث قدسي وارد است كه اي فرزند آدم ياد كن مرا چون

ترا غضب آيد كه ترا ياد كنم چون مرا غضب آيد پس محو كنم ترا در ميان كساني كه ايشان را از

غضب محو ميكنم و ابو عبد الله فرمود هر كه غضب خود را از مردم باز دارد حق تعالى غضب

خود را آرزو باز دارد و نیز در غضب باید که صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد و بگوید اذهب
غیظ قلوبهم اللهم اغفرلی ذنبی واذهب غیظ قلبی واجرنی من الشیطان
لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم جهة دفع وحشت مرویست که مردی از وحشت
نزد رسول صلعم شکایت کرد فرمود که بگو سبحان الله ربی الملک القدوس رب الملائکة
والروح خالق السموات والارض والعزة والجبروت چون این را بگوید خدای تعالی
وحشت را زایل گرداند جهة دفع غم واندوه حضرت رسول صلعم فرموده هر که این دعا بخواند
از غم واندوه ایمن گردد اللهم انی عبدک وابن عبدک وابن امتک ناصیتی
بیدک ماض فی حکمک عدل فی قضائک اسئلک بکل اسم هو لک سمیت به
نفسک وانزلته فی کتابک او علمته احدا من خلقک او استاثرت به فی
علم الغیب عندک ان تجعل القرآن ربیع قلبی ونور بصری وشفاء صدری
وجلاء حزنی وذهاب غمی وهمی اذهب الله همه وابدله مکان حزنه فرحا و چون ببیند
اهل بلا را باید که در خفیه بگوید الحمد لله الذی عافانی مما ابتلاه به ولو شاء فعل و هر
هر که این دعا بخواند هرگز آن بلا بوی نرسد حضرت رسول صلعم فرموده که چون اهل بلا را ببینید
بگوئید حمد و ثنای الهی بگوئید وایشان را مشنوانید که غمگین گردند امام زین العابدین ع
وقتی که جنازه را دیدی فرمودی الحمد لله الذی تعزز بالقدرة وقهر عباده با
الموت جهة تدبیر کار مشکل مرویست که هر کرا مهمی پیش آید و خواهد که بداند که چاره آن چیست
وقتی که بخوابگاه خود رود سوره والليل والشمس را هر یک هفت بار بخواند و دعا
ی که پیغمبر صلعم فرموده اللهم انی اسئلک عافیة وشکر العافیة وتمام العافیة فی الدنیا

والآخرة

والآخرة در روضة الواعظین آورده که حضرت رسول صلعم فرمود هر که جهود را
یا ترسایی یا مجوسی را ببیند بگوید الحمد لله الذی فضلنی علیک بالاسلام دینا وبا
القرآن کتابا وبمحمد نبیا وبعلی اماما وبالمؤمنین اخوانا وبالکعبة قبلة چون
این دعا بخواند حق تعالی میان او و آتش باهم جمع نکند و حضرت پیغمبر صلعم فرموده تا
که هیچ یک از شما در دعا نگوید که بارخدایا بیامرز مرا اگر خواهی ورحمت کن مرا اگر خواهی
بلکه باید که در دعا جد کند زیرا که هیچ مکروهی نیست بر خدا در استجابت دعا وقتی که دعا
مستجاب شود بگوید الحمد لله الذی بعزته تتم الصالحات وچون در اجابت توقفی شود باید
که بگوید الحمد لله علی کل حال ومکروه است که دعا کنند در اجابت دعا تعجیل کنند و باید
که بر دعا مواظبت نماید وپشیمان نشود زیرا که حضرت نبی صلعم فرموده که دعا بنده
مستجاب میشود مادام که تعجیل نکند ونگوید که دعا کردم و مستجاب نشد و هر گاه قصد حاجتی
کنی این دعا را بگو اللهم انی اسئلک باسمک الاعلی الاکبر الاعز الاجل الاعظم الاکرم
ان تفعل بی کذا وکذا که آن رد نمیشود دعای بیم بلا مرویست که رسول صلعم فرمود مرا
امیرالمؤمنین علیه السلام را که ای علی هر گاه در ورطه بلا افتی این را بگو که بلا دفع میشود بسم الله
الرحمن الرحیم لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم ایاک نعبد وایاک نستعین
در اسم اعظم روایت کنند از امام زین العابدین ع که فرمود که من در عقب هر نماز دعا میکردم
که خدای تعالی مرا اسم اعظم تعلیم کند روزی نماز صبح گذاردم ونشسته خواب در چشم من غلبه
شد مردی پیش چشم خود ایستاده دیدم بمن گفت از خدای تعالی تو اسم اعظم میخواهی گفتم بلی
گفت بگو اللهم انی اسئلک باسمک الله الله الله الذی لا اله الا هو رب العرش

العظیم فرمود که هرگز دعا نکردم و باین دعا و رای هیچ چیز مگر که مستجاب شد دعا در وقت
رعد چون آواز رعد بشنوی و صاعقه ببینی بگو اللهم لا تقتلنا بغضبک و لا تهلکنا
بعذابک و عافنا قبل ذلک چون باران آید بگو صیبا هنیئا دعا جهت باد منقول است
از حضرت صادق ع که چون باد بسیار بود ذکر بسیار بگو بعد از ان بگو که اللهم انی
اسئلک خیر ما جائت به الریاح و خیر ما فیها و اعوذ بک من شرها و شر ما فیها اللهم اجعلها
علینا رحمة و علی الکافرین عذابا و صلی الله علی محمد و آله دعا جهت زراعت منقول است
از امام محمد باقر ع که چون خواهی که زراعت کنی قبضه تخم بردار بدست خود و روی بقبله
کن و سه بار بگو ءانتم تزرعونه ام نحن الزارعون بعد از ان بگو بل الله
الزارع لا فلان و نام صاحب زراعت ببر و بگو اللهم صل علی محمد و آل محمد و اجعله حبا
مبارکا و ارزقنا فیه السلامة و العافیة و السرور و الغبطة و التمام و اجعله
حبا متراکبا و لا تحرمنی خیر ما ابتغی و لقنی بما تمنیت بحق محمد و آله الطیبین
پس این قبضه که در دست داری بیفشان دعا در بیابان یا ارض ربی و ربک الله
اعوذ بالله من شرک و شر ما خلق فیک و من شر ما یحاذر علیک اعوذ
بالله من شر کل اسد و اسود و حیة و عقرب من ساکن البلد و من والد و ما ولد
افغیر دین الله یبغون و له اسلم من فی السموات و الارض طوعا و کرها و الیه یرجعون
الحمد لله بنعمته و حسن بلائه علینا فانه لا حول و لا قوة الا بالله و سوره الکهف را
بخواند هیچ درنده و پرنده و عقرب بوی گزند نرساند اگر چه بر بالای مار خفته باشد
منقول است از ابی عبدالله ع که هر که عطسه شنود و حمد و ثنای بجای آورد و صلوات بر محمد

وال

و آل او بفرستد هرگز درد چشم و درد دندان نکشد بعد از ان فرمود که اگر بشنود و اگر چه در
میان ایشان دریایی باشد باید که ترک نکند منقول است از امیر المومنین ع که هر که عطسه
آید و الحمد لله رب العالمین علی کل حال بگوید هرگز درد گوش و دندان نکشد منقول است از امام
محمد باقر ع که چون کسی سه بار عطسه زند یرحمک الله بگو و چون بعد از آن عطسه کرد ترک کن
امیر المومنین ع فرمود که حضرت رسالت ص فرمود که چون برادر شما را عطسه آید و شما ترک تسمیت
او کنید روز قیامت بر شما دعوی خواهد کرد و برای او حکم خواهد شد و رسول ص فرمود که چون
کسی عطسه کند و او را علتی باشد که نتواند الحمد لله بگوید و سکوت کند فرشتگان اجابت او الحمد لله بگو
یند و اگر او این حمد گفت فرشتگان گویند یغفر الله لک یعنی خدا ترا بیامرزد منقول است از
نسیم خادم حسن بن علی عسکری ع که گفت بعد از ولادت صاحب الزمان شبی پیش او رفتم مرا
عطسه آمد گفت یرحمک الله نسیم گفت که شاد شدم باین گفتن بعد از ان گفت بشارت دهم ترا گفتم
بلی فرمود که عطسه امان است از مرگ تا سه روز مرویست که شخصی نزد امام محمد باقر ع عطسه
کرد آنحضرت فرمود خوب چیز است عطسه در راحت بدن است باید که در آن وقت خدا را یاد
کند و صلوات بر محمد و آل او فرستد گفتم که همسایگان عراق روایت میکنند که در سه موضع صلوات
نمی باید فرستاد در وقت عطسه و در وقت ذبح و در وقت جماع پس آنحضرت فرمود که بار خدایا
اگر ایشان دروغ گفته باشند شفاعت محمد ص روزی ایشان نگردان منقول است از ابی عبدالله
که هر که بگوید چون عطسه کسی بشنود الحمد لله علی کل حال ما کان من امر الدنیا و الآخرة و صلی علی
محمد و آله درد دهان نبیند و نیز منقول است از حضرت رسول ص که چون کسی عطسه کند هر که پیش

از انکس الحمد لله بگوید در دو دندان و شکم منقولست از امام جعفر ع که چون آدمی عطسه
کند والحمد لله بگوید او دو فرشته که بر او موکلند گویند رب العالمین کنز لا شریک له پس چون
آدمی از ایشان بگوید آن دو فرشته گویند صلی الله علی محمد و چون آن را گفت گویند و صلی علی محمد و آل
محمد پس چون از این گفت فرشتگان گویند یرحمک الله مرویست از امیر المومنین ع در حدیث
طوبی که چون یکی از شما عطسه کند بگوئید یرحمک الله عبد الله بن یعفور گوید که حاضر شدم
در مجلس ابی عبد الله ع که شخصی عطسه داد آنحضرت فرمود یرحمک الله اهل مجلس گفتند این
بعد از آن ابو عبد الله ع عطسه داد اهل مجلس بیک دیگر نگر دند پس آنحضرت فرمود بگوئید
اعلی الله ذکرک و در روایت دیگر منقول است از ایمه امام ع که چون کسی را عطسه آید باید که
انگشت سبابه را بر سر بینی نهد و بگوید الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطیبین
رغم انف الفایذ کر الله تعالی از عمادی اصابع اغر مستنکف ولا مستحیم و چون دیگری عطسه کند بگوی
یرحمک الله یکبار یا دو بار یا سه بار زیاد نشود بگوید شفاک الله و چون کسی خواهد دعای عطسه مینی را
بگوید یرحمک الله و از زن عافاک الله و از کودک زرعک الله و از مریض شفاک
الله و از ذمی هداک الله و از نبی و امام صلی الله علیک و چون رد کند گوید یغفر الله
لنا و لکم روایت کند ابو بصیر از ابو عبد الله که فرمود بسیاری عطسه برماند صاحب عطسه را
از پنج چیز اول جذام دوم باد پلید در گوش سیوم نزول آب در چشم چهارم سده
در خیشوم پنجم برآمدن موی در چشم امام علیه فرموده که چون عطسه زیاده شود و خواهی
که کم گردد دانگی از روغن مرزنجوش در دماغ کن راوی گوید به تجربه رسید

رفت و هم از آنحضرت منقولست که رسول ص فرمود بد بر سنی و راستی که بعضی دلیل اما
فلیست و راحت بدن در دفع فراموشی سکونی روایت کرده از نوفلی و از ابی
عبد الله ع که هرگاه شیطان ترا چیزی فراموش گرداند دست خود را بر پیشانی خود بنه بگو
اللهم انی اسئلک یا مذکر الخیر و فاعله و الآمر به ان تصلی علی محمد و تذکرنی ما انسانیه الشیطان

باب یازدهم در آداب بیماران و علاج و آنچه متعلق است بآن بر پنج فصل

بیماران و پرسش کردن او و علاجش مرویست از ابی عبد الله ع که رسول ص فرمود که
حمی جزو بنده مرگست و زندان خداست در زمین و گرمی او از جهنم است و او حظ مومن است
از آتش امام زین العابدین ع فرمود نیکو و جعیت حمی تب بهر عضو را نصیب او از بلا و خیر نیست
برانکه مبتلا شد بران محمد بن احمد روایت کند از یوسف بن اسمعیل باسنادش که او گفت
بنده مومن چون یک تب کشید گناهان او میریزد چون برگ از درخت و چون بر فراش
خود خسپید بنالد او تسبیح است و فریاد او تهلیل و گردیدن او بر فراش همچو کسی است که شمشیر زده
در راه خدای تعالی و در این حال خدا را عبادت کرده در میان اصحاب خود و آمرزیده شود
پس خوشحال او اگر بدین حال بمیرد و وای اگر باز گردد و عافیت دوستر است از آن مرویست
از امام زین العابدین ع که تب یکشبه کفاره گناهان یکساله است زیرا که الم آن در جسد منقول
است از ابی عبد الله ع که هیچ مرضی و صداعی و عرقی نیست مگر بسبب گناه چنانکه در کتاب
کریم وارد شده که و ما اصابکم من مصیبة فبما کسبت ایدیکم و یعفوا عن کثیر یعنی هر مصیبت
که بشما رسد آن بسبب کسب دست شماست و از بسیاری عفو میکند و آن بیشتر از آن است

مواخذه می نماید منقول است از ابی عبد الله ع که تب یکشب کفاره یکسال است و پس آن راست

و دیگر فرمود هر که شب خسته شود و بقبول آن تلقی کند و شکر آن ادا نماید کفاره گناه شصت

ساله او شود راوی گوید پرسیدم قبول او چیست فرمود صبر کردن بر دردی که در آن چنگی است

مرویست از امام محمد باقر ع که بیداری یکشب در مرض افضل است از عبادت یکسال و

زراره نقل میکند از یکی از ایشان که بیداری یکشب از مرض یا وجع فاضلتر است و بزرگتر

پس خدای تعالی از روی اجر از عبادت دو ساله و تب سه شبه برابر است با عبادت هفتاد

ساله گفت پرسیدم که اگر به هفتاد ساله نرسد گفت پدر و مادر او را باشد گفت اگر پدر و مادر

به هفتاد ساله نرسند فرمود خویشان و همسایگان او را باشد منقول است از امام رضا ع

فرمود که مرض مؤمن پاک شدن است و رحمت و مرض کافر عذاب است و لعنت و مرض با مومن

همیشه می باشد تا بر وی گناه نماند دیگر فرمود که درد سر یکشبه محو میکند همه گناهان را مگر کبیره ابو ابراهیم ع

روایت کند که رسول ص فرمود که مریض را چهار خصلت است اول رفع قلم از وی دوم امر کردن

خدای تعالی فرشته که بنویسد هر فضلی که او کرده است سیوم بیرون آوردن مرض گناهان از هر

عضوی که در جسد اوست چهارم آنکه اگر بمیرد آمرزیده میرد و اگر زنده ماند آمرزیده میزید روایت

از پیغمبر ص که چون مرد مسلمان ضعیف میگردد خدای تعالی در دیوان اعمال او بنویسد بهتر از آن عملی

که در حالت صحت میکرد و بریزد گناه او چنانکه میریزد برگ از درخت منقول است از ابی عبد الله

فرمود که چون خدای تعالی بنده را دوست دارد نظر میکند بسوی او و چون نظر کند بسوی او

یک تحفه از سه تحفه بجهة وی میفرستد یا تب یا درد چشم یا درد سر منقول است از امام موسی ع

فرمود که چون بنده مؤمن مریض شود خدای تعالی باصحاب شمال وحی کند که منویسید گناهان

بنده

بنده مرا مادامی که در زندان منست و باصحاب یمین وحی کند که بنویسید از حسنات بنده من

که در صحت او می نوشتید در صبر بر علت روایت کند امام محمد باقر ع از رسول ص که حق تعالی

میفرمود که چون بنده مبتلا گردانم و او صبر پیشه کند و تا سه روز نزد جمعی که بعیادت او

می آیند شکایت نکند از بیماری خود را عوض دهم گوشتی بهتر از گوشت او و پوستی بهتر از

پوست او و خون بهتر از خون او و اگر بمیرانم او را در رحمت خود برسانم و اگر زنده گردانم

او را از گناهش پاک سازم منقول است از حضرت رسول ص که بنده را مصیبتها میرسد تا

آنکه بر زمین میرود تا بر وی هیچ گناه نماند ابو عبد الله ع فرمود که عیادت کنید بیماران

خود را و از ایشان دعا طلب نمائید که دعای ایشان برابر دعای فرشتگان است و هر که یکشب بیمار

شود و آن بیماری را قبول کند خدای تعالی مرض او را بعبادت شصت ساله بنویسد پرسیدند که قبول

او چیست فرمود که او درد خود را بهیچ کس شکایت نکند ابو عبد الله ع فرمود که شکایت آن

است که مریض گوید مبتلا شدم ببلائی که هیچ کس مبتلا نشده و مصیبتی دیدم که هیچ کس ندیده و اما

این و شکایت آن نیست که گوید دوشینه بیداری کشیدم امروز تب دارم امیر المؤمنین ع

فرمود در مرض هیچ اجری نیست ولیکن هیچ گناهی نیست که مرض آن را محو نکند پیغمبر ص

فرموده که حق مسلمان بر مسلمان آنست که هر گاه به وی رسد سلام کند و چون [illegible] شود

به پرسش او رود و چون بمیرد مشایعت جنازه او کند و فرمود که من همسایه خود را پرسش میکنم

و دیگر فرمود که تمام عبادت مریض آنست که دست خود را بر مریض نهد و گوید چون صبح کردی و صباح

چون شد و شب چون گذشت و تمامی تحیت شما مصافحه است از ابی عبد الله ع فرمود که بندگان بهشت

و نیت او با مقبول
زبان و اصل به نیست
و با خدای بسبب
صدق نیت و خلوص
طوبی بسیار است
میرد و در پرسش
بیمار ص

باید مریض یاران خود را از مرض خود خبردار کند که عیادت او کنند تا او و یاران ماجور گردند
پرسیدند که اجر یاران بسبب پرسش بسیار است اما اجر بیمار بسبب چه باشد فرمود بسبب
انکه مریض از برای یاران حسنات کسب میکند اجر می برد پس بجهة این از برای بیمار حسنه
می نویسند و ده درجه بلند می شود و ده گناه محو میگردد و باید که اولیاء میت یاران میت را
اعلام نمایند که بجنازه وی حاضر شوند و برای میت دعا و استغفار نمایند تا برای ایشان
کسب اجر و برای میت کسب استغفار شود حضرت امیر المؤمنین ع بعیادت صعصعه بن صوحان
فرمود گفت یا صعصعه مفاخرت مکن بر یاران خود بانکه من ترا عیادت کردم و نظیر بخود کن که
تو بر سید و باید که ترا اهل از راه ببرد و امام جعفر ع فرموده که در درد چشم را پرسش نیست
و پرسش مریض پیش از سه روز نیست و بعد از آن یکروز پرسش کند و یکروز نه و چون مرض
دراز کشد مریض را با عیالش بگذارید امیر المؤمنین ع فرمود که هرکه پرسش بیمار کند و در نشستن
تخفیف نماید او را نزد خدای تعالی اجر عظیم است مگر آنکه بیمار نشستن او را خواهد و نیز فرموده
که از تمامی عیادت مریض است آنکه یکدست خود را بر دست مریض نهد یا بر پیشانی وی
نهد منقول است از ابی عبد الله ع که چون روز قیامت شود حق تعالی خطاب فرماید بنده
را از بندگان و گوید یا مؤمن چه مانع شد ترا که عیادت من نکردی وقتی که من مریض
شدم آن بنده گوید که بار خدایا تو خدای منی و من بنده توام تو حی و قیومی که ترا
درد و الم در نمی یابد تو از آن منزهی پس حق تعالی فرماید که هرکه مؤمنی را برای رضای من
عیادت کند پس مرا عیادت کرده باشد پس گوید آیا می شناسی فلان بن فلان را بنده

کوید

گوید بلی یا رب فرماید چه مانع شد ترا از عیادت او که اگر او را عیادت میکردی حاجت
ترا روا میکردم و ردی نمی نمودم ابو الحسن ع فرموده چون کسی از شما بیمار شود باید که
اجازت دهد که مردم نزد او در ایند که هیچکس نیست الا آنکه او را دعای مستجابی هست
در روایت است که رسول ص وقتی که عیادت سلمان کرد فرمود ای سلمان در علت تو سه
خصلت است تو بذکر خدای تعالی مشغولی و دعای تو مستجاب است و این مرض بر تو
گناهی نمیگذارد الا آنکه محو میکند و چون خواست که برخیزد فرمود یا سلمان کشف الله ضرک
و غفر ذنبک و حفظک فی دینک و بدنک الی منتهی اجلک منقول است از ابی عبد
الله ع که هر مؤمنی که عیادت برادر مؤمنی کند اگر صباح بود هفتاد ملک بشایعت او
کنند و چون بنشیند پیش بیمار مستغرق رحمت الهی شود و تا شبانگاه از برای وی استغفار
کنند و اگر شبانگاه بود هم مثل این تا صباح منقول است از امام محمد باقر ع که موسی با خدا
تعالی مناجات کرد و گفت یا رب اجر عیادت مریض تا بچه حد است حق تعالی فرمود هرکه عیادت
مریض کند ملکی بر وی موکل گردانم که در قبر تا روز قیامت عبادت او کند منقول است
از ابی عبد الله ع که رسول ص فرموده که هرکه عیادت مریض کند منادی از آسمان بنام او
ندا کند که ای فلان خوش باش و نیز فرمود اجر بزرگیست کسی را که در عیادت مریض
در نشستن تخفیف کند و دیگر فرمود که چون بعیادت مریض روید دعا کنید که آن دعا مانند
دعای فرشتگان است دیگر فرمود که هرکه در راه برای خدا مریض را عیادت کند هر دعایی که مریض
را عیادت کند هر دعای که مریض کند البته مستجاب شود امیر المؤمنین ع فرموده الخ در

بیماري بکودکی میرسد کفارهٔ پدر و مادر اوست روایت میکند غلامي از
غلامان امام جعفر ع که غلامي خسته بود از غلامان آنحضرت و ما جمعي از غلامان
لعیادت او میرفتیم آنحضرت در راه بما رسید فرمود اتفاق کرده اید کجا میروید گفتیم
پرسش فلان فرمود که آیا با شما هست سیبي یا بهي یا ترنجي یا قدري از بوي خوش
یا پارهٔ از عود گفتیم با ما از اینها هیچ نیست فرمود که آیا نمیدانید که بیمار را راحت
مي یابد اگر از براي او چیزي مي برند در معالجه بیمار حضرت رسول ص فرموده که دوا کنید
که خداي تعالی هیچ دردي نفرستاد که با وي دوا نفرستاده باشد و دیگر فرمود موت مردم
بگناه بیشتر است از مردن باجل و حیات مردمان به نیکوي بیشتر است از حیات او
و عمر و هم مرویست که هیچ علتي نیست مگر از گناه و عفو خدا از گناه بیشتر است و هم
مرویست که دو کس معلوم اند تندرستي که بد و اخو کرده باشد و خسته که در دوا خلط کرده
و دیگر فرمود که از دوا پرهیز کن آنقدر که بدن تو تحمل کند درد پس چون تحمل نتواند
پس دوا کن منقول است از ابي عبد الله ع که پیغمبري از پیغمبران او را مرضي عارض شد
گفت دوا نمیکنم تا آنکه مرا مریض گردانیده شفا کرامت کند پس خداي تعالی وحي فرستاد
که شفا از منست لیکن تا دوا نکني شفا نمیدهم و منقول است از امام رضا ع که اگر مردم
طعام اندک خورند هر آینه بدن ایشان صحیح باشد منقول است از ابي عبد الله ع که پرهیز
کردن از چیزي ترک آن نیست بلکه پرهیز کردن کم کردن است آن منقول است از
امام محمد باقر ع که پرهیز کردن سر همه دواهاست و معده خانه درد است و بدن را بانچه معتاد

مبکرداني

مبکرداني معتاد میشود و هم منقول است از رسول ص که نباید کسي را که شب خواب کند
الا آنکه وصیت او زیر سر او باشد و نیز منقول است از حضرت رسول ص که هر کس
که نیکو وصیت نکند در عقل و مروت او نقصان است امیر المؤمنین ع فرمود که هر کس
وصیت کند و از آن نترسد و معرفت بکسي رسانند آنجا است که بآن وصیت تصدق
کرده باشد منقول است از امام جعفر ع که بر هر مسلمان وصیت کردن حقست و هم
فرمود هر کس که در وقت مردن براي خویشاني که میراث نمي برند وصیت نکند مرختم
عمل خود بمعصیت کرده

در باب شفا طلب کردن از قرآن مجید در جمیع امراض

رسول ص فرمود که هر که بسبب قرآن شفا نطلبید خداي تعالی او را شفا ندهد منقول است
از امام جعفر ع که هر که صد آیه قرآن بخواند از هر آیات که خواهد پس هفت بار بگوید الله
اکبر بر سنگ خاره دعا کند کنده شود منقول است از ابو الحسن ع که هرگاه از کسي ترسي پس
صد آیه از قرآن بخوان از هر جا که خواهي پس سه نوبت بگو اللهم اکشف عني البلاء

سورهاي

منقول است از امام موسي ع که در قرآن شفا از هر دردي هست در فضیلت قرآن فاتحة
الکتاب منقول است از امام محمد باقر ع که هر کرا علتي عارض شود هفت نوبت سورهٔ ام
الکتاب بخواند و اگر ساکن نشود هفتاد بار بخواند ساکن گردد و منقول است از رسول ص که خوا
ندن فاتحه شفاي تمام دردهاست پس اگر کسي صد نوبت بخواند اگر روح از بدنش رفته باشد
خداي تعالی روحش را باز پس دهد منقولست از ابي عبد الله ع که گفت اگر هفتاد نوبت
الحمد را بر بدن مرده بخواني روح در بدن او درآید عجب نباشد سورهٔ انعام منقول است

ازامام محمد باقر ع که هرگاه نفس ترا علتی باشد و از آن ترسی سوره انعام بخوان که ترا
از آن علت مکروهی نرسد سوره نحل منقولست از امام محمد باقر ع که هر که سوره نحل را
هر ماه بخواند هفتاد نوع از انواع بلا که آسان تر آن جنون و جذام و برص است از و بگردد
و سوره لقمن روایتی آن است که از برای احتراز از ابلیس و لشکر و تابعان او بخواند سوره
یس منقول است که هر که هر شب بخواند حق تعالی در آن شب ملائکه را بر و موکل گرداند که او را محافظت
کنند از ابلیس و لشکر او تا شب دیگر و همچنین مرویست از ابی عبد الله ع بدرستی که هر چیز را دلیست
و دل قرآن یس است پس هر که سوره یس بخواند پیش از آنکه خواب کند یا در روز بخواند
پیش از آنکه شب شود تا شب از جمله محفوظان و مرزوقان بود و هر که در شب بخواند پیش از آنکه
خواب کند حق تعالی هزار فرشته را برای موکل گرداند که او را نگاه دارند از شیطان رانده درگاه
و از هر آفتی که پیش آید تا سحرگاه و اگر بمیرد در آن خواب خود حق تعالی درآورد او را در بهشت
و در روایتی دیگر وارد است که اگر بخواند برای دنیا و آخرت یکهفته نگه داشت از هر آفت
و بلیت در نفس و اهل و مال و برای هر حاجت که باشد روا گردد مرویست از امام موسی ع
که هر کس که مغلوب غفلت شده باشد سوره یس بخواند یا بنویسد و بخورد دیده شود و اگر با آب
زعفران بنویسد در ظرفی از شیشه و بخورد بهتر بود منقول است از ابی عبد الله ع که
هر که در روز جمعه سوره والصافات بخواند همیشه از جمیع آفات محفوظ باشد و هم آفات
و بلیات دنیا از و دفع شود و در روزی بر وی گشاده شود و از شیطان رانده و از هیچ

ستمگر و متکبر آفتی بمال و ولد و بدن وی نرسد و روایتی دیگر آن است که از برای شرف
و عز و جاه دنیا و آخرت بخواند و هم از آن حضرت مرویست که هر که سوره زمر بخواند در شب یا
در روز حق تعالی او را شرف دنیا و آخرت عطا فرماید و عزیز گرداند او را بی عشیره و مال
و هر که سوره والطور بخواند جمع فرماید حق تعالی برای او خیر دنیا و آخرت را هر که در شب جمعه سوره
الواقعه بخواند حق تعالی او را دوست دارد و هم خلایق را دوست او گرداند و در دنیا آفت نبیند
و فقر و فاقه نکشد و هر که در نماز فریضه سوره مجادله بخواند در اهل و دین و مال وی هیچ بدی
واقع نشود امام زین العابدین ع فرمود هر که در فرایض و نوافل نمازها سوره الممتحنه بخواند
حق تعالی دل او را با ایمان مزین گرداند و چشم او را روشن سازد و با اولاد وی فقر و جنون
نرسد و در میان مردمان محمود و ممدوح باشد و ابو عبد الله ع فرمود هر که سوره قل اوحی
بسیار بخواند از خشم و سحر و کید و جنیان ایمن شود و هر که سوره مزمل در نماز خفتن
یا آخر شب بخواند و روز گواه حال او باشند با سوره رفیع و او را زندگی خوش و خوب
روزی گرداند و هر که سوره والنازعات بخواند به بهشت نرود مگر سیر آب و نیابد
او در دنیا و آخرت نه سختی و نه عذاب و هر که سوره والسماء ذات البروج را بر آب
بخواند و بخوراند کسی را که مار و عقرب گزیده باشد هیچ مضرت نیابد ان شاء الله تعالی
و هر که سوره انا انزلناه در فریضه از فرایض بخواند منادی ندا کند که ای بنده خدا حق تعالی
گناه گذشته ترا آمرزید پس عمل از سر گیر و هر که سوره اذا زلزلت در نمازهای نافله

بخواند بزلزله و صاعقه و آفات دنیا گرفتار نشود و هر که سورهٔ ویل لکل در فرایض بخواند
فقر و فاقه از و زایل گردد و در روزی بروی او گشاده شود و مردن بد از و دفع
شود و هر که سورهٔ قل یا ایها الکافرون و قل هو الله احد در فریضه بخواند حق تعا
بیامرزد او را و مادر و پدر و ولد او را و اگر شقی باشد نام او را از دیوان شقیان
محو کند و در دیوان سعدا ثابت بسازد در زندگی سعید باشد و شهید میرد و در روز شهید
را نگیخته شود منقول است از امام رضا عم که حضرت رسول صلعم فرمود که چون شما
را درد سر باشد یا غیر آن دستها را بگشایند و فاتحه الکتاب و قل هو الله و معوذتین
بخوانید و دستها را بروی خود بمالید هر مرضی که باشد برطرف شود مرویست از ابی عبد
الله عم که خدا تعا در عوض فدک تب را مطیع فاطمه عم کرد انید پس هر که فاطمه و فرزندان
او را دوست دارد و مرض تب برو طاری شود هزار بار قل هو الله احد بخواند
و بحق فاطمه عم دعا کند مرض تب از و زایل شود و هر که سورهٔ اذا جاء نصر الله در نماز نافله
بخواند خدای تعا او را بر جمیع دشمنان نصرت دهد منقول است از ابی عبد الله عم
که هر گاه مرضی و سختی رسد و در آن مرض و شدت قل هو الله احد نخوانده باشد و در
آن مرض بمیرد پس او از اهل دوزخ است و دیگر فرمود هر که بر فراش خود یازده بار قل هو الله
احد بخواند در خانه خود و در خانهایی که در گرد اوست همه محفوظ ماند جهت دفع تب و درد

(در سر)

(تب و درد سر)

سر منقولست از ابی عبد الله عم که این بنویسید و بر بازوی راست و ببندید که بسم الله
الرحمن الرحیم سورهٔ الحمد و معوذتین و قل هو الله احد تمامی دیگر بسم الله الرحمن الرحیم رب
الناس اذهب البأس واشف یا شافی فانه لا شفاء الا شفاؤک لا تغادر سقما
بیدک الخیر انک علی کل شیء قدیر وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین
بسم الله الرحمن الرحیم قلنا یا نار کونی بردا وسلاما علی ابراهیم کذلک صاحب
کتابی هذا برحمتک یا ارحم الراحمین بسم الله الرحمن الرحیم وله ما سکن فی اللیل
والنهار وهو السمیع العلیم اسکن ایها الصداع والالم بعزة الله اسکن
بقدرة الله اسکن بجلال الله اسکن بعظمة الله اسکن بلا حول ولا قوة
الا بالله العلی العظیم فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم وذا النون اذ ذهب مغا
ضبا فظن ان لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحا
نک انی کنت من الظالمین فاستجبنا له ونجیناه من الغم وکذلک ننجی المؤمنین
ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم حسبنا الله ونعم الوکیل وصلی الله علی محمد
وآله وسلم تسلیما جهت دفع تب و غیر آن نقلست که یکی از اصحاب ابی عبد الله عم را تب
تب طاری شد آنحضرت فرمود که بکش یک تکمه جامهات را و سر خود را بگریبان فرو
و بانگ نماز و اقامت بگو و هفت بار الحمد بخوان گفت چنین کردم از آن مرض

مرض خلاص شدم و نیز جهة دفع تب و غیر آن روایتست که ابی عبدالله ع فرمود بشخصی
که دور سر خود را در جیب خود و بانگ نماز و قامت بگو و فاتحه بخوان و قل هو الله و معوذتین
بخوان لیکن قل هو الله را سه بار بخوان و بگو اعیذ نفسی بعزة الله و بجمیع الله و برسول الله
و بعترته صلی الله علیه و آله و بولاة امر الله من شر ما اخاف و احذر و اشهد ان
الله علی کل شیء قدیر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و صلی الله علی محمد و آله
اللهم اشفنی بشفائک و داونی بدوائک و عافنی من بلائک و در روایتی دیگر آن
است که فرمود داخل کن سر خود را در جیب خودت و بانگ نماز و قامت بگو و فاتحه و
معوذتین بخوان و قل هو الله و آخر سوره حشر را سه بار بخوان آنگاه بگو اعیذ نفسی تا آخر که
مذکور شد منقول است از حماد بن عثمن که ابو عبدالله ع فرمود بمردی که او گفت تب من
دراز کشید گفت بنویس آیة الکرسی را در ظرف و بخور آب بشوی و بخور جهة تب بنویسند و
و بیاویزند بر بازوی راست بسم الله الرحمن الرحیم و لو ان قرآنا سیرت به
الجبال او قطعت به الارض او کلم به الموتی بل لله الامر جمیعا یا شافی یا کافی
فی یا معافی بالحق انزلناه و بالحق نزل و بنویس الم نشرح تا آخر رب
الناس انت الشافی لا شفاء الا شفاؤک انی وهن العظم منی
و اشتعل الرأس شیبا و لم اکن بدعائک رب شقیا باسم فلان بن فلان

بن فلان جهة دفع تب نافض بسم الله مرج البحرین یلتقیان بینهما برزخ
لا یبغیان و حجرا محجورا یا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم الا ان حزب الله
هم الغالبون جهة دفع تب ربع مرویست از امام حسن عسکری ع که بنویس بر
کاغذ پاره یا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم و بیاویزد در کسی که تب ربع دارد و بهر
او را این تب گرفت بنویس این آیه را قل الله اذن لکم ام علی الله تفترون و این
را نیز بنویس لطلط لطلطلط و بگوی بسم الله بنام خدای تعالی تب فلان کس را و بر ساق
جب او ببندد رای درد سر و شقیقه منقولست از ابی عبدالله ع که این آیات قرآنی
را بخوانند و لو ان قرآنا سیرت به الجبال او قطعت به الارض او کلم به الموتی بل لله
الامر جمیعا تکاد السموات یتفطرن منه و تنشق الارض و تخر الجبال هدا و جعلنا
من بین ایدیهم سدا و من خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون یا ارض ابلعی
و یا سماء اقلعی و غیض الماء و قضی الامر و استوت علی الجودی و قیل بعدا للقوم
الظالمین مرویست که مردی شکایت کرد نزد امام جعفر ع از درد سر فرمود که بنه دست
خود را بر موضعی که درد میکند و آیة الکرسی و فاتحه بخوان و بگو الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله
و الله اکبر مما اخاف و احذر و اعوذ بالله من عرق نعار و اعوذ بالله من
حر النار جهة درد سر روایت کند عمر بن حنظله که شکایت کردم پیش امام محمد باقر ع

ازدرد سری که مرا بیشد فرمود که در الحالت بنه دست خود را بر میان سر خود و بگو لو کان
معه الهة کما تقولون اذا لابتغوا الی ذی العرش سبیلا و اذا قیل لهم تعالوا الی ما
انزل الله والی الرسول رایت المنافقین یصدون عنک صدودا جهة درد شقیقه
منقولست از امام رضا ع بسم الله الرحمن الرحیم ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا و هب
لنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب ربنا انک جامع الناس لیوم لا ریب
فیه ان الله لا یخلف المیعاد و بنویسد اللهم انک لست باله تا آخر و زود دما

استحدثناه

که این دعا در فصل چهارم بعد ازین مذکور شود ان شاء الله تعالی جهة درد سر با عبران
پس دست خود را بر آن موضع بنهد و بگوید اسکن سکنتک بالذی سکن له ما فی اللیل
والنهار و هو السمیع العلیم منقول است از امام جعفر ع که وقتی که در کسی کاهلی شده
باشد و یا درد چشمی یا درد سری رسیده باشد دستها را بگستراند و بگشاید و سوره
فاتحه و معوذتین بخواند پس دست خود را بر روی خود بکشد دردی که در روی دا
باز زایل شود عمر بن ابراهیم گفت شکایت کردم پیش امام رضا ع از درد سر بسیار
و از امری که عارض میشد مرا از شنیدن فرمود که ازین سبزی که برگ او بجیده
و اورا لباب میگویند بر سر خود بنه و بفرما که بر سر کودکان بنهند که نافع است باذن
الله راوی گوید که چنان کردم وجع ساکن شد هم از وی منقول است که درد

درد سر

درد سر

را سر بخار رنگ کند افسون شقیقه بسم الله الرحمن الرحیم ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا
انک انت الوهاب اگر خوش شد فبها و الا بگیر بخود سعیدی و دو نیم کن و بکوب چنانکه
نرم شود و بخوان بر وی سه نوبت قل هو الله و بر ریش نه تا بخورد که شفاست شکایت
کرد مردی نزد ابی عبد الله ع از درد سر فرمود که نزدیک من شو و دست مبارک را
بر سر من نهاد و خواند این آیه را ان الله یمسک السموات والارض ان تزولا
ولئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده انه کان حلیما غفورا ابن عمار
گفت شکایت کردم نزد ابی عبد الله ع از درد شقیقه فرمود که چون از نماز فارغ
شوی انگشت سبابه راست را میان دو چشم خود بنه هفت نوبت بگو یا حنان
اشفنی پس انگشت را بر ابروی بمال بعد از آن دست راست بر میان سر خود بنه و بگو
یا من سکن له ما فی اللیل والنهار و ما فی السموات والارض صل علی محمد و آل محمد و
نافعی جهة درد چشم منقول است از امیر المومنین ع که هر کرا درد چشم باشد باید که آیة
الکرسی بر چشم بخواند و در دل خود بگذراند بدرستی که برکت آن صحت می یابد ان شاء الله تعالی
و منقول است که هر که هر روز این آیه بخواند که فجعلناه سمیعا بصیرا چشم او از
آفات سالم باشد و همچنین اگر سه نوبت بخواند بر آب این آیه فکشفنا عنک غطاءک
فبصرک الیوم حدید و آیه ولو نشاء لطمسنا علی اعینهم فاستبقوا الصراط فانی

درد سر

بعد از آن بگو یا حنان اشفنی و انگشت را بر ابروی بمال بعد از آن

درد چشم

درد چشم

يبصرون و بآن آب روي خود را بشويد چشم او از آفات ايمن گردد منقول است
كه حضرت مصطفى صلعم مر سلمان را درد چشم بود فرمود كه هرگاه بخواهي
جب خواب مكن و همچنين هر كس كه آية الله نور السموات والارض تا آية وان
يكاد الذين كفروا تا آخر بتربت امام حسين عم و آب زمزم بر جامي نويسد و از آن
جام بشويد و در شيشه كند و بميل در چشم كشد شفا يابد از براي دفع شب كوري روايت
از ابو يوسف مصعب كلعه كه بحضرت مرتضى علي از زحمت شب كوري شكايت كردم
والتماس كردم كه بمن چيزي تعليم كن كه دفع شب كوري كند آن حضرت فرمود كه آية الله

چشم

نور السموات والارض تا آخر آية بر جامي بنويس و بشوي و در شيشه كن و در چشم بكش
چنان كردم كمتر از صد ميل كشيده بودم كه چشم من بهتر از آن شد كه اول بود
همچنين منقول است كه اگر آية كان لم يسمعها كان في اذنيه وقرا ان السمع
والبصر والفؤاد كل اولئك كان عنه مسئولا را بهفت بار بر روغن يا سمين

درد دندان

يا بنفشه بخواند و در گوش چكاند درد گوش را نافع باشد از براي دفع درد دندان سه
نوبت فاتحة الكتاب و سه نوبت قل هو الله احد بخواند و بگويد يا ضرس ابالحار تسكنين
ام بالبارد تسكنين اسكن سكنتك بالذي سكن له ما في السموات وما في الارض
وهو السميع العليم قال من يحيي العظام وهي رميم الى قوله بكل خلق عليم اخرج منها

فانك

فانك رجيم و تخرجهم منها اذلة وهم صاغرون فخرج منها خائفا يترقب
و همچنين بنويسد بر زبان تنك و دنداني كه درد ميكند بر آن نهد بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله لكل نبأ مستقر فسوف تعلمون اتى امر الله فلا تستعجلوه سبحانه وتعالى
عما يشركون فقلنا اضربوه ببعضها كذلك يحيي الله الموتى ويريكم آياته لعلكم
تعقلون من يحيي العظام وهي رميم قل يحييها الذي انشاها اول مرة وهو

ايضا

بكل خلق عليم از براي بستن درد دندان سه نوبت فاتحه و معوذتين بر ميخ آهنين
بخواند بعد از آن آية من يحيي العظام تا عليم بخواند بعد از آن يا ضرس فلان بن فلان ا
اسكنت الحار البارد او بالحار تسكنين ام بالبارد تسكنين بعد از آن بخواند
وله ما سكن في الليل والنهار وهو السميع العليم شددت داءك بالقرس من
فلان بن فلان نه بسم الله بعد از آن بر ديواري زند و بگويد يا الله يا الله يا الله
و همچنين يك برگ سبزي بردارد و بر آن نويسد الذي جعل لكم من الشجر الاخضر
نارا فاذا انتم منه توقدون بعد از آن بر دنداني نهد كه درد ميكند و چند قدم
برود و آن برگ سبز را از پشت سر خود اندازد و باز پس نگاه نكند درد دندان ساكن
گردد ان شاء الله تعالى از براي دفع خون از بيني منها خلقناكم تا آخر يومئذ
يتبعون الداعي تا تمام و قيل يا ارض ابلعي تا آخر آية و من يتق الله يجعل له

زكام

ان گردن

تا آخر و جعلنا من بين ايديهم تا آخر آية و همچنين آية قيل يا ارض ابلعي تا آخر آية
بر پيشاني آنكس كه خون از بيني او آيد بهمان خون يا بزعفران بنويسد ساكن گردد
ان شاء الله تعالى و از براي دفع زكام مرويست از حضرت مصطفى صلعم كه آنحضرت فرموده كه
زكام لشكريست از لشكرهاي خدا كه خداي تعالى او را بر سر زحمتها ميفرستد و زكام زحمتهارا
فرو مي آرد منقولست از ابي عبد الله ع كه روغن بنفشه را در پنبه بردارند و در محل
خواب در مقعد نهد از دفع زكام نافعست ان شاء الله تعالى جهة دفع وسوسهٔ دل آية فا
ذا قرأت القرآن با معوذتين بخواند نافعست منقول است از امير المومنين ع
كه هر كه شيطان او را وسوسه دهد بگويد اعوذ بالله من الشيطان الرجيم و بزبان
و دل بگويد آمنت بالله و رسوله مخلصا له الدين افسون جهة درد دل بخواند اين آية
را بر آب كه لئن انجيتنا من هذه لنكونن من المشركين سيهزم الجمع و يولون
الدبر بل الساعة موعدهم و الساعة ادهى و امر ان الله يمسك السموات
والارض ان تزولا و لئن زالتا ان امسكهما من احد من بعده
انه كان حليما غفورا آن آب را بياشامد و ديگر بنويسد اين را در گردن بياويزد
بسم الله الرحمن الرحيم ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا انك لا تخلف الميعاد
الذين آمنوا و تطمئن قلوبهم بذكر الله تا حسن مآب لئن انجيتنا لنكونن من الشاكرين

براي

ولدلتنگي

حبس بول

براي دفع دلتنگي هفده روز هر روز صباح يكنوبت و شب يكنوبت سورهٔ الم
نشرح بخواند منقولست كه شخصي از درد دل نزد ابي عبد الله ع شكايت كرد آنحضرت
فرمود قرآن بخوان و شفا طلب كن از آنكه حق تعالى فرمود فيه شفاء لما في الصدور
و همچنين آية و اذ قتلتم نفسا تا لعلكم تعقلون نافع است جهة درد شكم سورهٔ
قل هو الله و بسم الله الرحمن الرحيم و آية قل يحييها الذي تا عليم و آية و لو ان
قرآنا تا آخر بنويسد و بروي بياويزد و بروي اين آيات بخواند بسم الله الرحمن الرحيم
ما اصاب من مصيبة تا آخر آية و هذان خصمان اختصموا تا آخر آية فتعالى الله
الملك الحق تا آخر آية لا اله الا الله وحده لا شريك له الملك تا آخر آية و همچنين
و ذا النون اذ ذهب تا آخر آية و فاتحة الكتاب هفت نوبت بخواند نافعست براي درد
پشت نهد الله يا سريع الحب جهت احتبـ[illegible] بول پاي خود را بنويسد و بر ساق
پاي چپ خود بنويسد ففتحنا ابواب السماء تا لمن كان كفر نافعست بفضل
از حران كه نوشتم بامام علي نقي ع كه جان من فداي تو باد نزد ما شخصي هست از
دوستداران شما كه نام او فقيس خادم است و حبس بول دارد و التماس دعا ميكند از
شما كه بركت آن شفا يابد آنحضرت فرمود كه خداي دفع مغفرت تو بكند و از تو مكروه
دنيا را بردارد و مبالغه بسيار نمود با آنكس كه بايد كه قرآن بسيار بخواند كه بركت آن

شفا یابد جهت دفع علت بیش آب در خواب دوا اینست از ائمه امام ع که بستانند دو قدر
از سعد و یک قدر از زعفران و هر یک را جدا بکوبد و سعد را با لا و سعف بپزد و بهم بیا
میزد و بعسل صاف خمیر کند و کلولها از ان ببازد و بر جام آهنین بزعفران بنویسد
که بسم الله الرحمن الرحیم یمسک السموات والارض ان تزولا انه کان حلیما غفورا آیه
جام را ازین آیت بنویسد و سه نوبت و باب بشوید و بریزد در شیشه پاک
ورق آهو بستاند و بنویسد بعد از آن این آیه را و فاتحه و قل هو الله سه بار و معوذتین
و آیة الکرسی و آخر سوره حشر و آخر بنی اسرائیل و دیگر بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم ان الله
یمسک السموات والارض تا آخر آیه و بنویسد که یا من هو یمسک اعزه امسک
عن فلان بن فلانه ما یجده من غلبة البول و این تعوید را بر زانوی او
به بندند اگر زن باشد و اگر مرد باشد به بندند بر زهار او و بر سر ذکر او و در وقت خواب از ان
کلولها از سعد و زعفران حل کند بقدری از ان آب که آنها را بان شسته و بیاشامد
و بگوید من شرب الماء فاذا بسبب ما یجد من غلبة البول ان الله تعالی و تعوید را
از خود دور نکند تا بول نرسد جهت خلاصی دشوار زائیدن بنویسد و بر ساق چپ
زن حامله به بندد که بسم الله الرحمن الرحیم محمد الرسول الله کانهم یوم یرونها لم یلبثوا
الا عشیة او ضحیها اذا السماء انشقت واذنت لربها وحقت و سوره اذا جاء
تا آخر و اولات الاحمال اجلهن ان یضعن حملهن اخرج باذن الله من البطن

باذن الله و قدرته الکامله

الطیبة

الطیبة منها خلقناکم و فیها نعیدکم و منها نخرجکم تارة اخری و همچنین
بنویسند بر ورق آهو و بر ران زن حامله به بندند و هفت نوبت آیه فان مع العسر یسرا
و یکنوبت آیه یا ایها الناس اتقوا ... محل حملها روایت که انا انزلناه بنویسید و بشویند فی لیلة القدر
و آن آب را بخورد و بر فرج او نیز از آن بیفشانند نافع است و نیز نقل است که نزد
زن در وقت زائیدن او انا انزلناه بخوانند زود وضع حمل بشود جهت دفع سبز
بخوانند بر کف هر دو دست صاحب سبز سوره اذا جاء سه نوبت دیگر این آیه را که
ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تا توعدون از سه نوبت بخوانند بعد از ان
هر دو دست را بر سرش بمالد نافع است و همچنین بنویسد آیه ان الله یمسک السموات
والارض تا آخر آیه و انه من سلیمن و انه بسم الله الرحمن الرحیم و بر محل سبز نهند تا فعیت
جهة دفع قولنج روایت کند ابراهیم بن یحیی از ائمه امام ع که بنویسند از برای این مرض سوره
فاتحه و قل هو الله و معوذتین و در پایین آن بنویسند اعوذ بوجه الله الکریم و بعزة الله
التی لا ترام و بقدرت الله التی لا یمتنع منها من شر هذا الوجع و شر ما فیه و من شر ما
اجد منه و اینها را بر لوحی یا بر شانه بنویسند و باب باران بشویند و انکس بیاشامد در وقت
خواب بیاشامند نافع و مبارک است ان شاء الله تعالی جهة دفع قبض شکم این آیات را بخوانند
بر روغن و بر شکم خود افشاند و بر خود بمالد و آیات اینست که بسم الله الرحمن الرحیم ففتحنا
ابواب السماء بماء منهمر تا الواح و دسر ففتحنا علیهم ابواب کل شیء باسم فلان بن فلان

(حاشیه: تتنزل علیهم الملائکة ان لا تخافوا و لا تحزنوا و ابشروا بالجنة التی کنتم توعدون)

كفرواه

بيم شكم

اوله يأ الذين آمنوا وايضاً همچنين مرويست از ابي عبدالله ع كه بنويسيد بجهة دفع بيم شكم
بسم الله المتعلمون الذين لا يعلمون والذين يعلمون قاعدون فوق عليين يأكلون
نور اظهر نا يتسللون صاحبهم من النور العلوي كذلك لشفي فلان بن فلان صحف نوبت
زحمت
افسون كند بعد ازان روغن بران ريزد وچون روغن بر جلد مالد و بخورد ازان
نافع باشد انشاء الله تعالى جهة دفع بواسير مرويست از امام رضا ع كه شخصي با نحضرت از بواسير شكايت

بواسير

كرد فرمود كه سوره يس را با عسل بنويس وبآب بشوي وبخور جهة دفع افليج وغيرآن
منقولست كه شخصي نزد امام محمد باقر ع آمد و گفت مرا خر بيست وگاهي در بازوي او
سستي و بيجري ميشود بمرتبه كه ميخواهد بيفتد آنحضرت فرمود در وقتي كه حايض باشند بشيت
بخته وچهل سه روز بخورد كه نافعست وآنحضرت فرمود كه رفالج وقولنج وبادها ازيم
زحمتي فاتحة الكتاب وقل هو الله وقل اعوذ برب الناس بخواند وبعد ازان اعوذ
بوجه الله العظيم وعزته التي لا ترام تا اجد منه چنانكه قبل ازين مذكور شد بر شانه يا الوحي
بنويسد وبآب بشويد وبناشتا بياشامد در محل خواب نافع باشد ان الله تعالى جهت دفع شكم
جرب وقوباء وچيل بخواند كه بسم الله الرحمن الرحيم ومثل كلمة خبيثة تا اجابه منها خلقنا
كم تارة اخرى الله اكبر ولا تيكبر الله يبقي وانت لا تبقي والله على كل شيء قدير

ساق پا

كسي پيدا شود دردي در ساق ويا منتفخ يا زخمي بنويسد بران ولقد خلقنا السموات
والارض وما بينهما في ستة ايام وما مسنا من لغوب وبنويسد در محل بهق وان

من

من شيء الا عندنا تا يعرجون ومنقولست از امام رضا ع كه خوردن خربزه ناشتا
فالج مي آورد جهة دفع برص وجذام بخوانند بر او وبنويسند وبر او بندند بسم الله الرحمن الرحيم

برص

يمحو الله ما يشاء ويثبت وعنده ام الكتاب الحمد لله فاطر السموات والارض جاعل الملائكة
رسلا اولي اجنحة مثنى وثلاث ورباع باسم فلان بن فلان مرويست كه شخصي
نزد ابي عبدالله ع از برص شكايت كرد فرمود كه از گل قبر امام حسين ع با آب باران بخور
انكس چنين كرد نافع شد مرويست كه يكي از اصحاب گفت كه در من اثر سفيدي برص
پيدا شده بود ابو عبدالله ع فرمود مرا كه سوره يس با عسل بر جاي بنويس وبشوي وبياشام
چنين كردم از آن تمام برطرف شد مرويست كه امام موسى كاظم ع فرموده كه شورباي
گوشت گاو با سلق خشك دفع برص ميكند و يونس بن عمار شكايت كرد نزد آنحضرت
از سفيدي كه در بدن او پيدا شده بود بان فرمود كه مويز را در آب بخيسان وآن آب را بياشام
گفت چنين كردم نافع شد جهة دفع دانهاي كه در بدن ظاهر ميشود بگيرد پاره نمك وبالد
وبه نوبت
بخواند بران لو انزلنا هذا القرآن تا آخر سوره در تنور بيندازد وعلى الفور باز گردد دفع آن
زحمت بشود ان شاء الله تعالى منقولست كه بر سه جو بخواند كه ومثل كلمة خبيثة تا من قرار
وآن سه جو را بران سه دانها بگرداند بعد ازان در محلي دفن كند در آخر ماه هرگاه كه آن
جوها گنده شود آن زحمت برطرف شود همچنين مرويست كه شخصي از امام رضا ع التماس كرد
كه چيزي بدو تعليم نمايد كه دفع دانهها اعضا كند كه آنرا ثولول گويند فرمود كه از براي

از آنها جو ر دارد بخوان بر هر جو از آن هفت نوبت اذا وقعت تا هباءً منبثّاً بعد از آن یکم
این آیه بخوان ویسئلونک عن الجبال تا عوجاً ولا امتاً بعد از آن یک یک از آن جوها را
بر دانه‌های اعضا بمال و در پارچه کرباس نو به بند و سنگی بر آن بیاویزد و در چاه انداز
گفت چنان کردم در روز هفتم و یا هشتم تمام خوب شد همچو کف دست پاک شد و سزاوار آن است
که این عمل در آخر ماه بکند جهت عرق مدنی بنویسد بر آن در وقت خارش آن قبل از آن
که بیرون آید ویسئلونک عن الجبال فقل ینسفها تا ولا امتاً و صبر بر آن طلا کند و این آیه را
نیز بنویسد او کالذی مرّ علی قریة تا مائة عام جهت دفع صرع و ما لنا الا نتوکل علی الله
تا آخر آیه از جهت دفع چشم زخم سوره اذا زلزلت تا آخر فضربنا علی آذانهم تا امداً و آیه شهد الله
و قل ادعوا الله تا آخر سوره لقد جاءکم تا آخر سوره و من یتوکل علی الله فهو حسبه ان
الله بالغ امره نافع است و روایت از امام ابی عبد الله ع که عین حقست و ایمن نیستی از چشم زخم
تو بر تو و نه از چشم زخم تو بر غیر تو هرگاه که بترسی از چیزی سه بار بگو ما شاء الله لا حول و لا قوة
الا بالله العلی العظیم و دیگر فرمود که هرگاه یکی از شما را مهمانش مرتب و مهیا کرده بنوعی که او را
تعجب کند باید وقتی که از خانه بیرون آید معوذتین بخواند که هیچ مضرت باو نرسد باذن الله تعالی
و همچنین فرمود هر که از برادر مؤمنی چیزی ببیند که او را بتعجب انداز د باید که بارک الله بگوید
که عین حقست و حضرت رسول ص فرمود که چشم زخم مرد را بقبر میفرستد و شتر را بقزغان و همچنین
فرمود که افسون نیست مگر در زهر گزندهم و چشم زخم جهت دفع خواب این آیه را که ولما جاء

موسی

موسی لمیقاتنا و کلمه ربه قال رب ارنی انظر الیک قال لن ترانی و لکن انظر الی الجبل
فان استقر مکانه فسوف ترانی فلما تجلی ربه للجبل جعله دکاً و خر موسی صعقاً فلما افاق
قال سبحانک تبت الیک و انا اول المؤمنین بخواند بر آب و بر رو و سر و دستهای خود بمالد
جهت گریخته و گم شده روایت از امام رضا ع که فرمود که از تو چیزی گم شود بگو و عنده مفاتح
الغیب لا یعلمها الا هو یعلم ما فی البر و البحر و ما تسقط من ورقة الا یعلمها و لا حبة فی ظلمات
الارض و لا رطب و لا یابس الا فی کتاب مبین بعد از آن بگو اللهم انک تهدی
من الضلالة و تنجی من العمی و ترد الضالة صل علی محمد و آل محمد و اغفر لی و رد
ضالتی و صل علی محمد و آله جهت شفای مرضها روایت از رسول ص فرمود که جبرئیل ع
بمن دوای تعلیم کرده که با آن بدوای دیگر محتاج نیستم گفتند یا رسول الله آن دوا کدام
است فرمود آب باران را پیش از آنکه بر زمین برسد بگیرند و در ظرف پاک کنند و
سوره الحمد را هفتاد بار بر آن بخوانند و قل هو الله و معوذتین هر یک هفتاد بار
بعد از آن قدحی از آن در صباح و قدحی در وقت شب بیاشامد بحق آنکه مرا بخلق فرستاده
که حق تعالی آن زحمت را از بدن و استخوان و رگهای او بیرون کند و همچنین بگیر هفت
دانه سیاه تخم و هفت دانه مرجمک و گل قبر امام حسین ع و هفت قطره عسل
در آب یا در روغن کند و فاتحه و قل هو الله و معوذتین و آیة الکرسی و اول سوره حدید
تا الی الله ترجع الامور و آخر سوره حشر بر آن بخواند نافع است روایت از امام محمد باقر ع
که و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین یخرج من بطونها شراب

تختلف والوانه فیه شفاء للناس همه دردها را شفاست و حضرت رسول صلعم فرموده
که سیاه تخم هر زحمی را شفاست مگر از مرگ و ما میگوییم بطهر کوفه قبریست که هیچ صاحب
زحمی نباشد که بدان پناه برد مگر که خدای تعالی برکت آن او را شفا دهد و آن قبر اطهر امیر المؤ
منین ع است در طلب کردن شفای بیماران و صدقه دادن و دعا
کردن و نماز گذاردن برای جمیع امراض مرویست از امام جعفر ع که آنحضرت از پدران
بزرگوار خود روایت کرده که حضرت رسول صلعم فرموده که صدقه مانع مردن بد است و
همچنین فرمود که صدقه و صله رحم آبادان میکند دیار را و زیاده میکند اعمار را و دیگر
فرمود که هر که در روز و در شب صدقه بدهد برکت آن صدقه نماند در زیر دیوار و خانه که فرود آید
و از درندها ایمن کرده و بمردن بد نمیرد و همچنین برکت آن صدقه در این شب از بلاها ایمن باشد
منقولست از امام محمد باقر ع که نیکویی و صدقه درویشی را برد و عمر را زیاده میسازد و هفتاد
علت دفع میکند و روایت از معاذ بن مسلم که من در خدمت ابو عبدالله ع بودم که جمعی نزد
آنحضرت گفتند که مردم ما را دردها پیدا شده آنحضرت فرمود که بیماران خود را علاج کنید بصدقه
و نیست بر شما که جمیع قوت خود را که مالک باشید بصدقه دهید بدرستی که برات قبض
روح شخصی بملک الموت داده میشود چون آن شخص صدقه دهد آن برات باز میگردد
و احوال خود را نگاه دارید بزکوة دادن که هر که زکوة مال خود داده باشد بسفر زمین
خشک یا بدریا من ضامنم آن مال را از تلف مرویست از امام موسی ع که صدقه بلای

ضامنم روزم

مبرم

شفای بیما

مبرم را که از آسمان متوجه باشد دفع میکند مرویست از داود بن محمد رقی که گفت
مرا در مدینه تب تندی پیدا شد خبر بامام جعفر ع رسید مکتوبی نوشت بمن مضمون
آنکه بمن رسید که ترا تبی پیدا شده یک صاع گندم بخر بعد از آن بر پشت بیفت و آن
گندم را بر سینه خود بیفشان بهر کیفیت باشد و بگو که اللهم انی اسئلک باسمک
الذی اذا سئلک به المضطر کشفت ما به من ضر و مکنت له فی الارض و جعلته خلیفتک
ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تعافینی من علتی بعد از آن بنشین و گندم را از
اطراف خود گرد کن و همین دعا بخوان و آن گندم بهر مسکین یک مد صدقه کن و همین دعا بخوان
و او گفت که چنین کردم گویا از بند خلاص شدم و بسیاری از مردمان بدین دستور
عمل کردند نافع بود حضرت رسول صلعم فرموده که هیچ چیز رد قضا نمیکند مگر دعا و امام جعفر ع
فرموده که دعا بلا را رد میکند اگرچه بلای مبرم باشد منقولست از امام ابی الحسن ع
که بر شما باد که دعا کنید بدرستی که دعا و طلب از حضرت حق تعالی رد بلا میکند و بلا را که
مقدر گشته و باقی نمانده الا جاری شدن آن هرگاه که آن شخص دعا کرد رد
آن بلا از او میشود منقولست از سلمان فارسی رض که نقل کرده از حضرت رسول صلعم
که آن حضرت فرموده که هیچ چیز عمر را زیاده نمیکند مگر نیکویی و هیچ چیز رد قضا نمیکند
مگر دعا و حضرت امام محمد باقر ع فرمود که حضرت امام جعفر ع هر کس که بپوشاند از
خلق بلایی که باو رسیده باشد و بجز حق جل و علا شکایت کند از آن بر حضرت حق تعالی

منه م

بلاها

... اهم درد ها را

منقولست هرگاه کسی خود این بگوید بسم الله وبالله اللهم اجعله رزقا واسعا وعلما نا
فعا وشفاء من كل داء انك على كل شيء قدير ونيز آنحضرت فرموده هرکرا علتی پیدا شود
ابتدای علاج آن بگل قبر امام حسین ع کند حق تعالی او را شفا کرامت کند از آن علت مگر آنکه علت
مرگ باشد ومنقولست از امام محمد باقر ع که از اهل بیمار کسی که مشتی تربت بر کف دست
خود نهد وبگوید بسم الله سه بار بجلال الله سه بار بکلمات الله التامات سه بار بعد از آن
دست بر سر و روی بیمار بمالد ببرکت آن شفا یابد امام محمد باقر ع فرموده هرگاه یکی از شما بر
سر بیماری رود هفت نوبت بگوید اعیذک بالله العظیم رب العرش العظیم من کل
عرق نعار ومن شر حر النار ونقل میکند از ابی عبد الله ع که بعضی از اولاد آنحضرت را
بیماری پیدا شد فرمود بگو ای پسر اللهم اشفنی بشفائك وداونی بدوائك وعافنی من
بلائك فانی عبدك وابن عبدك وروایتست که حضرت رسول ص یکی از اصحاب خود را
تعلیم فرموده که دست راست خود را بر محلی که درد میکند بنهد وبگوید بسم الله اعوذ
بعزة الله وقدرته من شر ما اجد واحذر وفرموده هرکه بیماری را عیادت کند باید
که بگوید اللهم اشف عبدك ينكأ لك عدوا ويمشي لك الى الصلوة وبجنين منقولست

لازم است که او را از آن باخلاص کند منقولست از ابی عبد الله ع که فرمود که هرکس که
پیش از نزول بلا دعا کند چون بلا نازل شود دعای او مستجاب شود وملائکه گویند این آواز
کسی است که میشناسیم و دعای او از آسمان محجوب نگردد وهرکس که قبل از نزول دعا نکرده باشد در وقت
نزول دعای او مستجاب نگردد وملائکه گویند که این آواز را نمیشناسیم مرویست از امام
موسی ع که فرموده هر زحمتی را دوائیست وفرموده هر زحمتی را دعائیست فرموده دعا که افضل ترین
دعا صلواتست بر حضرت مصطفی وآل او بعد از آن دعا از برای برادر مؤمن خود بعد از آن
دعا از برای خود و در آنچه دوست داری ونزدیکتر وقتی که بنده بخدا نزدیک باشد وقتیست
که در سجده باشد فرمود که دعا فاضلتر است از خواندن قرآن وفرمود که حق تعالی دعای
مؤمن را دیر مستجاب میکند بجهت شوقی که بدعای مومن دارد ومیفرماید که آوازیست که دو
ست میدارم شنیدن آن و دعای منافق زود مستجاب میکند ومیگوید که آوازیست که دوست نمی
دارم شنیدن آن منقولست از ابی عبد الله ع فرمود کسی که از بلائی ترسد وپیش از آمدن آن دعا
کند حضرت حق تعالی آن بلا را ازو دفع نماید و دعای بیمار از برای خود مستجاب است دعای دیگر
منقولست از ابی عبد الله ع فرمود که مینهی دست خود را بر موضعی که درد میکند وسه بار
میگویی الله الله ربی حقا لا اشرك به شيئا اللهم انت لها ولكل عظيمة ففرجها عني
منقولست از یکی از ائمه انام ع که شکایت کردم بحضرت ابی عبد الله ع از دردی که دائم
آنحضرت فرمود که هفت نوبت بگو بسم الله الرحمن الرحيم اعوذ بعزة الله واعوذ بجلال الله
واعوذ بعظمة الله واعوذ بجميع الله واعوذ برسول الله واعوذ باسماء الله من شر

بحث الدعا
حضرت حق تعالی در قران مجید میفرماید که قل ما یعبؤ بکم ربی لولا دعاؤکم

ما احذر

رب ... رب ... یم

اصحاب پیغمبر ص بیمار شده بود نزد آنحضرت آمد پس جبرئیل ع او را تعلیم فرموده بود این بیت
بسم الله ارقیک بسم الله اشفیک من کل داء یؤذیک ومن شر النفاثات فی
العقد ومن شر حاسد اذا حسد و همچنین فرموده که دست خود بر دهن نهد سه بار بگوید بسم الله
بجلال الله بعظمة الله بکلمات الله التامات باسماء الحسنی بعد از آن دست بر جای نهد که
درد میکند و بگوید بسم الله بسم الله بسم الله بعد از آن هفت بار بگوید اللهم امح ما
بی شفا یابد بگوید الحمد لله الذی خلقنی فهدانی واطعمنی وصحح جسمی وشفانی له الحمد وله
الشکر دعا از برای درد چشم روایت کند محمد بن جعفی از پدرش که گفت مرا درد چشم بسیار
بهم رسید شکایت کردم بحضرت ابی عبد الله ع فرمود که یا بتو دعایی تعلیم کنم که در دنیا و آخرت
نافع باشد و درد چشم تو با آن بشود گفتم بلی فرمود که در عقب نماز صبح و شام بگو اللهم انی اسئلک بحق
محمد و آل محمد ان تصلی علی محمد و آل محمد وان تجعل النور فی بصری والبصیرة فی دینی والیقین
فی قلبی والاخلاص فی عملی والسلامة فی نفسی والسعة فی رزقی والشکر لک
ابدا ما ابقیتنی و در روایت دیگر هفت بار این دعا بخواند بعد از نماز صبح قبل از آنکه برخیزد
از مقام خود منقولست از امام رضا ع که کنیزی داشتم خنازیر از گردن و بیرون ...

وجع ... شفا

باید ... درد چشم

خنازیر

شخصی

154

شخصی نزد من آمد و گفت یا علی بگو باد که بسیار بگوید یا رئوف یا رحیم یا سیدی و آن ...
گفت خدای تعالی ببرکت آن او را شفا داد دعا برای دشواری ... ربنا الله
الذی تقدس فی السماء اللهم اسمک فی السماء والارض اللهم رحمتک فی السماء
اجعل رحمتک فی الارض اغفر لنا ذنوبنا وخطایانا انت رب العالمین انزل
رحمة من رحمتک وشفاء من شفائک علی هذا الوجع فیبرء ... حاجت درد زانو
از ابو حمزه روایت کند که مرا درد زانو بهم رسید شکایت کردم بامام محمد باقر ع فرمود که چون
نماز بگزاری بگو یا اجود من اعطی یا خیر من سئل ویا ارحم من استرحم ارحم ضعفی و
قلة حیلتی واعفنی من وجعی گفت چنین کردم صحت یافتم منقولست از امام جعفر ع
که فرمود هر کس که بنده بگریزد آیة الکرسی را بخواند و بر کاغذ بنویسد و در میان این دعا را
بنویس اللهم السماء لک والارض لک وما بینهما لک فاجعل ما بینهما
لک اضیق علی فلان من جلد جمل حتی ترده علی وتظفرنی به و این دعا را
بخواند و آن کاغذ را در خوابگاه آن بنده دفن کند و سنگی بر بالای آن نهد از برای
دفع تب بسم الله ذی العزة والکبریاء و بر سه کاغذ پاره بنویسد تعلیم باریک چنانکه
نتوان خواندن و آن کاغذها را [illegible] و صاحب تب هر روز ناشتا یکی از آن
بخورد نافع باشد و این مجربست همچنین بنویسد بر یک وصله قند عقدت باذن الله و
دیگری گشت باذن الله و بر دیگری شددت باذن الله و صاحب تب هر روز
ناشتا یکی از آن قند بخورد همچنین بنویسد این آیات را در بشقابی به چند ...

... کام

درد زانو

گریخته

تب

دالنوزم

که ریسمان بران ریسمان بزند بسم الله الرحمن الرحیم و بالحق انزلناه و بالحق نزل
وننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین یا نار کونی بردا و سلاما علی ابرهیم
و ارادوا به کیدا فجعلناهم الاخسرین یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا رحمن یا رحمن
اسکن بقدرت الجبار العظیم و بقدرت المنان الکریم و معوذتین را نیز در آن جا بخوانند
و همچنین روایت است از حضرت امام جعفر علیه السلام که رسول صلی الله علیه و آله تب وارد شد جبرئیل علیه السلام
نزد آنحضرت آمد و گفت بسم الله ارقیک تا آخر این دعا خواند که مثل آن مذکور شد و منقول
است از امام رضا علیه السلام که کنیزی که نزد من قدر و منزلتی داشت شکوه کرد بمن از تب در خواب حضرت رسول را
دیدم که آمد و بمن گفت که بگو که آن کنیزک بگوید یا رباه یا رباه یا سیداه صل علی محمد و اهل
بیته و اکشف عنی با احد چون چنین کرد خلاص شد
و اسماء الله و جز آن بخواندن و دمیدن و نوشتن و نگه داشتن آن برای سایر بیماریها
بیماران افسون برای تب بنویسند این دعا را بر کاغذی و بر ریسمانی ببندند و از جانب
راست ریسمان چهار گره کنند و از جانب چپ سه گره و بر گردن صاحب تب ببندند
اعیذ بما استعاذ به موسی و ابراهیم و محمد صلی الله علیه و آله من الحمی و النافض و الغب و القیق
و الربع اللهم کما لم تلد تبت عمران غیر عیسی علیه السلام فلا تلد علی هذا الانسان من بعده
الاورام و الاوجاع الا انزعته عنه فلا اقسم بما تبصرون و ما لا تبصرون ا
اقسمت علیک بما ترکته و لا تاخذ به و قل هو الله و معوذتین بخوانند و همچنین
ریسمانی از پنبه هفت تاری بساز و فاتحه و قل هو الله و معوذتین بخوانند هفت

که بر آن کنند و بر گردن صاحب تب ببندند و بعضی گفته اند بر گره ای این سورها بخوانند
و همچنین حضرت مصطفی صلی الله علیه و آله فرموده هر که تب داشته باشد سه روز غسل کند در وقت
هر غسل بگوید اللهم انی انما اغتسلت التماس شفائک و تصدیق نبیک البته
شفا یابد و همچنین نقل کرده ابن عباس رضی الله عنه از حضرت مصطفی صلی الله علیه و آله که گفت حضرت
نبی ما را بجهت دفع دردها تب و درد سر تعلیم میداد بسم الله اعوذ بالله العظیم من شر کل
عرق نعار و من شر حر النار حضرت مصطفی صلی الله علیه و آله بجهت فاطمه علیها السلام خاصه از برای او و از
برای هر مومنی که اقرار بحق داشته باشد و له ما سکن فی اللیل و النهار و هو السمیع العلیم
یا ام ملدم ان کنت آمنت بالله العظیم و رسوله الکریم فلا تهشمی العظم و لا تاکلی اللحم و لا
تشربی الدم اخرجی من حامل کتابی هذا الی من لا یؤمن بالله العظیم و رسوله الکریم
و آله محمد و علی و فاطمه و الحسن و الحسین از برای تب ربع نقل است که شخصی نزد حضرت امام
رضا علیه السلام آمد حضرت امام بدو گفت چیست ترا که رنگ تو زرد است گفت تب ربع مرا
تشویش میدهد پس آنحضرت دوات و قلم طلب فرموده نوشت بسم الله الرحمن الرحیم
و با اسم الله ابجد هوز حطی عن فلان بن فلانه بان الله لعم بعد از آن در آخر آن
کاغذ هفت نقش خاتم سلیمان پیغمبر را نقش کرد بعد از آن بچید و ریسمان طلب فرمود
که آب و آب دهن بآن رسیده باشد ریسمان آورده گرهی بر آن زد و نزدیک دهن
مبارک خود آورد و از یک جانب چهار گره زد و بر هر گرهی فاتحه و قل هو الله و معوذتین
و آیة الکرسی خواند و بر جای دیگر سه گره زد بهمان دستور بر آن گرهها خواند بر آن

سنجص داده فرموده که بر بازوی خود ببندد و بان جماع مکن و همچنین نقل کرد ابوزکریا خزی
که حضرت ابو الحسن ع فرموده بجهة تب ربع بر دست راست بنویسد بسم الله جبرئیل
و بر دست چپ بسم الله میکائیل و بر پای راست بسم الله اسرافیل و بر پای چپ بسم الله
لا یرون فیها شمسا ولا زمهریرا و بر میان هر دو شانه بنویسد بسم الله العزیز الجبار
و همچنین برای دفع تب بر شانه راست بسم الله جبرئیل و بر شانه چپ بسم الله میکائیل
و بر شانه راست بسم الله اسرافیل و بر چپ بسم الله لا یرون فیها شمسا ولا زمهریرا
از برای دفع تب غب سه برگ توت بستانند و بسم صاحب تب بر یک برگ طیسوما
و بر برگ دیگر اوخوما و بر برگ دیگر ابراسوما و به نوبت در آب اندازد و بروایت
دیگر بر سه برگ درخت توت خوما او خوما ایرطوما و بروایت دیگر خوما طیبوما
ایرسوما برای علت شکم منقولست از امام موسی ع که اول بنویسد فاتحة الکتاب و قل
هو الله و معوذتین و بعد از آن بنویسد اعوذ بوجه الله العظیم تا آخر جنابها قبل از
این مذکور شد برای درد شکم و دیگر دردها دست خود را بر محل درد نهد و هفت بار
بگوید اعوذ بعزة الله و جلاله من شر ما اجد و دست دیگر خود را بر آن محل نهد و سه بار
بگوید بسم الله برای دفع بیخواب در خواب بنویسد بر ورق و بر آنکس او بر دهد
هف هد هد هف هو هو هات هات انا له کف کف هف هف هف هفف
هفف مهصم مسعم لم قل هو الله احد الغالب من حیث یستحیر العدو ابلیس

تب ربع

ادم

آدم کما الذی اسجد لآدم الملائکة باذن الله انه کریمة و فلان بن فلان ه ه ه ه ه
شدت لسورة سورة صف صف ختمت بخاتم سلیمن بن داود و لله رب العالمین
از برای آن و از برای بر جستن در خواب بسم الله الرحمن الرحیم محمد رسول الله النبی
الامی العربی الهاشمی المدنی الابطحی التهامی صلی الله علیه و آله الی من یحضر الدار
من العمار لما بعد فان لنا و لکم فی الحق سعة فان یکن فاجرا مقتحما او داعی حق
مبطلا او من یؤذی الولدان و یفزع الصبیان و یبکیهم و یبولهم علی الفراش
فلیمضوا الی اصحاب الاصنام و الی عبدة الاوثان و لیخلوا عن القرآن فی جوار
الرحمن و مجاور الشیطان و عن ایمانهم القرار و صلی الله علی محمد و آله و همچنین شهد الله
تا آخر و آیة الکرسی و قل ادعوا الله تا آخر سوره ان ربکم الذی تا آخر و آیة لقد جاءکم
رسول تا آخر سوره قل من یکلؤکم باللیل و النهار و من السباع و الجن و
السحرة قل هو الله الواحد القهار از برای دشوار زائیدن مرویست از امام جعفر ع
که فرموده بنویسید از برای زن کاهی که زائیدن برو دشوار باشد بر ورق یا بر کاغذ
اللهم یا فارج الهم و یا کاشف الغم و رحمن الدنیا و الآخرة و رحیمهما ارحم فلا
نه بنت فلانة رحمة تغنیها بها عن رحمة جمیع خلقک لتفرج بها کربتها و تکشف
بها غمها و تیسر ولادتها و قضی بینهم بالحق و قیل الحمد لله رب العالمین و همچنین
هر که زائیدن برو دشوار باشد از آدم و حیوان بخوانند برو و یا خالق النفس من

جستن در خواب

دشوار زائیدن

النفس

النفس ونخلص النفس من النفس اخلقه لك وقوتك وهمچنین بنویسد برد وصل
سفال که آب ندیده باشد و در زیر پایهای آن زن که زائیدن برو دشوار باشد نهد پس آسی
که زائیدن برو آسان شود و بروایت دیگر بنویسد این شکل را و بر ران راست آن زن
دشوار زاینده بندد و بنویسد بر کاغذ و بر ران چپ وی بندد و منها خلقناکم و فیها نعیدکم و منها
نخرجکم تارة اخری یا خالق النفس من النفس و مخلص النفس من النفس فرج
عنها خالصة سویا باذن الله تعالی و شکل اینست

اسین	ملشه	اربعه
اربعه	اسین	ملشه

و همچنین بنویسد این صورت
بر ران زنی که دشوار زاید
بر بالای آن نشیند زود بزاید و در کتابت ابتدا باثنین کند از سطر بالا بعد از آن
بثلاثه بعد از آن باربعه بعد از آن بثلثه از سطر زیر بعد از آن باثنین و بعد از آن باربعه
برای درد ... خاصیت آن تمام شود افسون جراحت منقولست که گفته اند که کاردی بردارد و بر
محلی که درد میکند از جراحت و غیر آن بمالد و بگوید ارفیک من الحد والحدید و من اثر العود
من الحجر الملبود و من العرق العاشر و من ورم الآخر و من العظام وکسره و من التراب
بسم الله فتحت و برده بسم الله ختمت بعد از آن کارد را بر زمین نهد برای دفع ابله که در بدن پیدا
شود خطی بدور بران بکشد و بعد از آن در میان آن بنویسد لو ما لو یا ما اوصی
اصواتا و هی تمر مر السحاب صنع الله الذی اتقن کل شیء انه خبیر بما تفعلون
و همچنین صباح باشد بنویسد حریقه حریقه حتی تحت الطریقه و همچنین صباح بنویسد

نهر بد قهر اگر هست کرده بیا لا و خشک باد بحق القدوس از برای ابله بنویسد
این شکل را بر بازوی او بندد که بیرون نیاید و اگر بیرون آمده باشد بیشتر از آن
بیرون نیاید شکل اینست

دربوالمس	اسر	وماںوه مارس

و همچنین بنویسد شکل چهار در
چهار را از برای آبله و بر
بازوی آنکس بندد والله اعلم
و شکل اینست

١٦	٣	٢	١٣
٥	١٠	١١	٨
٩	٦	٧	١٢
٤	١٩	١٤	١

صلی الله علی محمد و آله اخذت ا
لعقارب والحیات کلها ص

برای دفع عقرب و مار امام جعفر ع فرموده که بخواند در شبانگاه این دعا را بسم الله
و بالله باذن الله تبارک و تعالی بافواهها و اذنابها و اسمائها و ابصارها
و قواها عنی و عمن احببت الی ضحوة النهار انشاء الله تعالی و همچنین از آنحضرت منقولست
که جماعتی نزد حضرت رسول ص آمدند و از عقربها شکایت کردند آنحضرت فرمود که در صباح
و شب بخواند اعوذ بکلمات الله التامات التی لا یجاوزهن بر و لا
فاجر الذی لا یخفر جاره من شر ما ذرء و من شر ما برء و من شر الشیطان

وشر که ومن شر کل دابة هو آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم امام محمد باقر ع
فرموده هر که در شب این دعا بخواند من ضامن اویم که تا صبح از گزنده و عقرب ایمن باشد افسون
مار خاتم سلیمن بن داود داخ اخ وعا سکه ملا که سنو اسو عار و امار و او اوی مرادی
من لم یرها بسم الله الخاتم و بالله الخاتم چون مار بیند سه بار بخواند مار بایستد و زبان
را بیرون کند مار بگیرد و اسحق بن عمار گوید که گفتم بابی عبدالله ع که من از عقرب میترسم
آنحضرت فرموده که نظر کن بکوکب بنات النعش ستاره کوچکی که در میان سه ستاره است
که عرب آنرا سها گوید هر شب بران نظر کن و سه بار بگو اللهم رب اسلم صلی علی محمد و آل محمد
و عجل فرجهم و سلمنا اسحق گوید که من هرگز ترک نکردم در مدت عمر خود مگر یکروزی و
در آن روز عقرب مرا گزید افسون گزنده امام جعفر ع فرموده که بنویسند از برای کم شده
بر ورقی یا بر کاغذی این را که بسم الله الرحمن الرحیم ید فلان بن فلانة مغلولة الی عنقه
اذا اخرج یده لم یکد یریها ومن لم یجعل الله له نورا فما له من نور بعد ازان بچسپد در
میان دو چوب و در درگه خانه تاریکی اندازد و در جایی که آن گزنده خواب میکرد در
دفع سحر محمد بن عیسی گفته که از حضرت امام رضا ع پرسیدم از سحر گفت سحر حق است و بادبان
خدا مضرت میرساند پس هرگاه سحری بتو رسد دست خود را بردار برابر روی خود و بخوان
بر و بسم الله العظیم رب العرش العظیم لا ذهبت و انقرضت دفع چشم زخم از حضرت
امام رضا ع از چشم زخم پرسیدند فرموده چشم زخم حق است پس هرگاه چشم زخمی بتو
رسد هر دو دست خود را بر روی خود بردار الحمد و قل هو الله و معوذتین بخوان و

دار الحمد و قل هو الله

بسم الله الرحمن الرحیم

وعار یا عار

ازان در پهلوی ستاره کوچکی هست

وفیه عقرب

کم شده

دستها خود را برطرف پیشانی خود بمال که نافعست منقولست از ابی عبدالله ع که از حضرت
پرسیدند از معوذتین فرمود که لبید بن اعصم یهودی بر رسول صلعم سحر کرد جبرئیل ع این هر دو
سوره را آورد و طلب کرد حضرت مرتضی علی ع را و ریسمانی که دوازده گره بران بود داد
و گفت بر چاه ذردان رو و بر آیتی ازان بخوان و گرهی ازان بگشا
پس حضرت مرتضی علی ع رفت و از چاه بیرون آورد و حضرت مصطفی صلعم شفا یافت
و همچنین گفته آنحضرت سحر کردند و بچاه بنی زریق انداختند پس بیمار شد آنحضرت در خواب بود
که دو فرشته آمدند یکی نشست سر آن حضرت و یکی دیگر نزد پای آنحضرت و خبر دادند که ترا سحر
کرده اند و در چاه بنی زریق در زیر سنگی نهاده اند در پوست شکوفه آنحضرت از خواب بیدار
شد و امیرالمؤمنین ع و زبیر و عمار را فرستاد و ایشان آب آنجا را کشیدند و سنگی که در آنجا
بود برداشتند و پوست شکوفه را بیرون آوردند موی سر آنحضرت که در شانه کردن جدا
شده بود یازده گره بران زده بودند و سوزنها در آن فرو برده با چند دانه شانه
در آنحالت این دو سوره نازل شد و هر یک آیه که از آن میخواندند یک گره ازان گشوده
میشد و خفت در آنحضرت پیدا میگشت تا آنکه سورها را تمام کرد آنحضرت برخاست که گویا
از بند خلاص شده و جبرئیل ع میگفت بسم الله الرحمن الرحیم ارقیک من کل شیء یؤذیک
من حاسد و عین والله یشفیک افسون سحر بنویسد بر ورقی و بیاویزد بر آنکس که بر او
سحر کرده اند و قال موسی ما جئتم به السحر ان الله سیبطله ان الله لا یصلح عمل الم
فسدین و انه فوقع الحق و بطل ما کانوا یعملون فغلبوا هنالک وانقلبوا صا

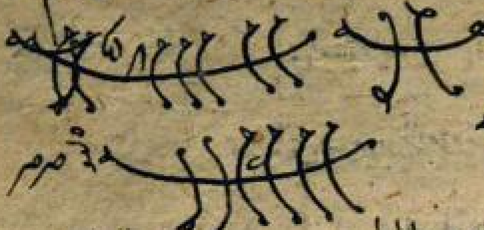
صاغرين و بهفت بار بخوانند سنشد عضدک تا و من اتبعک الغالبون امام ابي عبد الله ع
فرمود که عورتی از رسول صلعم پرسید که من شوهري دارم که خلعت و تندي دارد و من
عملی کرده ام که بمن مهربان شود آنحضرت فرمود واي بر تو تو عمل بد کرده و ملائکه زمين و آسمان
بر تو لعنت ميکنند پس آن زن روزه ميداشت و شب بيداري بود و عبادت ميکرد و سر
خود را تراشيده اين خبر بحضرت رسول صلعم رسيد فرمود که اين عملها از و قبول نيست چه
خدا را شريک دانستن از بدتر است و سحر و شريک مثل هم اند و بهم نزديکند فصل هم

کار دعا

در حرزها و دعاها از هر باب لايق باين کتاب حرز امير المومنين ع از براي کسي که برو سحر کرده
باشند يا صرع داشته باشد يا خوف زهر يا سلطان يا جميع الخ مردم از آن ترسند و بر گردن
بر و اين تعويذ به بندد ايمن باشد از دزد و درنده و عقرب و مار و هر چيزي که مضرت بد
رساند و آن اينست بسم الله الرحمن الرحيم اي کنوش ادشش عطيطسطح يا
منطظرون فريالشون ما و مايا ماسويا ما طمطشا الوشن جنطوشن منقفيش
مشاصعوش اقطيعنوش ليطتفتيكش بيزاهذا و ماكوف من الناهدين
اخرج بقدرة الله منا ايها اللعين لعزت رب العالمين اخرج منها و لا تكن
من المسجونين اخرج منها فما يكون ان تتكبر فيها اخرج انك من الصاغرين ا
اخرج منها مذموما مدحورا ملعونا لعنا اصحاب السبت و كان امر الله مفعولا اخرج
يا ذوي المخزون اخرج يا مسوداسود بالاسم المخزون يا منسطرون طرعون

مراعون

مراعون تبارک الله احسن الخالقين يا اهيا شراهيا حيا قيوما بالاسم ا
المکتوب على جبهة اسرافيل اطرد عن صاحب هذا الكتاب كل جني و جنية
و شيطان و شيطانة و تابع و تابعة و ساحر و ساحرة و غول و غولة و كل
متعبث و عائث يعبث يا بن آدم و لا حول و لا قوة الا بالله العلي العظيم و صلی
الله على محمد و آله اجمعين





صرصر صرصر صرم سرصر حلدا يل و سرحلدا يل بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله
و بالله شددت افواه الجن و الانس و الشياطين و السحرة و ابالسة الجن
و الانس و الشياطين و السلاطين و من يلوذ بهم بالله العزيز الاعز و بالله
الكبير الاكبر بسم الله الظاهر الباطن المكنون المخزون الذي اقام السموات و الارض
ثم استوى على العرش بسم الله الرحمن الرحيم و وقع القول عليهم بما ظلموا فهم لا
ينطقون ما لكم لا تناصرون قال اخسئوا فيها و لا تكلمون و عنت الوجوه
للحي القيوم و قد خاب من حمل ظلما و خشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع
الا همسا و جعلنا على قلوبهم اكنة ان يفقهوه و في اذانهم وقرا
و اذا ذكرت ربك في القرآن وحده ولوا على ادبارهم نفورا و اذا

واذا قرأت القرآن جعلنا بینک وبین الذین لا یؤمنون بالآخرة حجاباً مستورا
وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون
الیوم نختم علی افواههم وتکلمنا ایدیهم وتشهد ارجلهم بما کانوا یکسبون
لو انفقت ما فی الارض جمیعا ما الفت بین قلوبهم ولکن الله الف
بینهم انه عزیز حکیم حرز دیگر برای تب بنویس بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله النور نور
بسم الله نور علی نور بسم الله الذی هو مدبر الامور بسم الله الذی خلق النور من
النور وانزل النور علی الطور فی کتاب مسطور بقدر مقدور علی نبی محبور ا
الحمد لله الذی هو بالعز مذکور وبالفخر مشهور وعلی السراء والضراء مشکور وصلی
الله علی محمد وآله الطیبین واین حرزیست که حضرت فاطمه ع سلمان را تعلیم فرموده
بود وسلمان گفت که بیش از هزار کس مکه ومدینه که ایشان را تب می بود برکت
این حرز شفا یافتند باذن الله تعالی باب دوازدهم در نکتها و نوادر این
کتاب که واقع است در هر باب مشتمل بر هفت فصل در ذکر حقوقی که بر آدمی لازم است
منقولست از کلام امام زین العابدین ع اسمعیل بن فضل روایت کند از ثابت
دینار الثمالی واز امام زین العابدین ع فرمود که حق خدای تعالی بر تو آن است که او را
پرستی وهیچ چیز را با او در عبادت شریک نگردانی هر گاه که چنین کردی با خلاص

حرز فاطمه

حق تعالی

حق تعالی امر دنیا و آخرت ترا بر می آرد ونیکو دی از عقوبت خلاص وحق نفس تو
آنست که او را در طاعت خدا کار فرمایی وحق زبان آن است که او را عادت
دهی بخیر گفتن وترک زیادتیها که فایده در ان نباشد وبا مردم نیکویی کردن وبا
ایشان سخن خوب گفتن وحق گوش آنست که او را از شنیدن غیبت
باز داری از آنچه شنیدن آن حلال نیست نگاه داری وحق چشم آنست
که او را از آنچه دیدن آن بر تو حلال نیست بپوشانی وبآن نظر کنی در صنع
الهی واز جرها عبرت گیرد وحق دست آنست که او را بر چیزی که بر تو حلال نیست
دراز نکنی وحق پای آنست که نروی جایی که رفتن آنجا بر تو حلال نباشد وبآن
پای بر طرفی خواهی رفت بایست ونظر کن که بلغزد تا در آتش نیفتی وحق شکم آن
است که ظرف حرام نگردانی وزیاده بر سیری نخوری وحق فرج آن است
که او را از زنا نگاه داری وحفظ آن بکنی که دیگری بر آن نظر نکند وحق نماز آن است
ترا که بدانی ترا بجانب حضرت حق میکند ودر وقت نماز نزد حق تعالی ایستاده
پس هر گاه که دانستی این را می ایستی در مقام ذلت وخواری ودر مقام حقارت
وبی اعتباری وراغب ترسنده امیدوار تضرع کننده هر گاه کردگار تعظیم کننده
[illegible] هر که نزد او ایستاده وبسکون ووقار روی دل می آری بجانب نماز
واو را عفو [illegible] خوف که هست بجای آری تمام بود حضرة کارساز وحق حج آن است

کردی که آن وسیله‌ایست که میکند ترا بجانب پروردگار و گریختن ایست بسوی
او از محل نافرمانی و بدوستی قبول توبهٔ تو و ادای فرض که بر تو واجب گردانیده
و حق روزه آن است که بدانی که آن حجابیست که خدای بر زبان و چشم و گوش
و شکم و فرج تو نهاده تا بپوشاند ترا بان از آتش دوزخ اگر روزه نگیری پرده حق
را دریده باشی و خود را رسوا بینی و حق صدقه آن است که بدانی که ذخیرهٔ آخرتست
نزد حق تعالی و امانتی است که ندارد بگواه بگناه حاجت و تو آنچه پنهانی دهی اعتماد بیشتر است
که ظاهر دهی و بدانی که دفع بلا میکند از تو در دنیا و دفع آتش میکند از تو در عقبی و حق
قربانی آن است که بجهت رضای خدا کنی نه بجهت خلق و نخواهی از آن الا رسیدن رحمت
حضرت عزت و نجات و خلاصی از آتش سقر در روزی که نماند ترا هیچ مفر و حق
سلطان آنست که بدانی که ترا فتنهٔ او گردانیده اند و آنکه او مبتلا است بسلطانی بر شما و باید که بید
او تعرض نکنی که بدست خود خود را بتهلکه انداخته باشی و علم شرکت بر افروخته باشی در
آنچه بشود از جانب او بتو از بدی و حق معلم آن است که تعظیم مجلس او بکنی و گوش بسخن او
نگهداری و متوجه او باشی و آواز را برو بلند نکنی و نومید نگردانی کسی را که او سوال کند
از چیزی الا آنکه خود جواب دهد و در مجلس او با دیگری سخن نگوئی و نزد او غیبت بمجلس
نکنی و هر کسی که بد او نزد تو گوید دفع آن از آن بکنی و اگر عیبی دانسته باشی بپوشانی تا
و اظهار نیکوئیهای او نمائی و با دشمنان او ننشینی و با دوستان او دشمنی نکنی

حق

١٦١

کردی و دشمنان گواهی میدهند که تو علم از وی بجهت خدا آموختی نه برای مردم و الا حسرت
انداختی در آنجهان و اما حق پادشاه بر تو آن است که مطیع او باشی و از فرمان او در
نگذری الا در چیزی که رضای حق در آن نباشد که اطاعت مخلوق در معصیت خالق
روا نیست و اما حق سلطان بر رعیت آن است که بداند که ایشان بجهت ضعف خود
و قوت او رعیت شده اند پس واجب باشد برو که میان ایشان عدالت کند که رعایت
او رعیت را مطلوب است و بجو... مشفق باشد که شفقت او رعیت را [illegible] است و ما دام

محجوب

ایشان را ببخشد و زود بر ایشان عقوبت نکند و شکر خدای تعالی بجای آرد که او را بر
ایشان غالب گردانیده و حق را بر خود غالب داند و اما حق رعیت تو بعلم آن
است که بدانی که حق تعالی ترا بر ایشان حاکم ساخته بسبب علمی که بتو داده و در
خزانهٔ علم بر تو گشاده پس اگر نیک تعلیم کردی ایشان را و از ایشان دریغ نداشتی خدا تعالی
زیاده میکند فضل و احسان خود را در بارهٔ تو و اگر بایشان تعلیم نکنی و در وقت طلب ایشان
علم را دریغ داری بر خدای تعالی لازم شود که آن علم را از تو بستاند و ترا از دلها بیندازد
اما حق زن بر شوهر آن است که شوهر بداند که حق تعالی زن را انیس و جلیس و سکون او
گردانیده و بداند که این نعمتیست از جانب حق تعالی برو پس باید که گرامی دارد او را و با او
برفق و مدارا سلوک کند و اگرچه حق شوهر برو واجب تر باشد فاما بر شوهر آن است که
برو رحم کند بسبب آنکه زن اسیر اوست و نان و جامه بدو میدهد و هرگاه نادانی کند شوهر
او را عفو کند و از گناه او درگذرد و اما حق بنده بر تو آن است که بدانی که او آفریده

پروردگار نیست و پدر پدر تو که آدم است و مادر تو که حوا است و از خون و گوشت ملک
تو هم نیست زیرا که تو او را نیافریده بلکه حق تعالی او را آفریده است و هیچ جز از دست و پای
او مخلوق تو نیست و رزق او تو نمیدهی بلکه خدای تعالی روزی او میدهد و او را مسخر تو گردانیده
و امانت بتو داده تا نگاه دارد از برای تو آنچه بتو میرساند از خیر پس احسان کن با او
همچنانکه خدای تعالی بتو احسان کرده و عوض کن بنده خدا را لا قوة الا بالله و اما حق ما
در بر تو آنست که بدانی که او ترا برداشته در جایی که هیچکس ترا برنداشته و او میوه دل
خود را بتو داده آنچه دیگری را نداده و بتمامی دست و پا و چشم و زبان خود در حفظ
تو نموده و در وقت گرسنگی ترا طعام داده و در وقت برهنگی ترا پوشیده و در وقت آفتاب
ترا بسایه برده و بجای آورده برای تو و ترا از گرما و سرما نگاه داشته و مهر ترا در دل
کرده که از برای او نباشی بدرستی که از عهده شکر او بیرون نمی‌آیی مگر بیاری و توفیق
الهی و اما حق پدر بر تو آنست که بدانی که او اصل تست و اگر او نمی‌بود تو نمی‌بودی پس
هرگاه که در نفس خود چیزی بینی که سبب عجب و تکبر تو شود بدانکه پدر تو اصل نعمت تست
پس شکر و ثنای حق بجای آر و قدم از دایره ادب برمدار و حق فرزند بر تو آن است که بدا
نی که او از تست و بتو منسوبست در دنیا و آخرت بخیر و شر و آنکه از تو پرسش خواهد از حسن و
ادب او و راهنمایی بطریق حق جل اگر چنین کنی یاری و مددکاری کرده باشی بر طاعت
حضرت عزت پس عمل کن در امر او مثل عمل آنکس که میداند که ثواب می‌یابد بر نیکویی

او و عقاب

او و عقاب می‌یابد بر بدی او و اما حق برادر بر تو آن است که بدانی که دو دست تو و
عزت و قوت تست پس او را سلاح گناه خود مساز و مدد ظلم بر بندگان خدا مگردان
و دین خود را با آن مباز و ترک مکن یاری کردن او را بر دشمنان او و نصیحت کن او را و اگر
اطاعت و فرمانبرداری حق نمود فبها و الا خدای تعالی بر تو گرامی‌تر است و هیچ قوتی
نیست مگر بسوی حق تعالی و اما حق مولی و منعم تو بر تو آنکه ترا آزاد کرده آنست که بدانی
که او مال خود را در راه تو صرف کرده و ترا خریده و از مذلت بندگی و وحشت آن بیرون
آورده بعزت آزادی و آزادگی و نفس ترا مطلق العنان ساخته و بند بندگی را گشوده و ترا
از زندان بیرون آورده و نفس ترا مالک تو گردانیده و ترا از برای عبادت پروردگار خدا
فارغ گردانیده و بدانی که نزدیکترین مردم بتو در حال حیات و بعد از ممات اوست و ا
یاری او بر تو واجب است و هیچ قوتی نیست الا بجانب حق تعالی و اما حق غلام که آزاد
کرده بر تو آنست که خدای تعالی آزاد کردن تو او را سبب نجات تو و نزدیکی خود
گردانیده و آن را حجاب تو گردانیده از آتش دوزخ و در این میراث عوض آزادی
و مالی که در بهای او داده بتو داده اگر او را میراث خواره دیگر نباشد و در آخرت
بهشت را بتو ارزانی فرموده و حق آنکه با تو نیکویی کرده آنست که شکر او بگویی و احسان
که با تو کرده فراموش نکنی و میانه تو و خدا باخلاص دعا او بجا آری هرگاه که
چنین کردی هم بسر و علانیه شکر او کرده و اگر روزی قادر شدی که عوض نیکویی
او کنی باید که عوض آن نیکویی او بجای آوری و حق موذن آن است که بدانی

خدا را یاد تو میدهد و ترا الیسوی فایده تو یاری میکند و برادا او انچه حق تعالی بر تو فرض کردا بنده

پس شکر آن بتقدیم رسان مثل شکر کسی که با تو نیکویی و احسان کرده باشد و حق پیشنماز

در نمازان است که بدانی که او میانجی و پیغام رسان است میان تو و خدا عز و جل و از

تو بخدای تعالی سخن میگوید و تو از جانب او سخن نمیگویی و او از برای تو دعا میکند

و تو از برای او دعا نمیکنی و کفایت کرده هول ایستادن تو نزد حق جل و علی پس اگر

نقصانی باشد از و باشد نه از تو و اگر تمام باشد تو با او شریک باشی و نباشد او را بر تو زیا

دتی پس نگاه داشته ترا بنفس خود و نماز ترا بنماز خود پس شکر او را بدین وجه باید

گذارد و اما حق همنشین آنکه نرمی کنی با او و در جواب بتفضل و انصاف دهی او را و از

مجلس بی اذن او برنخیزی و حق همسایه آن است که اگر غایب باشد جانب او نگاه داری

و اگر حاضر باشد او را گرامی داری و اگر مظلوم باشد او را یاری دهی و اگر بدی از و ببینی بپوشی

و اگر بدانی که نصیحت تو قبول میکند او را نصیحت کنی و در آنچه میانه تو و او است و او را در سختی

نگذاری و گناه او را ببخشی و با هم صحبتی خوب کنی و اما حق مصاحب آنست که با او صحبت

داری بانصاف و نیکویی و او را گرامی داری بنحوی که او ترا گرامی دارد و نگذاری که او

بر نیکویی بر تو سابق شود و اگر به نیکویی بر تو سابق شود باید که عوض آن نیکویی کنی

بنحوی که او کرده و اگر معصیتی از و ظاهر شود او را از آن منع کنی و برو رحمت باشی و برو عذاب

مباش و هیچ کس را قوتی نیست الا بسوی خدا عز و جل و حق شریک بر تو آن

که اکر غا

که اگر غایب شود کفایت مهمات او بکنی و اگر حاضر باشد رعایت او بکنی و بی حکم او نکنی کاری

و بی مشورت او برای خود عملی نکنی و مال او را نگاه داری و خیانت در آن نکنی بسبب آنکه ١٦

خدا عز و جل با شریکان است مادام که خیانت نکنند و هیچ قوتی نیست الا بسوی

خدای تعالی و حق مال بر تو آن است که بدست نیاوری آن را از وجه حلال و صرف نکنی آن را الا در محل

حلال و عمل کنی در آن بطاعت الهی و در آن بخیلی نکنی که موجب حسرت است و تباهی

و هیچ قوتی نیست مگر بخدا تعالی و حق قرض دار بر تو آن است که اگر مال داری قرض

او را ادا کنی و اگر نداری بسخن خوش او را خشنود سازی بلطف و بلاغت از خود

دور کنی تا قدرت بر آن پیدا کنی و حق کسی که مال او با مال تو آمیخته است آنست که او را

بزیان نیندازی و جز ناروا نرسانی و او را فریب ندهی در امر او و از حق تعالی بترسی و حق

خصم تو که بر تو دعوی دارد آن است که اگر آنچه او بر تو دعوی میکند حق است تو گواه حال

خود باشی یعنی اقرار کنی بآن و برو ظلم نکنی و حق او را ادا کنی و اگر آنچه بر تو دعوی میکند

باطل باشد برفق و مدارا با او سخن گویی و بغضب نروی با حق جل و علا در امر او و هیچ قوتی

نیست بهیچ چیز الا بخدا و حق خصمی که تو برو دعوی داری آن است که اگر تو در دعوی خود محقی که بر تو دارد انکار نکنی

در است نیکویی با او نیکویی عمل کنی و اگر دعوی تو باطل باشد از خدای بترسی و بتوبه تلافی

آن کنی و ترک آن دعوی کنی و حق کسی که با تو مشورت کند آن است که اگر رای تو صواب

دانی او را بدان دلالت کنی و خبر دهی و اگر ندانی بکسی که دانی راهنمایی و حق کسی

که تو با او مشورت میکنی آنست که اگر رای تو با رای او موافق نباشد او را متهم نگردانی

وبعرض حمل نکنی واگر رای او موافق رای تو باشد شکر ایزدی بجای آری وحق آنکس
که از تو نصیحت طلبد آنست که نصیحت کنی او را ولیکن بطریق رفق و مرحمت و مدارا
و شفقت وحق نصیحت کننده بر تو آن است که مطیع او شوی و گوش بسخن او
کنی اگر نصیحت بر وجه خوبی کند شکر الهی بتقدیم رسان واگر موافق نگوید و در آن متهم نباشی
و دانی که خطا کرده او را بدان مواخذه سازی مگر آنکه متهم باشد و محل اعتماد در آن
تلقی مکن واعتماد بر آن منما بهیچ جز از امور و قولی نیست مگر بجانب خدای عز وجل
وحق مرد پیر آنست که بجهت بزرگی سال تعظیم کنی او را و او بزرگ دانی بجهت آنکه پیش از تو
باسلام در آمده و با او مقابله و مخاصمه نکنی و در راه بر او تقدم نکنی و در پیش او نروی
و او را نادان نشمری واگر نادانی با تو کند تحمل کنی او را گرامی داری بجهت حق اسلام
و حرمت آن وحق کوچک بر تو آنست که رحم کنی در تعلیم او واگر گناهی از او صادر شود
عفو کنی و بر او معیوب پوشی و با او نرمی سلوک کنی و یاری دهی او را وحق سائل بر
تو آنست که بقدر حاجت او با او چیزی دهی وحق مسئول چون چیزی بدهد حمد سائل بر
حق تعالی بجای آرد و سائل از او قبول کند آن احسان را و شکر آن بگوید و اگر منع کند سائل
را عذر آن بپذیرد وحق آنکه ترا خوشحال میگرداند آنست که شکر الهی بجای آری اولا
بعد از آن شکر او را بگویی وحق آنکس که با تو بدی کرده آنست که عفو کنی از او واگر دانی که
عفو مضرت میکند او را انتقام میکشی از او بجهت آنکه حق تعالی فرموده ولمن انتصر بعد ظلمه
فاولئک ما علیهم من سبیل وحق اهل ملت تو بر تو آن است که سلامتی او

ورحمت

ورحمت خواهی از حضرت عزت برای ایشان و [illegible] بی نیکی بجای آری و با ایشان
الفت ورزی و اصلاح حال ایشان نمایی و شکر [illegible] ان بتقدیم رسانی و منع
آزار و ایذا از ایشان کنی و خواهی از برای ایشان آنچه از برای خود میخواهی و پسندی
برای ایشان چیزی که برای خود پسندی و باید که پیران ایشان را بمنزله پدر خود
دانی و جوانان ایشان را بمنزله برادران و زنان ایشان را بجای مادر و کودکان
ایشان را بمنزله فرزندان وحق اهل ذمه بر تو آن است که قبول کنی از ایشان آنچه حق تعالی
از ایشان میفرماید و ستم نکنی بر ایشان هرگاه ایشان بعهد الهی وفا نمایند ولا حول ولا
قوت الا بالله العلی العظیم

در ذکر بعضی از کلام حضرت رسالت پناهی صلعم در یاد کردن
مناهی ثابت شده بروایت امام جعفر علیه السلام که پیغمبر صلعم نهی فرموده از طعام خوردن با جنابت
که موجب درویشی است و از ناخن بدندان چیدن و مسواک در حمام کردن و در مسجد
آب دهان انداختن و خوردن طعامی که از خوردن موش باز مانده باشد و از گذ
گذشتن در مسجد الا آنکه دو رکعت نماز بگذارد و نهی فرموده از شتاب کردن در زیر درخت
میوه دار و از میان کوچه و از طعام خوردن بدست چپ و تکیه کرده و از اندود کر
فربکچ و نماز گذاردن در گورستان و پیشاب کردن در آب ایستاده که سبب عقلیت
و از نزد کردن بیک کفش و از نوحه و فریاد کردن در مصیبت و گوش باز داشتن
و از سیاه کردن قرآن با آب دهان و نوشتن با آن و از خواب دروغ گفتن بعمد که به
جزای آن در قیامت عذابش کنند که بر دانه جو گره زنند و نهی فرموده از صورت ساختن

که در روز قیامت عذابش کنند که روح در آن دمد و نتواند و از آنکه جانور با آتش بسوزانند و از
سخن بسیار گفتن در وقت جماع و از سخن گفتن زن بغیر محرم بیشتر از آنچه ضروری باشد
و از حکایت کردن زن با زن دیگر با آنچه در میان او و شوهر گذشته در خلوت و نهی فرموده
از بازی کردن نرد و شطرنج و تمام آلات مناهی و زدن چنگ و نواختن عود و طنبور
و از غیبت کردن و شنیدن و دعوت فاسقان قبول کردن و طعام ایشان خوردن
و از سوگند یاد کردن بدروغ که موجب خرابی مملکت است و از حاضر شدن بر خوان شراب
و بر خوان طعام که در آنجا شراب باشد و از رفتن بحمام با زن خود و از رفتن حمام بی
فوطه و از گفتن سخن که در آن یاد خدا نباشد و نهی فرموده از خوردن میوه پیش از آنکه
پخته و رنگین شود و فرموده که لعنت خدا بر شراب است و آنکس که درخت انگور بقصد آن
بنشاند و قطره شراب و ساقی آن و خورنده آن و فروشنده و خرنده آن و آن را
بار کردن و از بهای آن خوردن و فرموده هر کس که شراب بخورد و نماز او قبول نیست
چهل روز و اگر بمیرد و در شکم او شراب باشد عذاب کنند با خاییدن چرکها که از مردم دوزخ
جدا شده باشد و از فرج زناکار و نهی فرموده از شعر خواندن در مسجد و شمشیر کشیدن در
مسجد و از زدن بر روی چهارپایان و از نگریستن در عورت مردم و از نگریستن زن
در عورت زن و نهی فرموده از نماز گزاردن در رودخانهها و جایی که شتری بندند
و بر بام کعبه و از داغ کردن روی چهارپایان و از سوگند یاد کردن بغیر خدای و
فرموده هر کس که سوگند یاد کند بغیر خدا او را از خدا نصیبی نیست و از سوگند یاد کردن

بیک

بیک سوره قرآن و اگر چنین کند بهر یک آیه کفارت لازم آید و نهی فرموده از
نشستن در مسجد با جنابت و برهنه بودن در روز و شب و حجامت کردن در روز
چهارشنبه و جمعه و از سخن گفتن در وقتی که خطبه خوانند در روز جمعه و اگر سخن
گویند همچنان است که نماز جمعه نگذارده اند و نهی فرموده از نقش کردن جانور
در نگین و از خوردن آب چون چهارپایان با آنکه دهان در آب کنند بلکه بدست بیاشامند
و آب دهان در چاه انداختن و از آنکه کسی را در کار دارند و فرزند کار را با او نگویند و از دوری
از دوستان مگر ضرورت باشد که تا سه روز دوری توان نمود کرد و از فروختن طلا
که پیش باشد و فرموده کسی که سلطان را بر جوری بدارد با او بدوزخ رود و فرموده
کسی که خانه بسازد زیاده بقدر حاجت بر پا در روز قیامت بگردن او کنند تا هفت
طبقه زمین و فرموده کسی که ظلم کند و مزد مردی که بجهت او کاری کرده باشد بوی ندهد بوی
بهشت نشنود با آنکه بوی بهشت پانصد ساله راه میرود و هر کس که قرآن خوانده و بعد
از آن فراموش کند بهر یک آیه ماری بگردن او کنند در دوزخ مگر که حق تعالی او را بیامرزد
و هر کس که قرآن خوانده باشد و حرام بخورد و میل بدیها کند بعقاب خدا مبتلا شود مگر که
توبه کند و هر کس که زنا کند بی توبه بمیرد حق تعالی سیصد سوراخ در قبر او پیدا کند که مار و عقرب
و کژدمها بیرون آیند و او را گزند و سوزند تا روز قیامت چون از گور برخیزد مردم
از بوی بد او در عذاب باشند رسول م فرموده کسی که راضی نباشد بر زنی که خدا تعالی
با او داده شکوه کند و صبر نکند عمل حسنه او قبول نشود و خدای عز و جل از و خشم

شود مگر توبه کند و فرموده کسی که ظلم کند بر مهر زن خود همچنانست که زنا کرده و در روز قیامت
از ثواب و عملهای آن کس زن دهد بمقدار حق او و اگر ثواب نداشته باشد بدوزخ میفرستند
و نهی فرموده از پنهان داشتن گواهی که نزد او باشد که بروز قیامت در میان خلایق
عذابش دهند که گوشت بدن خود خورد و فرموده هر کس بدی بهمسایه رساند بوی بهشت
نشنود بدوزخ رود و اگر حق همسایه بجای نیاورد از ما نیست و رسول صلعم فرموده
که جبرئیل عم دایم بمن وصیت میکرد در رعایت حق همسایه بوجهی که مرا گمان شد که همسایه
میراث میبرد و همچنین وصیت میکرد در رعایت حق غلام و کنیز بنوعی که گمان من آن که تعیین
وقتی میکند که چون ابوقت رسد آزاد میشود و همچنین وصیت میکرد بمسواک کردن
بنوعی که گمان من آن که فرض خواهد شد و همچنین وصیت میفرمود به بیداری شب بنماز
بوجهی که گمان من آن که بندگان امت من خواب نخواهند کرد و حضرت رسول صلعم فرموده
که هر کس تحقیر مسلمان خواری کند چنانست که بحق خدا خواری کرده در روز قیامت
خدای تعالی برو خواری فرماید و حضرت رسول صلعم فرموده که چون کسی را بمهمی و شهوتی بخواند
و او اجتناب کند از ترس خدا از آن کار حرام گرداند حق تعالی برو آتش دوزخ را و بهشتی در
روز قیامت در روضهای بهشت که بوی وعده فرموده بزودی بوی رساند و هر کس که
چیزی برو عرض کنند از امور دنیا و آخرت و او دنیا را اختیار کند او نیکی نباشد در قیامت
که سبب آن از آتش دوزخ رستگار گردد و اگر آخرت را اختیار کند و دنیا را بگذارد

حضرت

حضرت حق تعالی ازو راضی شود و گناه او را بیامرزد و هر که شکمهای او از حرام پر باشد در روز
قیامت پر شود از آتش دوزخ مگر توبه کند و دیگر فرموده که هر که دست بر روی دست
زنی نهد که بر وی محرم نباشد مستحق عذاب الله رب الارباب گردد و کسی که در بر گیرد زنی بحرام با شیطان
او را بیک زنجیر در دوزخ اندازند و کسی که در خرید و فروخت با مسلمانان غش و ناراستی کند از
ما نیست و در روز قیامت با یهود در آتش حشر کنند و دیگر نهی کرده در آنکه کسی از نصب پیکان
چیزی چند که در عادت نصب پیکان پیکد کرده باشد تنگ و آتش و هر که باز گیرد این را
حق تعالی رحمت ازو باز دارند و حالش سخت شود و هر که طپانچه بر روی مسلمانی زند در قیامت
استخوانهای اعضای او را خورد کرده و غل در گردن بدوزخ رود مگر توبه کند و هر زنی که شوهر
خود را آزار رساند زبان حق تعالی قبول نکند فرض و سنت او را و نیکویی که کرده باشد تا
خشنود گرداند شوهر را و اگرچه روز بروزه بوده باشد شب بنماز و اگرچه چندین بنده
آزاد کرده باشد و در راه خدا جهادی چند آورده باشد و از اول کسی باشد که بدوزخ برند و نیز
همچنین است حال مردی که بزن ستم کند و دیگر نهی فرموده از غیبت فرموده که هر که غیبت کند
مرد مسلمانی را روزه او باطل شود و وضوی او بشکند و در روز قیامت بحسابگاه درآید
بوی دهان او را از همه بوها بدتر باشد چنانچه اهل عرصات از آن آزار یابند پس اگر پیش
از توبه بمیرد مرده باشد در حالتی که حرام خدا را حلال داشته باشد و هر که خشم از گناه شخصی فرو برد
با آنکه تواند که حق جزای او بدهد حضرت عزت ثواب شهید بوی کرامت فرماید و دیگر آنحضرت
فرموده کسی که در مجلسی غیبت برادری بشنود و او را از آن باز دارد حق تعالی باز میدارد ازو

هر بابی از شر دنیا و آخرت بس اگر باز نگردد او را و حال آنکه قادر بر آن باشد گناه او مثل گناه کسی است
که هفتاد بار کسی را غیبت کرده باشد و دیگر نهی فرموده کسی که خیانت کند در امانت و بصاحب
نرساند و بمیرد و مرده باشد بغیر ملت نبوی حق تعالی از و بخشم بود و هر که گواهی بدروغ بدهد
بر بالش بیاویزند با منافقان در درک اسفل دوزخ و کسی که بخرد آنچه خیانت کرده شده دانسته
که خیانت است حکم آن خیانت کننده دارد و هر که باز گیرد از برادر مسلمان حق او را حق تعالی
برکت رزق بر او حرام نماید مگر که باز گشت نماید و کسی که بشنود سخن فحش و شهرت دهد گناه
او بقدر گناه آنکس باشد که فحش گفته دیگر فرمود کسی که محتاج شود باو مسلمانی در قرض و آن
قرض بوی تواند داد و ندهد بوی بهشت بروی حرام گردد و کسی که تحمل خلقی زن صبر
کند بحسنه ثواب آلهی حق تعالی او را ثواب شاکران کرامت فرماید و کسی گرامی دارد برادر
مسلمانرا حق تعالی گرامی دارد او را و دیگر نهی فرموده از آنکه جماعت کند در نمازی بی رخصت
ایشان و اگر امامت کند برخصت ایشان و قرائت و رکوع و سجود نیکو نماید و ایشان را
باشند او را بمقدار ثواب جماعت باشد بی آنکه چیزی از ثواب ایشان کم شود و دیگر
فرمود که هر که حاجت یکی از حاجت دنیوی بر آرد تا در آن سعی نماید پیوسته رحمت حق
بدو رسد و از نفاق و آتش دوزخ دور برد و کسی که بیمار شود یکشبانه روز و شکوه نکند نزد
مردمان دوم آنکه کاهلی بکند در طاعت وقتی که تنها باشند و دوست میدارند که ایشان را
مدح کنند در جمیع امور یا علی منافق را سه خصلت است یکی آنکه هر گاه سخن گویند دروغ گویند
دوم وعده دهد خلاف کند سیم امانت بدو سپارند خیانت کند یا علی چیزی است که فراموشی

علی

می آرد یکی خوردن سیب ترش دوم خوردن گشنیز سیوم خوردن پنیر چهارم نیم خورده
موش پنجم خواندن کتابتها که بر سنگهای قبور نقش کرده اند ششم از میان دو زن گذشتن
هفتم شپش زنده انداختن هشتم حجامت کردن بر قفای سر نهم بول کردن در آب ایستاده
یا علی عیش مردمان در سه چیز است اول خانه فراخ دوم کنیزک خوش شکل سیوم اسب خوش رفتار
یا علی اگر مردمان زیرک دون مرتبه در این جای باشند هر آینه حق تعالی برانگیزد بادی که ایشانرا
از آن فرو جاه بیرون آورد و مسلط گرداند بر مردمان بزرگ یا علی مرتبه در وقتی که دولت
و سلطنت و پادشاهی بمردمان شریف افتد یا علی آنکس که نسبت دهد خود را بغیر مولای خود
بر وست لعنت حق و آنکه منع کند مزد مزدور و اجیر را بر وست لعنت حق و آنکه مسلمانی را
بکشد بناحق یا حمایت کند کشنده مؤمن را بر وست لعنت حق یا علی مؤمن کسیست که ایمن باشند
از و مسلمانان و مال خود و خون خود و مسلمان آنکس است که بسلامت باشند از دست و زبان
او و مهاجر آنکس است که دور شود از گناهان خود یا علی محکم ترین ایمان کسی راست که دوست
دارد هر چه دوست داشتنی است و دشمن دارد هرچه دشمن داشتنی است از برای خدا یا علی
هر که مطیع زن باشد او را بروی کشان بدوزخ برند امیر المؤمنین علی پرسیدند که یا رسول الله
چه چیز است اطاعت زن فرمود که اجازت دادن ایشانرا بحمامات و عروسیها و تفرجها
و پوشیدن جامهای تنگ و نازک بحیثیتی که اندامش تمام نماید یا علی بدرستی که حق تعالی برده
است بسبب اسلام تکبری که در میان مردم بود در زمان جاهلیت و تفاخر ایشان به پدران
خود بدان و آگاه باش که مردمان از نسل آدم اند و آدمی از خاک است و گرامی ترین ایشان
متقیانند یا علی حرامست بهای حرام مرده و سگ و شراب و مهر زن زانیه و رشوت

گرفتن در حکم واجب است که این یا علی هر که آموزد علم را که تفاخر کند بر سفیهان یا جدل کند با عالمان
یا دعوت کند خلق را بسوی خود تا معتقد او شوند و او را تعظیم کنند پس او از اهل دوزخ است
یا علی هرگاه بنده وفات کند مردمان گویند که چه چیز گذاشته است و فرشتگان گویند که چه
پیش فرستاده است از عمل صالح یا علی دنیا زندان مؤمنان است و جنت کافران یا علی
مردن ناگاه راحتیست از برای مؤمن و حسرتست از برای کافر یا علی وحی فرموده حق تعالی
بسوی دنیا که ای دنیا خدمت کن آنکس را که مرا خدمت کند و محنت ده آنکس را که ترا خدمت
کند یا علی اگر جناح پشه دنیا را قدر و قیمتی بودی پیش حق تعالی بمقدار پر مگسی نمیخورد کافر یکدم آب
از دنیا هیچ باب یا علی هیچکس نیست از اولین و آخرین الا آنکه تمنا کند در روز قیامت
کاشکی غیر از قوت ضروری هیچ زیادتی نبودی مرا یا علی بهترین مردمان آنکس است
که راضی باشد بقضای الهی یا علی ناله مؤمن تسبیح است و صیحه او تهلیل و خواب او بر بستر عبادت
و گردیدن او از پهلوی دیگر جهاد است در راه رب العباد یا علی اگر هدیه از بهر من پای
گوسفندی هر آینه قبول کنم او را و اگر طلب کنند مرا برای پاچه اجابت نمایم یا علی بر زنان
نماز جمعه نیست و بانگ و قامت نیست و پرسش مریض و از پی رفتن جنازه نیست
و دویدن میان صفا و مروه نیست و بوسیدن حجر الاسود و تراشیدن سر نیست و نه تولیه
قضا و نه مشورت کردن با ایشان و نه ذبح کردن مگر نزد ضرورت و نه بلند گفتن لبیک در حج و نه
اقامت کردن نزد قبور و نه شنیدن خطبه و نه وکیل شدن از برای نکاح و نه خطبه
شنیدن و نه بیرون رفتن از خانه مگر برخصت شوهر پس اگر بیرون رود بی رخصت

او لعنت میکند او را خدای تعالی و جبرئیل و میکائیل و باید که زن از خانه شوهر چیزی بکسی ندهد مگر
رخصت او و باید نگذارد زن که شب شوهرش با وی در غضب باشد اگرچه شوهر بر وی ظلم کرده
باشد یا علی اسلام برهنه است و لباس او حیاست و زینت او وفاست و مروت او
عمل صالح است و ستون او ورع است و هر چیز را اساس و بنیاد است و بنیاد اسلام دوستی
اهل بیت مصطفی ص است یا علی بد خلق شوم است و اطاعت کردن ایشان پشیمانی و ندامت است
یا علی اگر شومی است پس آن در زبان زنانست یا علی نجات یافته اند سبکباران اخفا
و هلاک شده اند بارکشان گناه از بی باکی یا علی هر که دروغ بر من بندد پس مهیا
سازد جای خود را در دوزخ یا علی سه چیز است که زیاده میکند حفظ را و میبرد بلغم را
خائیدن کندر و مسواک کردن و قرآن خواندن یا علی مسواک کردن سنت است و این
پاک کننده دهان است و روشن سازنده دیدگان و راضی کننده رحمن سفید
میکند دندان را و می برد زردی رو را و محکم میسازد بیخ دندان را و اشتها می آرد برای
طعام خوردن و می برد بلغم را و در حفظ می افزاید و حسنات را دو چندان میکند و فرشتگان
را شاد میگرداند یا علی خواب بر چهار نوع است اول خواب انبیاء که ایشان برقفا
خواب کنند دوم مؤمنان که ایشان بر پهلوی راست خواب کنند سیوم خواب کافران
و منافقان که ایشان بر پهلوی چپ خواب کنند چهارم خواب شیاطین که ایشان بروی
در افتند و خواب کنند یا علی نفرستاد خدای تعالی هیچ پیغمبری را مگر آنکه گردانید فرزندان
و ذریت او را در پشت او و گردانید فرزندان مرا در پشت تو و اگر تو نبودی مرا هیچ
فرزندی نبودی یا علی چهار چیز است که شکننده پشت است اول بینوای که عاصی شده باشد

خدا را و مردم مطیع او باشند دوم زنی که شوهر او را محافظت کند و او با شوهر خود خیانت
کند سیوم درویشی که کسی مددای او نکند چهارم حبابه پدر یا علی پنج سنتی که عبد المطلب
در حالت جاهلیت پنج چیز را سنت و طریق خود ساخته بود که خداوند عالم آیه قرآن و ارشاد
برطبق آن و آن ثابت ماند اول آنکه جایز نمیداشت که زن پدر و اجداد خود را بنکاح
خود در آرد و این آیه برطبق آن آمد و لا تنکحوا ما نکح آباؤکم من النساء دوم آنکه گنجی یافت
و بیرون کرد از و خمس را و بمستحقان رسانید برطبق آن این آیه آمد و اعلموا انما غنمتم تا آخر
آیه سیوم چون چاه زمزم را کند نام او نهاده سقایة الحاج برطبق آن این آیه آمد اجعلتم
سقایة الحاج چهارم در دیه کسان که بناحق کشند صد شتر نذر کرده بود حق تعالی آن را جاری
داشت و تغییر نکرد در اسلام پنجم از برای طواف عدد مقرری نبود نزد قریش او مقرر نمود
که هفت بار طواف کنند خدای تعالی آن را جاری داشت در اسلام و تغییر نکرد یا علی بدرستی
که عبد المطلب قمار نباخت و بت نپرستید و گوشت حیوانی نخورد که بنام بتان کشته
باشند و میگفت که من بر دین پدر خود ابراهیم ع یا علی عجب ترین مردمان از روی ایمان
و عظیم ترین ایشان از روی یقین قومی اند که می آیند در آخر الزمان و پیغمبر را ندیده اند و
حجتها از ایشان پوشیده پس ایمان آورده اند با نچه پیغمبر بدان آمده یا علی سه چیز است
که سخت میکند دل را یکی کلام بیفایده شنیدن دوم طلب صید کردن سیوم بدر خانه سلطان
رفتن نگه یا علی نماز مگذار در پوست چیزی که شیر و گوشت او را نخورند و نماز مگذار در زمینی که
دو لشکر جنگ کرده باشند و در زمینی که قوم نمرود دعا و هلاک شده اند یا علی نخور از
تخم مرغ آنچه دو طرفش مختلف باشد و نخور از ماهی که او را پوستی باشد که پولک داشته باشد و نخور از

مرغ

مرغ آنچه در پریدن بال خود را بسیار جنباند و نخور از مرغی را که در پریدن بال خود را کم
جنباند و نخور از مرغ آبی آنچه پا آن را سنگدان و علف دان نباشد یا علی هر چه صاحب چنگل
باز از درندها یا صاحب چنگ باز از پرندها پس حرام است اکل او یا علی نکشند بوری را
که پیر خود را کشته باز یا علی قبول نمیکند خدای تعالی دعای ولدی را که فراموش کار است
یا علی خواب عالم فاضلتر است از عبادت عابد خیر عالم یا علی دو رکعت نماز عالم
بهتر است از هزار رکعت نماز عابد یا علی درست نیست روزه زن که برو واجب نباشد
و از روی شرع و بخشش بود مگر باذن شوهرش و نیز درست نیست روزه غلام
و کنیزک مگر باذن مالک ایشان و درست نیست روزه مهمان که برو واجب نباشد
و نسبت روزه نباید مگر باذن آنکه مهمانی میکند یا علی روزه عید رمضان
و عید قربان حرام است و در دو روز و یکشب روزه داشتن و افطار نکردن حرام
و روزه داشتن از برای آنکه با کسی سخن نگوید حرام است و روزه داشتن از برای
وقوع معصیت و کاری که در و گناه باشد حرام است و تمامی روزهای سال روزه داشتن
حرام است یا علی در زنا کردن شش خصلت است سه از آن خصلتها در دنیا واقع
میشود و سه در آخرت پس آن سه خصلت که در دنیاست یکی آنست که حسن و عزت زنا
کننده را میبرد دوم فنای او را زود می آرد سیوم قطع روزی او میشود و آن
سه که در آخرت است یکی آنست که حسنات او را میبرد دوم آنکه مغضوب خدای تعالی
میگردد سیوم دایما در دوزخ باشد یا علی سود نامشروع گرفتن هفتاد جزو دارد

كمترين وكوچكترين بان مانند شخصي با مادر خود در كعبه زنا كند يا علي يكذره سود عليهم را است
نزد حق تعالى از هفتاد زنا كه با مادر خود و خواهر خود كرده باشد در مكه يا علي هر كه از زكوة
مال خود بمستحق نه‌دهد او بي ايمان است و مسلمان نيست و او معزز و محترم نباشد نزد
خالق وخلايق يا علي كسي كه زكوة مال نداده باشد در آخرت طلب كند كه مراجعت بدنيا
نمايد و ادي آن بكند يا علي ترك كننده حج كه استطاعت داشته باشد كافر است چنانكه

ومن كفر فان الله غني عن العالمين

حق تعالى فرموده والله على الناس حج البيت من استطاع اليه سبيلا يا علي
كه استطاعت حج رفتن داشته باشد و كاهلي نمايد خداي تعالى او را از انكيزد يهودي يا
نصراني يا علي صدقه دادن رد ميكند قضا را اگرچه آن قضا محكم باشد يا علي بخشش
نمودن بخويشان خود و خاطرجوئي ايشان كردن سبب درازي و زيادتي عمر است
يا علي كسي كه ابتدا نمايد بخوردن نمك وختم كند بخوردن آن از هفتاد و دو مرض شفا يابد
يا علي اگر من در جنت بمقام اعلي برسم البته شفاعت كنم پدر و مادر و برادر خود را كه با من
بودند پيش از زمان نبوت يا علي من پسر دو كسم كه قربان شده اند يكي عبد الله دوم
اسمعيل ومن دعا كرده پدر خود م كه ابراهيم است كه در مكه دعا كرده كه از نسل من كسي
نبي و پيغمبر باشد يا علي عقل چيزيست كه بسبب او حاصل ميشود جنت وطلب رضا كن تعالى
يا علي بتحقيق اول چيزي كه حق تعالى آفريده و فرموده او را كه پيا آمد و فرمود كه برو رفت بعد
از آن حق تعالى فرمود بعزت وجلال من كه نيافريدم چيزي را كه عزيزتر باشد در بهشت من از تو و

من

ومن بسبب تو نيكم و بسبب تو مي بخشم و بسبب تو مي آمرزم و بسبب تو عقوبت ميكنم
يا علي صدقه دادن بغير خويشان درست نيست هرگاه كه ايشان محتاج باشند
يا علي يكدرم صرف كردن در خضاب فاضلتر است از هزار دينار بذل كردن در راه خدا تعالى
در خضاب كردن چهارده خصلت است يكي آنكه باد گوشها را مي برد دويم روشني چشم را
مي افزايد سيوم دماغ را نرم ميكند چهارم بوي دهان را خوش ميكند پنجم بيخ دندان را محكم ميسازد
ششم بوي بغل را زايل ميگرداند هفتم وسوسه شيطان از وكم ميشود هشتم فرشتگان از و
خوشحال و فرحناك ميگردند نهم مؤمنان بسبب آن عمل طلب بشارت ميكنند دهم كافران از و
ترسناك شوند يازدهم آنكه زينت مردانست دوازدهم پاكيست سيزدهم مكر و نكير از و حيا
ميكنند چهاردهم او در قبر ايمن وسلامت مي باشد يا علي چيزي نيست در گفتن مگر آنكه او را
بفعل آرند و چيزي نيست در نظر ديدن چيزي مگر از احوال او صاحب وقوف باشند و
چيزي نيست در مال مگر آنكه از ان عطيه وبخشش نمايد و چيزي نيست در دوست مگر آنكه او
وفادار باشد و چيزي نيست در عفت مگر آنكه او پرهيزكار باشد و چيزي نيست در صدقه مگر آنكه
نيت كند و چيزي نيست در وطن مگر آنكه در و راحت و خوشدلي باشد يا علي در گوسفند
هفت چيز حرام است يكي خون دوم محل ذكرش سيوم ام الانثيين چهارم مغزي كه در ميان
پشت است پنجم آن ماده كه در گوشت مي باشد ششم سپرز هفتم زهره يا علي در خريدن چهار
چيز نزاع ومبالغه مكن يكي در خريدن حيوان از جهة قربان دوم خريدن كفن سيوم در
خريدن غلام و كنيزك چهارم در كرايه راه مكه يا علي آيا خبر نكرده ام ترا از ان كس كه منافق
بدتر است بمن از مردم گفت بلي يا رسول الله بعد از آن حضرت رسالت صلعم فرمودند كه ا

آنکسی است که خلق او بیشتر باشد از خلق مردم و حلم او بیشتر باشد از حلم مردم و احسان
و کرم او بخویشان خود بیشتر باشد از مردم و انصاف او بیشتر باشد از انصاف مردم یا علی
هر که از امت من در کشتی نشیند خواهد که غرق نشود این دعا بخوانند بسم الله الرحمن الرحیم
وَمَا قَدَرُوا اللهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ
بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ بِسْمِ اللهِ مَجْرِيهَا وَمُرْسَيهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ
یا علی هر که از امت من خواهند که از دزد بسلامت باشند این دعا بخوانند قل ادعوا الله
او ادعوا الرحمن تا آخر سوره یا علی هر که امت من خواهند که بسلامت باشند از فرود آمدن
خانه و دیوار بر ایشان این آیه بخوانند ان الله یمسک السموات والارض تا حلیما غفورا
یا علی هر که امت من خواهند که از غم خلاص باشند بخوانند لا حول ولا قوة الا بالله
لا ملجا ولا منجا من الله الا الیه یا علی هر که امت من خواهند که بسلامت باشند از غرق
این آیه بخوانند ان ولیی الله الذی نزل الکتاب وهو یتولی الصالحین و ما
قدروا الله حق قدره والارض جمیعا قبضته یوم القیمه والسموات مطویات بیمینه
سبحانه وتعالی عما یشرکون یا علی هر کس از امت من ترس دشمن داشته باشد این دعا بخواند لقد
جاءکم رسول من انفسکم تا آخر ترس برطرف شود یا علی هر که چهارپایی رام او نشود
این آیه در گوش راست او بخوانند رام شود وله اسلم من فی السموات والارض
طوعا و کرها والیه ترجعون یا علی کسی که در شکم آب زرد داشته باشد بنویسند در شکم او
آیة الکرسی را بعد از آن بشویند و بخورد او دهند از آن خلاص گردد باذن الله تعالی یا علی

کی

کسی که از ساحر و شیطان ترسد این آیه بخواند ان ربکم الله تا آخر آیه ترس او برطرف
شود یا علی چهل چیز بهتر از آن است که با کسی نام برد و او را بهلوی خود نشاند و پیش
او نشیند و با او در حمام رود یا علی سه چیز است که وسوسه می آرد یکی خوردن گل و خاک
دوم پاره کردن ناخن را بدندان سیم خوردن ریش یا علی لعنت خدا بر پدر و مادری است که
مسابله و مصافحه کرده باشند با فرزند که او بر ایشان عاق شده باشد و نزد مردمان برد یا علی
آنچه که عقوبت و بدی لازم فرزند میشود بسبب عاق شدن بر پدر و مادر همان لازم
پدر و مادر است بسبب تعلیم و ادب و ارکان او یا علی رحمت خدا بر پدر و مادر باد
که فرزند ایشان با ایشان با ادب و نیکویی باشد اگرچه ایشان مسابله نموده باشند
در تعلیم ادب او یا علی کسی که ملول گرداند پدر و مادر خود را بتحقیق که عاق شده است
بر ایشان یا علی کسی که غیبت کند مسلمانی را پیش مسلمانی و او استطاعت منع کردن
داشته باشد و منع نکند او نزد الله تعالی مخذول است در دنیا و آخرت یا علی کسی که کفایت
کند در نفقه یتیم بمال او تا آنکه غنی شود از اهل جنت است البته یا علی کسی که دست بر سر یتیمی
مالد از روی ترحم الله تعالی او را عطا میکند بعدد هر موی یتیم در روز قیامت یا علی فقری
سخت تر از جهل نیست و مالی بهتر از عقل نیست و وحدتی بدتر از عجب و تکبر نیست
و ورعی مثل دور کردن نفس خود از چیزهای بد نیست و حسنی مثل حسن خلق نیست
و عبادتی مثل تفکر در امور نیست یا علی آفت سخن گفتن دروغ است و آفت علم نسیان
است و آفت عبادت فتره است و آفت جمال عجب و تکبر است و آفت علم حسد است

یا علی چهار چیز ضایع است یکی طعام خوردن کامی که سیر باشی دوم چراغ برکردن در مهتاب
سیوم زراعت کردن در زمین شوره چهارم کاری کردن پیش کسی که از اهل آن کار
نباشد یا علی کسی که فراموش کند صلوات را بر من بتحقیق که گم کند راه بهشت را یا علی دست
تا باریخ در دهان اژدها کردن خوشتر است مرا از طلب کردن از لئیمی که منعم شده باشد
یا علی انگشتری در دست راست کن که فضیلتست از الله تعالی مقربان پس حضرت امیر
المؤمنین ع سوال نمودند که چه انگشتری در دست کنم حضرت رسول ص فرمودند که عقیق
سرخ در بر کن که عقیق اول کوهیست که اقرار کرده بوحدانیت خدا و به نبوت من و با امامت
تو و فرزندان تو و بهشت رفتن شیعه تو و به دوزخ رفتن اعدای تو یا علی حق تعالی مشرف
شد بر دنیا پس از آن برگزید مرا بر خلق عالم پس نوبت دیگر مطلع شد و برگزید ایمه را از فرزندان تو
بر خلق عالم پس نوبت دیگر مطلع شد برگزید فاطمه زهرا را ع بر زنان عالم یا علی من یافتم ترا
نزدیک خود در چهار محل و الخ یافتم تنظر کردن در آن شبی که مرا با آسمان میبردند چون بمسجد بیت
المقدس رسیدم دیدم که بر صخره نوشته اند لا اله الا الله محمد رسول الله ایدته بوزیره و نصرته
بوزیره پس از جبرئیل ع پرسیدم که وزیر من کیست گفت علی بن ابی طالب ع چون بسدرة
المنتهی رسیدم دیدم که نوشته اند بر آنکه انی انا الله لا اله الا انا وحدی محمد صفوتی من خلقی
ایدته بوزیره و نصرته بوزیره پس از جبرئیل ع سوال کردم که وزیر من کیست گفت علی بن
ابی طالب ع پس چون بعرش رسیدم دیدم که نوشته اند بر ستونهای آن انی انا الله لا اله الا انا
وحدی محمد حبیبی ایدته بوزیره و نصرته بوزیره یا علی بدرستی که حق تعالی فضل و رحمت کرد

مرا بهفت خصلت که ترا است بدرستی تویی اول کسی که با من نشینی در منزلهای بلند
بهشت و اول کسی که بیاشامی با من شراب طهور در ظرفهای که مهر از مشک بود از آن
پیغمبر ص سلمان فارسی رضی الله عنه گفت چون مریض میشوی ترا سه چیز است اینکه خدا
یاد تو میکنند و دعای تو قبول میفرماید و مرض گناه ترا میبرد و خدا عافیت بتو کرامت
فرماید تا وقت اجل بعد از آن فرمودند یا علی در مرض که اجتناب کن از خواستن چیزی
از مردمان که در دنیا سبب خواریست و در قیامت موجب حساب پس شما رای اباذر
خواهی زیستن و خواهی مردن تنها و به بهشت خواهی رفتن تنها و قومی از عراق
بسبب تو سعادت خواهند یافت که ترا غسل و کفن و دفن کنند یا اباذر اگر کسی چیزی بتو
نخواه و اگر چیزی بتو دهند قبول کن بعد از آن پیغمبر ص فرمودند که مردمان بدترین
هم در میان شما کیستند حاضران گفتند بلی فرمود بدترین شما آنکسانند که سخن
چینی کنند و میان دوستان جدایی افکنند و عیب کنند کسی را که عیب نداشته
باشند   در موعظه حضرت رسول ص مر ابن مسعود را مروی است از ابی عبدالله ع
بن مسعود که گفت من با پنج کس دیگر از اصحاب بخدمت رسول ص رفتیم بغایت
گرسنگی بر ما غلبه کرده بود چنانچه چهار ماه غیر از آب و شیر و برگ درخت نخورده
بودیم گفتیم یا رسول الله ما را تا کی این گرسنگی خواهد بود آنحضرت فرمود که دایم در
گرسنگی خواهید بود پس شکر الهی مشغول شوید پس بدرستی که کتابهای الهی که نازل
گشته بر من و بر انبیا پیش تمام خوانده ام نیافته ام آنکه کسی به بهشت رود مگر صابران

که احوال ایشان بی حساب است پس سؤال کردیم که یا رسول الله صابران کیانند فرمود
آنکسانی که صبر کنند بطاعت الهی و اجتناب نمایند از معصیت و مناهی و کسب
و کاری پاکیزه کنند در معاش میانه حال باشند و صدقه کنند الخ این آزاد
رسن باشد پس ایشان رستگارانند ای پسر مسعود علامت صابران آنست که خشوع
دارند و وقار و آرام دل و قرار و تفکر نمایند در امور و نرمی نمایند و پرهیزکاری و نیکویی
کنند با مردم و دوستی و خشم ایشان از برای رضای الهی باشد و اداء امانت شعار
ایشان بود و معاونت اهل حق و ثنا ایشان و عفو کنند هر کسی که بر ایشان ستم
کرده باشد ای پسر مسعود صابران چون مبتلا میشوند صبر میکنند و چون نعمتی می یابند
شکر بجای می آرند و حلم میکنند راستی و راست میگویند بپرستش و وفا بعهد
مینمایند و از بدی توبه میکنند و به نیکی شادان می باشند و چون جاهلان با ایشان
تعرض و ناملایمی میکنند روان میگذرند و اعراض مینمایند و شب نماز و دعا میکنند
و بمردمان نصیحت میکنند و سخن نیک میگویند بخدایی که مرا بحق فرستاده که اینها صابرانند
ای پسر مسعود حضرت معبود فرموده أَفَمَنْ شَرَحَ اللهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِنْ رَبِّهِ
که نور چون بر دل افتد منشرح و گشاده میگردد پرسیدند که آیا نور دل نشانه دارد
فرمود بلی گذشتن از دنیا است و بازگشت بآخرت مهیا شدن جهت مرگ پیش از آنکه
فوت شود و فرصت هر کس که ترک دنیا کرد کوتاه میشود امید او از دنیا و دنیا را
با اهل دنیا میگذارد ای پسر مسعود معنی آیه وَلِنَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا اینست که

شمارا

شما را آزمایش میکنیم که کدام ترک دنیا بیشتر میکند که آن جای غرور است و خانه کسی است
که خانه ندارد و کسی که عقل ندارد جمع آن میکند و احمق ترین مردمان آنکس است که طلب دنیا میکند
و حق تعالی فرموده در شان عیسی علیه السلام که آتیناه الحکم صبیا یعنی ما در کودکی دادیم باو زهد و ترک
دنیا فرمود مر موسی را که بهترین زینتها در نظر من زهد است چون فقر روی بتو کند مرحبا گو
و اگر توانگری روی بتو نهد بترس ای پسر مسعود هر که مشتاق بهشت باشد باید که بشتابد
بخیرات و هر که ترسد از آتش باید که اجتناب نماید از شهوات و هر که مرگ را انتظار آرد باید
که بگذرد از لذات و هر که در دنیا زاهد شد بر او آسان شد مصیبات ای پسر مسعود حق تعالی گزید
موسی را بکلام خویش و مناجات کرد با او وقتی که رنگ سبزی از شکم او می نمود از لاغری ای
پسر مسعود اگر خواهی جهت تو بیان کنم حال نوح نبی را که هزار سال کم پنجاه در دنیا زیست چون
صباح میکرد بر آن بود که شب نخواهد بود و چون شب میکرد بر آن بود که صباح نخواهد بود
و طعام او از جو بود و لباس او از مو و طعام الیاس داود نبی همچنین بود و سلیمان با آنکه
ملک عالم را داشت از جو میخورد و طعام خوب بمردم میداد از موی میپوشید و چون شب
میشد تا صباح بنماز می ایستاد و ابراهیم خلیل لباس او از پشم بود و طعام او از جو اگر خواهی
بیان کنم حال علی علیه السلام را آن عجب حالیست میفرمود نان خورش من گرسنگی است و شعار من
ترس است و لباس من پشم و مرکب من پایهای من است و چراغ من در شب ماه است و آتش
من در زمستان روشنی آفتاب است و میوه و ریحان من سبزیهای زمین است که جانوران
میخورند شب میکنم و هیچ ندارم و صبح میکنم چیزی ندارم و در روی زمین کسی از من غنی تر نیست

ای پسر مسعود تمام پیغمبران بخشیده‌اند از آنچه حق تعالی بخشیده است و کوچک میدانند آنچه نزد حق تعالی
کوچک است و حق تعالی در کتاب خود مدح ایشان بسیار نموده و از عذاب ترسانیده و آیات
قرآنی ناطق است باین ای پسر مسعود آتش برای آنکس است که حرام خورد و بهشت جهت آنکس است
که از حلال نیز بگذرد ای پسر مسعود خواهند آمد بعد از من جماعتی که طعامهای خوب خورند و بر چهار
پایان خوب سوار شوند و بزینتهای زمانه خود را آرایند و زنان بیرون آیند بطور ملکان
جباران و جماعت منافقان این امت‌اند و در آخر الزمان شراب خورند و قمار بازند و بشهوت
مشغول باشند و ترک نماز جماعت کنند و عداوت بسیار ورزند مثل ایشان مثل گیاه دغل
است که شکوفه‌ان نیکوست و طعمش تلخ و عملهای ایشان دردناک است که دوا ندارد ای پسر مسعود
سخن ایشان از رای زنان ایشان است و شرف ایشان دراهم و دنانیر است همتهای
ایشان شکم ایشان است ایشان جماعت بدترین مردمند فتنه از ایشان برخیزد و بایشان باز
گردد ای پسر مسعود اسلام چون ابتدا شد غریب بود و زود باشد که باز گردد غریب و مرحبا بغریبان
را که غریبند پس از فرزندان شما کسی که بیاید این زمان از اسلام نکند رای ایشان و متابعت نکند
با جنازه ایشان پرستش نکند ختنگان ایشان را بی پرستی که ایشان اظهار طریقه شما میکنند
و افعال ایشان بخلاف شماست و بی میرند بر غیر ملت شما ایشان نیستند از من و من نیستم از
ایشان پس باید که نترسید از کسی که او از غیر خدا ترسد ای پسر مسعود بر ایشان باد لعنت من
و تمام رسولان و ملائکه مقرب و بر ایشان باد غضب خدا و سختی حساب دنیا و آخرت
ای پسر مسعود خواهد آمد بر مردم زمانی که صبر کردن بر دین بجهت برداشتن آتش بکف دست

که

ای پسر مسعود علمای ایشان و فقهای ایشان خائن‌اند و بدکردار و بدترین خلق خدا بدرستی
ایشان و کسی که دوست دارد ایشان را و با ایشان بنشیند و با ایشان مشورت کند بدترین
خلق خدا اند میگویند که بر دین منند و بر سنت و طریقت و شریعت من لیکن من از ایشان بیزارم
و ایشان از من بری‌اند ای پسر مسعود با ایشان منشین و خرید و فروخت مکن و آب بایشان
مده سوگند بخدا که مرا بحق بخلق فرستاده که خدا ایشان را بوزینه و خوک گرداند و در زمین
فرو برد ای پسر مسعود کسی که علم بیاموزد و مکان آن جهت دنیا و غالب شود بر دوستی دنیا و زینت
آن مستحق عذاب و عقاب خدا شود و در درک اسفل با یهودان و نصرانیان در رود ای پسر مسعود
هر کس که قرآن جهت دنیا بخواند بهشت بروی حرام ای پسر مسعود و هر کس که بیاموزد علمی و بآن عمل نکند در قیامت
کور باشد و کسی که علم بیاموزد بریا جهت دنیا حق تعالی برکت از و بردارد و معاش بر وی تنگ گرداند
و خدا او را بخود گذارد پس هلاک شود ای پسر مسعود بر تو باد که از خدا بترسی و واجبات بجای
آوری ای پسر مسعود ترک کن آنچه ترا بکار نمی‌آید و قصد کن آنچه ترا بکار می‌آید ای پسر مسعود
بپرهیز از آنکه ترک طاعت کنی و قصد معصیت ای پسر مسعود پرهیزکاری کن و لذتها و شهوتهای دنیا
و زینتهای آن و خوردن حرام و طلا و نقره و مرکوبها و زنان و فرزندان و ظرف آنها
طلا و نقره و گاو و گوسفند و شتر و زراعت بدرستی که اینها متاع دنیاست و آنچه نزد حق تعالی
از ثواب و بازگشت نیکوتر از این است ای پسر مسعود چون قرآن خوانی و بآیتی برسی که
در او امر و نهی باشد مکرر بخوان و ملاحظه معنی آن بکن و از آن پند و اعتبار بگیر و غافل

مشو از آن ای پسر مسعود سوگند بخدا که مرا بحق بخلق فرستاده که زمانی در آید بر مردمان که زنا را حلال دانند و نام آن را نبیذ نهند لعنت خدا و ملایکه و جمیع عالم بر ایشان باد و وای از من دور شوند و من از ایشان بری و بیزار ای پسر مسعود زنا با مادر سهلتر است نزد حق تعالی
از خوردن ربا اگر چه بمقدار خردل دانه باشد و خوردن مست کننده خواه اندک و خواه بسیار آسان تر است نزد حق تعالی از خوردن ربا که زیرا که ربا کلید همه شرهاست
ای پسر مسعود اجماعت عیب کنند کسی را که بر روش سنت من است و فرض خدای تعالی ای پسر مسعود چون پرهیز از مستی گناه چه گناه راستی هست مثل مستی شراب بلکه بیش از آن ای پسر مسعود چون کاری کنی از برای خدا کن نه از جهة غرضی زیرا که حق تعالی قبول نمیکند از بندگان مگر آنکه خالص
لوجه الله باشد ای پسر مسعود بگذار نعمت دنیا را و شیرینی آن و گرم و سرد و نرم و خوب آن را
و لازم ساز بر نفس خود صبر از آن زیرا که حضرت عزة در آخرت از اینها همه سؤال خواهد نمود
ای پسر مسعود چون کار نیکو کنی و قصد تو از آن چیزی باشد غیر خدای تعالی امید مدار ثواب آخرت را
در آن کار ای پسر مسعود زمانی که مردمان مدح تو کنند و گویند تو روز روزه گیری و شب بیداری
و نماز میگذاری و تو چنان نباشی بدان که مشوای پسر مسعود کار نیکو بسیار کن بدرستی که در روز قیامة
نیکوکار و بدکار هر دو پشیمان گشته ای پسر مسعود یاد کن قرنهای پیشین را و ملوک و حکام
جبار که پیشتر بوده اند و رفته اند از این دنیای غدار چون عاد و ثمود و فرعون و نمرود
از حال ایشان اعتبار گیر ای پسر مسعود التزام تقوی حق کن در ظاهر و پنهان در بر
و بحر و در شب و روز زیرا که حق با شماست هر جا که هستید ای پسر مسعود خیانت مکن

باب مجلس

باب مجلس در امانتی که نزد تو نهند یا امانتی که تو از ایشان امین دانند چه حق تعالی میفرماید
ان الله یأمرکم ان تؤدوا الامانات یعنی خدا امر میکند شما را که برسانید هر امانتی را بصاحب
ای پسر مسعود سوگند بآنکه مرا بحق بخلق فرستاده که هر که از دنیا بگذرد و بگذارد و روی
بتجارت آخرت آرد حق تعالی خیر بسیار باو بدهد و نفع بیشمار کرامت فرماید پس ابن مسعود
گفت پدرم و مادرم بفدای تو باد یا رسول الله چیست مر تجارت آخرت آنحضرت فرمود
که زبان تو ربح و سود میکند از ذکر خدا با آنکه بگویی سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله
و الله اکبر پس بدرستی که این تجارت سود کننده است ای پسر مسعود هر چه که چشمان تو ببیند
و دل تو آن را پسند کند آن را از برای خدا صرف کن که تجارت آخرت است چه حق تعالی میفرماید
که ما عندکم ینفد و ما عند الله باق یعنی آنچه نزد شماست فانی و نیست میشود و آنچه نزد
حقست باقیست ای پسر مسعود چون بگویی لا اله الا الله و ندانی حق آن را باز کرده اند آن را
بسوی تو ای پسر مسعود دوست دار صالحان را پس بدرستی هر کس با آنچه دوست دارد محشور
شود پس اگر تو نتوانایی نداشته باشی باعمال نیکو دوست دار علما را ای پسر مسعود پرهیز کاری
از شرک بخدا و اگر چه ترا پاره پاره ببرند یا اعضای تو جدا کنند یا ترا بحلق بیاویزند یا بآتش
بسوزانند ای پسر مسعود صبر کن در صحبت کسی که ذکر خدا و تسبیح و تهلیل و تحمید میگویند و عمل میکنند
بطاعت او در صبح و شام خدا را میخوانند ای پسر مسعود هیچ چیز را اختیار مکن و مگزین بر ذکر
خدای تعالی چه میفرماید و لذکر الله اکبر یعنی ذکر خدا بزرگتر است از همه اشیا ای پسر مسعود
بر شما باد که التزام کنید سکینه و آرام و وقار پس باش تو سهل و نرم سخن و پرهیز کار و مسلمان

ومتقی و پاک و نیکوکار و طاهر و پاکیزه و پاکیزه کننده و صادق و خالص و سلیم و صحیح و عاقل
و صالح و صابر و شاکر و مؤمن و متورع و زاهد و رحیم و دانا زیرا که هر کس که بدین صفات موصوف
است مستحق بهشت و بهشت میراث اوست چنانچه حق تعالی میفرماید والذین هم علی صلواتهم
یحافظون اولئک هم الوارثون الذین یرثون الفردوس هم فیها خالدون
ای پسر مسعود شفقت مکن بر اهل و فرزند خود بچیزی که داخل شوی بسبب آن در معصیتها و حرام
و در قیامت شرمنده باشی و باید که یاد حق کنی و بعمل صالح مشغول باشی که عمل نیکو پسندیده
خداست ای پسر مسعود مباش از قبیل آنکسانی که راه مینمایند مردمان را بکار نیک و امر کنند ایشان را
بنیکی و حال آنکه خود غافل باشند از نیکی ای پسر مسعود نگاه دار زبان خود را از بد گفتن
تا شرمنده نشوی در آخرت ای پسر مسعود بترس از روزی که پراکنده شود در آن روز نامهها و ظاهر
شود بدیها ای پسر مسعود بترس از خدا در حال غیبت و نادیدن او و چنان بترس که گویا تو او را
می بینی و اگر تو او را نه بینی پس بترسی که او ترا می بیند ای پسر مسعود انصاف بده مردمان را
از نفس خود و نصیحت کن ایشان را و رحم کن بر ایشان پس اگر تو چنین باشی و خدای تعالی
غضب کرده باشد بر اهل شهری که در آن شهر باشی و خواهد که بر ایشان عذاب فرستد نظر کند
بسوی تو و بسبب تو رحمت کند بر ایشان و عذاب نفرستد ای پسر مسعود حذر کن از آنکه تو
خود را ظاهر کرده آئی در میان مردمان بتواضع و فروتنی و حال آنکه در خلوتی که تو باشی و خدای
تو اصرار و مبالغه نمایی در معصیتها و گناهها و خدای تعالی عالم است بآنها و مخفی تر از آنها
ای پسر مسعود مباش تو مثل کسانی که سخت نمایند چیزها را بر مردمان و آسان کنند بر خود ای پسر مسعود

اگر عمل و کاری کنی آنرا از روی علم و عقل کن ای پسر مسعود و حذر کن از کاری بی منفعه
و دانش ای پسر مسعود راست گو باش و بیرون میاور مطلق از دهان خود دروغ و افترا
ده مردمان را از نفس خود و نیکوئی کن با ایشان و دعوت کن مردم را به نیکی کردن و نیکی
کن با خویشان و مکر و حیله مکن با مردم و وفا کن بعهد و پیمانی که کرده باشی با ایشان و صله رحم
در وصیت رسول صلعم ابی ذر غفاری را رضه مرویست که ابی ذر گفت رفتم در اول روز
بخدمت حضرت رسول صلعم و آنحضرت در مسجد بود بغیر از آنحضرت و امیرالمؤمنین عم نبود و امیر
المؤمنین عم بر یکطرف آنحضرت نشسته بود پس غنیمت دانستم خلوت مسجد را گفتم یا رسول الله
پدر و مادرم فدای تو باد وصیت کن مرا وصیتی چند که فایده دهد بآن خدای تعالی مرا پس
آنحضرت قبول کرد و فرمود که ای اباذر بتحقیق که تو از مایی و اهل بیت مایی وصیت چندی
میکنم ترا نگاه دار آنرا که ترا نفع دهد در دنیا و آخرت ای اباذر عبادت و بندگی کن خدای تعالی
را چنان که گویا تو او را می بینی و اگر نمی بینی تو او را بتحقیق که او ترا می بیند و بدان ای اباذر
که اول بندگی کردن خدای تعالی دانستن اوست و دانستن او آنست که خدای تعالی اول
همه چیزهاست و پیش از و هیچ چیز نبوده و او بوده و خدا یکیست که او را دوم نیست و باقیست
که او را آخر و نهایت نیست آفریننده زمین و آسمان است و آنچه در ایشان و در میان
ایشان است و لطف کننده است بر خلقان و آگاه است و بر جمیع چیزها قدرت دارد وا
و از آنچیزی که گفته نیست بعد از آن ایمان بمن یعنی اعتقاد کردن بجمیع آنچه من بر آن آمده
ام و اقرار کردن بآنچه خدای تعالی مرا فرستاده بر جمیع مردمان بجهة بشارت رسانیدن

بر ایشان و ترس دادن ایشان را بعذاب و عقاب و دعوت کردن ایشان را بسوی خدا گفتم
باذن او و من چراغیم نور دهنده بعد از آن دوستی اهل بیت من که خدای تعالی دور کرده
از ایشان چرک گناه را و پاک کرده ایشان را آنچنان پاکی که می باید و بدان ای اباذر
بتحقیق که خدای تعالی اهل بیت مرا در میان امت من مثل کشتی نوح گردانیده هر که سوار
شد بر آن از طوفان خلاص شد هر که تخلف کرد از آن بغرق و هلاک شتافت و بحقیقت
اهل بیت من مثل باب حطه است که در بنی اسرائیل بود که هر که داخل شد بدان ایمنی یافت
از بلاها و عذابها ای اباذر نگاه دار آنچه نصیحت میکنم بتو تا سعید باشی در دنیا و آخرت
ای اباذر دو نعمت اند که مغبون شدند اکثر مردمان از آن یکی امنیت و دیگر صحت تن
دو نعمت را مکن در شکر سستی یعنی یکی امن است و دیگر تندرستی ای اباذر غنیمت دان
پنج چیز را پیش از پنج چیز جوانی را پیش از پیری صحت را پیش از بیماری توانگری را
پیش از بی مالی و فراغت را پیش از گرفتاری و زندگی را پیش از مردن و بیقراری ای اباذر
حذر کن از تقصیر در کارها و کار امروز بفردا مینداز و طاعت واجبات که امروز
باید کردن بکن و موقوف بفردا مساز زیرا که اگر فردا باشی طاعت و عبادت و احتیاج که
کرده بکنی مثل روز گذشته ای اباذر بسیار کسانند که روز حاضر را غنیمت نمیدانند و اسکال
نمیکنند و انتظار فردا میکنند و بفردا نمیرسند ای اباذر اگر تو نظر کنی بمدت اجل و مسافه آن
هر آینه ترک کنی امید و غرور را ای اباذر در دنیا باش مثل غریب رهگذری و بشمار خود
را از اهل گورستان اگر با چیزی ای اباذر اگر در صباح باشی مگو با خود که در شب اینکار را

و اگر در شب باشی مگو که در صباح چنین و چنان کنم و فرا گیر در حالت صحت آنچه منفعت بخشد
صحبت از اعمال حسنه پیش از آنکه بیمار شوی و اخذ کن در زمان حیوة از افعال
پسندیده پیش از آنکه بمیری زیرا که معلوم نیست که فردا حال تو چیست و بچه نام میخوانند
ترا سعید یا شقی ای اباذر اگر در دریا بتو راکشتی گیری پیش از افتادن فال مگیر و در دل
خود در میاور که من افتم ای اباذر تو قدرت نداری که مراجعت کنی بدنیا بعد از مردن پس
باید که اعمال نیک پیش از مردن بجا آری و فایده نمیدهد ترا کسی که اموال و اسباب خود را
جهت وی گذاشته و عذر تو نخواهد کسی که جمع کرده بهر او چیزی که بدان مشغول گشته بجاست
خود ندانسته ای اباذر باید که بر علم خود حریص تر باشی از خود بر طلا و نقره بدرستی که بهترین
مردمان بحسب تربیت و منزلت نزد حضرت عزت در روز قیامت عالمیست که منتفع شود
بعلم خود و هر کس که طلب علم کند بواسطه آنکه مردمان روی به وی کنند و او را بزرگ خود
دانند و سرمایه از دست بهشت و نخواهد یافت بوی بهشت ای اباذر کسی که طلب علم
کند که مردمان را بفریبد بسبب آن علم بوی بهشت بمشام نرسد ای اباذر اگر کسی از تو سوال
کند چیزی را که ندانی تو آنرا بگوی که نمیدانم تا نجات یابی از عذاب الهی در روز قیامت ای اباذر
مطلع میشوند قومی از اهل بهشت بر احوال قومی از اهل دوزخ در آتش و حال آنکه گویند
ما داخل شده ایم در بهشت بواسطه قصد ادب کردن و تعلیم نمودن ما را ایشان
گویند که داخل شده ایم در دوزخ بسبب آنکه امر میکردیم مردم را بچیزهای نیک و حال آنکه

بران عمل نمیکردیم ای اباذر حقوق الهی بزرگتر است از آنکه بندگان بشکر آن قیام توانند
نمود و نعمتهای نامتناهی بیشتر است از آنکه بندگان در شمار توانند آورد و لیکن می باید که در
صباح و مسا توبه کنید از گناهان ای اباذر بتحقیق که گذشتن شب و روز عمرها کم میشود و عملها
را حفظ میکند و مرگ ناگاه می آید و هر که زراعت نیک میکند می یابد ثمرهٔ آنرا از راحت و زراعت
و هر که زراعت بد میکند میدرود حاصل پشیمانی و ندامت را و از برای هر زراعت
کنند حاصلست مثل آن چیزی که زراعت کرده از نیک و بد و هر که بغیری چیزی رساند خدا
نیز بدو خیر رساند و هر که نگاه دارد بنده خدا را از بدی خدای تعالی او را نگاه دارد از بدی
ای اباذر بر همه کارات قومی بزرگند و فقیهان راهنمایندهٔ مردم مانند بهشت و نشستن با ایشان
موجب زیادتی درجات است در دنیا و آخرت بتحقیق که مؤمن می بیند گناه خود را مثل
سنگی که گویا در زیر آن سنگ است و میترسد که آن سنگ بر او واقع شود و کافر می بیند
گناه خود را گویا مگسی است که بر بینی او میگذرد ای اباذر بتحقیق که خدای تعالی هرگاه با بنده نیکی
و نیکی او را میخواهد میگرداند گناه او را نزد دو چشم او مجسم و بر او گران و سخت میسازد تا دیگر
گناه نکند و هرگاه با بنده بدی خواهد گناه او را از او فراموش میگرداند و نظر مکن بخوردی
گناه خود لیکن نظر کن که با که عصیان میورزی ای اباذر بتحقیق که نفس مؤمن مضطرب
تر است از ترس خدای تعالی بسبب گناه کردن از گنجشکی که او انداخته شود در دام ای
اباذر کسی که موافق باشد قول او با فعل او پس آنکس فردای قیامت میرسد بنصیب در رزق
خود کسی که مخالف باشد قول او با فعل او بدرستی و راستی که سرزنش کرده میشود او را فردا

قیامت در میان مردم نیکو نیست در دنیا ای اباذر بتحقیق که مردم محروم میگردانند از
رزق خود بسبب گناهی که میکنند ای اباذر منع کن نفس خود را از چیزی که در آن جز فایده
نباشد و سخن مگوی در چیزی که بی منفعت است و نگاه دار زبان خود را از بدی چنانکه میداری
نقد و جنس خود را از تلف ای اباذر بتحقیق که خدای تعالی داخل میگرداند مؤمن را
در جنت و عطا میکند بایشان نعمتها گوناگون تا آنکه ایشان سیر شوند و بالای ایشان
قومی باشند در درجهٔ عالی پس هرگاه که نظر کنند بایشان بشناسند ایشانرا و گویند پروردگارا
اینها برادران ما بودند و باهم بودیم در دنیا پس بچه تفضل داده اید اینها را بر ما
پس جواب داده شود هیهات هیهات بتحقیق که ایشان گرسنه میبودند در حینی که
که شما سیر بودید و برپای ایستاده بودند در زمانی که شما خفته بودید و در تشویش و مشقت
بودند در وقتی که شما در راحت بودید ای اباذر گردانیده است خدای تعالی روشنی چشم
مرا در نماز گذاردن و محبت نماز در دل من نهاده چنانکه محبت گرسنه در طعام و تشنه
با آب لیکن گرسنه سیر میشود هرگاه که طعام میخورد و تشنه سیر آب میشود هرگاه که آب
می آشامد و حال آنکه من سیر نمیشوم از نماز گذاردن ای اباذر هر آدمی که دوازده رکعت
نماز سنت در شبانروزی بجا آرد سوای آنچه بر او فرض شده هر آینه باشد او را حقی واجب
که ثابت باشد در بهشت ای اباذر مادام که نماز گذاردی بتحقیق که میکوبی در حقیقت ملک
جبار را و هر کس که در ملک جبار بسیار بکوبد هر آینه گشاده شود از برای او دری از بهشت
ای اباذر در هیچ مؤمنی نیست که نماز گذارد مگر آنکه نثار کنند بر او نیکی آن مقدار که میانه او

و در شب است و موکل کرده شده بر و ملک را که ندا میکند وی گوید ای پسر آدم اگر تو میدانستی که
چه فایده های دنیوی و اخروی از برای تست در نماز گذاردن با که مناجات میکنی التفات بهیچ
وی بهیچ چیز غیر از آن ای اباذر در نیکی باد مر اصحاب عملها که ایشان بر داشته اند آن عملها را
در روز قیامت و در پیش مردم میروند بجنت گفت سؤال نمود که ایشان چه کسانند جواب داد
که ایشان آن کسانند که پیش از مردمان در سحرها و غیر آن بمساجد میروند و بطاعت مشغول میگردند
ای اباذر نماز ستون دین است و زبان بزرگتر از آن است و صدقه محو میکند گناه را و زبان بزرگتر
از آن است و روزه داشتن سپر است از آتش دوزخ و زبان بزرگتر است یعنی هرکه زبان
خود را بذکر خدا تعالی گویا کرده اند و از بد گفتن باز دارد و جاری سازد به نیکی گفتن ثواب آن
بزرگتر است و زیاده تر از ثواب اینها ای اباذر دنیا زندان مؤمنست و جنت کافران و صباح
نمیکند مؤمن در دنیا مگر آنکه حزین و اندوهگین است باز چگونه اندوهگین نشود که خدای تعالی او
را به داخل شدن در جهنم و همیشه مؤمن در دنیا ملول است تا آنکه مفارقت کند از دنیا و چون
مفارقت کرد از دنیا میرسد براحت و کرامت ای اباذر نیست نزد خدای تعالی چیزی بهتر از
درازی حزن و اندوه ای اباذر کسی را که حاصل شده باشد علمی که او را گریان نسازد هر آینه
او را سزاوار است که باشد از قبیل کسی که علمی حاصل نموده باشد ای اباذر کسی که توانایی دارد
که گریه کند باید که گریه کند و کسی که توانایی ندارد باید که دل خود را بجا باشد و اندوهگین گرداند
خبر میدهم ترا که هر دلی که زنگ غفلت دارد دور است از رحمت الهی و لیکن ایشان در میان
باشند ای اباذر خدا تعالی میفرماید که جمع نمیکنم بر بنده دو ترس را یعنی ترس دنیا و آخرت و جمع

نمیکنم

نمیکنم برای او دو امن را یعنی امن در دنیا و آخرت پس اگر کسی ایمن باشد از من در دنیا بترسانم
او را در آخرة ای اباذر اگر مردی را عملی باشد مثل عمل هفتاد پیغمبر باید که آن عمل را حقیر داند و ترسد
که مبادا که نجات نیابد از عذاب روز قیامت ای اباذر بتحقیق که عرض میکنند بر بندگان نامه او را
در روز رستخیز هر نوع گناهی که کرده باشد پس او گوید که من در دنیا ترسان بودم و بر بندگان
خدا مشفق حق تعالی او را بیامرزد و عفو کند ای اباذر بتحقیق که مردی که عمل نیک کند و تکیه و اعتماد
بر آن نماید و مرتکب گناهان صغیره شود چون نزد حق تعالی حاضر گردد حق تعالی بر وی خشمگین
و غضبناک باشد ای اباذر بنده باشد از بندگان خدا که گناه کند و بسبب گناه به بهشت رود
گفتم یا رسول الله پدر و مادرم فدای تو باد چگونه باشد این فرمود که چون بنده گناهی بکند و آن
همیشه در برابر او باشد و فراموش نکند و از آن بازگشت نماید و از آن بجانب حق گریزد تا
محلی که به بهشت رود ای اباذر زیرک آن کس است که نفس خود را بر نیکی دارد و کاری کند که نتیجه آن
بعد از مرگ بدو عاید گردد و مرد عاجز کسی است که نفس او تابع لذات و شهوات باشد و طلب
کند از حق تعالی که او را بمقاصد و لذات دنیویه رساند ای اباذر اول چیزی که برداشته میشود از این
امت امانت و فروتنی تا بمرتبه رسد که یافت نشود مرد متواضع خاشع ای اباذر بحق آن کس
که نفس محمد بید قدرت اوست که اگر دنیا نزد حق تعالی اعتباری میداشت برابر پر مگسی هر آینه
یک شربت آب از آن هیچ کافر نمیداد ای اباذر دنیا ملعون است کسی که در دنیاست مگر کسی که طلب
نماید در دنیا خدا را و توجه او بخدا باشد و هیچ چیز نزد حق تعالی دشمن تر نیست از دنیا
آفرید دنیا را و نظر نکرده بدو و نخواهد کرد تا روز قیامت هیچ چیز نیست دوستر نزد حق تعالی از ایمان

آوردن به و ترک کردن چیزی را که امر فرموده بترک آن ای اباذر بدرستی که خدای تعالی وحی فرمود به
برادرم عیسی علیه السلام و فرمود که ای عیسی دوست مدار دنیا را بجهت آنکه من دوست نمیدارم او را و دوست
دار آخرت را زیرا که آن خانه ایست که بازگشت همه بدوست ای اباذر جبرئیل آمد بسوی من
بر خزاین دنیا بر استری سفید و سیاه پس گفت ای محمد اینها خزاین دنیاست و نقصان نمیرسد بتو
در مرتبه و درجه که داری نزد حق تعالی بجهت فایده که تو از این خزاین بگیری من گفتم که ای جبرئیل
مرا حاجت باینها نیست هرگاه سیر میشوم شکر منعم میکنم و هرگاه گرسنه میشوم از خدای تعالی طلب میکنم
قدر ضرور را ای اباذر اگر خدا تعالی بنده خیر خواسته او را فقیر میگرداند در دین و زاهد میگرداند در دنیا
و بینا میسازد وی را بعیبهای دنیا و دردها و دواهای او و بیرون میبرد او را از آنجا بسلامت
بدار السلام بهشت ای اباذر اگر تو ببینی برادر خود را که او زاهد است در دنیا پس متوجه او شو و
استماع سخنان او کن زیرا که او بتحقیق القای حکمت میکند و افاده حکمت مینماید پس گفتم من
که یا رسول الله کیست زاهدتر در میان مردمان فرمود کسی که فراموش نکند قبور را و پوسیده
اجساد را و ترک کرده باشد زیادتی زینت دنیا را و اختیار کرده باشد چیزی را که آن باقیست
بر چیزی که آن فانیست و خود را در سلک مردگان شمارد ای اباذر وحی نکرده خدای تعالی
بمن که جمع کنم مال را بجا و لیکن وحی فرموده مرا که تسبیح کنم به ثنای ذو الجلال و باشم تو از سجده
کنندگان و بندگی کن خدا تعالی را تا آنکه ترا الیقین حاصل شود تا روز قیامت مرگ ای اباذر
می پوشم من آلتهای درشت و سطبر و می نشینم بر روی خاک و می لیسیم انگشتان خود را و سوار
میشوم بر حمار بی زین و کسی در قفای خود سوار میکنم و اینها سنت منست و هر که اعراض کند از سنت
من او از من نیست ای اباذر دوست داشتن مال و شرف می برد دین مرد را بجهت دو

ک

١٨٠

گرگ که بروند در گله گوسفند اباذر گفت یا رسول الله کیستند که خوف دارند از حق تعالی و
فروتنی میکنند و متواضعند و ذکر الهی بسیار بر زبان میرانند آیا ایشان سابقند در جنت
آنحضرت فرمود نه بلکه سابق در جنت فقرای مسلمانند و بتحقیق که ایشان پای در گردن
مردمان مینهند و بهشت میروند ای اباذر بتحقیق که دنیا مشغول کننده است دلها و بدنها را
بچیزهای که موجب لذات دنیوی است و محرمات می باید که هر مسلمانی خود را نگاه دارد از چیز
حرام تا فردای قیامت از عهده آن تواند بیرون آمد ای اباذر خدای تعالی سوال خواهد کرد
از نعمتهای حلال چگونه پرسد از ما از نعمتهای حرام ای اباذر بدرستی که من طلب کرده ام
از حضرت عزت که بدهد رزق کسی را که او دوست دارد مرا بقدر کفاف آن یعنی آنمقدار
که او را بس باشد و زیاده بر آن نباشد و طلب کرده ام من از حق تعالی که بدهد کسی که او دشمن
دارد مرا مال بسیار و فرزندان بیشمار ای اباذر خوشا حال کسانی که مرکب شده اند کسانی را که دوری گزیده اند
از دنیا و رغبت دارند بآخرة یعنی از لذات دنیوی و شهوات آن متنفر اند و راغبند بعقبی
و ایشان آنکسانند که زمین را فراش خود ساخته اند و خاک را بستر خود و آب را
پاک و حلال دانسته و کلام حق را شعار خود ساخته اند و بران عمل کرده اند و دعا
کردگار را دثار خود ساخته یعنی همیشه طالب حق اند و منقطعند از دنیای دنی ای اباذر
زرع آخرة نیکوست و زراعت دنیا مال و بسیار است ای اباذر بتحقیق که پروردگار من خبر داده است
مرا و فرموده که بحق عزت و بزرگی من که نرسیده اند عابدان بدرجه گریه کنان و بتحقیق
که هر آینه من بنا کرده ام از جهة گریه کنان و درجه علیا و مرتبه قصوی که در آن شریک

بلند م

انقطاع تمام م

بدان درجه رسیده اند

نشوند مجلس با ایشان گفتم یا رسول الله کدام مؤمن دانا و زیرکتر است فرمود آنانی که
ذکر مرگ بسیار کنند و برگ تهیهٔ موت را از دست نگذارند ای اباذر وقتی که داخل
شود نوری در دل مؤمن گشاده میشود دل او تا علوم حکم الهی در و ظاهر شود
انچه نامجد گفتم نشانهٔ آن چیست فرمود که بازگشتن است بدار ابدی و دوری
گزیدن است از دنیا دنی و خود را مستعد مرگ ساختن است پیش از آمدن آن ای اباذر
بترس از خدا و منما خود را بمردم که تو میترسی از خدا تا گرامی دارند ترا مردم و حال آنکه
دل تو باشد فاجر ای اباذر البته می باید که باشد از برای تو هر چیزی را که بفعل می آری در آن
نیت نیکویی حتی در طعام خوردن و خواب کردن ای اباذر البته باید که بزرگ داری عظمت
الهی را پس زبان میاور همچنانکه جهال و کفار در زبان می آرند نزد سگ دیدن و میگویند
اللهم اجره و نزد خوک دیدن اللهم اجره ای اباذر بتحقیق که خدا را فرشتگان هستند
که ایستاده اند در عبادت همیشه از ترس الهی و مستغرق حقند و سرهای خود را
بالا نمیکنند تا از زمانی که در صور دمند دیگر بعد از آن جمیع فرشتگان گویند که سبحانک
و بحمدک ما عبدناک کما ینبغی لک ان نعبد و اگر مردی را مثل عمل هفتاد پیغمبر باشد هر آینه
آن عمل نزد او اندک نماید از سختی چیزی که می بیند در روز قیامت بتحقیق که اگر دلوی را
بریزند از چرک و ریم دوزخیان در موضع طلوع آفتاب هر آینه بجوشش می آید از حرارت
و شدت گرمی آن جمجمها در طرفهایی که موضع غروب آفتاب است و اگر دوزخ یک زبانه از
آتش بزند نمی ماند از ملک مقرب و نبی مرسل مگر که بیفتند و نشینند بر دو زانوی

جمجمها

خود

خود بی اختیار و گویند هر یک از آن که ادرک نفسی نفسی یعنی ای پروردگار من رحم کن بر نفس
من و غفران نما و اباذر میرسند بغیر از نفس خود بهیچ چیزی نپردازند تا آنکه ابراهیم خلیل
فراموش کند فرزندان خود را اسحق و گوید ای کیمیای پروردگار من خلیل تو ام ابراهیم فراموش مکن
مرا ای اباذر بدرستی که اگر یک زنی از زنان بهشت ظاهر شود از آسمان دنیا در شبی که در غایت
تاریکی باشد هر آینه روشن شود از نور آن زن تمام زمین زیاده تر از روشنی قمر در شب چهارده
یابند بوی خوش او را جمیع اهل زمین و بتحقیق که اگر یکجامه از جامهای اهل جنت کشاده برای
کنده کشند یکروزی در دنیا هر آینه بیهوش شود هر آنکه نظر بر و اندازد و نتواند مگر بیتن او
ای اباذر بلند مکن آواز خود را نزد جنازها و در جنگ و نزد قرآن خواندن ای اباذر وقتی که
تو حاضر شوی بجنازه عقل خود را متوجه او گردانی و تفکر بحال خود کنی و بر حال خود بگریی و بدانی
تو بتحقیق که لاحق خواهی شدن بوی ای اباذر بدانکه هر چیزی که فاسد شود نمک او را باصلاح می آرد
دوای آن نمکست و هر گاه که نمک فاسد شود حال چه باشد یعنی علما و بزرگان بمرتبه نمکند در میان
مردمان که مردمان چون خوض نمایند در منهیات و فساد علما و بزرگان دین بچیزی اصلاح
ایشان کنند و ایشان را براه راست آرند و هر گاه که بزرگان و علما از اهل صلاح نباشند
ایشان را که اصلاح کند ای اباذر ... اهل عالم شوند بدانکه بر شما دو عادت بد است یکی خنده
بی تعجب و بیهوده یکی کاهلی در طاعت بی سهوای ای اباذر سخن حق گران و تلخست بر مردمان و
سخن باطل سبک و بامزه است و بسیار شهوت یکساعت موجب حزن طویل است ای اباذر
کسی که دو رکعت نماز معتدل بگذارد که دل او متوجه باشد بهتر است از قایم داشتن شبی که دل
او غافل باشد از آن ای اباذر دانا نمیشود مرد بجمیع دانایی تا آنکه نبیند مردمان را بر مثال شتران

(تحقیق)

درعلم وعلم بعد از آن رجوع کند بنفس خود و خود را کمتر و نادانتر داند از آنها عجب علم ای باذر
نمی‌رسی بایمان تا آنکه بدانی که مردمان همه احمق اند در کار دین و عاقل دانی ایشان را در کار دنیا
مردمان در دنیا آنچه مقتضای دین است بجای می آرند و آنچه مقتضای دنیاست بجای می آرند ای باذر
در محاسبه نفس خود کن پیش از آنکه حساب کنند در روز حساب و حساب نفس تو امروز آسانتر است (از حساب)
کردن تو در روز قیامت و وزن کن نفس خود را قبل از آنکه وزن کنند نفس ترا یعنی اعمال حسنه کن
و از سیئات مجتنب باش تا فردای قیامت میزان تو ثقیل باشد و مهیا باش (گردان) نفس خود را از برای عرض
اکبر که روز قیامت است و آن روزیست که مخفی نیست بر خدای تعالی هیچ چیز ای باذر حیا کن از خدا
بحق آنکه نفس من در ید قدرت اوست در وقتی که من بتقاضای حاجت بیرون می روم جامه خود را بجانب خود
و حیا میکنم از دو ملک که با منند ای باذر آیا دوست میداری که داخل شوی در جنت گفتم بلی یا رسول الله
فدای تو باد پدر من حضرت رسول گفت منقطع شود و کوتاه کن امید خود را و مرگ را همیشه در برابر چشم
خود دار و از خدا حیا کن از خدا آنچه حق حیاست گفتم یا رسول الله ما همه از خدا حیا میکنیم حضرت رسالت فرمود
که حیا آنچنین نیست بلکه از خدا حیا آنچنان است که فراموش نکنی مقبرها را و پوسیدن در مقبره
دیگر فرمود فراموش نکن شکم خود را و چیزها که در آنجا است و دیگر فراموش نکن سر خود را و چیزها که در آنست
و کسی که خواهد کرامت آخرت را باید که ترک کند زینت دنیا را و اگر تو چنین باشی میرسی بآن الله تعالی
ای اباذر کافیست از دعا که مقارن باشد با نیکی آن مقدار که کافیست طعام را در نمک ای اباذر مثل
کسی که طلب کند چیزی بی عمل مثل کسی است که تیر اندازد از کمان بی زه ای اباذر بتحقیق که پروردگار
تو بصلاح می آرد بسبب صلاح بنده پسر او را و پسر پسر او را و نگاه میدارد در دوایره او و دورها
زینت از گرد اگرد و مادام که او در آنجا باشد ای اباذر بتحقیق که پروردگار تو مباهات میکند با ملائکه

خود بر نفر اول مردی که در محل تنها واقع شود و هیچکس آنجا نباشد و اذان کند و قامت بگوید و نماز
بگذارد و بگوید پروردگار تو از برای تو بملائکه که نظر کنید ای ملائکه بر بنده من نماز میگذارد و نمی بیند
هیچکس او را بغیر از من بعد از آن نازل میشود از آسمان هفتاد هزار ملک نماز میکنند در پس او و طلب
آمرزش میکنند از برای او از خدا امروز تا فردا دوم مردی که در شب بنماز سنت کردن قایم شود و تنها
و سجده کند و در سجده خواب برد او را بعد از آن میفرماید الله تعالی ملائکه خود را که نظر کنید به بنده من
که روح او نزد من است و بدن او در سجده است سیوم مردی که او در غزا باشد فرار نمایند مصاحبان او
و او بایستد و جنگ کند تا آنکه کشته شود ای باذر نیست از مردی که بنهد پیشانی خود را در بقعه از
بقعهای زمین مگر که شهادت کند از برای او در قیامت با آنکه او سجده کرد نماز گذارد و نیست از منزلی
که نازل شود و فرود آید در آن منزل قومی مگر آنکه آن منزل دعا میکند از برای آن قوم یا لعنت میکند آن
قوم را ای اباذر نیست هیچ صباحی و شامی که بقعهای زمین منادی میکنند بعضی را که ای همسایه
آیا گذر کرده است بر تو کسی که ذکر الله تعالی کند یا بنده که نهاده باشد پیشانی خود را بر تو برای سجده
الله تعالی پس بعضی از آن بقعها گویند نه و بعضی گویند بلی و آنکه گوید بلی شادان شود و منشرح شود
بر آن که داند از برای اوست زیادتی شرف بالش ای اباذر بتحقیق چون که الله تعالی آفرید زمین را
و آفرید چیزها که در آن زمین است از درخت نیست درین زمین درختی که بنی آدم آید نزد آن
درخت مگر که برسند از بنی آن آزار درخت منفعتی همیشه ارض و درخت همچنین میکنند تا
آنکه فجره بدان بنی آدم باین کلمه تکلم کند اتَّخَذَ اللهُ وَلَداً یعنی الله تعالی را فرزند است چونکه بنی آدم با
تکلم تکلم کند لرزه بر زمین پیدا شود و بلرزد و برود منفعت درختان ای اباذر بتحقیق که زمین
گریه میکند چهل صباح بر مرد مؤمن که بمیرد ای اباذر اگر بنده در جایی تنها باشد و هیچکس نزد او نباشد و وضو سازد
یا تیمم کند بعد از آن قامت کند نماز بگذارد و امر کند الله تعالی ملائکه خود را تا صف بندند در پس او که طرفین

بحیثی

که دیده نشود طرف الصف را ملائکه رکوع برکوع آمرزد کنند و سجده کنند بسجده بر آن بنده
و آمین گویند بر دعایی که او میکند ای اباذر کسی که او قامت کند و بانگ نماز بدهد نماز میکنند
با او مکرده و ملک که با او می باشند ای اباذر نیست از کسی که او جوان باشد و ترک کرده باشد از
برای رضا خدا دنیا و لذت دنیا را و بر کرده باشد جوانی خود را در طاعت و عبادت الله تعالی
مگر که بدهد باو هفتاد و دو صدیق و دوستار از ای اباذر کسی که ذکر الله تعالی کند در میان غافلان

ثواب ص

مثل کسیست که او مقاتله کند در میان گریختها ای اباذر همنشین صالح بهتر است از تنهایی و تنهایی
از همنشین بد و گفتن چیز نیک بهتر است از سکوت کردن و سکوت بهتر است از گفتن بد ای
اباذر مصاحب مشو مگر با مومن و مده طعام خود را بکسی مگر که او متقی باشد و مخور طعام فاسقان را
ای اباذر طعام بده تو بکسی که تو او را دوست داری خاص از برای خدا و بخور طعام کسی را
که آنکس دوست دارد تو را از برای رضای الله تعالی ای اباذر بتحقیق که خدای تعالی حاضر است
نزد زبان هر گوینده پس باید که بترسد از خدای تعالی و حذر کند از بد گفتن و داند که چه باید گفتن
بگو مردم نگوید زیرا که میداند حضرت عزت هر حرفی که بگوید ای اباذر کم کن زیادتی کلام را و گفتن
زیاده گفتن را و بس است آن از گفتن آنمقدار که حاجت تو بآن حاصل شود ای اباذر کافی است
مرد را در دروغ گویی گفتن هر خبر که شنوده باشد ای اباذر نیست هیچ چیز لایق زندان بسیار در
باشد از زبان ای اباذر بتحقیق که بعضی و بزرگ داشتن و گرامی داشتن پادشاه عادل است ای اباذر

از تعظیم ص

... عمل نیک را که فایده دهد کسی را که نگاه ندارد زبان خود را از بد گفتن ای اباذر مباش
تو عیب کننده مردم و مباش مدح کننده مردم و مباش طعن کننده مردم و بر خوی ای اباذر همیشه زیاده
میشود بنده را دوری از الله تعالی و دوری آنکسیست که مردم در پس او روند و او خواهد که مردم ...

اودرد

ای اباذر یک کلمه خوب صدقه است و هر خطوه قدم و جهت شهادت و حضور نماز صدقه است
ای اباذر کسی که قبول کند آواز ایعنی چونکه آواز نماز زدن شنود و بنماز برود و دیگر سازد عمارت
مساجد الله تعالی را ای اباذر ثواب او از الله تعالی جنت گفتم که پدر و مادرم بفدای تو باد چگونه
عمارت کرده شود مساجد الله تعالی را فرمود که آواز خود را در مساجد بلند مکن و خوض مکن در مساجد
بحرهای باطل و خرید و فروخت در مساجد مکن و ترک کن سخن بیمعنی و بیفایده و دنیوی در دنیا
مادام که در آنجایی پس اگر چنین نکنی ملامت مکنی تو روز قیامت مگر خود را ای اباذر بتحقیق
که الله تعالی عطا میکند ترا مادام که تو در مسجد نشسته بهر نفسی که بر می آری در مسجد خدای تعالی درجه در بهشت
عطا میفرماید و دعا و استغفار میکنند برای تو ملائکه و کتابت میکنند بهر نفسی که در مسجد میبری
ده نیکی از برای تو و نیست میشود از تو ده بدی ای اباذر میدانی تو در حق که این آیه اصبروا
که انتظار نماز کند در پس نماز دیگر ای اباذر تمام وضو در مکروهات و در محلها مضیق از
کفارات است و بسیار در مسجد های مختلف رفتن بجهة طاعت و عبادت رباطه است یعنی
حفظ میکند مرد را از ترک طاعات ای اباذر میگوید حضرت عزت که بتحقیق که دوستترین مردمان
بمن آنکسانست که با یکدیگر محبت و مودت ورزند خاص از برای عظمت و جلال من دیگر آنکه متعلق
باشد دلهای ایشان بمساجد و استغفار کنند در وقت سحرها ایشان آنچنان کسانند که دفع
که خواهم عفو توبه و عذاب و رسم باهل جایی یاد کنم ایشان را و بگردانم عقوبت و عذاب را از
اهل آن محل بواسطه ایشان ای اباذر هرزه نشستن در مسجد لغو و بیفایده است مگر بجهة سه
چیز اول قرآن خواندن و نماز گذاردن دوم ذکر کردن از برای خدای تعالی سیوم سؤال
کردن از علم ای اباذر باش تو در عمل کردن مقارنت بتقوی سخت از روی اهتمام از اهتمام

اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلکم تفلحون ...

... از کف در حق ... ص

تو در عمل زیرا اگر کم نیست عمل بتقوی وچگونه کم باشد عملی مقارنت بتقوی با آنکه قبول کرده
از آن قبول خود انما یتقبل الله من المتقین ای اباذر نمی باشد مردی از متقیان تا آنکه
حساب کند خود را سختی از محاسبهٔ شریک خود را و بداند که از کجا است طعام او و آب او
و از کجا است پوشش او و از حلال است یا از حرام ای اباذر کسی که باک ندارد که از چه محل
میکند مال را باک ندارد الله تعالی که او را از چه محل داخل گرداند در آتش دوزخ ای اباذر
کسی که خشنود باشد که نزد الله تعالی گرامی ترین مردم باشد باید که متقی باشد ای اباذر کسی که شاد شود
بتحقیق که محبوب ترین شما نزد الله تعالی متقی ترین شماست از برای خدا و بسیار نجات یابنده
از شما از عذاب خدا آنکسی است که خوف و ترس خدا در دل او بسیار باشد ای اباذر بتحقیق
که متقی کسی اند که پرهیز نمایند از چیزی آنچنان چیزی که پرهیز از و نباشد از جهة ترس از داخل
شدن در شبهه ای اباذر کسی که اطاعه کند خدا را پس بتحقیق که ذکر خدای تعالی کند اگرچه کم
باشد نماز او و روزه او و خواندن قرآن او ای اباذر اصل دین ورع است و تقوی و سر آن
اطاعه الله تعالی ای اباذر باش تو پرهیزکار و عابد ترین مردم و بهترین چیزی در دین شما
تقوی است ای اباذر نیکی و زیادتی علم بهتر است از نیکی و زیادتی عبادت و بدان تو
بتحقیق که اگر نماز کنید شما تا آنمقدار که شوید دو تا و روزه دارید آنمقدار که شوید از ضعف
مثل تارها نفع نمیدهد بشما این نوع نماز و روزه مگر که مقارن باشد با ورع و تقوی ای اباذر
بدان بتحقیق که اهل تقوی و زهد در دنیا اولیاء خدا اند حقا ای اباذر کسی که بیاید در روز قیامت
با سه چیز او زیان کار است اول تقوی که منع کند او را از چیزی که الله تعالی حرام کرده است آنرا
و حلمی که رد کرده شود با او جهل سفیه را و عادتی که بسبب آن عادت نرمی کند با مردم

ای

ای اباذر وقتی شاد کرد آدم زیرا اگر گرامی ترین مردم باشی پس توکل کن بر خدا و وقتی که خواهی
غنی ترین مردم باشی معتمد تر باش بچیزی که در ید قدرت الله تعالی است از چیزی که در دست
تست ای اباذر بتحقیق که اگر جمیع مردم بگیرند و ببرندی این آیه را هر آینه کافیست ایشان را این
آیه ومن یتق الله یجعل له تا آخر آیه که قدر آنرا ای اباذر الله تعالی میگوید که بحق عزت و عظمت
من که اختیار نکند بنده آرزوی خود مگر که گردانیده شود هم و غم خودش بخودش یعنی معیوب
خودش گردانیده شود و مقصودهای او روا شود در آخرت نه در دنیا و ضامن میشود آسمان و زمین
رزق او را منع کردم نیکی را از و بستم من از برای او و برای تجارت هر تاجری ای اباذر
بتحقیق که ابن آدم گریزد از رزق خود همچنان که میگریزد از مرگ هر آینه میرسد به او رزق
همچنان که میرسد به او مرگ ای اباذر ایا نمی تعلیم کنم ترا کلمه چند که نفع دهد ترا الله تعالی بآن
کلمها گفتم بلی یا رسول الله فرمود که نگاه دار جانب خدا را که خدا نگاه میدارد ترا و
و چون نگاه داری جانب خدا را می یابی او را در پیش تو بشناس خدا را در آسایش
تا بشناسد خدا ترا در سختی و وقتی که چیزی طلب کنی از خدا طلب کن و در وقتی که طلب اعانت
و یاری کنی تو از خدا طلب یاری کن پس بتحقیق جاری شد قلم در لوح محفوظ بهر چیزی که باشد
در روز قیامت و اگر بتحقیق جمیع خلایق جدا نمایند و جهد کنند که دفع کنند از تو چیزی را
که مکتوب و مقدر نشده است از برای تو قدرت ندارند بر آن پس اگر توانایی
و استطاعه داری که عمل کنی از برای الله تعالی برضا و رغبت در یقین پس بکن آنرا
اگر استطاعه نداری صبر کن از برای آنکه در صبر بر چیزی که نداری نیکی بسیار است

و بتحقیق که لذت با صبر است و فرح و شادی با غم است و با هر دشواری آسانی است ای اباذر
غنی شو بغنای الله تعالی که ترا غنی میکرداند اسپس گفتم غنای الله چیست فرمود قناعت بخورش
صباح و شب پس هر که قناعت کند بچیزی که رزق او الله تعالی باو داده پس او غنی ترین مردم است
ای اباذر بتحقیق که الله تعالی میفرماید که نیستم من که کلام حکیم را قبول کنم لیکن قبول میکنم قصد و محبت
او و آرزوی او را پس اگر قصد او و آرزوی او در چیزی باشد که دوست دارم و راضی باشم میکنم
دائم نگفتن او را ثنا از برای خود و و قار را اگرچه تکلم نکند ای اباذر بتحقیق که الله تعالی نظر نمیکند
بصورت شما و باموال شما لیکن نظر میکند بدلهای شما و عملهای شما و حضرت رسول صلعم گفت که تقوی
در اینجا است و اشارت کرد بسینه مبارک خود ای اباذر چهار چیز است که نمیرسد بآن جاهل چیز
مگر مؤمن یکی سخن کم گفتن و این اول عبادت است و تواضع و فروتنی کردن از برای خدا و یاد
خدا کردن در همه حال و کم چیزی یعنی کم مال بودن ای اباذر نیت و قصد کن در کار خیر اگرچه عمل نکنی
تو باشد از برای آنکه مکتوب نشوی از غافلان ای اباذر کسی که مالک شود نگاه دارد آنچه در میان
دو ران اوست یعنی فرج و آنچه در میان دو لب اوست یعنی زبان داخل میشود در جنت
ای اباذر مردی که سخن گوید در مجلسی از برای آنکه خنداند ترا با آن سخن پس انداخته میشود او را در جهنم
از میان آسمان و زمین ای اباذر ویل بر کسی است که سخن دروغ گوید از برای آنکه مردم بآن
سخن خنده کنند پس حضرت فرمود سه نوبت ویل له و ویل له و ویل له ای اباذر کسی که او سخن نگوید
نجات می یابد از همه بلاها و تشویشها پس لازم کن بر خود راست گفتن را زیرا که بیرون نمی رود
البته کسی از گناهی که از دروغ گفتن حاصل شده همیشه مادام که توبه نکند گفتم یا رسول الله پس توبه
مردی که عمداً دروغ گوید چیست فرمود که استغفار و نماز پنج وقت که از او پاک میسازد ای اباذر
حذر کن از غیبت کردن مسلمانان زیرا که غیبت سخت و بدتر است از زنا گفتم یا رسول الله

چرا غیبت اشد است از زنا فرمود که از برای آنکه مرد زنا میکند و توبه میکند بخدای تعالی و قبول
میکند و گناه او را عفو میکند و در غیبت آمرزیده نمیشود تا آنکه ببخشد آن غیبت کرده او را ای اباذر
دشنام کردن بمسلم فسق است و مقاتله و جنگ کردن با مسلمانان کفر است و خوردن گوشت
او معصیتهای خدا است یعنی غیبت مسلمان و حرام بودن مال مسلمانان مثل حرام بودن
خون مسلم است گفتم غیبت چیست فرمود ذکر کردن برادر ترا یعنی مرد مسلم را بچیزی که چون
بشنود او را بد آید گفتم یا رسول الله اگر باشد در او آنچیز هم از معاصی فرمود بتحقیق که اگر تو ذکر
کنی او را بچیزی که در او باشد بتحقیق که تو غیبت کرده او را و اگر ذکر کنی او را بچیزی که در او نیست
بتحقیق که تهمت کرده تو بر او ای اباذر کسی که منع کند و دفع نماید از برادر مسلمان غیبت را او را
بشود بر الله تعالی که او را آزاد کند از آتش دوزخ ای اباذر کسی که غیبت کرده شود نزد او برادر
مسلم او و قادر باشد بآنکه نصرت دهد آن غیبت کرده شده را نصرت دهد او را الله تعالی در دنیا و آخرت
و اگر قادر باشد بر نصرت او را اعانت نکند و نصرت ندهد او را پس الله تعالی نصرت ندهد او را در دنیا
و آخرت ای اباذر داخل نمیشود در جنت قتات یعنی سخن چین ای اباذر نمی آساید او در آخرت از عذاب
الهی ای اباذر کسی که او در دنیا دو رو و دو زبان باشد یعنی نزد هر کس بنوعی سخن گوید که خاطر خواه
او باشد پس او دو زبان باشد در آتش یعنی عذاب او سخت می باشد ای اباذر می باید که در مجلسها امانت
باشد پس آنچه در مجلس واقع شود از سر سازی و اظهار اسرار آن نکنند و اظهار سر برادر مسلمان
خیانت است پس اجتناب کن از این و اجتناب کن از مجلسی که در او لهو و لعب و لذات باشد ای
ای اباذر عرض کرده میشود عملها اهل دنیا از جمعه تا جمعه بر الله تعالی و در دو روز روز دوشنبه
و پنجشنبه بعد از آن می آمرزد هر بنده مؤمن را مگر بنده باشد میان او و میان برادر مسلم او عداوت
پس گفته میشود که بگذارید ملائکه عمل این دو بنده را تا آن زمان که با یکدیگر صلح کنند ای اباذر

حذر کن از دور شدن بخشم خود زیرا که عمل نیک را الله تعالی قبول نمیکند با دوری از برادر و عدم
مواصلت ای اباذر نهی کردم ترا از هجران و اگر لازم شود بر تو دور شدن از برادر پس دور میشود
تو از دو روز کامل کسی هر که او بمیرد در این دو روز مواصلت نکرده باشد با برادر خود می باشد آتش
دوزخ بهتر و لا القبر یا ای اباذر کسی که دوست دارد که مردم نزد او بپای بایستند پس مهیا سازد نشستنگاه
مقعد او از آتش دوزخ ای اباذر کسی که بمیرد و در دل او بمثقال ذره از نخوت و تکبر باشد نمی یابد او
بوی بهشت را مگر اگر توبه کند پیش از مرگ پس بگم دی گفت یا رسول الله تحقیق که مرا عجب و تکبری
آرد زیبایی تا غایتی که دوست میدارم که بند تازیانه من زیبا باشد و چوبکی که بر نعلین باشد که
بدو میکند نیکو بود آیا این موجب ترس نیست بر من آنحضرت فرمود که چگونه می یابی دل خود را
گفت می یابم خود را اشنا سایی حق شاکر و راضی بود فرمود که این کبر نیست ولیکن کبر آن است
که ترک کند کسی حق را و از حق بغیر حق تجاوز شود و نظر کند بمردم و نه بیند هیچ یکی را که عرض
او مثل خون او ای اباذر بیشتر کسانی که داخل میشوند در آتش دوزخ متکبرانند پس گفت که
آیا کسی نجات می یابد از کبر آنحضرت فرمود بلی کسی که پشم پوشد و شیر دوشد و بر حمار سوار شود با مسکینان
نشیند یا اباذر کسی که برگیرد متاع خود را بتحقیق که بری میشود از کبر یعنی کسی که چیزی بخرد و خود بردارد
و بخانه آرد ای اباذر کسی که جامه خود را بر زمین بکشد از جهت تکبر نظر نکند حق تعالی بوی در روز قیامت
ای اباذر زیر جامه مردی باید که نصف دو ساق او باشد یعنی تا ساق رسیده باشد و گناهی نیست بر او
اگر باشد زیر جامه میان ساق و زانوی او ای اباذر کسی که بالا گرداند دامن خود را و بدوزد کفش و نعلین
خود را و خاک آلود گرداند روی خود را بتحقیق که او بری است از کبر ای اباذر اگر کسی را دو پیرهن باشد
یکی را خود پوشد و یکی را در برادر برهنه خود بپوشاند نهایت خوب است ای اباذر زود باشد که
موجود شوند از امت من زاینده شده باشند در نعیم و راحت و غذا کنند بنعمتهای خوب و قصد ایشان
باشد نعمتهای گوناگون و لباسهای گوناگون و ممدوح شوند بگفتن مردم اینجماعت از بدان امت من اند

ای

ای اباذر کسی که او ترک کند پوشش زیبا را و قادر باشد بر آن از جهت انقیاد و منزلت خود
و از برای خدا در غیر محل نقص و ذلیل گرداند خود را در غیر تمکنت یعنی قادر باشد که مسکین
نباشد و نفقه کند مالی که جمع کرده در غیر معصیت و رحم کند بر اهل ذلت و مسکنت و مخالطه کند
با اهل فقه و حکمت اینجماعت نیکترین امت منند خوشا بحال آنکس که بصلاحیت بخشد او و
و نیکوست آشکارهای او و دور کند از مردم بدی خود را خوشا بحال آنکس که عمل کند و
نفقه کند زیادتی مال خود را بمساکین و نگاه دارد زیاده گفتن را ای اباذر بپوش
لباس درشت جامه سخت از برای آنکه راه نیابد در تو فخر و تکبر ای اباذر می پوشند در
آخر الزمان قومی که می پوشند پشم در تابستان و زمستان دعوی می نمایند آن قوم خود را
بمردم که بتحقیق از برای ایشان زیادتی هست بسبب پوشیدن پشم بر غیر ایشان آن
قوم را لعنت میکنند ملائکه آسمان و زمین ای اباذر خبر دهم ترا با اهل جنت گفتم بلی
یا رسول الله فرمود که برهم زده موی و گرد آلود روی و کهنه جامه پوشی که هیچ باک
نداشته باشد از تنها و مکروه طبع او نباشد اگر قسم یاد کند بخدا و از خدا چیزی و مرادی که
داشته باشد طلب نماید هر آینه الله تعالی آنرا قبول نماید گفت اباذر که روزی رفتم بخدمت حضرت
رسول صلعم و آنحضرت در مسجد نشسته بود تنها و کسی نزد او نبود غنیمت داشتم خلوت او را پس
حضرت فرمود که ای اباذر بتحقیق که از برای مسجد تحیتی هست گفتم تحیت چیست فرمود دو رکعت
نماز که بگذاری گفتم یا رسول الله امر کرده تو مرا بنماز چیست نماز فرمود که نماز بهتر چیزیست
که وضع کرده شده او را پس هر که خواهد بسیار نماز کند پس گفتم یا رسول الله کدام عمل است
که آنرا دوست تر میدارد الله تعالی گفت ایمان آوردن بخدا و بعد از آن غزا کردن در راه
خدا گفتم کدام مومن فاضلتر است از روی ثواب فرمود کسی که بسلامت باشند مسلمانان از

زبان او دوست او گفتم کدام دوری فاضلتر است فرمود میان شب تاریک گفتم کدام
نماز فاضلتر است فرمود نمازی که درو درازکند قنوت را گفتم کدام صدقه فاضلتر است
فرمود که فقیری بقدر طاقت خود چیزی بفقیری بدهد در خفیه گفتم چیست روزه فرمود که روزه
فرض است که جزاو ثواب آن مقرر است و نزد الله تعالی ثواب اضعاف گفتم کدام زکوة
افضل است گفت آنکه بهای آن گران باشد و نفیستر باشد نزد اهل زکوة گفتم که کدام غزا با
غزا کفاره فاضلتر است فرمود غزایی که پی کرده باشد مرکب او و ریخته باشد خون او گفتم
کدام آیه بزرگتر است از آیتها فرمود آیة الکرسی گفتم یا رسول الله چه بوده است صحف
ابراهیم فرمود که صحف ابراهیم امثال بود همه آنها و امثال اینست که ای ملک مسلط آزموده
شده بتحقیق که من نفرستاده ام و بعث نکرده ام ترا که جمع کنی دنیا را بعضی بر بعضی لیکن
من ترا بعث کردم تا رد کنی تو از من دعوت مظلوم را یعنی نگذاری که بر کسی ظلمی واقع شود
که او متوجه من شود و دعا کند پس بتحقیق که من رد نمیکنم دعای مظلوم را اگرچه از کافر باشد
از گناه کاری که او بدی بر نفس خود کرده باشد و بود در این صحف امثالی چند و لازم است
بر عاقل مادام که عقلش مغلوب نباشد که از برای ساعات چند هست که مناجات کند در
آن ساعت با پروردگار خود و ساعتی هست که آن ساعت تفکر کند در صنع الله تعالی و ساعتی
هست که در آن ساعت حساب نفس خود کند از نیک و بدی که ازو صادر شده شود و ساعتی
هست که مشغول شود در آن ساعت بحاجت خود از طعام حلال و لازم است بر عاقل که طمع
نکند بر مردم مگر در سه چیز یکی در توشه آخرت و یکی در ساختن معاش و یکی لذت گرفتن
در غیر حرم و لازم است بر عاقل که بینا باشد بزبان خود یعنی زبان خود را ضایع نکند در جایی

که بود

که بود متوجه باشد بحال خود و نگاه دارد زبان خود را و عاقل که حساب کند کلام خود را
و سخن گفتن خود را از عمل خود می باشد سخن او مگر در چیزی که فایده آخرت باشد گفتم چیست
صحف موسی ع فرمود که اینست که عجبست مر کسی را که یقین داشته باشد با آتش دوزخ بعد از آن
خنده کند عجبست مر کسی را که یقین داشته باشد مرگ را چگونه شاد باشد عجبست کسی را که ببیند
دنیا را و گردش اهل او را از حالی بحالی چگونه اطمینان و سکون داشته باشد به دنیا عجبست
مر کسی را که یقین داشته باشد حساب روز قیامت را چگونه عمل نیک نکند دیگر فرمود که وصیت
میکنم ترا بتقوی از برای آنکه تقوی سر همه کارهای نیست گفتم زیاده کن از برای من وصیت
را فرمود که لازم کن بر خود تلاوت قرآن را زیرا که این تلاوت ذکر نیز نور میشود برای
تو در آسمان نور میشود از برای تو در زمین و لازم کن بر خود غزا را زیرا که آن عبادت
فرمود که لازم کن بر خود سخن ناگفتن مگو بجز و نیک زیرا که گفتن سخن نیک دور میکند
شیطان را از تو و معین است ترا در امرهای دین تو گفتم زیاده کن فرمود حذر کن از بسیار خنده
کردن زیرا که خنده بسیار میمیراند دل را و می برد نور رو را و نظر کن بکسی که کمتر از تست
و نظر مکن بکسی که زیاده تر است از تو زیرا که این الیق است بحال تو باید که تو عیب
نکنی نعمت را که خدا بتو داده است و بهر نعمت قلیل و کثیر شکر باید کردن و صله رحم زیاده
کن یعنی با خویشان خود نکویی کن اگرچه ایشان از تو منقطع شوند و دوست دار مسکینان را
و بسیار با ایشان همنشینی و مجالسه کن و بگو حق اگرچه تلخ است گفتم زیاده کن فرمود مترس
تو در راه خدا از ملامت کردن ملامت کننده از اعمال که تو از برای خدا کنی گفت یا باذر

که زد بعد از آن برسید فرمود و گفت با ابا ذر نیست عقلی مثل تدبیر و نیست ورعی و زهدی
مثل منع کردن خود از چیزهای بد و نیست چیزی مثل خلق نیکو

در اختیارات

روزنامه روایت از حضرت صادق ع اول روز از ماه مبارکست و صلاحیت دارد
از برای ملاقات کردن با امرا و طلب حاجتها خود و خرید و فروخت کردن و زراعت
و سفر کردن روز دوم صلاحیت دارد از برای سفر و طلب حاجتهای روز سیوم بدست
صلاحیت ندارد از برای هیچ چیز روز چهارم صلاحیت دارد از برای زن خواستن
و مکروه است از برای سفر روز پنجم بدبخت روز ششم مبارکست و صلاحیت دارد
از برای نکاح و طلب حاجتها روز هفتم مبارک و مختار است صلاحیت دارد از برای
هر چیز که خواهد روز هشتم صلاحیت دارد از برای هر حاجتی بغیر از سفر روز نهم مبارکست
از برای هر چیز که خواهد و هر که سفر کند درین روز روزی شود او را مال بسیار و ببیند در
آن سفر خیر بیشمار روز دهم صلاحیت دارد از برای هر حاجت بغیر ملاقات با سلطان
و هر که درین روز بگریزد از سلطان بیابندش و این روز نیک است از برای خرید و فروخت
و جمیع حاجتها و از برای سفر بغیر ملاقات با سلطان اگر درین روز از خانه بیرون
نیاید بهتر است روز دوازدهم مبارکست پس طلب کنید درین روز حاجتهای خود را
و سعی نمایید در حوایج برادری که آن بحصول می پیوندد و روز سیزدهم روز نحس است
حذر کنید درین روز از جمیع عملها روز چهاردهم خوبست از برای حاجت خواستن
و از برای هر کار روز پانزدهم صلاحیت دارد از برای هر حاجتی که خواهد پس طلب کند

درین

درین روز حاجتهای خود زیرا که حاصل میشود روز شانزدهم روز بدبخت است
از برای هر چیز روز هفدهم طلب کنید درین روز هر چیز که خواهید از نکاح و خرید و فروخت
و زراعت و بنای عمارت ملاقات با سلطان و غیر آن چه هر حاجتی که طلب کنید
بیابید روز هجدهم صلاحیت دارد از برای سفر و طلب کردن حاجتها و هر کس
که مخاصمه کند درین روز البته غالب آید بقدرت الهی روز نوزدهم صلاحیت
دارد از برای هر عمل و هر فرزندی که درین روز متولد شود قدمش مبارک باشد
روز بیستم نیکست حاجت خواستن و سفر کردن و بنا نهادن و درخت نشاندن
و ملاقات با سلطان کردن درین روز مبارکست روز بیست و یکم روز نحس
مستمر است روز بیست و دوم نیکست از برای خرید و فروخت و ملاقات با سلطان
و صید و صدقه دادن روز بیست و سیوم نیکوست خاصه از برای نکاح و تجارت
و ملاقات با سلطان روز بیست و چهارم روز نحس مستمر است روز بیست و پنجم روز
مذموم است حذر باید کردن از هر چیزی روز بیست و ششم صلاحیت دارد از برای
هر حاجت غیر نکاح و سفر و بر شما لازم است درین روز صدقه دادن بهر کسی که شفیع می شود
بسبب صدقه روز بیست و هفتم نیکو و مختار است از برای همه حاجتها و از برای هر چیز
که خواهد و ملاقات با سلطان روز بیست و هشتم میانه است روز بیست و نهم مختار
و نیکوست از برای هر حاجت غیر از کتابت که مکروه است و نمی بینم که سعی کند در هر حاجت
مگر که قادر شود و هر که بیمار شود درین روز خوش گردد و صحت یابد و کسی که سفر کند درین

درین روز برسد باو مال بسیار و بنده که بگریزد درین روز باز گردد و روز بسی ام مختار
و نیک است از برای هر حاجت از عزیمه و فروخت و زراعة و نکاح و هر که درین روز
بیمار شود صحت یابد و فرزندی که درین روز متولد گردد حلیم و بردبار بود و مبارک
و رفیع شان بلند و رابت گو و باوفا باشد لیکن الحذر گفته اند وقتی که آدمی مضطر
گردد و در توجه کردن بجزی ازین روزها که ممنوع است باید که در آن روز در عقب نماز
دعای فرج بخواند که لاحول ولاقوة الا بالله افرج بها کل کربة لاحول ولاقوة
الا بالله بها کل عقدة لاحول ولاقوة الا بالله بها کل ظلمة لاحول ولاقوة الا
بالله افتح بها کل باب لاحول ولاقوة الا بالله استعین بها علی کل شدة
و مصیبة لاحول ولاقوة الا بالله استعین بها علی کل امر نزل بها لاحول
ولاقوة الا بالله اعتصم بها من کل محذور احاذره لاحول ولاقوة الا بالله فوق
اعداء الله و غلبت حجة الله و بقی وجه الله لاحول ولاقوة الا بالله اللهم رب
الادواح الفاقه و رب الشعور الممعط و رب الجلود المتمزقه و رب العظام النخرة و
و رب الساعة القایمة اسئلک یا رب ان تصلی علی محمد و اله و علی اهل بیته الطاهرین
وافعل بی بخفی لطفک یا ذو الجلال والاکرام آمین آمین آمین یا رب العالمین
درختم این کتاب بخطبه امیر المومنین ع که فرموده در باب همام بدانکه ابتدا و افتتاح
این کتاب کردم بخطبه امیر المومنین بجهت تیمن و تبرک و چون این خطبه احاطه
کرده است جمیع اداب و اخلاق را خواستم که ختم کنم بخطبه آنحضرت که موسومست بسماة

المومنین و موسوم بصفات المتقین زیرا که آنحضرت بهترین اماما نیست برای مومنین
و بلیغ ترین موعظه ایست از برای تلقی و قبول مستفیدین پس ختم کردم باین خطبه کتاب خود را
پس کردیم مختوم ختامه مسک مرویست که آنحضرت را یاری بود که او را همام بن شریح میگفتند
او مردی بود عابد گفت بآنحضرت که ای امیر مومنان وصف کن برای من متقیان را تا گویا
که گویا ایشان نظر میکنم پس آنحضرت گران ساخت خود را از جواب او پس فرمود ای همام بپرهیز
از خدای تعالی و نیکویی کن با انام زیرا که خدای تعالی با پرهیزکارانست و نیکوکاران پس
قناعت نکرد همام بآن گفتار تا سوگند داد آن خلاصه ابرار را پس ستایش فرمود خدا را
و ثنا گفت و صلوات بر پیغمبر و آل فرستاد و پس زبان مبارک بجواب او گشاد اما بعد از ستایش
الهی و درود بر حضرت رسالت پناهی ص پس بدرستی که خدای تعالی آفرید خلق جهان را و در هنگامی آفرید
ایشان را که بی نیاز بود از طاعت ایشان و ایمن بود از معصیت ایشان زیرا که ضرر نمیکند
او را معصیت کسی که راه عصیان او سپرد و سود نمیدهد او را از طاعت کسی که او را فرمان
برد بلکه ضرر عاید است بنفس عاصیان و منفعت طاعت راجع است بنفس مطیعان پس قسمت
فرمود میان خلایق معیشتهای ایشان را در هر دیار و نهاد ایشان را از دنیا بمواضعی که
بود مر ایشان سزاوار پس متقیان در دنیا ایشانند افضل کامل در علم و عمل بری از
رذایل چه ایشان مستجمع جمیع فضایل نفسانیه اند که متعلق است بدو قوت بالا علمی که
علم است و عملی گفتار ایشان صوابست بلا قصور و پوشش ایشان میان روییست در امور
و روش ایشان فروتنی است برای رضای خدا فرو خوابانند چشمهای خود را از آنچه خدای تعالی

حوام کرده‌اند ایشان باحکام شریعت غرا و باز داشتند گوشهای خود را بر علم فایده‌مند برای ایشان
در واقع بوده‌اند فرود آمده نفسهای ایشان در گرفتاری و بلا چنانچه فرود آمدن نفسها در فراخی
و زخاخی چرا که ایشان ساکنند از صورت شهوت بهیمه را در مره و سال و بازداشته اند اشباح
و ارواح خود را در مقام رضای الهی بامید وصال و حبس کرده اند نفسهای سرکش را در راه
او و مطیع ساخت ایشان را با آنچه در دست نصب نفسهای ایشان غیر قرب بارگاه او و ادوات
غایات را صرف مینمایند بتحصیل چیزی که مخلوق شده اند از برای آن و بکل جهه روی آورده اند
بفرمان حضرت یزدان و التفات ایشان با بدان می‌باشد بر طریق طبع بلا تخلل مثل التفات
سالک بادیه از برای حج حقیقی بجهت آنکه ایشان جمع و یقین دانسته اند که آنچه بایشان میرسد از
مشقت و محنت هر چند عظیم چیزی نیست در جنب قرب محبوب و نیل مطلوب پس محن نزد
ایشان منح است و بلیت مثل نعم و ایشان را از بلا و عنا چه غم اگر نبودی اجلی که نوشته
خدای تعالی از برای ایشان قرار نمیگرفت روحهای ایشان در ابدان بقدر نگریستن دیده
و لحظه‌ی نبودند در آن آرمیده بجهت شوق الهی و ترس از عقاب بزرگست خالق خلایق
در جانهای ایشان پس کوچکست غیر او در دیده‌های ایشان پس نسبت ایشان بجهان
همچو نسبت کسی است که دیده باشد آنرا بعین الیقین با آنچه وعده کرده اند متقیان پاک دین
چه ایشان را علوم یقینیه حاصل شده که جاری مجرای ضروریه است پس گویا ایشان
در بهشتند مشغول بنعیم جاوید و نسبت ایشان بنار همچو نسبت کسی است که دیده باشد آنرا
بقوت یقین ایشان بوعید عصاة و کفار پس گویا ایشان در نار مقید و گرفتار

دانی

دانی بوعده و وعید کردگار موجب غلبه خوف و رجا بر ابرار دلهای ایشان
محزونست و شرهای ایشان مامون و جسدهای ایشان بکثرت اشتغال بعبادت
لاغر است و ضعیف و حاجات ایشان بمتاع دنیا خفیف که از دنیا نخواستند آنقدر را
که رمق کند ایشان را از غلیظ و لطیف و نفسهای ایشان پاکیزه است و عفیف
صبر کردند چند روز کوتاه که دارد بعاقبت ایشان را آسایش دراز در جوار
اله تجارت سودمند گشته که آسان گردانید برای ایشان پروردگار ایشان بدان
آن دستگاه خواست ایشان را دنیا نخواستند ایشان او را که مقرونست بفنا
اسیر کرد ایشان را دنیا بغداری پس فدیه دادند نفسهای خود را از آن گرفتاری اما شب
پس صف زده قدمهای ایشان در نماز در حالتی که خوانندگانند اجزای قرآن را از روی
نیاز میخوانند قرآن را بترتیل و تأنی بتفکر معانی بلفظهای تمام چه آورده اند که پرسیدند
از امیر المؤمنین ع که ترتیل چیست فرمود که حفظ وقوف دارد و ادای حروف این
شاملست بر جمیع اجزاء اعتبار کرده اند از اقوال تلاوت زیرا که حفظ وقوف رعایت
جانب معنی است و ادای حروف نگهداشت فرمود امیر المؤمنین ع بخدا آگه بحق خدا براینه که من
ترسیدم از این حالت بر همام پس از آن فرمود همچنین میکند موعظه‌های بالغه بکسی که رسیده
با اهل آن مواعظ پسندیده و پس گفت مر آنحضرت را گوینده که عربی بود بی ادب
گویند عبدالله بن کوا بود آن بی ادب که چیست حال تو ای امیر المؤمنین که

عمل نکرده در لیت آنچه عمل کرد دروی فرمود وای بر تو چه دین دور از یقین مرستی
که هر اجلی را وقتیست که در نمیگذرد از آن اجل و بس است که با آن نجا در نمی‌ارد بادان
حق تعالی پس آهسته باش و باز نکرد بجانب اینکلمات دلخراشش که و عید شیطان در زبان
تو این سخنان چه حوصله ایشان از آن اوست که بگنجد در بیان کتاب ختم کتاب
تمام شد ترجمه کتاب مکارم الاخلاق بعون خالق النفس و آفاق که این ترجمه ...
بمکارم الکرایم امید که حق تعالی باین وسیله پاک بساز د مترجم این را از جمیع جرایم و
کسی را که در و نظر انصاف کار فرماید و بمضمونش عمل کنند و مولف را بدعای خیر
یاد آوری نماید اللهم وفقهم لما تحب و ترضی تمام شد کتاب مکارم الاخلاق

تمت الکتاب بعون الملک بتاریخ

روز پنجشنبه سیوم ماه ذالحجه
الحرام سنه ۱۲۱۱

تمت الکتاب بعون الملک بتاریخ
روز پنجشنبه سیوم ماه ذالحجه الحرام